UNIVERSAL
LIBRARY

بعون خالق سخن آفرین و بانی آسمان و زمین جل جلاله

الحمد لله والمنة که این رساله مجموعهٔ طب سراپا حکمت و عمده صحت مسمی به

میزان الادویه

از صفحه اول بر حاشیه

الفاظ الادویه

در متن

فرهنگ نصیریه

بحل معروف

مخزن الادویه

بر صفحه ۲۳۹ بر حاشیه

حسب فرمایش باجه عالی وقار سراپا تمیز جناب شیخ عبدالعزیز صاحب

در مطبع خاص فیض اختصاص ثمر هند واقع لکهنو طبع یافت

بعون خالق سبحانی و فضل ربانی آنچنان حسن

الحمد لله والمنة که این رسالهٔ مجموعهٔ طب سراپا صحت محمد صحت مسمی

میزان الادویه

الفاظ الادویه

فرهنگ نصیریه

حسب فرمایش تاجر عالی وقار سراپا تمیز شیخ عبد العزیز صاحب

در مطبع خاص شهر لکهنؤ که مشغول بنام سراج المطابع است بحلیهٔ طبع پوشید



بسم الله الرحمن الرحیم

هُوَ اللهُ الاَحَدُ الصَّمَدُ که پایهٔ حقیقت بیچونیش از دائرهٔ دریافت و احاطهٔ شناخت برتر است
و تفکر ادراک کنه ذاتش کاشف انوار تجلیات شیونات و فنونات دست عزشانه که آناً فاناً
بفحوای کُنْتُ کَنْزاً مَخْفِیّاً فَاَحْبَبْتُ اَنْ اُعْرَفَ خود بخود از خود بصفات لاتناهی جلوه ظهور
فرموده معنی را بحجل صورت و صوت را آئینه معنی نموده و بقدرت کامله اِنَّ اللهَ عَلیٰ کُلِّ
شَیْءٍ قَدِیْرٌ هر فردی از افراد ممکنات را بتجلی خاص الخاص متجلی الاحکام و مخصوص ساخته
و بحکمت بالغه اَللهُ نُوْرُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ هر ذره از ذرات کائنات را بمعانی تمام
کحقائق اشیاء عبارت ازان ست بخلعت اسمای مخلع گردانیده و هر اسمی را مخصوص بصفتی و هر
صفتی را منسوب بامسمی کرده نقطه هو هو به جزء لایتجزی را بحسب آمیزش شیونات بنقوط النقطه را
بحروف و حروف را بکلمه و کلمه را بکلام ارتباط معنوی موهبت فرموده از کتم علم بعالم عین آورده
و افشای هزاران هزار اسرار بدیعه و نقوش غریبه بموجب مَاشَآءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ
لَمْ یَکُنْ بکاف کن مفوض داشته سرگرم ایجاد و تقدیر گردانیده و همگی کلیات عناصر و اجرام
و جزئیات موالید ثلاثه سر انجام ظهور بخشیده و بظهور واجب الوجودی استظهار ممکنات گرفت

سزاوار سپاس ... آفتاب ... کوهستان ابدان مثل جواهر ... قرین و ممتلی ساخته اوست و بزلال تمثال دریاب فیض لایزال بعلو قدرت و سمو

۲

تا بجماد راکه منشار نشو و نما نبات ست و نزد حکمار روحانی از جماد و نبات لوح و قلم مراد بحرکت
ارادی الشان وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ پرده از روی کار خود برداشت جماد لوح شد
و نبات قلم حقیقت اَوَّلَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ از تحرک قلم نقش هستی برگرفت و از انبساط
نسبت تعینات بحقائق لامکان را مکانی بهم رسید احدیّی بواحد گردید بیچونی بچگونگی
بعبارت چون و چرا گنجیده صور را آمیزشی بنقوش دست داد تاویل صورت و نقش در بیان
آمد و آلت و سبب و واسطه صناعت مصور و سبب گردیدند و مضمون رُبَّ وَاحِدٍ يَعْدِلُ
اَلْفًا یعنی بسا یکی که هزار میگردد بوضوح پیوست عدل که لازمهٔ امتزاج اعتدال مزاج حقیقت
و مجازست علم ظهور برافراخت منت میم معنی بر فرق معرفت نهاد و بر دنمائی جلوه حیوان
بامر نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي پرده از روی کار نهان و آشکارا فروهشت و بجهت
اثبات دعوی لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ مرجع گفت و شنفت آمده
حکمت پوشیده را آشکارا ساخت یعنی معنی عدم صورت وجود گرفته اسمار بسمی شناخته شد
و تمهید وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا
نَكِدًا جماد منبت نبات و نبات مصدر ذی حیات که کنایت از حیوان ست گشت
و بحسب اعتدال حقیقی وحدت بمحمدت گرائید و جلوهٔ شهود و منظر اتم که مستجمع جمیع بروز
و مکنونست از ظهور شرف حضرت محمدی بختم انجا سیده صلی الله علیه و آله و سلم تفسیر جَفَّ
الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ بروی بیان آمد و بچندین ظهور و تجلیات زبان نطق حالی
باشیا عطا فرموده که آثار خواص هر شیئی و شاهد حال نطق آن شیئی ست پس باین حیثیت
بمقتضای وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ جمیع مکونات و اشیار لحظةً فلحظةً
با برازسپاس انواع تجلیات خواه بلفظ صوت و خواه بنقش معنی می از محمدت سرای عالم
ننا شد هر گاه همگی ثنایش ظهور آثار تجلیات باشد و عالم و عامل و واحد و احد و سبب
و سبب و حمد و محمد در نظر مبصران وحدت گزین یکی بود کجاست ثانی و کو غنی للمولفه

عالم همه طلسم می بینم من ✽ جانی نه برون ز جسم می بینم من ✽ از روی زمین گرفته تا اوج
برین ✽ یک نقطه هزار قسم می بینم من ✽ سُبحانَهُ وَ تَعالی عَمّا یَقُولُونَ عُلُوّاً
کَبیراً ابیات از حکیم العزیز بنماید ✽ هرچه و اگر د آنچنان شاید ✽ نظری پاک
اینچنین ببیند ✽ نازنین جمله نازنین ببیند ✽ زهی شرافت فضل و کمال و حبذا
رفعت مقام وصال صاحب لوای لَوْلاکَ لَما خَلَقْتُ الْاَفْلاکَ که بمفتاح وَ
مَا اَرْسَلْناکَ اِلّا رَحْمَةً لِلْعالَمینَ سبب کشاد کار و عقود خَتَمَ اللهُ عَلی قُلُوبِهِمْ
وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی اَبْصارِهِمْ آمده بود ای کُنْتُ نَبِیّاً وَ آدَمُ بَیْنَ الْماءِ وَ الطّینِ
شرف امتیاز و عَلَّمَ آدَمَ الْاَسْماءَ کُلَّها بآدم خاکی ارزانی داشته و بنیروی حکم وَ لا
رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ تجلیات فیوض وافیات را بشیونات
لاتیناهی و تعینات بیحد و غایت نصیبه نظارگیان صور و معانی نموده بجهة احصای
تفاصیل جزوی مجمل کلی بدست آورده که بدهنیر از مین انگشت قدرت تاثیر شر باشاره
وَ ما مُحَمَّدٌ اِلّا رَسُولٌ مشرف بذکر اِنْشَقَّ الْقَمَرُ و عقل خبیر از سر تورای صنعت
نمایش بایمای وَ ما عَلَی الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلاغُ در اول ما خَلَقَ اللهُ معترف
لطافت کلام معجز نظامش احکام و آیات صحف پیشینیه منسوخ و از شرافت نام گرامی
انتظامش آثار و بنیات ملل دیرینه مکسور کمترین احتشام اقتدار آنرا از دار اسرار کبریا و پرده
کشای سر انبیا اینکه در لباس صورت کسوت معنی را پیرایه ظاهر و باطن انگاشته و در عالم ظاهر
علم باطن اسرار صورت و معنی پنداشته در فوت اهل بیت او که بموجب کریمه اِنَّما یُریدُ اللهُ
لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیراً بطهارت ازلی مخصوص
اند بمنطوقه قُلْ لا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی بشرافت لم یزلی منصوص
سرمایه نجات گم شدگان وادی ضلالت و تیه غوایت ست و محبت عترت او که وَ آتِ
ذِی الْقُرْبی حَقَّهُ در شان ایشان نازل گشته زاد و راحله سرگشتگان بادیه جهالت و مضیق

ندلت چون صیت و بدیهٔ رسالت و طنطنهٔ جلالتش کون و مکان را فرو گرفته صلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین و آوازهٔ اکرام و افضال صحبهٔ واجب التجلیل و الاجلال و تبع
خیر العاقبة و المآلش که سالکان مراحل معنی و ناسکان مشاعر صورت را از بیابون
ضلالت و بیابان اختلاف بدار الملک هدایت و ایتلاف آورده با قاصی و دانی رسیده
رضی الله عنهم اجمعین احوط آنست که رعایت ادب و پاس امر رب برذمهٔ طبع طبیعت که مودع
نفایس و دایع اند لازم دانسته برخی از ثنا گستری خدیو کشور جهانبانی عذب البیان
گرد تا در محکم اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ از سلوک مسالک
و رسوم مراسم اسلاف بندگی اتصاف بیرون نباشد حمداً لک ثم حمداً لک که اولی الامر
آوان گیتی خداوند کشورستان اورنگ آرای سریر گورکان مطلع نجوم سپهر سلطنت و
کامگاری منبع رسوم حق شناسی و دین پروری اعنی شاه جم جاه کیوان بارگاه برجیس سعادت
مریخ صولت ناهید عشرت قمر شرافت آفتاب تابش هلال کاب سکندر فطنت جلالت منزلت سلیمان همت
عالم عامل مرشد کامل خسرو گیهان کشای شهنشاه جهان آرای خداوند عدالت پیرای
المخصوص بعنایت سبحانی ظل الله ابو المظفر شهاب الدین محمد شاهجهان بادشاه صاحب
قران ثانی است که بیمن متابعت سنت نبوی و اطاعت طریقت مصطفوی علم دولت
و ارشاد و رایت رشد و سداد برافراشت و رقوم مسائل دقیق و نقوش اسرار تحقیق بر صفحه
جان و دل چنان معتقدان صادق و مسترشدان واثق و موافق بنگاشت آئینش همه مطابق
آئین اسلام و احکامش همه موافق نص کلام و زبان حال را از شورش فتن و آشوب
حوادث نگاهداشته و در معموری خراب آباد صوری چنان همت گماشته که جمهور انام از خواص
و عوام باختلاف و اتفاق در بسیط امن و بسیط امان مرفه الحال و فارغ البال آسوده
دل و شگفته خاطر اند و نقد رائج دانش از جنس کاسد جهل امتیاز تمام دارد ابیات
توان شاه درویش دوست * که آسایش خلق در ظل اوست * بسی بر سر خلق پاینده باد

(حاشیه:)
بضعیف ... مصنف ... شرح ... فاندم ... از کتب مولوی ... مثل اختیارات بدیع ... الادویه ... صیدنات ... اقرابادین ... شیرازی ... در متن ... گردانیده

5

بتوفیق طاعت ولش زنده وار ببرومند وارش درختامیده سرش سبز ور لشیں تربت
سفینه ولعد می سراید خادم اطبا نیاز مند درگاه بی نیازی نور الدین محمد عبد الله
حکیم عین الملک شیرازی عفی عنهم که چون بجیند بن طبقات انا آبا و امهات حلقه خانه زادی
و بندگی بگوش عقیدت هوش ارادت نیوش دارد درین زمان سعادت توامان که آغاز
اورنگ آرائی وابتدای اکلیل پیرائیست چنانچه سال جلوس میمنت مانوس بحساب ابجد
ازین مصراع بر می آید مصرع آباد و ابد باد صاحب قران ثانی ❊ نشا معنی بجوش آمد در
پیرانه سالی بستان نورسان حدایق سخن از سر نو باهتزاز جوانی مبدل گشت همگی در
جست وجوی آن شد که بذریعه دستیاری خانه زادی موروثی مصدامری شود
تا منظور زمره ایستادهای بساط فیض نشاط عز و جل که مرجع کامیابی علما و منبع کامرانی
فضلاست گشته ملحوظ الطاف بی پایان و معطوف اعطاف بعید و بیکران گردد با این همه
هیچمدانی و تمام نادانی تمهید سخن را بعلم موروثی خود که بحکمت طبیعی موصوف ست آشنا
یافته سر رشته معنی بدست آورد فرد سر قدمی کرد بجولان سخن ❊ دامن سخن گشته گریبان
سخن ❊ معلوم ست که انتشار بدایع و دایع والبسته بانجذاب طبایع واکتساب صنایع
وابراز خواص اشیا منوط بالسنه متنوعه جزو عملی طب محتاج آمد به یافت اسمای اشیای
ادویه همونی خرد و الالمارست تتبع اصطلاحات و لغات و فرهنگ اطبا و وفور اختلاط
دانشوران زبان دان بر سبکی فن همت کثیر البضاعت در تحصیل آن گماشت تا در تحقیق
لغت ادویه مفرده که در کتاشات شتی بلغات بلیغه یونانی تازی رومی مانند سنسی (؟) عبری سریانی
و بربری و ترکی و فارسی هندی درج ست مهما امکن دریافت و انی منوط السنه مختلفه را
بوحدت معانی سنجیده و الفاظ متعارفه را بمعانی متنوعه التیام داده انموذجی مفید تالیف
نموده مسمی بالفاظ الادویه که تاریخ انجام نگارش این تالیف شریف ست گردانید
لمؤلفه دارد کتاب با جود و ادای و افیه ❊ تاریخ ز نام شد الفاظ ادویه و تقسیم ساخت

بمقدمه ونتیجه وخاتمه **مقدمه** مشتمل ست بر چهار فائده **فائده اول** دربیان تصحیح
اعراب **فائده دوم** دربیان علامات زبان هر دیار **فائده سوم** در تحقیق طبایع
ودرجات آن وعلاماتیکه منسوب ست بآن وذکر مجملی از دوا البلیغ ودرجه وقوت
فائده چهارم دربیان مختار وشربت ومصلح وبدل ودوا علامات آن **نتیجه** در ذکر الفاظ
دوا بطریق اثبت وبیان علامات آن **خاتمه** دربیان ادویه ستة کثیر المنفعت
که در کتب قدما کمترست ذکر آنها چون پادزهر وسوسیائی وچوب چینی وچای وقهوه
وتنباکو امید از دقیقه رسان این فن آنست که اگر بسهوی وخطائی آگاهی یابند
بقلم انصاف اصلاح فرمایند بالله التوفیق وبه المستعان **مقدمه** مشتمل بر چهار
فائده **فائده اول** دربیان تصحیح اعراب پوشیده نماند که در تحقیق اعراب لغتی تتبع
صحاح الادویه این مؤلف اختیارات بدیعی وبرخی از جاهای ثقات وکتب معتبره
لغة تازی وفرهنگهای فارسی هند کرده بهرجا اشاره باول سیر ومراد از حرف نخستین
لفظ ست وآز ثانی حرف دوم که متصل بنخستین ست وهمزه ملینه عبارت از همزه مکسور
کج که بصورت کاف تازی ست بر پا دقفیه جهت اضافت مانند شجره مریم که همزه بر یا
وارد موحده نشان حرف باست وفوقانی اشارت بحرف تا ومثلثه ایمای بثا و
واو معروف مانند واویکه در کافورست پس هرجا که بسکون او نوشته شد اراده
واو معروفست وواو مجهول مانند واویکه در دوغ وشورست وواو معدوله واویکه مکتوب شود
وتلفظ در نیاید مانند واویکه در خواجه کتابتست وتحتانی عبارت از یاست وتحتانی معروف
مانند تحتانی که در زنجبیل ونیل وتعبت وسکون تحتانی مراد از تحتانی معروفست وتحتانی مجهول چنانچه در سیر
جنبید وتیر مرقوم ست وچهار حرف پارسی که بران نقطه مینهند پ چ ژ گ موئدی بفارسی ست
ومعجمه بیان حرف نقطه دار ومهمله تعبیر حروف بی نقطه **فائده دوم** دربیان
علامات اصطلاح زبان هر دیار وسرزمین مثلا از عربی ع که حرف اول اوست و

واهچنین از فارسی ف واز هندی هـ واز مشهور و معروف و مذکور م مرقوم ساخت
واسامی دیار دیگر را با رسه نقش پذیر گردانیده **فائده سوم در تحقیق طبایع ادویه** و درجات
و ادویه و علامتیکه منسوب است بآن و ذکر مجملی از ادویه الطبع و درجه و قوت و خاصیت
بدانکه نزد جمهور اطبا مزاج کیفیتی ست که بهم میرسد از اول استحالهٔ اخشیجان که آنرا
هرگاه بر دوا اطلاق کنند طبع نامند و طبایع بیرون نباشند از نه کیفیت چهار
ازان کیفیات اربعه بسیطه که حرارت و برودت و یبوست و رطوبت باشد و چهار
دیگر که مرکب بکیفیات اربعه و یکی اعتدال فرضی اطبا و تلبیس از طبع ط و از حرارت ح
و از برودت ب و از رطوبت ر و از یبوست سی و از معتدل مع منتقش
گردانیده و اطبا ادویه را در کیفیت و اثر منحصر بچهار پایه قرار گرفته هر پایه را درجه خوانند
چه هر چه وارد بدن شود و منفعل گردد از حرارت غریزی خالی ازان نیست که احداث
میکند در بدن کیفیتی زائده بر چیزیکه انسان راست یا نمی کند اگر احداث نمی کند
آنچیز را معتدل گویند و اگر احداث می کند محسوس میشود یا نمی شود اگر نمیشود
در درجه اول گویند و دانسته میشود تاثیر آن از تکرار تناول یا اکثار مقدار و اگر
محسوس میشود بحدی میرسد که ضرر میکند یا نمی کند اگر نمی کند در درجه دوم گویند
و اگر میرسد بحد ضرر منجر بهلاک میشود یا نمیشود اگر نمیشود در درجه سوم گویند
و اگر منجر بهلاک میشود در درجه چهارم گویند و آنرا دوای سمی نیز گویند و آن
غیر سم ست زیرا که قتل دوای سمی بکیفیت ست و قتل سم بصورت نوعیه و اطلاق
سم بر دوا بتشبیه ست او بالسم در اهلاک و الا در حقیقت دو است و هر درجه را سه مرتبه
اعتبار کرده اند عالی و سافل و متوسط بینهما کلیه چنانکه گرم و تر تجاوز نمی کند
حرارت او اندر درجه اول از برای آنکه اگر حرارت زیاده شود و برین مقدار فانی میسازد
رطوبت را یبس از برای اینست که یافته نمیشود دوای گرم و تر در درجه دوم و سوم الا

آنکه یابس باشد و هر چیز که گرم باشد در درجه چهارم پس او یابس
است در درجه چهارم بعینها و درجات را بحساب هندسه که از یکی واز
دوم و از سوم و از چهارم در چیز تحریر آورد اکنون مجلی از دوا مرقوم میسازند بطبع
و درجه و قوت و خاصیت و مراد از قوت و خاصیت یعنی افعال آن دوا
چنانکه سقمونیا مسهل صفرا است و سنا مسهل سودا است و دارچینی مفتح و علی هذا القیاس
پس علامت ق اشارت از وست ادویه حاره یعنی گرم در درجه اول افسنتین
بابونه مرزنجوش کتان حمص رسا دحلزون بری شاهتره صبر نوف لادن گرم در
درجه دوم اصل العرب اصل مازریون سپید و سیاه اسقاقس که نوعی از اکلیل الملک
ست بادروج بزر نجاسف بلسان بزر الانجره و برگ او جند بیدستر حلبه دردی عصا
زیتون و بق راعی الابل زرنباد طویل و مدحرج زعفران شبت تر و خشک غراب
ستحکم غسل عصاره قثاء الحمار فراسیون قصب الذریره منصل قیشور شجرة الحنظل
و ورق او کما فیطوس کرفس کبریت کندر سعیه مصطکی ملح و شنج الکواریر گرم
در درجه سوم انیسون اسارون افتیمون پودینه جبلی جاوشیر برگ فنجنکشت
ترب و برگ او تخم فنجنکشت حماحا شاحرمل خرلقین سیر بلیخه سداب شیح ارمنی
محرق سکبینج شیلم شب محرق شراب کهنه جمیع انواع قسر شعر محرق صوف محرق
غار فو و نجنج نهری قیشور قصب محرق قنه کرویا کرفس کوهی و بری کمادریوس
کاشم مرجوز مرزنجوش نانخواه نعناع ق ج ینبوت گرم در درجه چهارم انواع تیوع
بصل ثوم جمیع اشیا محرق زبد البحر سداب بری فربیون قسط قطران کراث گرم
بارد یعنی سرد درجه اول اصل السوس اقاقیا ازناشسته برگ بنفشه بلوط برادة
برگ قصب بسفایج ثمر علیق نیل حبن رطب فاوس خشخاش دهن ورد و لب
زجاج زعفر سرحق شجو نبق تخم الزینب کنگری ماميثا نشاسته هند باشد و درجه دوم

اقاقیا مغسول اطراف زیتون بقلہ یمانیہ تطبیخ برگ بلیون برگ زیتون برگ بطنی
جمار خوخ خیار رصاص زیتون خام سماق تخم اترج طحلب عفص اخضر کدو
لسان الحمل شعر کلم ماش سرد در درجہ سوم بقلۃ الحمقا برسیاوشان جلنار حی العالم
کبیر وصغیر حماض اترج حب العلیق خام وروغن او خشخاش سیاہ عصی الراعی قطن
تفاح سرد در درجۂ چہارم جمیع اشیاء مخدرہ مثل افیون وغیرہ شوکران لعبت خشخاش
یابس یعنی خشک در درجۂ اول اباغالس اصل النیل اصل السوس بابونہ
بادام شیرین پرسیاوشان بسفایج پوست وجوز ولب تخم خربوزہ تخم انجرہ
حب الغار حی العالم کبیر وصغیر خزانۃ الصخر دفلی رازیانہ روغن جوز زعفران
سعد سویق الشعیر صعتر صمغ جوز کندر کشنیز ورق سوسن خشک در درجہ
دوم اصل المر اصل اللوف بیخ نیلوفر بسفایج بلسان ترب جندبیدستر حبۃ الخضرا
وبرگ او راعی الابل زراوند زرفت سنبل الطیب شنبلید روغن شلیم شاہترج
شراب مستحکم شجرہ مصطکی شہدانج تخم ازمیب عسل قفر الیہود وقصب الذریرہ
قشور کندر کرنب کہنہ قشور اترج کرنب لبن جاوشیر مرکی مصطکی نسج العنکبوت
خشک در درجہ سوم اقاقیا انیسون اسارون افسنتین ابہل افیتمون اصل الماذریون
اطراف کرنب خشک اصل قنطافلن برگ وتخم فنجنکشت بلسان پوست عرب
سوختہ بورہ بلوط جلنار جاشا حماض اترج حب العلیق حلتیت حمص خربقین
خنثی محرق دارشیشعان دخن رماد قشور قصب رماد حلزون بری روغن تخم
زوفا سرطان محرق سلیخہ سرو سداب بستانی سماق سرکہ شیح ارمنی محرق شب محرق
شونیز شراب کہنہ شحم بلوط شعر محرق صبر صعتر صوف محرق غار فوتنج نہری قرنفل
فاشرشین فطراسالیون فاوانیا قیصوم کرویا کرفس بری کماذریوس کمافیطوس
مرزنجوش مشکطرامشیع ناتخواہ نطرون وج ورق غار ینبوت خشک در درجہ چہارم

توم خردل سداب بری قطران کرم کراث مجففہ غیر لذع آذان الفار اصل السعد
اصل قنطافلن انزروت بیاض رقیق بیض برگ غرب وگل او وعصارہ
برگ او باقلا بیخ نیلوفر بسفایج توتیا تخم انجرہ و ورق او ترمس ثلج جاورس
جمیع اجزاء شجر سرو جمیع انواع طین حب الصنوبر وردی عصارہ زیتون سوسن
قشور جوز محرق کثیرا الحیۃ الطمیس لسان الحمل مرطب یعنی تر در درجہ اولیٰ گل
بنفشہ حمص خصیۃ الثعلب خرنوب روغن گل عصارہ سوسن نطرکا ہو لسان الثور
تر در درجہ دوم تقلہ یمانیہ بقلۃ الحمقا بطیخ سرق طحلب قسر مشمش ادویہ طو
مائل اقاقیا انزروت بزر قطونا برسیاندار و بقلۃ الحمقا تقلہ یمانیہ برگ بنفشہ
خشک خشخاش دبق ولب دم الاخوین رصاص سرمق شوکران شجر جو طحلب
قطر قثاء بستانی کدو کاہو لسان الحمل تاسیتا مغمش ورق علیق میانہ در
گرمی و سردی اصل خنثی برسیاوشان باقلا حمص حب صنوبر جزیرہ خصیۃ الثعلب
زیت عذبہ زیتون خس شمع شجر مصطکی طین طوبس یاسمین سنابوس عدس
فاوانیا عصارہ سوسن ناشرا قشور اترج مرد اسنج ہلیون میانہ در تری و خشکی اصل
جعدہ ضماد خصیۃ الثعلب زیت عذبہ مخدرات یعنی ادویہ کہ بخواباند حس و حرکت را
افیون اسبند اصل اللفاح اقاقیا اصل الذہب بیخ مو لحیہ جنگلی بیخ تخم و برگ تنباکو
جوز مائل سراج القطرب شبینی شوکران قنب کا بیخ کندر لبن الخیل لونگ جنگلی برنج ام
مسہلات صفرا اجاص الستنتین بنفشہ خشک تمر ہندی ترنجبین خیار شنبر
سقمونیا شاہترہ شیر خشت غبیرا صبر گلسرخ لبلاب بازریون ہلیلہ زرد مسہلات
بلغم بسفایج تربد حب النیل حرمل فرفیون شحم حنظل غاریقون قنطوریون قثاء الحمار
ماہیزہرج ماہودانہ **مسہلات** سودا افتیمون آملہ اسطوخودوس بالنگو
بسفائج حجر لازورد سنا غاریقون کشوث ہلیلہ کابلی **مقیات** یعنی ادویہ قی آورندہ

آب کدوی تلخ پوست وتخم خربزه بوره تخم ترب وبرگ آن تخم شبت تخم جرجیر
تخم بادیون خربق سکنجبین کنگر زرد کندش لوبیای سرخ مویزج ماء العسل نمک هندی
مفتحات یعنی ادویه که سده بکشاید آذخر انیسون افتیمون اسطوخودوس افتیمون
ابرسا ترمس جنطیانا حماما حاشا حرمل دارچینی رازیانه زیره زعفران زراوند شاهتره
صعتر غاریقون فاوانیا فراسیون فنطوریون قردمانا کرفس کبابه کرسنه کشوث
مرزنجوش نانخواه بلیون **ملطفات** ادویه که تلطیف وتقطیع اخلاط غلیظه کند
ابهل اسقیل اسطوخودوس اقحوان انجره آذخر ابرسا بوره بابونه پودنه جند بیدستر جعده
حاض حب البان حرف حاشا حرمل خردل دارچینی زرنباد حسک زراوند سکبینج سداب
سیر سرکه صعتر عاقرقرحا فنجنکشت قرطم قردمانا کمادریوس شکطرامشیع نمام نانخواه
دوج **مدرات** ادویه که ادرار بول وحیض وعرق کند ابهل اقحوان انیسون انجدان
برنجاسف بابونه پرسیاوشان ترمس تخم گزر جند بیدستر جعده سعد سداب زوفا
حسک رازیانه دارچینی جنة الخضرا جاوشیر جنطیانا سلیخه شوتیز عروق عود فاوانیا
فراسیون قردمانا قنطوریون قسط کبابه کرفس کمادریوس سعیه مرزنجوش شکطرامشیع
نانخواه نمام **مفتتات** ادویه که سنگ بریزاند اسارون برنجاسف پرسیاوشان
بادام تلخ تخم خربزه حسک حجر الیهود رازیانه سعد سکبینج صمغ آلو نخود سیاه **قابضات**
ادویه که طبیعت را بند دارند آذخر امرود برنج بلوط بسد باقلا بیخ بارتنگ تخم شاهسفرم
تخم گل سرو دم الاخوین زعرور سماق طباشیر طین مختوم عدس کهربا کندر گل ارمنی گاو
مصطکی سورنجان دین نشاسته نبق نخود ورق زر **محللات** ادویه که غلظ وصلابت
بتحلیل برد اکلیل الملک اشق اسقیل آذخر اسارون اقحوان پرسیاوشان بابونه
برنجاسف باقلا پودنه ترمس جعده جاوشیر حاشا خرزهره خطمی خردع روباه ترنگ
زرنبت زراوند سوسن صمغ بطم غاریقون قنه کمادریوس کماه کبر لادن نمام مرزنجوش

منضجات ادویه که اورام وصلابات را نضج دهند اکلیل الملک ایرسا انجیر بزرک
خطمی زعفران صمغ بطم کرنب لادن مرسیعه موم مرداسنگ **مغشیات** ادویه
که نفخ وریح را بشکنند وتحلیل برند انیسون افتیمون بسباسه پنجنکشت تخم کدر ختا شیر
حماما وار فلفل زیره زنجبیل زراوند زرنباد سداب سعد صعتر فلفل قردمانا کندر
کرفس نانخواه **مقویات دماغ** آملج النفحه ضان بلادر بندق بالنگو بهار به وسیب
بهار امرود ودماغ حیوانات روغن عبهر زنجبیل سعد سیب سنبل شربت نارنج عود عنبر
غالیه قرنفل کندر گل سرخ لحم تدرج لحم دجاج دراج لبن ضان ماء الورد مشک
نسرین یاسمین **مقویات دل** ومفرحات آن امرود انار شیرین اسطوخودوس
اترج ابریشم آمله بهمنین بسفایج پوست ترنج به بسد بالنگو بادروج تمر هندی جدوار
دارچینی درونج ریاس زرنباد زعفران سیب سوسن سنبل سعد سلیخه شقاقل
صندل طباشیر طین مختوم عود عنبر قرنجشک فادانیا قاقله کهربا کافور گاوزبان
کشنیز خشک گل سرخ لولو لاژورد دورونج زر نمام نیلوفر نارمشک نعناع نارنج
ورق نقره ورق زر هلیله یاقوت **مقویات کبد** یعنی جگر آشنه اظفار الطیب
حماما جوز بوا حب البلسان دارچینی غافث قرنفل قرفه کشوث مصطکی ناردین
مقویات معده آمله اذخر پوست ترنج بلیله بالنگو جوزبوا دارچینی زرنباد سعد
سلیخه سماق سفرجل ساذج هندی طباشیر قرفه قرنفل قاقله گل سرخ کندر کرویا مصطکی
سنبل طراشیع نعناع هلیله **مسمنات** انگور انجیر رطب بسباسه بیضه کبوتر وگنجشک
وکلنک باقلا پنیر پایه شتر جرجیر چلغوزه حبة الخضراء حبة الزلم حلتیت خولنجان خصیة الثعلب
دارچینی زرنباد زنجبیل سورنجان سقنقور شقاقل شیر میش فندق فستق قرفه قسط
کندر کرفس کنجد کتیرا لوبیا مغز دماغ گنجشک وبره مغز بادام مغز جوز مغز نارجیل نخود
هلیون **مسکنات اوجاع** ادویه که دردها را ساکن کنند افیون اسفیداج بیه بط

انیج بیروج تودرک سفنیده تخم مرغ صمغ عربی کثیرا نشاسته **مسبتات** یعنی دارویکه
بخوابانند بحبس سازد اعضا را اقحوان اصطرک عماما زعفران شقایق شبت نشا خشخاش
کاهو لفاح مر **قاطعات ویدان لبطن واذن** یعنی ادویه که بکشند کرمهای
شکم و گوش افسنتین برنج کابلی جعده زوفا خشک **مانعات رعاف و نفث الدم**
واسهال الدم یعنی دوائیکه حبس خون بینی و دهان خون اسهال کنند اثمد بادروج
بلوط لبسد بزر البنج تخم گل جوز سرو حضض دم الاخوین ریوند زرشک زیره شاه
قنطوریون گل ارمنی کشنیز کاهو کافور کندر گلنار لسان الحمل مصطکی مازو نعناع نشاسته
مقرحات ادویه که عضو را ریش کنند و بسوزانند اسقیل انک بوره حرف زرانیج
دهن زرنیخ زاج سداب سنباده صابون فربیون قسط قلقطار سنبل لبن یتوع **مدملات**
قروح ادویه که فراهم آرد جراحات را اثمد انزروت انبرنج ایرسا دم الاخوین زراوند
زیره صبر صمغ البطم مختوم عسل گلنار لسان الحمل ورق بلوط **مجلیات او ساخ**
قروح ادویه پاک سازنده چرک جراحات را ابهل آکاسه ایرسا حب بلسان راتینج
زفت عسل نمک **اکال گوشت زایده قروح** یعنی خورنده و برنده زیاد تیهای
جراحت ها انزروت اشنان توتیا اس زنگار صدف سوخته مرداسنگ **یابسات**
قروح ادویه که خشک سازد جراحات را انزروت اشنه خرمای سوخته آهک شسته
توتیا صبر صدف سوخته ادویه **ضفدع اللسان** یعنی دوای قامع گوشت زایده
یعنی غده که در زیر زبان بهم رسد و رگهای زیر زبان را سبز گرداند پوست انار زنگار زاگ
سوخته با سپیده بیضه مرغ سرشته سورنجان سرکه و نمک و سرکه با نوشادر **معتاد ادویه**
هیضه آبی و سیب بیریان کرده آب آبی ترنج آب سیب کوهی با قراص الطین
اقراص الکندر اقراص مع رد اقراص ماسن اقراص سویق حب الرمان شراب میوه ها صندل
و گلاب والله اعلم **فائده چهارم** در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل ادویه علیحده

مختار عبارت از اجناس هر دواست که همواره در هر امر مستعمل اطباست و مراد از شربت
تعیین مقدار خوردن هر دواست در استعمال آن و آن موقوف ست بدانستن اوزان
چند مشهور مثلا مطابق رسالهٔ اوزان میر محمد مؤمن استرآبادی مثلا حبه یکجو میانه
قشر و جو میانه **قیراط** چهار جو **گهونگچی** که بفارسی سرخ و بهندی رتی گویند یک حبه جو
میانه که عبارت از هشت برنج باشد **ماشه** هشت سرخ **توله** دوازده ماشه **ٹانک**
چهار ماشه **دانگ و دانق** چهار سرخ و سدس سرخ **درهم و درم** سه ماشه و یک
سرخ **مثقال** چهار ماشه و سه و نیم سرخ **استار و سیر شاهی** یک نیم توله و دو ماشه
اوقیه ده وقیه هفت و نیم مثقال **رطل بغدادی** نوزده سیر شاهی **من طبی**
چهل استار ست **مصلح** دارو ئیکه ضرر دوای دیگر باز دارد **بدل** آنکه هرگاه در نسخه
دوائی باشد که بهم نرسد دوای دیگر قائم مقام آن سیازند و قول کلی در بدل
آنست که اگر دوای یافته نشود بدل ثمر او بوزن آن بیخ وی بود و بدل رب و
دانگ وزن آن تخم او باشد پس از مختار خ و از شربت ش و از مصلح ص
و از بدل ل ثبت نموده **نتیجه** در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه را بترتیب
اثبت بعلامت **ترقیم** که از آن حرف نخستین مراد ست و **تنسیق** که اشارت
بحرف ثانی که متصل نخستین ست و **تمنیق** که ایما از حرف اخیر کلمه ست مرتسم
گردانیده عبارت کثیر را باشارات قلیل مضمون گشته مسافت دور و دراز بر
جویندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت **ترقیم الهمزه تنسیق الالف**
وتمنیق السین المهمله آ ارغیس مشقی و قصری و بربری بفتح همزه اول و
ثانی و سکون رای مهمله و کسر غین معجمه و سکون تحتانی و سین مهمله یا معجمه ف بیخ درخت
زرشک طح ای ۲ **تمنیق اللام آ اطریلال** یونانی بفتح همزه اول و ثانی و کسر طای
مهمله و رای مهمله و سکون تحتانی و لام مولف و لام ثانی و بقول علامه قطب الدین شیرازی

بروزن افعیلال و در نسخه دیگر بروزن فاعیلال م آنرا در مصر خرز الشیاطین
و در شام رجل الغراب گویند ف تخم خلال خلیل گویند ه کاگجنگی و ستی سن
طح ا ے ٢ خ تخم وی تمنیق النون آالسین بوزن فاعلن ف سپند سوختنی
تمنیق الباء الموحده و تمنیق الالف ابرکاکیا بفتح همزه و باء موحده
و سکون راء مهمله و کاف والف و کسر کاف ثانی و تحتانی والف ثانی و بعضی در
اخیر موحده نیز می آرند ع نسج العنکبوت و بشیرازی کرتینه گویند ف کره و تنیده
عنکبوت ه مکڑی کا جالا ط ی ٢ ابن الماء ع ف مرغابی ابوخلسا بفتح اول
لفظ یونانی ١٢
و ضم موحده و سکون واو و فتح خاء معجمه و سکون لام و سین مهمله والف ف
شنگار و هوچه ط ح ی ٢ خ سیاه بسیار ورق سطبر بیخ ش تا د ورم مضر
دماغ صداع آور مصلح آن روغن بنفشه تمنیق الفوقانی آلبست بمد اول و فتح ثانی
و سکون سین مهمله و فوقانی ف گوشت ترنج و پیه بالنگ ه بجوری کا گود ط
ح د لخ گوشت بالنگ و انبه که آنرا باتو خوانند و اکثر مصریان مرکب گویند
تمنیق الجیم آابلوج ف بمد و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و جیم
م قند تمنیق الدال المهمله آابرود ف بمد همزه و سکون ثانی و ضم راء مهمله و
سکون واو و دال مهمله م سنبل ه جهڑو گویند نیلوفر تمنیق الراء المهمله آابار
ع بمد اول و ثانی والف و راء مهمله ف سرب سوخته ه بنگ بفتح موحده و خفای
نون و سکون کاف فارسی ط ب ی ٢ ل اثمد ابرار بفتح اول و سکون ثانی و راء
مهمله والف و راء مهمله ثانی م حی العالم ابقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ف شوره ه باجی ط ح ی ٣ ش نیمدرم ص کثیرا و عسل ال بلم اندرانی ابن
طابر ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون بالطاء مهمله والف و ها و راء مهمله ف
لبلک تمنیق السین المهمله ابن عرس ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون

وکسر عین مهمله وسکون را مهمله وسین مهمله ف راسوه نیول طح ی ق ملطف
خ بسیار هوش نمکسود جهته رفع ضرر باد سموم یکدرم تا دو مثقال ص روغنهال جهته
صرع النفخة آبنوس م بمد اول وسکون ثانی وضم نون و واو و سین مهمله ف آبنوس
طح تبی ۲ گویند ق قابض و لادع خ سیاه املس که در آب غرق شود ص
صمغ عربی یا شاه سفرم ل چوب کنار یا تخم خرمای سوخته ابوعلس بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو و فتح عین مهمله وسکون لام و سین مهمله وآنرا اباعلس نیز گویند ف
گل خیری طح ی اق جاذب خ تازه ش اندکی ص زرده تخم مرغ تمنیق القاف
آبق بزبان اکسیریان بمد اول وکسر ثانی وسکون قاف م زیبق ف سیماب ه
پارا طسرد ۲ تر ۳ گویند ح نف قابض ش از غیر مقتول آن تا دو درم ل رصاص
محلول تمنیق الکاف ابهرک ه بفتح اول وسکون ثانی و اظهار ها و فتح را مهمله وسکون
کاف م طلق ط ب آبک ف بمد اول وکسر ثانی موحده م ابق تمنیق اللام
ابابیل ع بفتح اول وثانی والف وکسر موحده ثانی وسکون تحتانی ولام ف
پرستوک ابل بفتح اول و بمد نیز وکسر ثانی وسکون لام م قاقله صغار و بکسر اول
ع ف شتر وبضم ثانی فارسی طلر اشیث ابهل ع بضم اول وسکون ثانی وضم ها
نیز وسکون لام ف تخم دهل تخم سرو کوهی ه هو بیر طح ی ۳ گوینده ۲ ق ملطف
محلل اوساخ قروح خ سیاه فربه و گویند سرخ زدین ش از دو درم تا سه درم و گویند
یکمثقال ص عود الوج یا خولنجان یا حماما یا انبر باریس ل جوز السرو یا بوزن آن
سلیخه و بکنیم وزن دارچینی و گویند یکوزن او سلیخه و ثلث وزن سکبینج تمنیق ابر
ابریشم ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر را مهمله وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون
میم ف ابریشم ه پاٹ ط معح ب گویند ح را ق مقوی ومفرح دل و معده
ومحرق ومجفف خ پاک مقرض ش دو دانق تا یکدرم ص ب اترج ل بوزن او

۱۷

آنزمان که سوخته گردد وادر استعمال وی آنست که تقرض کنند وصفت مقرض آنست که ابریشم را مقراض کنند باریکتر و بعد ازان در دو نادان [illegible]

سنبل و نصف وزن او پوست اترج تمنیق النون آبرون بمد اول و بای مد نیز
و سکون ثانی و ضم رای مهمله و سکون واو و نون ع حی العالم آبکون بمد اول و سکون
ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون م نشاسته گیهون کاهیر تمنیق الواو
آبوف بمد اول و ضم ثانی و سکون واو م گل نیلوفر تمنیق الهاء ابرار القطع
بفتح اول و سکون ثانی و رای مهمله والف و ضم رای مهمله ثانی و سکون لام و ضم قاف
و طای مهمله مشدد و خفای هام تخم حی العالم ابره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
رای مهمله و اظهار ها ع خیار ی و ترکی تو غدرے ابرهمیه ع بکسر اول و سکون ثانی و
کسر رای مهمله و فتحها و سکون تحتانی و کسر میم و فتح تحتانی ثانی و ها و الابرهیمیه نیز گویند
ف هیست مانند زیره باج طمع آبکامه ف ترشی نان ست که به آب در آفتاب
نگاه دارند کانجی آآبگینه ع بمد اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی
و فتح نون و های مخفی ف شیشه کانچ ابن حبه ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون
و فتح حای مهمله و موحده مشدده و های ف نان تمنیق التحتانی ابن اوی ع بکسر همزه و
سکون ثانی و کسر نون و همزه والف و واو والف مقصوره ف شغال آبی
ف بمد اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ع سفرجل بهی و نام نوعی از انگور شیرین
آن مع ح ب داش اب ی تا وسی درم م عسل م انیسون تلنسیق الموحده
فارسی و تمنیق اللام ف ابل بفتح اول و موحده فارسی و سکون لام ع
طراثیث طب ی ۳ ق قابض و مقوی کبد و معده ص درباب یه شکر ش
تاد و درم ل ثلث وزن آن عفص و دو ثلث آن قرظ و نصف وزن آن قشر
بیض محرق خ تبر بو تمنیق النون الیسان ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی
با سین مهمله والف و نون م سنگ فشان ع تمیس آپیون بفتح اول و سکون
ثانی فارسی و ضم تحتانی و سکون واو و نون م افیون طب ۴ و گویند ۳

کی مخدر و قابض و مسدد و منوم و محلل مسکن ا وجاع ص جند بیدستر و زعفران و دارچینی
و فرفیون و جدوار و زنجبیل و فلفل سیاه ش از یکعدس تا چهار قیراط و زیاده از یکدانگ
ممنوع ل ثلثه وزن او بزر البنج و بوزن آن تخم لفاح یا پوست بیخ آن یا بوزن آن
تودری سفید گفته اند تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الجیم اترج ع بضم اول
و سکون فوقانی و ضم راء مهمله و سکون جیم ف ترنج ه بجوراط پوست زرد او
ح ی ۲ و گوشت سفید ح را و ترشی ب ی ۲ و تخم ح د ق مفرح و مقوی ل معده
و ملطف و مدر خ بزرگ زرد ش از تخم او دو مثقال جهت گزیدگی عقرب با آب گرم
و گویند نیم مثقال ص شراب خشخاش ل آب لیمو تمنیق الراء المهملة اثرار بفتح
اول و سکون ثانی ثاء مثلثه و راء مهمله و الف و راء مهمله ثانی ف زرشک ه زرک
طب ی خ شفاف آتش خوار بمد اول و فتح ثانی و سکون شین معجمه و ضم خاء معجمه
با واو معدوله و الف م آتشخواره تمنیق السین المهملة اثناسیس بفتح اول و
سکون ثانی و نون و الف و بکسر سین و سکون تحتانی و سین مهمله ف بابونه بری
انیس ه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و سین مهمله طح ۲ ی ا ق مقوی باه
و باضم تمنیق النون اثان ع بفتح اول و ثانی و الف و نون ف ماده خره گده ی
تمنیق الهاء آتش خواره ف بمد اول مرغیکه اکثر آتش خورد تنسیق الثاء المثلثة
و تمنیق الدال المهملة اثمد بکسر اول و سکون مثلثه و کسر میم و سکون دال مهمله ف
سنگ سرمه ه انجن طب ا ی ۲ ق مجفف و حابس م خ براق ریزنده ش نیم درم
ص شکر و کثیرا ل آب ا تمنیق القاف اثلق بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون
قاف ف تخم بنجنکشت ه سبنهالو کی بیج طح ی ۳ تمنیق اللام اثل ع بفتح
اول و سکون ثانی و لام ف گز ه جهاو تنسیق الجیم و تمنیق اللام الف اجل کیا
بفتح اول و جیم و سکون لام و کسر کاف فارسی و تحتانی و الف ف بشش و زهر هلاهل و بعضی

تمنیق الجیم اُجُ ف بضم اول وسکون جیم م کدو تمنیق الدال المهمله
اجموده بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مهمله ع بزرالکرفس
طح ی ۲ ق مفتح محلل ص انیسون ش از یک درم تا ثلثه درم تمنیق الراء
المهمله آجرع بمد اول وضم ثانی وسکون راء مهمله ف خشت پخته ه اینٹ
طح ی ۲ ق مجفف خ غیر مستعمل ش از روغن او تمثقال ص روغن بنفشه ل
خزف تمنیق الصاد المهمله اجاص ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد والف وصاد
مهمله ف آلوه آڑو طب د ۲ ق ملین مسهل صفرا خ رسیده بزرگ شیرین ش
پانزده دانه ص گلنگبین یا عسل یا عناب ل تمر هندی تمنیق النون اجاین ه بفتح
اول وسکون ثانی وواو والف وکسر تحتانی وسکون نون ف نانخواه ه طح ی
۲ ق مجفف محلل ریاح ملین ص کشنیز وترمس ش تا ثلثه درم ل شونیز تمنیق الهاء
اجهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها وراء مهمله وخفاء ها ه چیچڑه تمنیق التحتانی
اجوائن خراسانی ه ع بزرالبنج تنسیق الحاء المهمله وتمنیق الالف احلبا
دبار رومی بکسر اول وسکون حاء مهمله وفتح لام وسکون موحده وکسر دال مهمله وتحتانی
والف م شبرم تمنیق الضاد المعجمه احریض ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون
تحتانی وضاد معجمه ف درخت گاجره گیج کشنبه وگویند اقحوان
است طح ای ۲ تمنیق التحتانی احداق المرضی ع بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله
والف وضم قاف وسکون لام وفتح میم وراء مهمله وضاد معجمه والف مقصوره ف بابونه
گاو طح ۳ ی ۲ تنسیق الخاء المعجمه وتمنیق التاء الفوقانی اخروٹ ه بفتح اول
وسکون خاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو وفوقانی هندی ع جوز ف چارمغز وگردگان
تمنیق الراء المهمله اخلاء البقر ع بفتح اول وکسر ثانی با سین مهمله مشدد والف و
همزه وسکون لام وفتح موحده وقاف وسکون راء مهمله ف سرگین گاو ه گوبر

بعض او را ناردین و سنبل رومی خوانند و هندی نیز گویند گرم است در درجه سوم و خشک است در دوم

محلل اورام انگرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء مهمله م
انگشت افروخته ه انگارا تمنیق السین المهمله اخینوس بفتح اول و کسر ثانی و
سکون ثالث و ضم نون و سکون واو و سین مهمله ف خروینه سالک بیخ نباتی ست
سیاه پوست که مثل کنول درتالابها و آبها روید تمنیق الطاء المهمله اخرلیط بکسر
اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله م فراسیون ف گندنا
بری ه بن گاگندنا تمنیق اللام اخیل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و
سکون لام م بوقلمون ست و آن مرغیست که عرب آنرا شوم سگیرند و بزبان
اهل گیلان دادهکو گویند تمنیق المیم اخرم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح را
معجمه و سکون میم ف ماز بو تمنیق النون اخیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و ضم تحتانی و سکون واو و نون نباتی ست ع راس الافعی تمنیق الهاء اخروسه
بکسر اول و سکون ثانی و کسر سو حده و ضم راء مهمله و سکون واو و فتح سین مهمله و خفاء ها م
دوسر ف گندم دشتی ه بن گیهون تنسیق الدال المهمله و تمنیق اللام ادار
بمد اول و ثانی و فتح دال مهمله و الف ف زنجبیل تر م ادرک ف ملین ادادا ه
بفتح اول و دو دال مهمله و دو الف ف درخت کرد انطح ی هم ادهجاف (لفظ یونانی) بفتح
اول و سکون ثانی و کسر ها با جیم و الف م اجهر بیخ طه تمنیق الکاف ادرک بکسر اول
و سکون ثانی و فتح نیز و کسر راء مهمله و سکون کاف ف آلوچه و بفتح اول و راء مهمله
زنجبیل تر تمنیق النون ادمن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون
م مشک خالص ع اذفر تمنیق الهاء ادهیجاره بمد اول و کسر ثانی ما لها ر طه و
سکون تحتانی با جیم و الف و فتح راء مهمله و خفاء ها ف خارزار گون ه چیرچیرا
تمنیق الیاء التحتانی اذراسی بفتح اول و ثانی و الف و دراء مهمله و الف ثانی
و کسر قاف و سکون تحتانی ف فلوس (لفظ یونانی) ماهی ه کچلا طح ی هم ق مخدر ص قی کردن

البتسیر تازه در روغن بادام ادوی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر او وتحتانی
مجهول ترکی اکبرگویند ع و ج ه ج تنسیق الذال المعجمه وتمنیق الباء الموحده
اذان الاذنب بمد اول وذال معجمه والف وضم نون وسکون لام وفتح همزه وسکون
راء مهمله وفتح نون ثانی وسکون موحده هم نوعی از لسان الحمل وورق آن همین تر
انا آذان الجدی ست ف ورق بارتنگ اذان الدب ع بضم دال مهمله مشدد
وسکون موحده م بوصیر ف گوش خرس تمنیق الذال المهمله اذن العبد ع بضم دال
وسکون لام وفتح عین مهمله وسکون موحده ودال مهمله م نوعی از عصی الراعی تمنیق
الواء المهمله اذان الفار ع بسکون لام با فاء والف وراء مهمله م مرزنگوش و
مرزنجوش ه چوهه کنی طح اذخر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون راء مهمله
ف کورگیاه وگیاه مکی ه گندهیل و گنده راج وراج هنس ورو هنس طح ی ۲
ق مفتح ملطف قابض محلل مقوی معده خ باریک سخت خوشبو ش نیمدرم تا مثقال
ص بگلات سستن و صندل بوئیدن بل بیخ او با قصب الذریره یا بوزن او سنبل و
ثمن وزن زعفران تمنیق السین المهمله اذان القسیس ع بسکون لام وفتح قاف
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی وسین مهمله ثانی هم نوعی از حی العالم اذریاس بمد و
وضم ثانی وسکون راء مهمله و یاء تحتانی والف وسین مهمله ف صمغ سداب کوهی
تمنیق اللام اذان الغزال بسکون لام وکسر غین معجمه وزاء معجمه والف ولام ثانی
م نوعی از لسان الحمل اذان الفیل ع بکسر فاء وسکون تحتانی ولام ف پیلگوش
ولوف وگویند ریحان وادی مرزنگوش واذان الفار همین ست وحبق العناب
گویند برگ درخت ساگون اذناب الخیل ع بفتح اول وسکون ثانی ونون
والف وضم موحده وسکون لام وفتح خاء معجمه وسکون تحتانی ولام ثانی ع لحیة التیس
ف اسلیج ه درخت سرس یا درخت بلا تمنیق النون اذارافیون بمد اول و ثانی و

الف و رای مهمله و فتح همزه و سکون فا و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف نوعی از کفشه یا تمنیق النون
آذرگون و آذریون و آذرسون نیز گویند بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و
ضم کاف فارسی و سکون واو و نون نوعی از شقائق که کنارهای آن بغایت
سرخ برنگ شود و میانه اش سیاه آذریون بمد اول و فتح ثانی و سکون رای مهمله
و ضم تحتانی و سکون واو و نون و آذربیون نیز گویند ف نوعی از لاله کوهی و بعضی گویند
نوعی از اقحوان است طح ی ۲ ق محلل خ بری ش بنجدرم ص ع مسل بل ریباس
ل بازرو یا بهار تمنیق الواو آذربوع بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم موحده
و سکون واو م گل اشنان و آن زرد میشود و بوته اش پرخار میباشد و بیخ آن
کلیم شوی است ف فلارا آذریو بمد اول و ضم ثانی و سکون رای مهمله و ضم تحتانی
و سکون واو هی است فارسی معرب یوکه او را با آتش نسبت کرده اند ف گل زرد
که با آفتاب میگردد و گویند چو ریک اشنان طح ی ۳ نفخ تا بکد مر ل تخم اترج و
نیموزن او باد آورد تمنیق الهاء آذربویه ف بمد اول و ضم ثانی و سکون رای
مهمله و ضم موحده و سکون واو و فتح تحتانی و خفا رهاه آذربو تمنیق التحتانی
آذران الجبلی ع بسکون لام و فتح جیم و سکون دال مهمله و تحتانی مجهول هم لسان الحمل
ف ورق بارتنگ تلیسق الراء المهمله و تمنیق الالف اراقوا بفتح
اول و رای مهمله و ضم قاف و واو و الف ف سهک گندم ه کهیلا ارسطاری و
بفتح اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله و طای مهمله و الف ف بنگ ارطماسیه
بفتح اول و سکون رای مهمله و طای مهمله و الف و میم و الف ثانی و کسر سین مهمله
و تحتانی و الف ثالث و ارطمیسیا بکسر طای مهمله و سکون تحتانی ثانی نیز گویند ف
برنجاسپ و بوی مادران طح ی ۲ ارسطلوخیا بفتح اول و کسر گویند
و سکون سین مهمله و فتح طای مهمله و ضم لام و سکون واو و کسر خای معجمه یا تحتانی و

والف م زرآوند طویل ارکاکیا بفتح اول وسکون ثانی وکاف والف وکسر
کاف ثانی وتحتانی والف ثانی م ابرکاکیا ارمینیا بفتح اول وسکون
راء مہملہ وکسر میم وسکون تحتانی بانون والف م نوشادر اط وساه بفتح اول
وضم ثانی وسکون واو بالسین مہملہ والف م بان تمنیق الباء الموحدہ ارقب
ع بفتح اول م سکون ثانی وفتح قاف وسکون موحدہ ف بزکوہی تمنیق التاء
الفوقانی ارزع بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ وسکون فوقانی ف
درخت صنوبر بری برطح ی ۲ گویند ح ای ۲ تمنیق الجیم ارج ف بفتح اول
وسکون ثانی وجیم م کرگدن و مرغ تمنیق الدال المہملہ ارشدہ بفتح اول و
سکون ثانی وفتح شلثہ وسکون دال مہملہ ف پنجنگشت ه سبنہالو ارشدع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین معجمہ وسکون دال مہملہ م مرقشیشا وحجر النور
طح ی ۲ ارسود ف بضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ودال مہملہ
م امرود طب رق منسکن حدت صفرا وخون باقوت قابضہ ارندہ بفتح اول
وثانی وسکون نون ودال مہملہ ہندی رینڈی ف بیدانجیر ارید برید ف بکسر
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی مجہول ودال مہملہ وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ ثانی
وسکون تحتانی ثانی ودال مہملہ ثانی اسم فارسی ست دوائی ست مانند پیاز
شگافتہ کہ ار بیستان خیزد تمنیق الراء المہملہ ارف بفتح اول وسکون ثانی
م گنجارہ کمل تمنیق الزاء المعجمہ ارزع بضم اول وثانی وسکون زاء معجمہ ف
گرنج وبرنج ه چاول طب ی ۲ گویند مع گویند ح ای ۲ ف مغذی خ سفید
ص شیر تازہ با روغن یا عسل وشکر سرخ ل پست جویا جاورس ارزیز ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر زای معجمہ وسکون تحتانی وزاء معجمہ ثانی ع رصاص
م قلعی ه رانگ کتھیر تمنیق الزاء الفارسی ارنیشر ف بفتح اول و ثانی وسکون

۲۴

نون وفتح تحتانی وکسر موحده وسکون زاء فارسی م بلغم ع طرخون ٥ ممبیه تمنیق
السین ارس ف بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله درختی ست که در طرف
امین وزیر باد بهم رسد وازان کافور جودانه حاصل شود ونیز سرو کوهی تمنیق
الطاء المهمله ارقطع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون طاء
مهمله ف پلنگ ارباط یونانی بفتح اول وسکون ثانی وبیم والف وطاء مهمله
٥ گل کیوڑه تمنیق الغین المعجمه ارغ ف بضم اول وسکون ثانی وغین معجمه
بادام وپسته وگردگان وفندق ونارگیل وامثال آن که اندرون آن تیز و
تلخ وبدبوی شده باشد تمنیق الکاف اراک ع بفتح اول وثانی والف وکاف
٥ درخت پیلو طح ٢ ی اق مفتح خ تیز بوش ازمحراو یکمثقال اراکب بفتح
اول وسکون ثانی وفتح میم والف م درخت کیوڑه طح ٢ ی ا تمنیق اللام
ارمال رومی بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف ولام م چوبی ست خوشبو
چون قرفه از مین خیزد وگویند لباک طح ٢ ی انخ بو لیش ببوی قرفه ماند
ل چوب کاوی یالادن تمنیق المیم ارودم رومی بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وسکون میم ف کل م مازریون ارقم ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح قاف وسکون میم ف مار ابلق سپید وسیاه تمنیق النون ازبیان
ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی والف ونون ف تلخ دیدان
٥ جهینکاط نمکسود او ح ی خ تازه ص روغن بادام تلخ ل ربینا ارجان
بفتح اول وسکون ثانی وجیم والف ونون ف بادام کوهی ٥ جنگلی بادام
ارجوان ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وواو والف ونون بهار درختی ست
ف ارغوان طب ی اروشیران بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
بکسر شین معجمه وتحتانی مجهول وراء مهمله والف ونون ف نوعی از سرو تلخ ف

ارزن بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون نون نام علتی است ع
دخن ه چینه و بنرا و فارسی م درخت بادام تلخ کوهی ارسانیقون یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وسین مهمله والف وکسر نون وسکون تحتانی وضم قاف
وسکون نون نون ثانی ف زرنیخ زرده هر تال ارسقیلون بفتح اول و
سکون ثانی وفتح سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو
ونون م ارسانیقون ارقان بفتح اول وسکون ثانی وقاف والف ونون
ف حنا ه مهندی ارمانیقون بفتح اول وسکون ثانی ومیم والف وکسر نون
وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ونون ثانی ع بزر البنج ارشین ومی
ست بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی ونون
ثانی م فلفل ف انار دشتی ه جنگلی انار ارمیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر میم ویا تحتانی والف ف نوشادر تمنیق الواو اربوف بفتح اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو م امرود ارد شیر ارو بفتح اول و
سکون ثانی وفتح ذال مهمله وکسر شین معجمه وتحتانی وسکون راء مهمله والف
با دال مهمله ثانی والف وراء مهمله وواو ف نوعی از مرو تلخ تمنیق الهاء اراء
رومی بفتح اول وثانی ونی وهاء م مصطکی ارجیقینه بفتح اول وسکون ثانی وکسر
جیم وسکون تحتانی وکسر قاف وفتح نون وهاء وار خیفنه بخاء معجمه و فا نیز گویند
ف زریره ه اسیرک ارزه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وخفاء ها
م زفت وآن چیزیست شبیه بقطران که از درخت صنوبر تازه حاصل میشود و
صنوبر نده آن ست که بر ندهد اردانه ف بفتح اول وسکون ثانی وواو
والف وفتح نون وخفاء هاء م نوعی از شیر تمنیق التحتانی اردفنانی یونانی
بکسر اول وفتح ثانی وسکون دال وفتح فا ونون والف وکسر نون ثانی و

وسکون تحتانی ع قثاء الحمار ارطی ر ومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مهمله
وسکون تحتانی ف درخت دوزک م سپیدار ارغاموني بفتح اول
وسکون ثانی وغین معجمه والف وضم میم وسکون واو وکسر نون وسکون
تحتانی نباتی ست در شکل مانند خشخاش بری و بلون مانند شقایق النعمان
چنانچه فرقی در میان این وشقائق نتوان کردم مامیثای سرخ طب ی
ارنب بحری ع حیوانی ست دریائی صدفی شکل مز از سمیات ست ۵ سمندر کلا
سسا ارنب بری ع بفتح اول وسکون را وفتح نون وسکون موحده وفتح
موحده ثانی وکسر راء مهمله مشدده وسکون تحتانی ف خرگوش ۵ استساط
ح ۱ ۲ ق مجفف خ سیاه بیابانی فربه که سگ صید کرده باشدش بقدر
اعتدال ص روغن زردل ثعلب تلسیق الزاء المعجمه آزاد درخت ف
بمد اول وزاء معجمه والف ودال مهمله وفتح دال مهمله ثانی وراء مهمله وسکون خاء معجمه
وفوقانی ع درخت طاغک ۵ بنیت طح ی ۴ گویند ح ۲ ی ال در دراز کردن
سوورق شهدانه تمنیق الجیم الفارسی ازنج بفتح اول وسکون ثانی وکسر غین
معجمه وسکون جیم فارسی ف پاره ایست بر بهی درختیکه پیچید خشک ساز ع
عشقه تمنیق الدال المهمله ازادف بمد اول وثانی والف ودال مهمله
م سرو و گویند سوسن سفید و گویند درختی ست که میوه ندهد همانا مر و سوسن را
بدان اعتبار آزاد خوانند و گویند درختی ست بلند قد که بیشتر در گیلان شود
بلندیش شصت گز و هفتاد گز رسد و شاخهایش مانند درخت صنوبر بدر بالا
و تنه اش راست و هموار و چوبش تا بالا بر یک منوال ست و صفا و چوبش را
لیکن از چوبی چوب چنار ریزه تر باشد و گویند نوعی از ماهی ست در گیلان بسیار
و گویند درختی ست که چون بهائم برگ و چوب او بخورند بمیرند و گویند درخت

۲۷

ارزن یعنی درخت بادام کوهی ست و در کوهستان پارس بیشتر از جاهای دیگر پیدا
شود و نیز نوعی از رطب که بغایت شیرین و لذیذ باشد ازورد بفتح اول و سکون
ثانی و فتح واو و سکون را مهمله بشیرازی اندوه قو قوم جند قو فی تمنیق الفا
ازوف ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون فا میوه ایست سبز
رنگ که اکثر در شوره زمین شود م کوز تمنیق الکاف الفارسی ازنگ ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و سکون نون م خیار تمنیق الکاف
ارغک م ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمه مشقه تمنیق المیم
ازازدف بفتح اول و ثانی و الف و سکون زا معجمه ثانی و فتح دال
مهمله و سکون میم م لوبیا تمنیق الزاء الفارسی اژه ف بفتح اول و ثانی فارسی
و خفا ها م آهک ع کلس و نوره تمنیق السین المهمله استخوان با ف
بضم اول و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و خا معجمه با واو معدوله و الف و سکون
نون و ضم را مهمله با موحده و الف ثانی م طائر هما استرخایونانی بضم اول و
کسر نیز و گویند بفتح و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون را مهمله و خا معجمه
و الف ف زرنیخ سرخ ه منسل استه خرما ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
و هرو ملینه و ضم خا معجمه و سکون را مهمله با میم و الف م تخم خرما ق سوخته او
مجفف قروح اسموسا بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو و با
مهمله و الف ف نوعی از سرو و گویند گذر بری تمنیق المیم حده اسرب بضم
اول و سکون ثانی و ضم را مهمله و سکون موحده م سرب ه سیسا تمنیق الفوقانی
اسپست بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون سین مهمله ثانی
و فوقانی ع فصفصه م رطبه ست ف بفتح اول و سکون ثانی م اشتر و نخچیر و
داستخوان آدمی و سایر میوه ها تمنیق الجیم اسلنج ف بکسر اول و سکون ثانی

وکسر راء مهمله وسکون نون وجیم گیاهی ست ع لحیة التیس طب ی ف
حابس وبدل ابرنج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون نون
ف سرنج وشنگرف راولی ه سندور وسیندور طب ای ۲ ق مجفف خ
بسیار سرخ ص اسفید باجات ل اسفیداج یامرداسنگ اسفلنج بکسر اول وسکون
ثانی وفتح لام وسکون نون وجیم ع لحیة التیس اسفنج ع بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فا وسکون نون وجیم ف ابر مرده وابر کهن وگویند حیوان دریائی ست
بدان سبب که چون می ست بر وبهی خود را در کشد ووقتیکه بمیرد آب ویرا برسال
اندازد ه مواباول طح ای ۲ ق مجفف مجلی خ تازه ش یکدرم ص رب خصرم
باقانیدل قرطاس سوخته اسفیداج ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی
مجهول ودال مهمله والف وجیم ف سپیداب ازرزیر وسرب ه نبگ طب ی ۲
گویند ۳ ق مجفف وسکن اربا ع خ پاک سفید خوشبو ص از سفیده رصاص قند
وصمغ عربی وشوربای حریبل خبث الرصاص یامرداسنگ تمنیق الفاء المعجمه
اسفاناخ ع بکسر اول وسکون ثانی وفا والف ونون والف ثانی وخاء معجمه یا جیم
ف اسپاناخ ه ساگ پالک طب ار ۲ گویند مع ح ب ق ملین ش بقدر
حاجت مص فلفل م داچینی وآبکامه ل کدو یا البقله یمانیه اسود سالخ ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح واو ودال مهمله بسین مهمله والف وکسر لام وسکون خاء معجمه
ف مار سیاه ه کالاناگ تمنیق الدال المهمله استخوان ندف بضم اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وخاء معجمه وواو معدوله والف وسکون نون وفتح راء مهمله وسکون
نون ثانی ودال مهمله ع جای استهول کننده بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی
وانلهار ها وسکون واو ولام وفتح کاف وخفاء نون وسکون دال ایضاه کرام کنند
انسرع بفتح اول وثانی ف شیو باگه اسقرودف بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا

وضم راء مهمله و واو مجهول مرغی ست کوچک مانند گنجشک که بر سر آن چند پر بلند باشد
مثل کشاخ ع قطاه اسفند اسفید م خردل سفید ف تخم سپندان ه اسبند
طح می ۳ ق مخدر تمنیق الراء المهمله استارف بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وراء مهمله والف وراء مهمله ثانی ع عدس اسغرف بضم اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه م خارپشت ه شاهی استقنقور ع بکسر اول وسکون ثانی و
فتح قاف وسکون نون وضم قاف ثانی وسکون واو وراء مهمله م سقنقور ف
ریگ ماهی ونهنگ وشتی کاریت مچهلی اسمار ف بمد اول وفتح نیز وسکون ثانی
ومیم والف وراء مهمله م درخت مورد آسمندر ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
میم وسکون نون وفتح دال مهمله م سمندر ه آگ کا کیڑا اسیر ع بضم اول وکسر ثانی
وسکون تحتانی ف کاهش ه کاندل طب اتمنیق السین المهمله
اس ع بمد اول وسکون سین مهمله ف نام درخت مورد که آنرا اسمار گویند ونیز
آنرا حب الآس گویند وشکوفه آن خوشبو شود وهر کس که آنرا ببوید وخواب کند
محتلم گردد اسبوس ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده فارسی وضم تحتانی و
سکون واو ع بزر قطونا م بنگوه اسبغول اسطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی
وفتح فوقانی وسکون طاء مهمله وفتح لام م فقر الیهود خیری است چون مومیائی
اسطرماطوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وسکون راء مهمله ومیم و
الف وضم طاء مهمله ثانی وسکون واو ف اسبند اسطوخودوس رومی بضم اول
وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم دال
مهمله وسکون واو ثالث از جزیره ستخادس خیزد وموافق الارواح نیز گویند
م شاهسفرم رومی ه دیارو گویند هندی طح ای ۲ ق ملطف منضج مسهل
سودا مقوی ومفرح دل خ تازه سرخ مایل بسبزی تلخ خریف مش از جرم او

و و درم تا ثلثه درم و در مطبوخ تا هفت درم ص صمغ عربی یا کتیرا و گویند حماما یا بارزد
یا سکنجبین و گویند بقل ل فراسیون یا مرو یا افیمون نصف وزن و نیم وزن آن زرد
آسفیوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله یا معجمه
ع بزر قطونا ف بنگوه اسبغول آسقاقس بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف
و کسر قاف ثانی و سین مهمله م نوعی از اکلیل الملک طح ی ۲ آسقوریدوس یونانی
بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و کسر رای مهمله و سکون تحتانی و ضم دال
مهمله و سکون واو ثانی ف پنیر مایه آسقولوس یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف
و سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی هیچ بست م خنثی ف گیاه سریشم ه سریا
کا کهانس ح ی آسیوس بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله
ثانی سنگی ست سبک که زود ریزان شود و از نم دریا نمک بر روی بندد و آنرا زهره اسیوس
خوانند ف نمک چینی ه چین کالون طح ی تمنیق الضاد المعجمه آسد الارض ع بفتح
اول و ثانی و ضم دال مهمله و سکون لام و فتح همزه ثانی و سکون رای مهمله و ضاد معجمه الضیا
ع حرباف بوقلمون ه گرگٹ و باصطلاح کیمیاگران سیماب تمنیق الکاف اسپرک
ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و رای مهمله و سکون کاف ع اکلیل الملک
و زردی استخوان رنگ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و خای معجمه با واو معدوله
و الف و سکون نون و فتح رای مهمله و نون ثانی و کاف م همای تمنیق الکاف الفاد
استرنگ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و رای مهمله و سکون نون ع بیروج ف
مردم گیاه ہی لکھمنا لکھمنی تمنیق اللام اسپغول ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده
فارسی و ضم خای معجمه و سکون واو و لام م بنجال مرغان اسقیل ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و لام ف پیاز دشتی ه کانده طح ی ۲ گویند ۳
ق مقطع محلل ملطف مفرح خ مشوی حلش یکمثقال ص حماما یا شیر تازه که در عقبش

بنوشند ل بلیوس یا اسقوردیون یا لوف یا قردمانا یا وج یا بیخ کبر تمنیق المسیح
اسپیرغم و اسپرهم ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و سکون رای مهمله
و فتح غین معجمه و اسپرم ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده فارسی و سکون رای مهمله
و میم ساکن گلهای دریایی چین اسفرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر فا و فتح رای مهمله و سکون
میم ف سورو تمنیق النون اسارون ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم رای مهمله و سکون
واو م بیخ گیاهی ست ه تگر طح ی ۲ ق ملطف مفتح محلل منفتح نخ خوشبو بتوسط میان
باریکی و سطبری بش نیم درم تا سه مثقال ص سوینج یا مقل ل یکنیم وزن وج یا شش یک
آن حماما یا قردمانا و سنبلسان یا نیم وزن خولنجان یا زنجبیل یا افسنتین و گویند سلیخه و زراوند
اسن ف بفتح اول و سکون ثانی و نون م خربوزه نورسیده اسارن ف بفتح اول
و سکون ثانی و نون م و خ اسطفلین و سطفلین یونانی بکسر اول و سکون ثانی
و فتح طای مهمله و سکون فا و کسر لام و سکون تحتانی در لغت اول و کسر فا و سکون تحتانی
در لغت ثانی ف زردک ه گا خر طح د اسفیداج الجصاصین ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر فا و تحتانی مجهول با دال مهمله و الف و ضم جیم و سکون لام و فتح جیم ثانی و صاد
مهمله مشدد و الف و کسر صاد مهمله ثانی و سکون تحتانی ف چونه قلعی ه گلی اسطولن
بضم اول و سکون ثانی و ضم طای مهمله و سکون واو و نون ف زردک اسقوردیون
یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو و رای مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی
و سکون واو ثانی و نون م ثوم بری ست ع ثوم الحیة ف سیر مار و سیر دشتی جنگلی
لهسن طح ی ۳ ل عنصل کوچک یا ثوم الذکر اسقوسون بضم اول و سکون
ثانی و ضم قاف و سکون واو و ضم رای مهمله و سکون واو ثانی ع خبث الحدید ف
ریم آهن ه کیٹ اسقولوقندریون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و
سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله

وسکون رای مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث م سقولوقندریون ف زنگی وار
واسقیدولیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م کاکنج ف عرو سک
پس پرده تمنیق الماء آس بنگیع بمد اول وکسر ثانی وموحده وسکون نون وفتح
کاف وخفاء ها ف سورطب ای ۲ گویند ۳ ق قابض ومقوی دل نخ حسروا
نیز پوش از تخم او یکمثقال ص بنفشه تازه ونیلوفر وروغن آنهال وسق توت یا
عصاره زرشک یا گل حنا استه ف بفتح اول م سکون ثانی وفتح فوقانی م تخم میوه
وخسته استینه ف بمد اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح نون و
هاء مخفی م تخم مرغ اسخاره رومی بکسر اول وسکون ثانی وخاء معجمه والف وفتح راء مهمله و
خفاء ها ف تودرسی اسروره بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وفتح
راء مهمله ثانی وهاء خفی م سنبل الطیب اسغرنه ف بضم اول وسکون ثانی وضم غین
معجمه وسکون راء مهمله وفتح نون وخفاء ها م خارپشت اسگنده ه بفتح اول م سکون
ثانی وفتح کاف فارسی وخفاء نون وفتح دال مهمله واظهار ها و وای مشهور بهندی ست
طح ق مبهی تمنیق التحتانی آس بریع بمد اول وکسر ثانی وفتح موحده وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی ف سورد اسفرم تلنسیق الشین المعجمه وتمنیق الالف اشترکا
بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله با کاف والف ع عنقا اشترگیاف
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف فارسی با تحتانی
والف م اشترخار اشمویسا بفتح اول م سکون ثانی با تحتانی والف کسفا با میم والف
ثانی وکسر میم ثانی وسکون تحتانی ثانی با شلثه م عصاره ماميثا طب ی ل ویا
طلا کردن بوش وبندی یا حضض تمنیق الدال المهمله اشنانداو دف بفتح ال
وسکون ثانی با نون والف وکسر زاء معجمه ودال مهمله والف وضم همزه وسکون میم او دال مهمله

میر دیر دیمون
جیوین بیشر دار
ازو بخورد بیشتر
زیاده میشود
خوردن آن
بیشتر باعث
نشاط و سرور
میگردد دو درم
گرم

ثانی م زرد فام خشک تمیق الراء المهمله اشترخار ف بضم اول وسکون ثانی و
ضم فوقانی وسکون راء مهمله با خاء معجمه والف وراء مهمله ثانی م شترخار ۵ صوالف اشترغار
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وغین معجمه والف وراء مهمله
ف بیخ درخت انگدان ست طح ۳ گویند ۲ خ رومی ص سرکه ل انجدان
اشترسور ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وضم سین
وواو مجهول گویند که در جنگلی از جنگلهای مغرب درختی ست که برگهای آن اکسیرست
ودران جنگل سورچه بهم رسد که بکلانی بز باشد همین که کسی بآن جنگل بجهة بدست آوردن
برگ درخت اکسیر درآید آن موران برو درآویزند ودر زمان پاره پاره اش کنند لهذا
کسی از ترس آن موران بآن جنگل در نتواند آمد وآن را اشترمور نیز گویند اشغرف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه م خارپشت تمیق السین المهمله اسقلابوس
بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ولام والف وضم تحتانی وسکون واو وسین مهمله
م دار شیشعان ۵ کانهل تمیق الشین المعجمه اشراش ع بکسر اول وسکون ثانی
وراء مهمله والف وشین معجمه ثانی م عربی ف سریشم ۵ سریش تمیق الصاد المهمله
اشخیص یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی وصاد مهمله م نوعی
از مازریون تمیق القاف اشق ع بضم اول وثانی وسکون قاف وبقول صاحب
مهذب بفتح اول م صمغ طرائیثث ست بعضی گویند صمغ توت یا صمغ اشترغار طح ی ۲ ق
محلل خ سفیدی که دانه درشت داشته باشد ون وحل شود ش نمید رم ص زوفا
وگویند بادام ونشاسته ل وشح الکوار یا سکبینج یا خردل سفید تمیق اللام اشقاقل
ع بکسر اول وسکون ثانی وقاف والف وضم قاف ثانی وسکون لام م اشقاقل
ف کند صحرائی ۵ بهار کی گاجر تمیق المیم اشکلیل چشم بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف وتحتانی مجهول وسکون لام وفتح جیم فارسی وسکون شین معجمه ومیم ساکن

م عوسج تمنیق النون آش بجگان ف بضم اول وکسر ثانی وفتح موحده وجیم فارسی
وکاف فارسی والف ونون م جند بید ستر اشلان بفتح اول وسکون ثانی بالام
والف ک میوہ سکها اشنان ف بضم اول وسکون ثانی ونون والف ونون ثانی
م غاسول دچوبک شویه وچون او را بکوبند شخار شود ۲ چوک طح ی ۲ ق
مجلی منقی واکال خ سیر سفید بارقی وبارق موضعیست نزدکوفه مش نیمدرص حشیش
ل صابون آشن ف بفتح اول وثانی م خربوزه نارسیده کالک تمنیق الواو اشترد
بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکاف فارسی والف ودال مهمله
م جانور زرافه تمنیق الهاء اشیشه ف بکسر اول وسکون ثانی وکسره موحده فارسی
وفتح شین معجمه ثانی وخفاء ها م کرمکی که در پوستین ونمد ودیگر چیزهای پشمین سفید و
تباه سازد وآنرا اشتینه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح
نون م استینه اشنه ع بضم اول وسکون ثانی وفتح نون ف دواله ودوالی بلک
ه چهره طم ب گویند ح ای ۲ ق مقوی کبد واندک قابض خ سفید خوشبوی
مصری ودر وقت کوفتن باب نرم کرده بکوبند تا کوفته گردد مش یکدرم تا دودرم
گویند نیمدرم ص انیسون ل قرمانا اذخر سنبل اشینه ف بضم اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وفتح نون م آسینه تمنیق الصاد المهمله وتمنیق الالف اصل العرطنیثا
بفتح اول وسکون صاد مهمله وضم لام وسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وسکون راء مهمله
وفتح طاء مهمله وکسر نون وسکون تحتانی ومثلثه والف ع بخور مریم ف آذریون اصل الهندبا
ع بفتح اول وسکون صاد مهمله وضم لام وسکون لام ثانی وکسر ها وسکون نون وضم
دال مهمله وموحده والف ف بیخ کاسنی که کاسنی کاجر تمنیق الموحده اصل الغرا
ع ف بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح غین معجمه وسکون راء مهمله
مهمله وموحده ف بیخ غرب طح ی ۲ اصل القصب ع بفتح قاف وصاد مهمله وسکون

سوده ف بیخ نی ه سرکنڈ یلی جڑ طح نی ۲ تمنیق الفوقانی اصابع الفتیات
ع بفتح اول و سکون ثانی والف و کسر موحده و ضم عین مهمله و سکون لام و فتح
فا و کسر فوقانی و فتح تحتانی والف و فوقانی ثانی ف انگشت کنیزکان و آن
فرنجشک ست یعنی بالنگوی خورده تلسی اصل الذرت ع بفتح اول و سکون
ثانی و ضم و لام و ذال معجمه مشدد و فتح را مهمله مشدد و سکون تا فوقانی ف بیخ غله
جوار طب ی ق مخد تمنیق الجیم اصل الرازیانج ع برا مهمله مشدد والف
و زا معجمه و تحتانی والف ثانی و فتح نون و سکون جیم ف بیخ بادیان ه سونف کی
جڑ تمنیق الحاء المهمله اصل اللفاح ع بضم لام و تشدید لام ثانی مکسور و فا
مفتوح والف و حا حطی م بیروج ف سابیزک ه لکهمنا لکهمنی ق مخد تمنیق
الواء المهمله اصابع صفر ع بفتح اول و ثانی والف کسر موحده و عین مهمله و کسر صاد
مهمله ثانی و سکون فا و را مهمله ف کف مریم و کف عایشه طح ی ۲ ل سعد
هزار چشان اصل الجاوشیر ع بجیم والف و واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی ف
بیخ گاوشیر ل جاوشیر اصل الکبر ع بفتح کاف و موحده و را مهمله ف بیخ کبر اصل اللوز المر
ع بفتح لام مشدد با ثانی و سکون واو و ضم زا معجمه و سکون لام ثالث و ضم میم ف
بیخ بادام تلخ ه کڑوی بادام کی جڑ اصل المر ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون
لام ثانی و ضم میم ف بیخ مر طح ی ۲ تمنیق السین المهمله اصابع هرمس
ع بفتح اول و ثانی و کسر موحده و عین مهمله و ضم ها و سکون را مهمله و ضم میم و سکون
سین مهمله ف گل سورنجان طح ی ۲ ل سورنجان اصل السوس ع بضم سین
مهمله مشدد و سکون واو ف بیخ مهک ه ملهٹی و مرہٹی طح مع ب دی گویند
ب ی اش یکدرم تا دو درم اصل الکرفس ع بفتح کاف و را مهمله و سکون قاف
بیخ کرفس ه اجمود کی جڑ تمنیق الضاد المعجمه اصل السوس الابیض ع بضم سین مهمله

در طعام بهتر ترشی آنرا استعمال کنند سرد و خشک ست در درجه دوم و قابض ست ابریسا ... آسمان گون ست

۳۶

مشدد وسکون واو وفتح سین مهمله ثانی وضم نون وسکون لام وفتح تحتانی وسکون
ضاد معجمه ف بیخ سوسن سفید که در سوم درمیان بنفشه میروید ومشهورست به بیخ بنفشه
وگویند قسط شیرین تمنیق الفاء اصل الاصفع ع بمد همزه وفتح صاد مهمله وسکون فا ف
بیخ کبر اصل اللوف ع بضم لام مشدد ثانی وسکون واو ف بیخ پیلگوش طح ی ۳
تمنیق الکاف اصطرک بفتح اول وکسر نیز وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وراء مهمله وسکون
کاف ف میعه وگویند صمغی ست که از درخت روم حاصل میشود وبعضی گویند کز زیتون ست
طح ۳ ی ۱ گویند ح ی ۲ تمنیق اللام اصل التبنول ع بفتح فوقانی مشدد وسکون
نون وضم موحده وواو مجهول ولام م بیخ پان ه کلیجن اصل الفلفل ع بکسر هر دو فا
وسکون هر دو لام ف بیخ فلفل دراز وفلفلمویه ه پیپلا مول ل دار فلفل اصل النیل
ع بکسر نون مشدد وسکون تحتانی ف بیخ حب النیل ه کوادودی کی جڑ طح ی ۱
تمنیق النون اسطفین ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله وکسر فا وسکون تحتانی
ونون م اسطفین که هندگوزیشد اصل الرسن بفتح راء مهمله مشدد والف وفتح سین مهمله و
نون ف بیخ زنجبیل شامی گویند نوعی از فیلجوش ست طح ی ۲ گویند اصل الماذریو
ع با میم والف وفتح زاء معجمه وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف بیخ نجنگشت
طح ی ۳ تمنیق الهاء اصل الکشاه ع بضم کاف بثلثه والف واظهار ها ف بیخ کرفس
اصول الاربع ع بضم اول م ثانی وسکون واو وضم لام ثانی وفتح همزه وسکون راء مهمله و
فتح موحده وعین مهمله م وها ف بیخ کاسنی م بیخ رازیانه وبیخ کبر وبیخ کرفس تمنیق التحتانی
اصابع الغداری ع بکسر غین معجمه وذال معجمه والف وکسر راء مهمله وتحتانی ف نوعی از
انگور سیاه وآنرا انگور زیتونی خوانند ه کالی داکه طح د اصل الانجدان الخراسانی
ع بفتح همزه وسکون نون وضم جیم یا دال مهمله والف وکسر نون ثانی وسکون لام ثالث
وضم خاء معجمه یا راء مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر نون م اشترغاز اصل الخنثی

٣٧

ع بضم خاء معجمه و سکون دال مهمله و الف مقصوره ف بیخ گیاه سرشته طامع ح ب

اصل السنبل الهندی ع بضم سین مهمله مشدد و سکون نون و ضم موحده و لام ثانی

و سکون لام ثالث و کسر ها و سکون نون ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی م اصل السنبل

اصل السوسن الاسمانجونی ع بضم سین مهمله مشدد و واو مجهول و فتح سین مهمله ثانی

و کسر نون و سکون لام ثانی و همزه و سکون سین مهمله ثالث با میم و الف و سکون

نون و ضم جیم و سکون واو و کسر نون ثالث و تحتانی ساکنه م ایرسا ف بیخ بنفشه

مشهور است و فی الحقیقت بیخ سوسن کبود است ط ح ی ۲ ق ملطف مسخن مفتح

منضج خ تازه که خورده و سوراخ دار نباشد ش تا دو مثقال ص عسل ل در سهام

ثلث وزن آن مازریون با بست مثقال نیز شتر اصل النیلوفر الهندی ع بکسر نون

مشدد و سکون تحتانی و ضم لام و واو مجهول و فتح فا و کسر را و حمله و سکون لام ثانی

و کسر ها و سکون نون و کسر دال مهمله ف بیخ نیلوفر هندی که قل و نافیه است و کنول

گی جر ط ب د ۲ گویند ی تنسیق الضاد المعجمه تمنیق الموحل اضراس الکلب ع بفتح و ال

و سکون ضاد معجمه با را مهمله و الف و ضم سین مهمله و سکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده م اصابع

کهنکا تمنیق الطا المهمله اصمط بالفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون صاد و طا مهمله م الطماط تنسیق

الطا المهمله و تمنیق الالف اطار بفتح اول و ثانی و الف و همزه م ارطی اطیسا بالفتح اول و سکون طا و مهمله و کسر میم

و سکون تحتانی و سین مهمله م برنجاسف ف بوی مادران و مارکنده تمنیق الطاء

المهمله الملماط و اطموط و اطیوط بالفتح اول و سکون ثانی با میم و الف و طا مهمله ثانی در

لغت اول و ضم میم و سکون واو و در لغت ثانی و ضم تحتانی و سکون واو در لغت ثالث

م فندق هندی که ریٹها گویند غله سر طح ۳ و آل و بزیدان تمنیق اللام اطریفل

ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر را و مهمله و تحتانی مجهول و فتح فا و سکون لام و معرب

تریپلا که عبارت از هلیله و بلیله و آمله باشد تمنیق النون اطراف زیتون ع بفتح

آن ابریشم
بجا ردانگ
وزن آن بیست
اترج بادرنج
سوس بادرنج
و آن نوعی
از ریحان
کوهی است
در دامن کوهسار
و صحرا باشد

۳۸

اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف ثانی و کسر فاء و فتح راء معجمه و سکون تحتانی و ضم موحده تحتانی
و سکون واو و نون ف شاخهای زیتون طب ۲ تمنیق الهاء اطباء الکلب ع
بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح کاف و سکون
لام ثانی و فتح موحده و خفاء هاء ف سپستان ه الکسوطرا اطریع بکسر اول و سکون ثانی
و کسر راء مهمله و فتح تحتانی ف حلوای رشته و تماج ه سینوی طح ۱ تنسیق
الطاء المعجمه و تمنیق الموحده اطفار الطیب ع بفتح اول و سکون ثانی با میم و الف
و طاء مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ف ناخن صدف و ناخن دیو و ناخن
براو و ناخن پریان ه ملکه طح ی ۲ ق ملطف و مقوی کبد خ آنچه مائل بسفیدی
باشد ش نیم درم ص گل مختوم یا قرص باطین ارمنی ل اقحوان یا قصب الذریره
تنسیق العین المهمله و تمنیق النون امین السرطین ع بفتح اول و سکون عین
مهمله و ضم تحتانی و نون و فتح سین مهمله مشدده و راء مهمله و الف و کسر طاء مهمله و سکون
تحتانی ثانی و نون ف تخم بنجنکشت لا سبنهالو کی بیج تنسیق الغین المعجمه و
تمنیق الراء المهمله اغبر ع بفتح اول و سکون غین معجمه و فتح موحده و سکون راء مهمله
ف توتیائی که مرکب ست از سنج و توتیار کرمانی و نبات مصری تمنیق السین
المهمله اغرسطین یعنی ثانی بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح سین مهمله و کسر طاء
مهمله و سکون سین مهمله ثانی م ثیل ف بیدگیا اغیرس بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی و کسر و ضم راء مهمله ع جوز رومی که گویند که باصبع اوست اغنیس بفتح اول
و کسر ثانی و سکون تحتانی ف بنجنکشت تمنیق الهاء اغالشیه ف بعد اول و ثانی
و الف و سکون لام و فتح موحده فارسی و شین معجمه و خفاء هاء م درخت سکه تمنیق
التحتانی اغالوجی بفتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون واو و کسر جیم و سکون تحتانی
ف عود و بعضی گویند درخت هلیلج اندک تلخ اهلیلجی بکسر اول و فتح ... و سکون ثانی و کسر لام

وسکون تحتانی وکسر قاف و تحتانی ثانی ف دوشاب تمنیق الفاء و تمنیق الفوقانی
آفتاب پرست ف نیلوفر و بوقلمون نیز گویند و گلیست که بهر جانب آفتاب بگردد
بر گمایش و بدان جانب کنند و اهل هند گل کیودرا گویند تمنیق الجیم افشرج ع
بفتح اول و سکون فا و ضم شین معجمه و فتح راء مهمله و سکون جیم ف معرب افشرده یعنی
عصاره هر چیز افرغنج بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح غین معجمه و سکون نون
المشوش تمنیق الراء المهمله افکار بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و راء مهمله
تمنیق الکاف آفتاب گردک بفتح اول و سکون ثانی با فوقانی و الف و ضم
و فتح کاف فارسی و سکون راء مهمله و فتح دال مهمله و کاف م آفتاب پرست افرنجمشک بفتح
اول و کسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون نون و فتح جیم و کسر میم و سکون
شین معجمه ف بالنگوی خورد و ریحان قرنفلی ه گویند تلسی طح ی ۲ ض نفث
ل قرنفل افشنک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون کاف م
شبنم تمنیق النون افاسون بفتح اول و ثانی و الف و ضم سین مهمله و سکون واو
و نون ف روغن ترب ه مولی کا تیل افتیمون بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی
و سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو و نون ه اکاس بیل و امربیل طح ی ۳ ف مسهل
سودا و منفتح و منقی خ افریطی یا مقدسی بهرخ تخم تازه ش از مطبوخ پنجدرم تا هفت درم
و از جرم او دو درم تا سه درم ص کتیرا یا رب سیب یا سکنجبین یا روغن بادام ل جاشا
[illegible] و نیم یا تربد بوزن او یا اسطوخودوس م بسفایج افربیون بفتح اول و ثانی و
سکون راء مهمله و کسر موحده و ضم تحتانی و سکون واو و نون م فرفیون ف [illegible]
[illegible] سینه کاد و افسان ع بفتح اول و سکون ثانی با سین مهمله و الف و
نون م سنگ فسان افسنتین بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون نون
و کسر فوقانی و سکون تحتانی ف برنجاسف کوهی و گویند نوعی از درمنه ه مجری و ستار

طح ای ۲ گویند م ۲ ق مفتح و مسهل صفرا و قاطع دیدان خ تازه زردش ازحرم او
تا دو درم و در طبیخ از پنج بسعم تا هفت درم و از عصاره‌ها و یکدرم تا یکمثقال ص انیسون
یا نیلوفر ل جعده یا شیح ارمنی یا قیصوم و در تقویت معده اسارون یا نیموزن ن
هلیله زرد افلاطون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و لام و الف و ضم طاء مهمله
و سکون نو او م مقل ه گوگل طح ۳ ای ۲ د گویند ح ۲ ق جالی و محلل و ملین با قوت تریاقیت ص
در باب بیه کتیرا و در باب کبد زعفران ش یکدرم ل دو ثلث آن مرمکی و ربع آن صبر سقوطری افلیون
یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم لام و سکون و او ف درمنه کوهی فیون ن می دفار
بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون و او ف شیر خشخاش ۲ افیم طب ی ۳ ق مخدر و مسکن اوجاع
نخ در آب گرم زود حل شود و در آفتاب گرم نرم شود ش یکعدس تا دو عدس ص
فلفل و دارچینی و سکنجبین و گویند بزر کرفس و جند بید ستر ل سه وزن وی بزر البنج و
یکوزن لفاح تمیق المعاء افاویه ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر و او و فتح تحتانی خفا ها
ف داروهای گرم چون قرنفل و خولنجان و دارچینی اغلنجه ع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح لام و سکون نون و فتح جیم م ملیخه تمشیت مانند نرول و بیشتر در عطریات
استعمال میکنند خ چون بدست بمالند بوی سیب دهد تمیق التحتانی افعی ع بفتح
اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ف مار مشهور طح ی ۴ ق ملطف
خ ماده‌اش باز گوشت او ۲ مثقال ص تریاق ل مار تنسیق القاف و تمیق الالف
اقاقیا بفتح اول و قاف و الف و کسر قاف ثانی با تحتانی و الف ثانی م عصاره قرظ
و نلغل طح شسته وی ب ۲ ی ۳ و ناشسته ب ا ی ۲ ق قابض مجفف مثل
نیمدرم ص لبوب ل حضض یا صندل و عدس مقشر یا سواد القصاد یا دم الاخوین
اقلیمیاع و یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر تحتانی
ثانی و الف ف ثفلی ست یا دردی ست که بالای بوته طلا یا نقره باشد در الک

می‌سپید بهر ان چیزی از طلا و نقره چون جبها طاهر باشد طمع ح ب ی ۲ ق
مجفف خ چون در سرکه ساعتی رها کنند طلا یا فضه از وجد النشود و چندان نه در عیشند
و جبهای ثقیل زرین سیاه کل الشقرت و بقدر شورش نیم مثقال ص روغن بادام ل
مرداسنگ سفید یا توتیا تمنیق السین المهملة افسوس بفتح اول و سکون ثانی و
ضم سین مهمله و سکون واو و سین مهمله ثانی م سورنج عسلی و ربق تمنیق الطاء المهمله
اقطع بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء مهمله م قروت ف کشک و پنیوب
تمنیق النون اقارون رومی بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون واو و نون
ع عود الوج ف اگره تج اقحوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حاء مهمله با واو و الف
و نون ف بابونه کاوه مرهتی طح ی ۲ گوینداگوینده ح ۳ ی ۲ ق محلل ملطف مدر
منوم خ سبز برگ که بیرون گلش سفید و اندرون زرد باشد و تلخ بش و دو درم تا سه
ص انیسون و گویند حب الآس ل شیح اقطن بینی بفتح اول سکون ثانی و کسر طاء مهمله و سکون نون
ف ماش و شبیرازی بنو ماش ه مونگ اقویلاسمون رومی بفتح اول و ضم ثانی و کسر
واو و سکون و فتح تحتانی با لام و الف و فتح سین مهمله و ضم میم و سکون واو و ثانی ف
روغن بلسان تمنیق التحتانی اطنا ارانیقی و اقطنالوقی یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و کسر طاء مهمله با نون و الف و فتح همزه و راء مهمله و الف ثانی و سکون تحتانی و کسر قاف
و سکون تحتانی و در لغت اول و ضم لام و سکون واو و کسر قاف ثانی در لغت ثانی ف بادآورد
و بهمامه قطی یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و نجت بیل ه هندی بیل کار و که
قمان البریان الهندی ع بفتح اول و سکون ثانی با میم و الف و ضم عین مهمله و راء مهمله مشدد با میم
مشدد ثانی و الف ثانی و کسر نون و سکون لام و کسر یا و سکون نون ثانی و کسر ال
مهمله ف نارمشک ه ناکیسر اقومالی یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو با میم و الف
و کسر لام ع ماء العسل ف آب شهد ه شهد کا پانی تلنیق الکاف و تمنیق الالف

اهل هند جادو ترسی خوانند گرم و خشک ست در دوم بسل ... هندی ... خوانند ... در یک درجه و خشک ست

اکلکراف بفتح اول وکاف وسکون لام وفتح کاف ثانی با راء مهمله والف ع عاقرقرحا
تمنیق الفوقانی اکتمکت سریانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون فوقانی ثانی وفتح میم
وکسر کاف ثانی وسکون فوقانی ثانی ف خایۂ ابلیس ه کرنجوا طح ۲ ی تمنیق
الثاء المثلثه اکشوث ع بضم اول وسکون ثانی وضم شین معجمه وسکون واو وثلثه
م کشوث خ تخم قسمی از ابریل تمنیق الجیم اکج بمد وفتح اول وثانی وسکون جیم ع
تفاح بری م زعرور ف کیل اکخ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه م حلاج
تمنیق السین المهمله اکارس ف بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وسکون
سین مهمله ع کمات ه کھنبی اکرفس بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون فا
م کرفس ه اجمود اکروفس رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو و
فتح فا ع جوز رومی است گویند که با صمغ اوست تمنیق الضاد المعجمه اکلیل ابوض بکسر
اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وکسر لام ثانی وفتح همزه وسکون ها وفتح
واو وسکون ضاد معجمه ه تخم اونٹگن تمنیق الکاف اکرذنک بفتح اول وسکون ثانی
وضم راء مهمله وسکون واو وفتح ها وسکون کاف م انزروت آک ه بمد اول وسکون
ثانی ع شجر عشر اکلیل الملک ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وضم
لام ثانی وسکون لام ثالث وفتح میم وکسر لام رابع ف گیاهی قیصر فرریره اسیر
که از ان رنگ زنگاری سازند طح ی اق مجبل ملین منضج خ تازه رسیده زرد
مائل بسفیدی که از شگافتن دانه زرد داشته باشد ش یکدرم تا دو درم ص عسل
بالطبخ آش ل نمیونت ورق انجیر یا فراسیون یا البان یا پودنه بوزن آن یا حلبا
تمنیق النون اکارقیون بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم قاف
وسکون واو ونون ف تخم زیتون دشتی المونیزان بفتح اول وسکون ثانی وفتح
میم وکسر او وسکون تحتانی وزاء معجمه والف ف نوعی از کرسنه تمنیق الهاء اکل الفسه

ع بعد و ضم اول و ثانی و لام و فتح نون و سکون فا و سین مهمله اظهار یلهم فرفیون
تمنیق التحتانی اکا هولی ه بهما اول و ثانی و الف و ضم ها و سکون واو و کسر لام و
سکون تحتانی دوائی ست هندی دافع سم یعنی سوزاک تمنیق الکاف
الفارسی و تمنیق الفوقانی اکن هنت ه بفتح اول و کسر کاف فارسی و سکون نون
و فتح میم سکون نون ثانی و فوقانی ه اکونت دارفی طح تمنیق الواء المهمله
اگروف بکسر اول و ثانی فارسی و سکون راء مهمله ع وج ه بج و بفتح اول ثانی اگورف
بهما اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو م خشت پخته که آنرا بعربی اجر گویند
تمنیق اللام و تمنیق الالف السا بفتح اول و سکون ثانی با سین مهمله و الف ف
تا نخواه ه اجواین الواف بکسر اول و سکون ثانی با واو و الف ع صبر تمنیق الموحده
آلب بکسر اول و ثانی و سکون موحده ع ه ایلوا تمنیق الجیم النج ف بهما اول و ضم
ثانی و سکون نون و جیم م آلوچه الوج بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو ف گالزلیک
و آن نوعی از مخلصه ست تمنیق الراء المهمله السنة العصافیر ع بفتح اول و سکون
ثانی و کسر سین مهمله و فتح نون و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و فتح عین مهمله و صاد مهمله
و الف و کسر فا و سکون تحتانی و راء مهمله م لسان العصافیر ف اهره اندرجو الغنجا
ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون نون با جیم و الف میوه ایست
شبیه بزرگ آلو که رنگش سبز و منقش و زرد و دیگر الوان نشو و طعمش سنجوش بود م
گروه آلو و آلو کرده و خلو کرده تمنیق السین المهمله آلبانیس بفتح اول و سکون
ثانی با موحده و الف و کسر نون و سکون تحتانی و سین مهمله ه ساگ چولائی الماس م
بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف ف ماس ه هیرا تمنیق الطاء المهمله البطو
بفتح اول و کسر ثانی و سکون موحده و ضم طاء مهمله و سکون واو و طاء مهمله ثانی
ف گشت برگشت ه بهنهلی الطرومی بفتح اول و ثانی ع سنبل الطیب ه بالچهڑ

تمنیق اللام آل ف بمد اول وسکون لام نوعی از ماهی فلوس دار که آنرا بال و
دال نیز خوانند ودرختی ست که از بیخ آن رنگ سرخی حاصل شود مانند رنگ وقال
وازان جامه رنگ کنند ودر دواها بکار دارند تمنیق المیم آلم دف بفتح اول وضم
ثانی وسکون میم م ارزن تمنیق النون آلانیون رومی بفتح اول وثانی والف
وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی م رسن تمنیق الواو آلاو ف بفتح
اول وثانی والف وواو مجهول م آتش آلو ف بمد اول وضم ثانی نام میوهٔ معروف
ع اجاص آلیو بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی ه گولر تمنیق الهاء آلغونه آلگونه
ف بمد اول وسکون ثانی وضم غین معجمه در لغت اول وضم کاف فارسی در لغت
ثانی وسکون واو وفتح نون واخفا ها م سرخی که زنان بر روی مالند م غازه
آله بفتح اول وضم ثانی واظهار ها ف عقاب ه گیده وبفتح ثانی واخفا ها ف ع
سقل ازرق وبمد اول وفتح ثانی واخفا ها ف ع سنبل الطیب آلیع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح تحتانی ف گوسفند ه ونبی کی بو نجهط ع دف ملین خ نام
از حیوان فربه جوان ص زنجبیل وفلفل و دارچینی وسرکه ل سمین تمنیق التحتانی
آلاطینی رومی بفتح اول وثانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی وکسر نون وسکون
تحتانی ثانی م لبلاب ه عشق پیچه آلایجی ه بکسر اول ولام والف وکسر تحتانی وجیم
فارسی وسکون تحتانی ثانی ع قاقله آلسی ه بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله ع
بزرکتان تلنیق المنیم وتمنیق الالف آمراه بمد اول وبی مدنیز وفتح میم ورا مهمله
والف م میوه هندی ست مشابه بانبه تمنیق الفوقانی امروت ف فارسی بفتح اول
وسکون ثانی وضم راء مهمله وفوقانی م امرود آملبیت ه بفتح اول وثانی وسکون
لام وکسر موحده وسکون تحتانی واخفا نون وفوقانی م ثمر درختی هندیست
تمنیق الجیم آلنج ع بمد اول وسکون ثانی وفتح لام ف آمله ه آنوراطب گویند

۴۵

۴۶

ای ۲ ق قابض و مجفف و مقوی دماغ و معده و مفرح دل و گویند مسهل سودا و خ
سیاهی که لونش مائل بسرخی باشد و تیز بوی ش یکمثقال تا سه درم ص عسل
یا شراب بخیل شیر آمله یا هلیلهٔ سیاه یا کینیم و زن بلیله تمنیق الدال المهمله امرود
ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو ع ناشپاتی تمنیق السین
المهمله اموس بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و سین مهمله ف زبان گنجشک
ه اجوائن تمنیق الضاد المعجمه اصار الارض ع بفتح اول و سکون ثانی و عین
مهمله و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح همزهٔ ثانی و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ف
زغار کرم م خراطین ه کینچوا تمنیق النون اماموں یونانی بفتح اول و ثانی و الف
و ضم میم ثانی و سکون واو و نون م حماما امعا سین رومی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح عین مهمله و الف و کسر سین مهمله و سکون تحتانی و نون ف آب غورهٔ انگور
ه دا کھه کا پانی امغیلان ع بضم اول و کسر ثانی مشدد و غین معجمه و سکون تحتانی با لام
و الف ف مغیلان ه کیکر و ببول طب ی ۲ گویند ق قابض مجفف ش بقدر
حاجت ص بنفشه تمنیق النون و تمنیق الالف انار گیراف بفتح اول و ثانی و الف
و راء مهمله و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با راء مهمله و الف ثانی م غورهٔ خشخاش یعنی کوکنار
انتله سود اسیر یانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و فتح لام و همزه بلعینه و فتح سین مهمله
و سکون واو با دال مهمله ع ماه فرفین و صد واره زرسبی انجسا بفتح اول و سکون ثانی و
کسر جیم و ضم نیز و سین مهمله و الف م شنکار انحفطینا سیریانی بفتح اول و سکون نون و فتح
و کسر حاء مهمله و سکون فاء و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی و نون ثانی و الف ع جلنار ف
گلنار انذر اف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله با راء معجمه و الف
م گاو زهره و آن سنگی ست که در میان زهرهٔ گاو سکون شود و یا در میان شیردانش
و بیشتر از گاو هندوستان بهم رسد و مانند پادزهر بود و مدر لون و خاصیت ع حجر البقر

انسانا بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله والف با شلشع زبیب الجبل ف مویزج ه
لندره انطونیا یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وکسر نون و
تحتانی ف کاسنی رومی طب ر آ انقردیار رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف
وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله وتحتانی ف بلادر ه بهلانوا انگارا ه بفتح اول وسکون
ثانی باکاف فارسی والف با راء مهمله ف اخگر انگورفا بفتح اول وسکون ثانی با کاف
فارسی وکسر راء مهمله وشین معجمه وفاع عنب الثعلب ف روباه تربک ه مکوه ویرپوتن
انوباف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو با موحده فارسی م کاسنی وگویند گاوزبان تلخ
انولاه بمد اول وخفا نون ثانی وفتح واو با لام والف ف املطب ی انومیا
رومی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر میم با تحتانی والف سیم شقایق ف گل لاله
تمنیق الموحده آنب بفتح اول وثانی وسکون موحده ف بادنجان انفحة الارنب
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وخاء معجمه وضم فوقانی وسکون لام وفتح همزه وسکون
راء مهمله وفتح نون ثانی ف پنیرمایه خرگوش تمنیق الفوقانی انزروت ع بفتح اول
وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو وفوقانی ف کنجده ه لامی طح
ای اق مدبل واکال خ سفید مائل بزردی ش نیم سعر تا یکدرم ص صمغ عربی با روغن
جوز ل یکوزن نشاسته ونیم وزن صبر انگشت ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون
سین مهمله ف تمنیده عنکبوت انگشت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی
وسکون شین معجمه م زکال ه گویا اخسته میوه ها را نیز گویند تمنیق الجیم انج ف بمد
اول وفتح ثانی وسکون جیم م زعرور انجوج بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون
واو ف عود هندی اگر تمنیق الدال المهمله ابرود ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح موحده وضم راء مهمله وواو مجهول ودال مهمله م امرود اندف بفتح اول وسکون ثانی
م مهلک ع سوسن انذرود ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله م

انزروت انگزروف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی و فتح زاء معجمه فارسی صمغ درختیست که در ایران است و بشیرازی نگشتک کنند گویند ع حلتیت ه هینگ تمنیق الراء المهمله انجبار
رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون موحده والف وراء مهمله بهمین نام مشهور است
طب ای ۲ ق منقی قروح شش وحابس دم وملین طبع ش یکمثقال تا دو مثقال
انجیر ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی ع تین انگور بفتح اول وسکون
ثانی وضم کاف فارسی وسکون واو ه داکهه ق سهی تمنیق السین المهمله اناغلس
بفتح اول وثانی والف وکسر غین مهمله وسکون تحتانی وضم لام وسکون سین مهمله م
مرزنگوش انبرباریس ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون راء مهمله با موحده
ثانی والف وکسر راء مهمله ثانی وسکون تحتانی ف زرشک ه زرشک طب ی ۲
خ بکمال خود رسیده سرخ مائل بسیاهی شیره مارص جلاب بل تخم گل وچهار دانگ مهٔ زن
آن صندل وسیح سماق آندرو طاقس بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم راء
مهمله وسکون واو باطاء مهمله والف وکسر قاف نوعی از نخود النفحة الفرس ع ف
پنیرمایه اسپ تمنیق الفاء انفحة الخشف ع بکسر خاء معجمه وشین معجمه وسکون قاف پنیرمایه
بچه نرینه بز کوهی که ایل باشد تمنیق القاف انفاق ع بفتح وکسر اول وسکون ثانی
وفا والف وقاف ف روغن زیتون تمنیق الکاف انارمشک ف بفتح اول وثانی
والف وراء مهمله وکسر میم وشین معجمه وکاف م نارمشک ه ناکیسر انجرک بفتح اول وسکون
ثانی وکسر جیم وفتح راء مهمله ف مرزنگوش ه مروا انجکک ع بفتح اول وسکون ثانی
وضم جیم وفتح کاف اول وسکون کاف ثانی م محلب ه کهنیلا انکع بدا اول و
ضم ثانی ف سربه سیسا تمنیق اللام انجل بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون
لام ف خطمی انفحة الجمل ع بفتح جیم ومیم ف پنیرمایه شتر ق مبی خ از اشتر اعرابی
انفحة العجل ع بکسر عین مهمله وسکون جیم ف پنیرمایه گوساله تمنیق النون انارین

بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ونون ثانی ف انگاریس
انجدان ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وفتح دال مهمله والف ونون ف درخت
انگوزه ه بینگ کار وکمه طح ی ۳ ق مدر محلل وملطف خ سفیدش بکید و
قطل ل بیخ آن یا دو دانگ وزن آن حلتیت یا تخم جزر یا کمون کرمانی انجبن بفتح
اول وسکون ثانی وفتح جیم ف سرو دارو دی شیم آندراین بکسر اول وسکون ثانی و
فتح دال مهمله وراء مهمله والف وکسر تحتانی وسکون نون ع حنظل طح ق ملین و
مسهل آندروخارون ف نباتی ست که در کشت گندم وجو روید وقسمی بو بخور ... اند و
سرخ وطعمش بغایت تلخ آندروخورون ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم راء مهمله و
واو مجهول وضم خاء معجمه وسکون واو ثانی وضم راء مهمله ثانی وسکون واو ثالث گویند از تشیعات حیوة
مرکب که در مستعمل ست وآنرا هم بدین نام خوانند آندروبارون بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وضم راء مهمله و واو مجهول باء والف وضم راء مهمله ثانی وسکون واو ثانی
یعنی آندروخارون انسان ع بکسر اول وسکون ثانی با سین مهمله والف ف آدمی
ه مانس ومشکه انقطریون بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون طاء مهمله وکسر راء
مهمله وضم تحتانی وسکون واو ونون ف کهربا ه کیعه انقون رومی بفتح اول وسکون
ثانی وضم قاف وسکون واو ف گل یا باده ه سداب گلاب انگبین ف ع عسل
شهد ه مهو ومد انگدان ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی با دال مهمله
والف ع انجدان آنیسون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون
واو م رازیانه رومی ه سولف طح ی ۳ ق ... مدر مغشی خ رومی تازه ش نیمد ص
تخم رازیانه یا ربلبسوس ل تخم شبت یا کرویا یا دو ... آن رازیانه تمیق الواو
آندرجو ه بکسر اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون واو
ع لسان العصافیر آنیمو بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم وضم تحتانی ف درخت

۴۹
غلط کنند
وبعد از آن
باب الثا...

بزرگ بقیاس خرمای هندی و بوقت رستن با برگ وگل و بار میر و یدکا بزبان مالوه
جهارا گویند تمیق الماء انبکه بفتح اول وسکون موحده وفتح لام وخفاء ها م تمر هندی
انجره بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وفتح راء مهمله ف تخم گزنه ه اننگن کی بیج ط
برگ او ح ی ۲ ف ملطف ص صمغ عربی وکتیرا ل حرف وقردمانا یا تخم گندنا انجیده
ف ویونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وفتح دال مهمله ف
گندنای کوهی انجیره بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وفتح راء مهمله
م انجیر انشره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء فارسی م غلاف السکع عدس
مسور انسته ف بضم اول فتح ثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی ع سعده مو تها النفحه
الوحشیع بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا وفتح خاء معجمه وضم فوقانی وسکون لام وکسر
حاء مهمله با میم والف وکسر راء مهمله وسکون لام ثانی وفتح واو وسکون حاء مهمله ثانی
وکسر شین معجمه وفتح تحتانی مشدد ف پنیر مایه گور خر انفحه ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
فا و خاء معجمه وخفاء ها ف شیران وپنیر مایه هـ چیتا ط ح ی ۳ ق ملطف
محلل ومقوی دماغ خ انجیاز و ازاله تری نموده باشند مش دود انک واشتر بگیرد انگ
ص عسل یا انبر باریس ل مراره انکمه بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف وفتح میم ف خاربگز
ه چرچرا انگژه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وفتح زاء فارسی ع حلتیت
انیژه ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح زاء فارسی م بوی مادران تمنیق
التحتانی انالیقی وی بفتح اول و ثانی والف وکسر لام وسکون تحتانی وکسر قاف
وسکون تحتانی ثانی م ابهره انبلی ه بفتح اول وسکون ثانی وموحده وکسر لام ف
تمر هندی انبوت الراعی بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو وضم
فوقانی با راء مهمله مشدده والف وکسر عین مهمله م نوعی الحی العالم انبوت ملکی بفتح
اول وسکون واو وکسر فوقانی وفتح میم وکسر لام وکاف ف بستان افروز نجیر دشتی

تره مس
یا قلاد مصری
دشامی و هندی
جباد گویند
تره مس تخم
نوعی سفید
است بتفحص
پیدا شود
تا صیقلش

بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح دال مهمله وسکون شین
وکسر فوقانی م انجیر ادم ه گولر وگویند انجیر جنگلی است ا کٹھو نبری النفخة الطبع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح فاء وخاء معجمه وضم فوقانی وفتح ظاء معجمه مشدد وکسر موحده ف
پنیر مایه آهو تنسیق الواو وتمیق الالف اوماد یونانی بضم اول وسکون واو وبا میم
والف ودال مهمله والف ثانی م عصاره قثاء الحمار تنمیق الجیم اورنج ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون نون وجیم م سک انگور بضم اول و واو مجهول ف
چوب خوشه انگور که انگور او اچیده باشند اوکنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی وسکون نون وجیم م پستان آولنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وسکون نون م اورنج تنمیق الدال المهمله اود بهده بفتح اول وسکون ثانی
مجهول ودال مهمله وکسر موحده واظهار هاء م پان کالون اوسیب بضم اول وثانی ساکن
وکسر سین مهمله وموحده فارسی وتحتانی مجهول ف نوعی نیلوفر هندی طح ی تمیق الدال
المهمله اوذر یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح ذال معجمه وسکون راء مهمله ف آب
یابانی وحل اورف بضم اول وثانی مجهول م گردگان وبادام وجوز هندی وپسته وامثال
آن که مغز آن ضایع وتیره شده باشد تنمیق الزاء المعجمه اوزع بضم اول وسکون ثانی
وزاء معجمه ف مرغابی طح تنمیق السین المهمله اورس ف بفتح اول وسکون ثانی
وراء معجمه وسکون سین مهمله م سروکوهی ع ابهل آوتانیس بفتح اول وسکون ثانی با نون
والف وکسر نون ثانی وسکون تحتانی ف شنگوفا نار تنمیق العین المهمله اوشع
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون عین مهمله ف جانوریست تنمیق النون
اوداسالیون یونانی بضم اول وسکون ثانی ودال مهمله والف وسین مهمله والف ثانی
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی م کرفس کوهی اوقطاریون بفتح اول وسکون
ثانی وفتح قاف وطاء مهمله والف وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو م غافث اوثمین

یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون تحتانی وفتح میم م بادروج آویشه
ف بمد اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه صعتر وبزبان عراق کالونی
وبگیلانی کنکتو وبترکی کلیک اوتی خوانند سائل مروا تمنیق الهاء آویشه ف بمد
اول وکسر ثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه وخفاء ها ص اویس تمنیق التحتانی اوریا
داومالی یونانی بضم اول وسکون ثانی ورا مهمله وبی را مهمله نیز ومیم والف وکسر لام
وسکون تحتانی ع دهن العسل ف عسل م اوروان روغنی ست که از ساق درخت
حاصل میشود ومانند عسل ست اسطبری وشیرینی طح دخ کهنه غلیظ صافی آونهالی
یونانی بضم اول وفتح نیز وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ثانی با میم والف وکسر لام
ف شراب وعسل تمنیق الهاء وتمنیق الدال المهمله اهلیلج اسود ع بکسر اول و
سکون ثانی وکسر لام وتحتانی مجهول وفتح لام ثانی وکسر جیم وفتح همزه وسکون سین مهمله
وفتح واو وسکون دال مهمله ف هلیله سیاه ه زنگی هر طب ای ۲ ق مسهل خ
هندی ش از یک درم تا دو درم ودر مطبوخ از هفت درم تا ده درم ص عسل گویند
روغن زرد هلیله کابلی تمنیق الراء المهمله آهر ف بفتح اول وسکون ثانی ورا مهمله
م درخت بلسان العصافیر اهلیلج اصفر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وتحتانی مجهول
وفتح لام ثانی وکسر جیم وفتح همزه وسکون ضاد معجمه وفتح قاف هلیله زرده هر زنگی طب
ای ۲ ق مسهل صفرا ومقوی دل ومعده خ فربه ش از درم او سه درم تا پنج درم ودر مطبوخ
از هفت درم تا ده درم وتا بیست درم ص قند یا ترنجبین بآب گرم یا عناب ل پوست
انار اهمر ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم م شغال تمنیق الطاء المهمله اطال
بکسر اول وسکون ثانی بالام والف وضم لام ثانی وسکون لام ثالث وضم قاف
وسکون سین مهمله وطاء مهمله ف نوعی از بادرنجبویه تمنیق الکاف آکه ف بمد
اول وفتح ثانی وسکون کاف ه چونان ق مفرح وشسته اوا کال تمنیق التحتانی

۵۳

اهلیلج کابلی بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی مجهول و فتح لام ثانی وکسر
جیم با کاف والف وضم موحده وکسر لام ثالث ف هلیله کلان ه انبیا بر طب ی
ق مسهل سوراخ فربه کلان وگران که در آب فرو رود بیش پنجدرم تا ده درم ص
عسل ل هلیله سیاه ونیم وزن آن آمله اهودی ف بفتح اول وضم ثانی و واو مجهول
وکسر راء مهمله وسکون تحتانی م خردل ه رائی تنسیق التحتانی وتمیق الالف ایرسا
یونانی بکسر اول وسکون ثانی و راء مهمله وسین مهمله ف بیخ سوسن آسمانگونی برگل او
رنگهای زرد وسفید وبنفش وآسمانگون آمیخته ست وایرسا بمعنی قوس قزح ست و
این مشابه باوست ط ح ی ۲ ق منضج مفتح ملطف مدمل محلل اوساخ قروح بیخ سیاه
صلب بسیار گره خوشبو بیش دو درم ص عسل یا ربوب حامضه ل دو دانگ وزن آن
مازریون وسه وزن آن لبن اللفاح یا گز مازک وگویند نیم وزن آن زرا وند و در دمه
سینه بوزن آن کثیرا که الشیره انجره سرشته باشند ایلواه بکسر اول وثانی مجهول و
سکون لام و واو والف ع صبر تمیق الفوقانی انخشت ف بفتح اول وضم ثانی
وسکون خاء معجمه وضم شین معجمه وسکون فوقانی م زر وسیم ومس وآهن وروی
وجیوه واسرب ارزیز وامثال آن ع فلز تمیق الواء المهمله آبنگره بکسر اول
وسکون ثانی وخفاء نون وضم کاف فارسی ف شنگرف تمیق العین المهمله
ایدع رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وسکون عین مهمله ع دم الاخوین ف
خون سیاوشان ه هیرادکهی وگویند عفران تمیق اللام ایل ع بکسر اول وفتح
ثانی مشدد ف گوسفند وگاو کوهی وگویند گوزن تخ زرد رنگ که بکنار چشمه ها
و رودها وصحراها گردد تمیق النون آیرسان ف بکسر اول وسکون ثانی و راء مهمله
وضم سین مهمله وسکون واو ونون ع طلق ف برتک ه ابهرک آیرنیون بکسر اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وفاء وضم تحتانی وسکون واو ف بنفشه ایسقان بکسر اول

وسکون ثانی ورای مهمله با قاف والف م حنا ایرن بفتح اول وسکون ثانی و فتح رای
مهمله ف دوغ آیرون بفتح اول وسکون ثانی وضم رای مهمله وسکون واو ف گوگرد
زرد انیقاقیس بفتح اول وسکون ثانی و قاف و الف وکسر قاف ثانی وسکون تحتانی
ع عود ایهقان بفتح اول وسکون ثانی وضم ها با قاف و الف م جرجیر بیابانی ه کلی تیرا

توقیع الباء الموحدة وتمنیق الالف مع التمنیق الالف

باجراه بموحده والف وسکون جیم و فتح رای مهمله والف غلط الیست شهوف کاورس بام روا
بسکون دال مهمله و فتح رای مهمله و واو م بیر روه برنجا باقلاع بکسر قاف بالام و الف ه
باکلا و دال طح ب ع گویند بای ۲ و قسمی ست هندی که او را سیم گویند ق
قابض منضج محلل مهی خ فربه بزرگ خشک ش دو درم ص صعتر ل ملش بالا بموحده
والف و لام الف ه بالام نیج کاندل که از وسنخانه سازند و بربالا انیز گویند بانجه گکوڑا
ه بنجفار نون و فتح جیم و الف ها هندی و فتح کاف اول وضم کاف ثانی و واو مجهول و رای
مهمله هندی دوا هندی ست بانساه بنجفار نون و سین مهمله م اطوسا تمنیق الفوقانی
بارست بسکون رای مهمله و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله و فوقانی م آبنوس تمنیق
الجیم بابونج ع بضم موحده ثانی وسکون واو و فتح نون و سکون جیم ف بابونه
هرهتی وسونبل طح ی ق ملطف محلل مفتح ح بزرگ زرد گل ش یکقبضه گویند
شقال ص عسل بار و گل ل برنجاسف یا اکلیل الملک بادروج ع بموحده والف
و دال مهمله ساکنه وضم رای مهمله وسکون واو و جیم نوعی از ریحان ست که در کوه های قسر
ف تره خراسانی ه بابری و بابچی که تلسی جنگلی ست طح ۲ ی اق محلل مقوی و
منفح دل و حابس خون خ خوشبو تازه ش از تخم او ۲ درم ص بقلة الزهرا ل مرزنجوش
یا بادنجبویه بادنج بموحده والف و کسر دال مهمله و فتح نون ف جوز هندی و نارگیل ه
ناریل و کهوپره بارج ف بموحده والف و فتح رای مهمله م سک انگور تمنیق الجیم القارسی

باغچ ف بفتح غین معجمه وسکون جیم فارسی م انگور نیم پخته تمنیق الدال المهمله ف
بسکون دال مهمله وهمزه وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ثانی ع شوکة البیضا
ه دیهامانا وجوانساطح ی اگویند ب انج اوب ی ۲ ق مجفف خ سفید ورق تا ز
نش یکدرم ونیم ص افسنتین یا تخم کاهو ل شاهترج بارای کنده بموحده والف
وراء مهمله والف ثانی وکسر ها وسکون تحتانی وفتح کاف وخفاء نون ودال مهمله بدو ن
ها یعنی بارای کند نیز آمده بیخی ست هندی بازرد ع بموحده والف وفتح راء مهمله وسکون زاء
معجمه م قنه ف بیرزده بریجا طح ۳ ی ۲ بار ودسیاونی بموحده والف وضم راء مهمله و
خفاء واو ف نمک چینی تمنیق الراء المهمله بابسر بسکون موحده ثانی وفتح سین
مهمله وسکون راء مهمله ف برگ سنا بکی تمنیق السین المهمله بابلس بسکون موحده
ثانی وفتح لام وسکون سین مهمله م خشخاش بابس ف بموحده والف وضم فوقانی م ترنج
باسبوس ف بسکون سین مهمله وضم موحده وسکون واو م مرزنگوش باطس بکسر طاء
مهمله ع علیق وضم طاء مهمله م بالنک ه توت وبخورا بالوس ف بضم لام وسکون واو
وسین مهمله م کافور مسحوق بانس ه بخفاء نون ف نی طب ق ملین تمنیق الطاء
المهمله باطباط بسکون هر دو طاء مهمله ه غلهٔ رهر تمنیق القاف باروق بضم راء
مهمله وسکون واو وقاف ف سفیدهٔ قلعی ه بنگ تمنیق الکاف بانک ف بفتح
نون وسکون کاف ع حب البان تمنیق الکاف الفارسی بادرنگ ف بسکون
دال مهمله وفتح راء مهمله وسکون نون وکاف فارسی م نوعی از خیار و ترنج باترنگ ف
بسکون راء مهمله وفتح فوقانی وسکون نون ع لسان الحمل بالنک ف بفتح لام وسکون
نون نوعی از ترنج ست که بغایت نازک وشیرین باشد ه بخورا ونیز بادرنگ بای
ه بکسر تحتانی وموحدهٔ ثانی وراء مهمله وخفاء نون ف برنگ کابلی تمنیق اللام بابل ف
بفتح کاف فارسی وسکون لام م آب نیمگرم بال ف نوعی از ماهی بزرگی در دریا فرنگ

مهم سده ونسا و بسیار کند گوشتش خوش مزه او دع ماء العسل و ل تمنیق المیم با دام بدال مهمله والف ثانی ومیم ع لوز تمنیق النون با نجان ف بکسر فوقانی وسکون نون با کاف فارسی والف ونون ثانی م بادنجان بادنجان ف بکسر دال مهمله وسکون نون باجیم والف ه بیگن و بهانٹا طح ی ۲ ق مجفف نخ شیرین تازه ص روغن بادیان ف ه سونف بارسطاریون یونانی بکسر راء مهمله وسکون سین مهمله با طاء مهمله والف ثانی وکسر راء مهمله ثانی وضم تحتانی وسکون واو م نوعی از رعی الحمام بازنه بفتح راء مهمله پوست پنبه ه نرمه بان ف با موحده والف ه بکاین طح ی ۲ ق مجلی ملین مش یکدرم ص رازیانه ل حب آن ودو ٹانک نیموزن سلیخه یاده یکی آن بسباسه تمنیق الواو باتوف بضم فوقانی وسکون واو م دنع حب السلاطین ه بمال گوٹه وبرنج رانیز گویند بارده بضم راء مهمله ع رل ف ریگ طرب باشوف بضم شین معجمه وواو مجهول هم چلپاسه بالنگو بفتح لام وسکون نون وضم کاف فارسی م بادرنجبویه تمنیق الها بابلیه بضم موحده ثانی وفتح لام وخفاء ها م صیعه سائله ه لارس بابوسه بضم موحده ثانی وسکون واو وفتح سین مهمله ه کونیل بابونه بضم موحده ثانی و سکون واو وفتح نون م اقحوان ه مرهتی باخه ف بفتح خاء معجمه م سنگ پشت ه کچهوا بادرنجبویه ع بسکون دال مهمله وفتح راء مهمله وسکون نون وفتح جیم وضم موحده ثانی وواو مجهول وفتح تحتانی م بادرنبویه وبادرنگ وترنجان وبقلة الاترجیه نیز گویند ف بالنگو ه رام تلسی طح ی ۲ ق ملطف محلل مقوی دماغ ومعده ومفرح دل و مسهل سوداء تازه مش از آب وبیست درم وازخشک آن دو مثقال ص صمغ ع بار بیاس بوزن او ابریشم وچهار وزن او پوست اترج یا تخم اترج بادرونه ف بسکون دال مهمله وضم راء مهمله وسکون واو وفتح نون م بادرنجبویه بالوایه ف بسکون لام وفتح واو والف وفتح تحتانی وخفاء ها م پرستوک تمنیق التحتانی بابار یسیانی

بهر و موحده و بهر و والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ف فلفل سیاه ه کالی مرچ با
ه بسکون موحده ثانی وکسر جیم فارسی م بادروج باجمی ه بکسر جیم ع الفرف شتوه
بادنجان دشتی ف بکسر دال مهمله وسکون نون وفتح جیم والف وکسر نون ثانی وفتح
دال مهمله ثانی وسکون شین معجمه وکسر فوقانی ه کتائی بزرگ بارجی ه بسکون راء مهمله
وکسر ها ع جدواره نربیسی باقلای قبطی بکسر قاف بالام والف وکسر تحتانی وقاف
ثانی وسکون موحده وکسر طاء مهمله م جامسه باقلای مصری بکسر میم وسکون صاد مهمله
وکسر راء مهمله م ترمس تنسیق الباء الموحده وتمنیق الالف ببغاع بفتح اول
وسکون موحده ثانی باغین معجمه والف ف طوطا ه ترتا وسوها تمنیق الراء المهمله
ببرف بالفتح اول وثانی وسکون راء مهمله م جانور صحرائی شبیه بگربه که دم ندارد واز پوستش
پوستین سازند وآنرا ببر نیز نامند تمنیق اللام ببول ه بالفتح اول وضم موحده ثانی و
سکون واو ف درخت مغیلان م ه کیکر تمنیق الها ببرابربه یونانی بضم اول وسکون
ثانی وراء مهمله والف وفتح لام وخفاء ها م زراوند طویل تنسیق التاء الفوقانی وتمنیق
الالف ببهواه بالفتح اول وضم ثانی واظهار ها دواو والف ع قطعه تمنیق الباء الموحده
ببتلاب ف بضم اول وکسر ثانی وسکون ثانی بالام والف وموحده ثانی م گل خطمی وآنرا
گونه مع نیز خوانند تمنیق العین المهمله ببتع ع بضم اول وسکون ثانی وعین مهمله
ف شراب مست کننده تنسیق الجیم وتمنیق الالف ببجوراه بکسر اول وفتح جیم
وسکون واو وراء مهمله ع اتیج تمنیق الجیم الفارسی ببچ ه بفتح اول وسکون ثانی
ع وج طح و یا بالفتح اول وسکون جیم ف پالایش آب وشراب وامثال آن بضم
اول ف بزو بکسر اول ع فبیخ تمنیق الراء المهمله ببهیاره بکسر اول وفتح ثانی
وسکون تحتانی وسین مهمله والف وراء مهمله م درخت هندیست تمنیق الکاف الفارسی
ببجر بهانک ه بالفتح اول وثانی مشدده وسکون راء مهمله وموحده ثانی وخفاء ها والف

وخفاء نون م تنبا کو طح ی ۸ ق محمد مستقص شیر تمنیق اللام جچال ف بضم
اول وفتح جیم والف م ما نکر تمنیق المیم تجم بضم اول وسکون ثانی وجیم ع ثمرة الطرفا
گز مازو ما ئین تمنیق المعلم المعندی کنجر کنده ه بالفتح اول و ثانی مشدده وسکون ار
مهمله وفتح کاف فارسی خفاء نون ودال مهمله سوزن تنسیق الخاء المعجمه وتمنیق
الفوقانی تحتجات یونانی بالفتح اول وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی با جیم والف و فوقانی
ثانی ف کشته رت سکا تمنیق الواو المهمله تجورف بضم اول و ثانی وسکون او ورا
مهمله م عسل النبی ع میعه سائله تمنیق المیم تحسم ف بالفتح اول وسکون ثانی وضم سین
مهمله شیرینی معتبر که از گندم وارزن وحبوبات سازند تجورمریم ع بضم اول و ثانی وسکون
واو وکسر راء مهمله وفتح میم وسکون راء مهمله ثانی وفتح تحتانی وسکون میم ثانی م شجرة مریم
کبیج آن ع ملیثاست وآن نوعی از سناست طح ی ۳ گویند ۲ ق مقطع محلل خ
شرو تا نه ص تی وحتمل کندش تمنیق الهاء تخته ف بالفتح اول وسکون ثانی وفتح
فوقانی وخفاء ها م گوسپند تر سه سال وبالفتح اول فارسی م پینه تحلکه ف بفتح اول و
سکون ثانی وفتح فوقانی وخفاء ها تخیله ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح
لام وخفاء ها م خرقه تنسیق الدال المهمله وتمنیق الالف بدهار بکسر اول وفتح
دال مهمله وخفاء ها والف وراء مهمله دوای هندیست طح ق ملین تمنیق الجیم
تبیج ف بالفتح اول ونیز ضم اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع هلیله تمنیق الدال المهمله
بداری کننده بکسر اول وفتح ثانی والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی دوا هندیست
تمنیق الکاف بدبک وبدک ف بالضم هرود موحده وسکون دال مهمله اول وفتح دال
مهمله ثانی در لغت اول وضم اول وفتح ثانی در لغت ثانی ع هدهد تمنیق اللام بدل
ه بالفتح اول وسکون دال مهمله هندی وفتح ها م میوه هندی بخوش ست لب لکل
به ویرتخم طح تمنیق المیم بدم بفتح اول وسکون ثانی ومیم ف شگوفه درخت

مغیلان ل بید مشک تمنیق النون بناسقان یونانی بفتح اول وثانی والف وفتح
سین مهمله وقاف والف ثانی ونون ف بد سکان ل کشت برگشت بدلون ه
بکسر اول وسکون ثانی هندی وضم لام وسکون واو ف نمک سیاه طح بدلیون
سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م مقل ه کوگل
تنسیق الواء المهمله وتمنیق الالف برنا بفتح اول وسکون ثانی م غنا برنج کنکرا
ه بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وکسر جیم وفتح میم وسکون کاف بارار مهمله ثانی م
چاول جهراوادری که خودرو است برهیتیا ه بکسر اول وفتح ثانی وسکون ها وفتح
فوقانی هندی ه تحتانی ه کبابی بزرگ برلیا یونانی بفتح اول وسکون را مهمله وکسر
لام وسکون لام با تحتانی ع رازیانه ه سونف تمنیق الموحدة الفارسی برنجاسپ ف
بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون با جیم والف وسکون سین مهمله وبا موحده فارسی م
بوی مادران تمنیق الفوقانی برغشت ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون سین مهمله با شین معجمه وفوقانی م گیاهی سبز که مانند اسپناخ است آنرا
داخل آش سازند وخودرو بود وآنرا انزند نیز گویند وبیشتر در زراعت گندم ودیگر
غلات وکنار جوی آب بروید تمنیق الدال المهمله هندی برجیه کندهی بکسر
اول وثانی وسکون جیم فارسی با اظهار ها هندی وفتح کاف وسکون نون وفتح دال
مهمله م پینالو تمنیق الراء المهمله برع بضم اول وسکون ثانی ف گندم ه گیهون
برمی بفتح اول وسکون ثانی هندی شجر معروف هندیست ع ذات الذوائب
تمنیق الفا برچاف ف بضم اول وسکون ثانی با جیم فارسی والف م نام میم غله جلبان
وملک برنجاسف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وجیم والف وسین مهمله ع قیصوم
ف برنجاسف بوی مادران که قسمی از افسنتین است ه کنبها تمنیق القاف برقوق
بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وقاف ف مشمش ه خوبانی

بزرواق بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وقاف با واو الف ف گیاه
ترشیس تمنیق الکاف برتاسک ف بفتح اول وسکون ثانی با فوقانی والف
وفتح سین مهمله م برنجاسف بر جمشک بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر میم
وسکون سین معجمه وکاف ف بالنگو بروشک ف بضم اول وثانی وسکون واو
وفتح شین معجمه م خاک تمنیق الکاف الفارسی برنگ بفتح اول وثانی وسکون
نون وکاف فارسی ع برنج کابلی تمنیق اللام برغول بفتح اول وسکون ثانی و
ضم غین معجمه وسکون واو ف ولیده گندم تمنیق المیم برقوم بفتح اول وسکون
ثانی وضم فوقانی وسکون واو ومیم ف خرمای خشک که بیکدیگر نیک چسپیده م خرمای
بیرون بردو سلام ع بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مهمله منون وفتح واو وسین مهمله
ولام والف وضم میم منون ف ورق بارتنگ برشوم بفتح اول وضم ثانی وسکون
وضم شین معجمه وسکون واو ومیم بلغت اهل نجد ع قصب ثانی برم ع بفتح اول و
ثانی م شکوفه درخت مغیلان برند کام ف بکسر اول وثانی وسکون نون ودال مهمله
وکاف والف م بابونه کا وتمنیق النون برسان ف بفتح اول وسکون ثانی باسین
مهمله والف م نوعی از دو شاب خوشبو برسن بکسر اول وسکون ثانی وضم سین مهمله ف
پنبه برنان ه بفتح اول وسکون ثانی با نون والف م شیم لیست که در هند در دیار
اجمیر از و تسبیح سازند تمنیق الواو برشیاندارو بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
وتحتانی والف وخفاء نون بادال مهمله والف ثانی وضم راء مهمله وسکون واو ع مکی
طاب ۲ می ۳ گویند رص بسدل عنب الثعلب بالسان اهل بانیموزان آن خرزه تمنیق
العابر بسته ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سوحده ثانی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی
وخفاء هاء ع جاده هر چه بنفز اید وبجهد بلشد پرده ه بکسر اول وثانی ودال مهمله وهاء
هندی نوعی هندیست برهوه ف بفتح اول وسکون ثانی وضم هاء وواو مجهول

واظهار ہا م صابون بربزه ف بکسر اول م ثانی وتحتانی مجهول و فتح زا معجمه وخفا ہا
صمغی ست شبیه بمصطکی وسبک وخشک بود ماند عسل صاف ونیز بو باشد م
بازره وتمنیق الفتانی بردی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون یا
شناه تحتانیه م لوح که در کج می اندازند ودر مصار وکاغذ سازند ف تک ه تیراب
طب ی ۲ ق مجفف وبزبان فارسی نوعی از خرمای لطیف که آنرا سنگ اشکشک
نیز خوانند وظرف سنگی بطانیقی بفتح اول و سکون ثانی وطا مهمله الف وکسر نون
وسکون تحتانی وکسر قاف ف لبستان افروز وتاج خروس ه سرانی برغوثی بفتح اول
وسکون ثانی وضم عین مهمله وسکون واو وکسر مثلثه ع بزر قطونا ه اسبغول بزنهتی ه
بفتح اول وثانی وخفا نون وکسر موحده ثانی واظهار ہا م زرنبک نج کابلی ع بفتح او
وثانی وسکون نون وجیم وکاف والف وضم موحده ثانی وکسر لام ف برنگ ه
بابی برنگ طح ای ۲ ق قابض و قاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل ش ده درم
با شیر تازه ص کتیرا ل ترس باد ووزن آن قنبیل بزرقتی ه بضم اول وثانی وسکون
واو وکسر فوقانی م پکهان بید تنسیق الزاء المعجمه وتمنیق الالف بزر القثاع
بفتح اول وسکون زا معجمه وضم را مهمله وسکون لام وفتح قاف با مثلثه والف
ف تخم خیاره ککری کی بیج طب ۲ خ فربه ص سکنجبین ل تخم بادرنگ بزر الهندبا
بکسر ہا وسکون نون وضم دال مهمله وموحده ف تخم کاسنی ط مع ح ب ی خ
سیاه فربه بستانی ش دو درم تا سه درم ص سکنجبین بزر البقلة الحمقاء بکسر ابهمله
وفتح موحده ثانی وسکون قاف وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وحا مهمله
وفتح میم وقاف ف تخم تورک وخرفه ه لونیا کی بیج بزر قطونا ع بفتح اول وسکون
زا معجمه وکسر را مهمله وضم قاف وطا مهمله سکون واو ونون ف بنگو ه
اسبغول طب د ۲ گویند ۳ گویند مع دی ق یاد خ سرخ سیاهی یل فربه گران

که و با آب فرو برد و ش ۲ و دو درم تا عه درم ص کثیرا ل عسل یا سفرجل یا تخم لسان الحمل یا
بزر المرو و ق قبض تخم خرفه تمیق الموحده بزر السداب ع بضم باء مهمله و ضم سین
مهمله مشدد و دال مهمله مشدد و الف و سکون موحده ثانی ف تخم سداب ط ح ی ۲
خ سیاه فربه ش یکدرم تا دو درم جهت فواق بلغمی ص کثیرا یا عسل ل سداب
بزر القنب ع بکسر قاف و فتح نون مشدد ف شهدانه و تخم بنگ ه بجیا کی بیج
بزر الکرنب ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء مهمله و فتح نون ف تخم کلم ط ح
ی خ تازه فربه تمیق الفوقانی بزر الشبت ع بکسر شین معجمه مشدد و موحده و سکون
فوقانی ف تخم شبت ه سوئی کا بیج ط ح ی ۲ گویند مع ق مقی خ فربه ش و درم
ص عسل ل ۷ و وزن آن شبت بزر الفنجنکشت ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون
و فتح جیم و سکون نون و فتح جیم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین
معجمه سنبهالو کی بیج ط ح ی ۲ گویند ح ۳ فربه ش و درم ص شیر بزر بزر الفت
ع بکسر اللام الشدد و سکون قاف تخم شلغم ط ح ر خ سرخ فربه ش و درم ص
بزر البطیخ ل بزر الرطبه یا تخم خرزه و وزن تمیق المثلثه بزر الکراث ع بضم کاف
و راء مهمله مشدده و الف ف تخم گندنا ط ح ی ۳ گویند ۲ و آن بعینه بگنجه ماند و بسیار
سیاه خ شامی تازه فربه ش یکدرم تا دو درم ص عسل ل برجیر بزر الکشوث ع بضم
کاف و شین معجمه و سکون واو کا اسبل کی بیج ط مع ح ب ی خ فربه ش دو درم ص
عسل ل بزر هندبا چهار دانگ وزن آن افسنتین تمیق الجیم بزر البنج ع بسکون
لام و فتح موحده و سکون نون و جیم ف تخم بنج ۲ اجراین خراسانی ط سیاه او ب
ی ۳ سفید او ب ی ۲ فی فا بعض ما بعض خون خ سفید و بعده سرخ ش یکدانگ
تا دو دانگ ص عسل ق قی کردن با آب گرم و روغن و عسل ل افیون یا القاح خشخاش
بزر الرازیانج ع با باء مهمله مشدد و الف و سکون زاء معجمه یا تحتانی و الف ثانی و فتح

حب القلقل
یا انس ... است
گفته شود
حب الرمان
بپارسی دانه
انار را گویند
سرد و خشک
است در اول
حب اللاس
بپارسی تخم

نون ف تخم بادیان ه سونف کی بیج ل انیسون بزر الکاکنج ع بسکون لام با کاف
والف وسکون کاف ثانی وفتح نون ف تخم عروسک در پرده بزغنج ف بضم
اول وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون نون گویند که درخت بسته یکسال میوه
با مغز بار آورد و یکسال بی مغز و آن مغز دار البسته گویند و بی مغز را باین نام خوانند
تمنیق الخاء المعجمه بزر الاسفاناخ ع بسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح
فا با نون والف وخاء معجمه ه تخم ساگ پالک طب دخ مائل بسرخی ش یکدرم
س طین مختوم بزر البطیخ ع بسکون لام وکسر موحده وطاء مهمله مشدد وسکون تحتانی
ف تخم خربوزه طح د گویندی اق خشک او سنت و مغثی خ شیرین ش دو درم
تا پنج درم ص عسل د بادیان ل جلغوزه تمنیق الدال المهمله بزر الرشاد بفتح راء مهمله
مشدده با شین معجمه والف ودال مهمله ع حب الرشاد ف تخم تره تیزک ه هالون کی بیج
بزر القثد ع بسکون لام وفتح قاف ومثلثه ودال مهمله ف تخم خیار بالنگ ه کهیری کی
بیج طب دخ تر به ماخوذ از خیار زرد ش با پنج درم تا ده درم ص کثیرا ل تخم خیار زه
بزر الورد ع بسکون لام وفتح واو وسکون راء مهمله ودال مهمله ف تخم گل که زرد گویند
و آن زردی میانه گل ست طب ی ق قابض وحابس خون خ ماخوذ از گل
فارسی ش دو درم ص کثیرا تمنیق الراء المهمله بزر الجرجیر ع بسکون لام وکسر جیم
وسکون راء مهمله وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف تخم کهترک ه ترا
طح ی ۲ گویند ۲ ق مغثی مهیج خ بستانی ش دو مثقال ص کثیرا ل خردل یا تخم
هجره یا خصی الثعلب یا بوزن آن تخم گندنا بزر الجزر ع بسکون لام وفتح جیم وزاء معجمه
ف تخم زردک ق مدر مغثی بزر العصفر ع بسکون لام وفتح عین مهمله وسکون صاد مهمله
وفا وراء مهمله ف خسکدانه ه گوکهرو کسنبکی بیج تمنیق الزاء المعجمه بزر البازرع بفتح
اول وسکون زاء معجمه یا موحده ثانی والف وزاء معجمه ثانی م بسباسه ه جاوتری

٦٣

تمنیق السین المهمله بزر الخس ع بسکون لام و فتح خاء معجمه و سکون سین مهمله
ف تخم کاهو طب ی خ سیاه فربه بستانی ش از یکدرم تا دو درم ص مصطکی
ل دم الاخوین بزر بلاسقلیس بضم موحده و کسر نیز و لام والف و فتح سین مهمله و کسر
قاف و فتح نیز و سکون تحتانی ف تخم ترة تیزک تمنیق الضاد المعجمه بزر الحماض
ع بفتح حاء مهمله و میم مشدد و الف ف تخم ترشاه چوکی کی بیج طب ی ۲ خ
فربه و سیاه مائل بسرخی ش دو درم ص تخم رازیانه یا کرفس ل لسان الحمل
تمنیق الطاء المهمله بفتح میم و سکون طاء مهمله م حب الفلفل ف انار دانه
دشتی تمنیق الغین المعجمه بزر ع ف بفتح اول و ثانی و سکون غین معجمه م وزع
و بک دغول ع تمنیق القاف بزر اق ع بضم اول و ثانی و الف و قاف م لعاب
دهن و ریق ه لار بزر السرمق ع بکسر سین مهمله و فتح نیز و سکون راء مهمله و فتح
میم ف تخم قطف ه بتهوے کی بیج ط مع ح ب ی اکوئید ح بزر السلق ع
بفتح سین مهمله مشدد و سکون لام و قاف ف تخم چقندر ط ب ص سکنجبین ل
تخم خطمی تمنیق الکاف بزر ک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون کاف
بهنه کتان ه السی بزر سک ف بضم اول و کسر ثانی و سکون سین مهمله ع عدس
مسور بزرک ف بضم اول و فتح ثانی جانوریست سیاه رنگ که نوش و راز باشد
و بیشتر در کنار آب و بر سر درخت نیز نشیند و آواز بلند کند تمنیق اللام بزر البصل
ع بسکون لام و فتح موحده و صاد مهمله و سکون لام ثانی ف تخم پیاز طح ی
ش دو درم ل نیم وزن تخم شلغم و نیم وزن تخم سپست دو وزن تخم گندنا
یکوزن آن تخم انجره بزر الفجل ع بسکون لام و ضم فا و سکون جیم ف تخم ترب
ه مولی کی بیج طح ۳ ی ۲ ق منعی بهی خ فربه ش کشنیز یا سپستان و شکر
ل حب الرشاد بزر لسان الحمل ع بکسر لام و مهمله و لام و فتح سین مهمله و الف و ضم

نون وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله ومیم ف بارتنگ ه خوب کلان طب
خ فربه سیاه سرخی مائل ش سه درم ص عسل ل تخم حماض بستانی تمیق المیم
بزر الخمخم ع بضم هر دو خاء معجمه وسکون هر دو میم ف اشفتک وگویند حب الفلفل
بزر النمام ع بفتح نون ومیم مشدد والف ف تخم سیسنبره برنان کی بیج خ بستانی
بستانی ش سه درم ص کتیرا ل تخم کتان وبادرنجبویه تمیق النون بزر الریحان
ع بفتح راء مهمله مشدد وثانی وسکون تحتانی وفتح حاء مهمله با الف ونون ف
تخم ریحان طح ی گویند مع ح ب ق قابض ح سیاه فربه کوچک خوشبوی
ش یکمثقال باب سرد یا گلاب ص مرزنگوش ل بزر المرو بزر الکتان ع بسکون
لام وفتح کاف با فوقانی مشدد والف ف بزرک ه السی طح امع ری گویند
مع ح ب گویند ب ی اق منضج ملین خ تازه فربه ش سه درم ص عسل
ل حلبه با عصاره باقلا بزر المازریون ع بسکون لام با میم والف وفتح زای معجمه
وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف تخم مازریون ه کدون کی بیج ط
ح د ۲ خ بستانی ش دو درم ص عسل ل در تحریک باه حب الفلفل وتمیوزن
تودری وتمیوزن شقاقل وجهت بیماری مثانه تمیوزن تخم کاکنج دو دانگ وزن
آن محلب مقشر وشش یک آن عنب الثعلب وگویند بلبیون وحنظل تمیق الواو
بزر المرو بفتح میم وسکون راء مهمله وواو مجهول ف مرد اسنگ ف تخم مرو شکه
مرواکنوجا طح دخ تازه وفربه سرخی مائل ش دو درم ص گلنار ل بزر کتان
یا بزر قطونا تمیق الهاء بزر الانجره بفتح همزه وسکون نون وضم جیم وفتح راء مهمله
وخفاء هاء ف تخم گزنه ه انگن کی بیج طح ی ۲ گویند خ فربه ش نیم مثقال
تا سه درم ص کتیرا ل حرف وقردمانا یا بزر گراث یا بزر جرجیر بزر الخرفه ع بسکون
لام وضم خاء معجمه وسکون راء مهمله وفتح قاف تخم لورک ه لونیا کی بیج طب ۲ ل

۲ خ فربیق پنجدرم جهت تپهای حاره بکوبند و شیره بگیرند ص قندل نصف ورق
بزر قطونا بزر الرطبه ع بفتح راء مهمله مشدد و طاء مهمله و موحده و خفاء ها ف تخم ا...
و تخم رجفه طح راخ زرد فربه ش پنجدرم تا هفت درم ل بزر اللفت بزر الهوه
یونانی بضم ها و فتح واو و اظهار ها ثانی ف تودری بر غسمه ف بفتح اول و ثانی و
سکون غین و فتح سین مهمله و میم و خفاء ها م سبزی باشد مانند ابریشم که در میان آب
بهم رسد و بزبان شیراز جل بک نامند ع طحلب ه سوال نریچه ف بضم اول و کسر
ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی و خفاء ها م نریچه ع حلوان نرلیشه ف بضم
اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه و خفاء ها م ازوه کنجد تمنیق التحتانی
بزر الجزر البری ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه ثانی و ضم راء مهمله ثانی و سکون لام
و فتح موحده و کسر راء مهمله مشدده ثالث و سکون تحتانی م ددقوف تخم گزر صحرائی
بزر الجزر البستانی ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه ثانی و ضم راء مهمله ثانی و سکون
لام ثانی و ضم موحده ثانی و سکون سین مهمله با فوقانی و الف و کسر نون ف
تخم زردک ه گاجر کا بیج ش یکدرم بزر الحبند قوقع ع بفتح حاء مهمله و گویند
خاء معجمه و سکون نون و فتح دال مهمله و ضم قاف و سکون واو و کسر قاف ثانی
و تحتانی ف تخم اندوه قوقوطح یخ فربه سبز ش نیمدرم جهت گزیدن جانوران
ص کتیرا ل شلیم بزر الخبازی و بزر الخطمی ع بسکون لام و فتح خاء معجمه و موحده ثانی
مشدد و الف و کسر زاء معجمه و تحتانی در لغت اول و سکون طاء مهمله و کسر میم و تحتانی
در لغت ثانی ف تخم بیرک ه خطمی کا بیج ط مع ح د گویند
ب سے اخ سیاه و سفیده ل از تخم خبازی تخم خیار بزر الرازیانج
الرومی ع بفتح راء مهمله ثانی مشدده و الف و سکون زاء معجمه ثانی و فتح تحتانی الف
ثانی و فتح نون و کسر جیم و ضم راء مهمله ثالث و سکون واو و کسر میم م انیسون ف

دیگر هر شب یک مثقال
با سوده دوازده
شب متواتر
بخورند عرق لیمو
نافع بود لیکن
غثیان آورد
و مصلح آن
رب نواکه
ترش بود
که از آن بخورند

۶۶

حرف الصاد

بادیان رومی بزر الرمان البری ع بضم را مهمله مشدده ثانی و با میم مشدد و مفتوح الضاد
وکسر نون وسکون لام وفتح موحده ثانی وکسر را مهمله مشدده ثالث م حب القلقل
ف تخم انار دشتی ه جنگلی انار کی بیج بزر الکرفس البستانی ع بسکون لام وفتح کاف
ورا مهمله ثانی وسکون فا وکسر سین مهمله وسکون لام ثانی وضم موحده ثانی وسکون
سین مهمله ثانی با فوقانی وهمزه وکسر نون ف تخم کرفس بستانی ه اجموده طح
ی ۲ ش سه درم ص حماما ل فطر اسالیون تلنسیق الزاء الفارسی و تمنیق
النون پژن ف بفتح اول و زا فارسی وسکون نون م عزن تلنسیق المهمله
وتمنیق الالف تبس کهیرا ه بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف وانظهار ها وسکون
موحده فارسی با را مهمله والف دوا مشهور هندیست تمنیق الجیم بباج ف
بفتح اول وثانی با الف وفتح نون گیاهی ست که شبیه بنیرا برپا باشد و برپوستش
گرهها باشد و رنگش برون ناس را ماند و چون وی را بشکند درونش زرد باشد بستج
ع بکسر اول وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م کند ر بستیتاج ه می بفتح اول و
سکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی با فوقانی ثانی والف م خسک ه
گوکهرو بسفایج م بفتح اول وسکون ثانی با فا والف وفتح تحتانی ع افراس الکلب ا
ه کنکالی طح ۲ ی ۳ ق مسهل بلغم وسودا خ سطبر قرنفلی الطعم و درونش
بعد از شکستن فستقی باشد بش دو درم تا پنج درم وگویند با دیگر مسهلات
از یکمثقال تا دو درم ص هلیله زرد یا ورد ل بوزن وی افتیمون دو نیم دانگ
وزن وی نمک هندی وگویند سنا و ترطم تمنیق للدال المهمله بسد ع بضم اول
وکسر نیز وفتح ثانی مشدد وسکون دال مهمله م بیخ مرجان ف بیخ فرنگ سونگا
کی جڑ طب ای ۳ ق قابض مجفف مقوی و مفرح دل و حابس خون خ سرخ
باریک بش نیم درم تا یکدرم ص کثیرا ل کهربا و در حبس دم م الاخوین تمنیق الوا

المهمله بسرع بضم اول و سکون ثانی و راء مهمله ف غوره خرما ط ب ی ق
قابض ش از شراب او یکوقیه ص سکنجبین ساده ل خرنوب تمنیق الزاء المعجمه
بستان افروز بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و الف و سکون نون و فتح همزه
و سکون فاء و ضم راء مهمله و سکون واو و زاء معجمه م برطانیقی ف گل تاج خروس
ط ب ی ا ق خ در سایه خشک کرده ش دو درم تا چهار درم و گویند از تخم او
یکمثقال ص کنند ر بار از یانه ل حماض ب بالیس بفتح اول و سکون ثانی فتح موحده
ثانی با الف و فتح تحتانی و سکون سین مهمله ثانی نزد اهل مغرب ع رازیانه ف بادیان
ه سولف تمنیق الکاف بسک ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف و بسنک ف
بفتح اول و ثانی و نون ع اکلیل الملک تمنیق المیم بستام ف بکسر اول و سکون
ثانی و فتح فوقانی با الف و میم م بسد ع بیخ مرجان تمنیق الهاء بسباسه ع بفتح
اول و سکون ثانی و موحده ثانی و الف و فتح سین مهمله ثانی و خفاء هاء جاوتری ط
ح ی ا گویند م ق ملطف منعشی مهی خ زرد سرخی مائل خوشبو ش دو دانگ تا دو درم
ص صندل و گلاب ل جوز بوییه بسه ف بفتح اول و ثانی ع اکلیل الملک تمنیق
الشین المعجمه و تمنیق الالف بشنکر انناه بکسر اول و سکون شین معجمه و ضم نون
و سکون کاف با راء مهمله و الف و خفاء نون و فوقانی و الف ثانی دوای هندیست
تمنیق الزاء المعجمه بشنیز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی
و زاء معجمه م برنجاسف تمنیق الشین المعجمه بشبش بضم هر دو موحده و سکون هر دو شین
معجمه ف ورق حنظل ه اندراین کی پات تمنیق الغین المعجمه بشترغ بضم اول
و فتح نیز و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح راء مهمله و سکون عین معجمه ع اکلیل الملک
ه اسیرک تمنیق النون بشولیون یونانی و رومی بضم اول و ثانی و سکون واو
و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و نون ف بنگوه اسغول تمنیق الهاء

68

بشلشکه یونانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون شین معجمه ثانی وفتح کاف
وخفا ها م جنطیانا بشمه بفتح اول وسکون ثانی وفتح م بشمیزج ف چشمک ه
چاکسو تنسیق الصاد المهمله وتمنیق الموحده بصل الذئب ع بفتح اول
وسکون صاد مهمله وضم لام وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی وموحده م بلبوس
ف پیاز تلخ تمنیق الراء المهمله بصاق القمر ع بضم اول وفتح ثانی وضم قاف و
سکون لام وفتح قاف ثانی ومیم وسکون راء مهمله ایصا ع رغوة القمر وحجر القمر وزبد القمر
ف سنگ ه چندر کانت بصل الفار ع بفتح اول م ثانی وضم لام وسکون لام ثانی
وفتح فا والف وسکون راء مهمله ایضا ع اسقیل ف پیاز موش ه کانده تمنیق الزاء
المعجمه بصل الزیز ع بکسر زاء معجمه مشدده وسکون تحتانی وزاء معجمه ثانی م بلبوس
تمنیق السین المهمله بصل النرجس ع بفتح نون مشدد وسکون راء مهمله وکسر
جیم وسکون سین مهمله ف پیاز نرگس ه نرگس کی جڑ ط ح ی ۲ ش دو مثقال
بهمه فی تمنیق القاف بصاق ع بضم اول وفتح ثانی والف م قاف ف لعاب
دهن ه لار ط ح د ق منضج محلل خ از صابیم تمنیق اللام بصل العنصل ع بفتح
عین مهمله وسکون نون وضم صاد مهمله وسکون لام ثالث م اسقیل بصل ع
بفتح اول وسکون ثانی وثالث ف پیاز ط ح ی ۲ گویند ح ۲ د ۳ ق مقطع
ملطف محلل خ سفید از تخم بود ودر م ص سرکه ود وغ ل کراث شامی تمنیق الطاء
المهمله وتمنیق الخاء المعجمه بطیخ ع بکسر اول وطاء مهمله مشدد وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه ه خربزه ط ح د گویند ب ر ۳ ق مدر ومجلی وپوست او
مقی خ سمرقندی شیرین ص سکنجبین ساده ل بذر علاب باقلا وبزر قطونا تمنیق
السین المهمله بطارس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله وسکون
سین مهمله م خس تمنیق الطاء المهمله بطباط سریانی بفتح اول وسکون ثانی

باموحده ثانی والف وطاء مهمله ثانی ف کسته ه رت سکا طح ی ۲ ق قابض
خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض بطع بفتح اول وسکون ثانی باموحده
ثانی ف قازه هنس طح دق سمن ص سکه و پیاز و سیر خشک ه و اندازند
تمنیق المیم بطم ع بضم اول وسکون ثانی و میم م درخت حبة الخضرا طح ی ۲
ق محلل خ سبز تازه ص سفرجل ل فستق تمنیق النون بطراسالیون یونانی
بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله والف وسین مهمله والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی
وسکون واو ونون م فطراسالیون بطراسیونانی کوه وسالیون کرفس
تخم کرفس کوهی ه پهاڑکی اجمود طح ی ۳ ق مفتح مدرخ سیاه ش یکدرم ل
شاه بلوط باد و وزن آن تخم کرفس یا نمیوزن فنتین بطرالاون یونانی بکسر اول
وسکون ثانی باراء مهمله والف ولام والف ثانی وضم واو ع دهن الجرف لفظ
تمنیق التحتانی بطیخ نق ع بکسر اول م ثانی مشدد وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وزاء
معجمه وقاف مشدد وسکون تحتانی ثانی ف خیار کدو و هندوانه ه تربوز طب
د ۲ خ شیرین آبدار ص قند یا عسل با وی خورند یا بعد از و تنسیق العین المهمله
و تمنیق الموحده بعر الضبع بضم اول وسکون عین مهمله وضم راء مهمله وفتح ضاد
معجمه مشدد وسکون موحده ف سرگین سوسمار طح ا ی ل زبد البحر تمنیق الزاء
المعجمه بعر الماعز ع بمیم والف وکسر عین مهمله وسکون زاء معجمه ف پشک بز ه
بکری مینگنی طمع ح ی ق منضج معفن خ تازه س روغن گل تمنیق اللام بعر الجمال
بکسر جیم والف ولام ثانی ف پشکل شتران طح ی ا تمنیق النون بعر الضان
ع بضاد معجمه مشدد والف ونون ف پشکل میش طح ی ۸ تنسیق الغین
المعجمه و تمنیق الالف بغراف بفتح اول وسکون غین معجمه باراء مهمله والف م
خوک نرکه آنرا کراز نیز گویند تلنسیق القاف و تمنیق الالف بقلة الحمقا ع

بفتح اول وسکون قاف وفتح لام فوقانی وسکون لام ثانی وضم حاء مهمله وفتح میم وقاف
والف ف تورک ه ساک لونیا کا طاب د ۳ گویند ب ۲ ف مغزی وسکن
اوجاع خ بهن ورق ص کرفس گویند جرجیست بعضے گویند نعناع ل خس بقلة الزهل
ع بفتح زاء معجمه مشدد وسکون هاء و حاء مهمله والف م بقلة الحمقا تمنیق الموحده
بقلة الضبع بفتح ضاد معجمه مشدده ف بالنگو بری تمنیق الواء المهمله بقر
ع بفتح اول وثانی ف گاو ه بیل و بلده بقلة الانصار ع بفتح همزه وسکون نون
باصاد مهمله والف ف کلم بقم بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم م بکسر طح ی ۲
تمنیق السین المهمله بقلة العدس ع بفتح عین مهمله ودال مهمله وسکون سین
مهمله ف یودینه بری بقیس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف درخت
شمشاد تمنیق الفا بقلة الخطاطیف ع بضم خاء معجمه وطاء مهمله والف وطاء مهمله
ثانی وسکون تحتانی م مامیران تمنیق القاف بق بفتح اول وسکون ثانی ف
پشه ه مچهر تمنیق الکاف بقلة الملک ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم
فوقانی وسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث وسکون کاف ف شاهتره ه
پت پاپڑه تمنیق اللام بقلة الغزال ع بکسر غین معجمه وزاء معجمه والف ولام ثالث
م مشکطرامشیع تمنیق المیم بقلة الفارسیه بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام و
ضم فوقانی وسکون لام ثانی بافا والف وفتح راء مهمله وسکون سین مهمله وکسر فوقانی
وسکون تحتانی ومیم م بادرنجبویه بقم ع بفتح اول وثانی مشدد ف بکم ه درخت
آل و مجیٹه و پتنگ که صباغان بکار میبرند طح ی ۲ ق مجفف خ تازه تش اند
آب او ده درم ص اسطوخودوس ل نوه تمنیق الها بقلة الخراسانیه ع بفتح
اول وسکون ثانی وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم خاء معجمه باراء مهمله
والف وسین مهمله والف ثانی وکسر نون وفتح تحتانی مشدد وخفاء هاء ف ترهٔ خراسانی

ٮچوکی کاساگ طاب ی ۲گویند ابقلة الذہبیع بفتح ذال معجمہ مشدد وسکون ہا
وکسر موحدہ وفتح تحتانی مشدده ساگ بہوا وگویند پالک بقلہ ازجیع بہمزہ ملینہ
وہا وضم ہمزه وسکون فوقانی وضم رای مہملہ وکسر جیم وفتح تحتانی مشدده م بادرنجبویہ
بقلہ بارده ع بفتح موحده ثانیہ والف وکسر رای مہملہ وفتح دال مہملہ م لبلاب بقلہ اللینہ
وبقلہ مبارکہ ع بفتح لام ثانی وکسر تحتانی مشدد وفتح نون در لغت اول وضم میم موحده
ثانی والف وفتح رای مہملہ وکاف در لغت ثانی م ہردونام بقلة الحمقا تنسیق الکاف
وتمنیق الفوقانی بکسمات بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مہملہ با میم الف نوعی از
نان کہ آنرا مربع بریده بپزند ودر ریسمانہا بکشند وتوشہ مسافران سازند وگویند ف
نان دو آتشہ تمنیق الکاف بکک ف بفتح اول وسکون کاف م وزغ وچغز وکل ع
ضفدع تمنیق المیم بکم ف بفتح اول وثانی م بقم تمنیق النون بکائن ه بفتح اول
وثانی والف تحتانی وسکون نون ف درخت بان تمنیق التحتانی بکچی ه بفتح
اول وضم ثانی وکسر جیم فارسی دواء ہندیست بکرائی ف بفتح اول م سکون ثانی
براء مہملہ والف وکسر ہمزه وسکون تحتانی وبکروی بفتح راء مہملہ وکسر واو میوه ایست
میان نارنج ولیمو کہ از نارنج کوچکتر واز لیمون بزرگتر وشیرین بود ودر ولایت
اتک وشبانکاره بسیار باشد تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الواء المہملہ
بکبو بفتح اول وسکون کاف فارسی وفتح موحده وسکون راء مہملہ ف خیارچنبره
کربالا تمنیق الزاء المعجمہ بکمازه بکسر اول وسکون ثانی فارسی با میم والف وزاء معجمہ
م شراب تمنیق التحتانی بگمنی ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی وکسر نون وسکون
تحتانی م شرابیکہ از برنج وجوار وارزن وامثال آن سازند تنسیق اللام و
تمنیق الموحدة الفارسی بلنجاسپ ف بکسر اول م فتح ثانی وسکون نون با میم
والف وسین مہملہ وموحده فارسی م بوی مادران تمنیق الجیم بلاج ف بفتح اول

ولام والف گیاه لوخ که ازان بوریا بافند بلیلج ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی
مجهول و فتح لام ثانی ف بلیله ه بهیڑا طب ا گویند ۲ ی ۳ ق قابض بلطف
مقوی معده خ زرد رسیده ش یکدرم تا سه درم ص عسل بالبوا انیسون و در
بوئیدن خیری و مرزنگوش ل آمله بادرق خبازی گویند فاغیه خشک دو دانگ
وزن آن آس و شش یک آن هلیله سیاه تمنیق الجیم الفارسی بلنج ف بفتح اول
و ثانی و سکون خاء معجمه م ذاک سیاه تمنیق الحاء المهمله بلح ف بفتح اول و ثانی
و سکون حاء مهمله ف غوره خرما که اندک ترشی بهم رسانیده باشد ه کچی کهجور طب ی ۲
تمنیق الدال المهمله بلادر ع بفتح اول و لام و الف و ضم دال مهمله و سکون راء مهمله
ه بهلاوان طح ی ۴ ق مقوی دماغ خ سیاه فربه که بعد از شکستن عسل بسیار ده
ش نیم درم ص کنجد یا روغن جوز یا مغز جوز یا شکر ل فندق بیخ وزن آن دو دانگ
و نیم وزن آن روغن بلسان و ناجیل م با خردل و گویند شمش یک آن لفظ سپید
بلار ف بفتح اول و ثانی و الف م آذربویه و آن بیخ خاریست که آنرا اشنان خوانند
تمنیق السین المهمله بلبوس ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده ثانی و سکون
واو و سین مهمله م بصل الزیره و گویند پیاز تلخ طح ی ا گویند ۲ ق مقطع خ تازه
ص شیر تازه دوشیده ل بصل العنصل بلس ف بضم اول و لام ع عدس تمنیق الضاد
المعجمه بلوطة الارض بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم طاء مهمله و سکون لام ثانی
و فتح همزه و سکون زاء مهمله و ضاد معجمه م کما دریوس تمنیق الطاء
المهمله بلوط بضم اول و ثانی و سکون واو و مشهور بهمین نام است
ب ی ۲ گویند ۱ گویند ب ی ۳ ق قابض
و حابس خون ح فربه بزرگ رسیده ش دو درم
تا سه درم ص بریان کرده باشکر خوردن ل

شاه بلوط یا بوزن آن خرنوب نبطی تمنیق الفا بلنجاسف بکسر اول و ثانی و سکون نو
یا جیم و الف و فتح سین مهمله صه بنجاسف تمنیق الکاف بلک ف بکسر اول سکون
ثانی م آتش بلوطا الملک ع بسکون لام ثانی و فتح میم و کسر لام ثالث ف شاه بلوط
و گویند گردگان تمنیق اللام بلال ف بفتح اول و لام الف بلادر بل ف بفتح اول
و سکون ثانی ثمر لیست کبوست این را شل خوانند و تخم این را بل تخم این بل
ه بیل طح ی ۲ گویند ۳ ق حابس لطن خ شیرین ش دو درم تا سه درم تمنیق النون
بلبن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون نون م خرفه ع بقلة الحمقا
بلسان ع بفتح اول م ثانی و سین مهمله و الف و نون شجره مصری مشهور طح ی ۲ گویند
ی ۳ ق ملطف محلل خ خوشبوی ش نیم درم ص صندل ل زیتون و تخم بلسین بفتح
اول و سکون ثانی و ضم سین مهملا بجیر سفید بلبطاون بفتح اول و سکون ثانی با طاء
مهمله و الف و فتح واو ه چولائی کا ساگ بلمون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و
سکون واو م سانج بلوجیطون یونانی بفتح اول م ضم ثانی و سکون واو و کسر سین مهمله
و سکون تحتانی و ضم طاء مهمله و سکون واو ثانی ف گلنار و گویند میوه بل تمنیق الها
بلبیکه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و کاف و خفاء ها م مسکه بلوایه
ف بفتح اول و سکون ثانی و واو و الف و فتح تحتانی م بالوایه و پرستوک بلهاربنج
بفتح اول و سکون ثانی با ها و الف و سکون راء مهمله و فتح موحده ثانی و سکون نون
و فتح دال مهمله بردتی و گویند کلتهی بلیلف ع بلیلج تمنیق التحتانی بلبلی ف بضم
اول و سکون ثانی و ضم موحده ثانی و کسر لام دوم و سکون تحتانی م جانبی زرد آلو
تنسیق النون و تمنیق الالف بنداه بفتح اول و خفاء نون و فتح دال مهمله و الف
دوائی هندلیست و آن عبارتست از درختیکه بر درخت دیگر روید تمنیق الفوقانی
بناست بکسر اول و فتح ثانی و الف و سین مهمله ع صمغ البطم تمنیق الجیم بنفسج ع

بفتح اول وثانی وسکون فا وفتح سین مهمله ف بنفشه ه بنوساطب ۲ ر ۳ گویند
ب را گویند ر ف مسهل صفرا وبلین خ خوشبوی ش دو درم تا چهار درم خشک
او وپنجدرم از تر او ص سفرجل ل نیلوفر و به سیاوشان بنج ع بالفتح اول وسکون
ثانی وجیم م بنگ م بنج و شبکران ه خراسانی اجوائن بت ی اق مخدر قابض
مسکن خ سفید ش دو درم ص عسل ل لفاح و خشخاش با افیون تمنیق الدال المهمله
بنات الرعدع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی وفتح را مهمله مشدده وسکون
عین مهمله م سمار وغ ف کلاه ماران ه گگن هول و کمبی تمنیق الراء المهمله
بنات النارع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی با نون مشدد ثانی والف دوم
ودار مهمله م انجره ف گزنه بنیره بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده ثانی وسکون او
مهمله م سپستان تمنیق الشین المعجمه بنوماش ف بضم اول وثانی وسکون او
با میم والف ه غله مونگ تمنیق القاف بندق بکسر اول وسکون ثانی وضم دال
مهمله م فندق ف بادام کشمیری سه گوشه طح زمع گویند ح داق مبهی خ بزرگ
بالیده ش ده درم ص فانیذل بادام شیرین یا بوزن آن مغز جوز و بعضی گویند
چلغوزه تمنیق الکاف بنک ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی نوعی از ابریشم
فرومایه است ه کرت تمنیق الکاف الفارسی بنگ بضم اول وسکون ثانی وکاف
مانند قشور یست که از بیخ مغیلان در زمین خیزد طح ی اق قابض مجفف خ
سفید فربه زرد سبک خوشبو ل سنبل و بفتح اول وثانی بفارسی
میوه بن و بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی
خوشه خرما تمنیق النون بنجشکزوان بکسر اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون
شین معجمه و کاف وفتح زاء معجمه و واو والف و نون ع لسان العصافیر بسلوین
ه بفتح اول وخفای ثانی وسین مهمله وضم لام وسکون او وفتح جیم فارسی م طباشیر

طب بنطافلون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله و الف و فتح فا و ضم لام و سکون واو ف بیخ پنجنگشت طب ای ۲ ق قابض خ بیخ غلیظ ش یک مثقال

ص کرفس ل جلنار بنکران ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف با راء مهمله و الف م برنجی که در ته دیگ بریان شده باشد کهیرن بن کیهون بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تحتانی مجهول و ضم ها و سکون واو م اخروسه

بن بضم اول و سکون ثانی ف آبکامه و تخم قهوه را نیز گویند و بفتح اول م میوه و تمیق الواو و نبکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی ه اسبغول تمیق

الماء نبتوسه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و فتح میم و خاء ها ه اکاسن بیل نبقع ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م علة البیت عدس ما نند اغلب

غله است مع ی تمیق التحتانی بنج و شتی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح دال مهمله و سکون شین معجمه و کسر فوقانی و سکون تحتانی ه و جهتورا بندق هندی بکسر

اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله و کسر قاف و ها و سکون نون ثانی و کسر دال مهمله

ثانی ه ریٹها طح ی اش بست مثقال از روغن او تلنسیق الواو و تمیق الالف

بوحا یونانی بضم اول و سکون واو با حاء مهمله ف ماه پروین تمیق الموحده بول الکلب

ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و فتح دال بشدوده و واو و الف و سوحده ثانی

ف شاش پهار یا پایان بول الکلب ع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثالث

ف کمیز سگ تمیق الجیم بوغنج ف بضم اول و سکون ثانی و فتح غین

معجمه و سکون نون ف سیاه دانه ه کلونجی تمیق الدال المهمله بوشادف

و یونانی بضم اول و ثانی مجهول و شین معجمه و الف ف شلغم تمیق الراء المهمله بویماس

ف بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی و سکون تحتانی با میم و الف م غیم خورک

گویند که بر لب آب بها نشیند و از غم آنکه مبادا آب کمی پذیرد با وجود نهایت تشنگی

۷۶

نون عفاش ۲ تازه در چشم کشند چشم را روشن کنند و نیز خاکستر در چشم کشند روشنائی را زیاده کنند اگر زنی دشوار زاید

آب نخورد یونانی شقیقین نامند ع نمام ق گوشتش مقوی حافظه و مهمله بوصیر
بضم اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله وسکون تحتانی م مغیلان ه کیکر بوقیضا یونانی
بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی با ضاد معجمه والف ف درخت
بیشه وسفیدار و دوار بول البقر ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام
ثانی وفتح موحده وقاف ف شاش گاو خ از گاو تر بول الحمار ع بسکون لام وکسر
حاء مهمله با میم والف ف کمیز خر تمیق الزاء المعجمه بزرف بفتح اول وسکون
ثانی وزاء معجمه م زنجبیل سیاه که بر گلها نشیند ه بهونرا بستان افروز ف م
گل تاج خروس بول العنز ع بفتح عین مهمله وسکون زاء معجمه ف شاش بز تمیق السین
المهمله بول الجاموس ع با جیم والف ومیم وسین مهمله ف کمیز گاومیش بول الناس
ع ف شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص زبل نمک آب تمیق الشین المعجمه
بورطیش یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وکسر طاء مهمله م
مرقشیشا تمیق الفاء بوف بضم اول وسکون واو ف جانور کوف وبوم که به
نحوست اشتهار دارد تمیق القاف بورق بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م
بوره ف تنکاره سها لطح ۲ ی ۳ گویندی ۲ ق مجلی مقطع منقی ملطف مفرح ملحم
خ سفیدارمنی ش درحقیقه یکدرم تا دو درم ص صمغ عربی ومضمضه بسرکه وشراب
ل نمک تلخ یا نمک اندرانی یا شب تمیق الکاف بوکلک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف ولام وسکون کاف ثانی م بن کوهی وضحک وتبرکی خیلا غوج نامند
تمیق الکاف الفارسی بورنگ بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون
نون وکاف فارسی م بادروج تمیق اللام بوالابل ع بفتح اول وسکون
ثانی وکسر همزه وموحده ثانی وسکون لام ثالث ف کمیز شتر خ از شتر اعرابی بول
ه بضم اول وسکون ثانی م تمیق المیم ابوم ف بضم اول وسکون ثانی

ومیم ۲ الو تمنیق النون بو بودیون یونانی بضم هر دو موحده وسکون هر دو واو
وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثالث ونون م بسفایج بوزیدان بضم اول
وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وسکون تحتانی با دال مهمله والف وه بوزدان وگویند
ستاورطح ی ۳ گویند ح ۲ ی ۱ ق ملطف خ سطبر تازه سفید با خطوط شکم
تا دو درم ص عسل یا خردل ل ه وزن آن بهمن سفید یا بوزن آن وج ونیم وزن آن
زرنباد یا سورنجان بو غلصن یونانی ورومی بضم اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون لام وضم صاد مهمله ع لسان الثور ف گاوزبان بو قلمون بضم اول وسکون
ثانی وفتح قاف وضم لام ومیم وسکون واو ثانی ع حرباف آفتاب پرسته گرگ
بول الصبیان ع بکسر صاد مهمله بکشد وسکون همزه ثانی یا تحتانی والف ف
کمیز کودکان بو لوطیه بخوری یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ثانی وفتح
طاء مهمله وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم خاء معجمه وسکون واو ثالث ف پرسیاوشان
ه هنسراج بو مادران ف بضم اول وسکون ثانی با میم والف وفتح دال مهمله وراء مهمله
والف ثانی ربو مازان بحذف دال مهمله م برنجاسف تمنیق الهاء بوزنه وبوهینه
ف بضم اول وسکون ثانی وزاء معجمه وفتح نون وخفای ها در لغت اول وکسر زاء معجمه
وسکون تحتانی وفتح نون در لغت ثانی م میمون بوطانیه یونانی بضم اول وسکون ثانی
با طاء مهمله والف وکسر نون وفتح تحتانی وخفاء ها ف سیاه دارو تمنیق التحتانی
بوره اشنی بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وهمزه ملینه وها وفتح همزه وسکون شین
مهمله ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی م بوهرق بول الخنزیر البری ع بفتح
اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وکسر خاء معجمه وسکون نون وکسر
زای معجمه وسکون تحتانی وکسر راء مهمله وسکون لام ثالث وفتح موحده وکسر راء مهمله
مشدد ثانی ف شاش خوک جنگلی بو لسبری ۱ بضم اول وسکون ثانی ولام وفتح

سین مهمله وکسر راء مهمله درخت مشهور هندیست که گل خوشبو دارد و هر چند گلش مرده
گردد بسیار بو دهد و ثمرش بعینه ثمر کنار است و دوای عظیم در دوندانست تمنیق
الهاء و تمنیق الالف بهانتاه بفتح اول و اظهار ها والف و خفاء نون با فوقانی والف
ثانی ف باد نجان بهلاواه بکسر اول و سکون ثانی باللام والف و واو ف بلادر
بهنگراه بفتح اول و سکون ثانی و خفاء نون و فتح کاف فارسی و راء مهمله و الف
دوای عظیم النفع ست هندی م جعیره بهیراه بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و راء
مهمله ف بلیله ست تمنیق الموحده بهار سیب بفتح اول و ثانی والف و کسر راء مهمله
و سین مهمله و تحتانی مجهول و موحده ف گل سیب ف مقوی دماغ تمنیق الجیم بهج
بفتح اول و سکون جیم ثانی م بوزیدان بهرامج ع بفتح اول و سکون ثانی با راء مهمله
والف و فتح میم م بید مشک طمع بهروج ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم راء
مهمله و واو مجهول م کند هندی ه بیجان و گویند نوعی از بلوط کبود تمنیق الدال
المهمله بهار امرود بفتح همزه و سکون میم و ضم راء مهمله و سکون واو ف گل امرود
مقوی دماغ تمنیق الراء المهمله ف بهار بفتح اول و ها والف و راء مهمله م بابونه
و گویند گل کنهان و گل نارنج طح ی اق محلل خ زرد تازه ش یکمثقال ص زعرور
ل جعده بقلة الجرع بفتح اول و ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح حاء مهمله و جیم
ع غراز الصخر ف گل سنگ و آن مانند رنگ چیزی بر سنگها نشیند بهوج پتره
بفتح اول و ضم ثانی و اظهار آن و واو مجهول و جیم و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدده
م درخت هندیست که در کشمیر از قشر او اوراق سازند و بسان کاغذ برو کتابت
نمایند تمنیق الزاء بهروز ف بکسر اول سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو و زاء
معجمه بریجا تمنیق الکاف الفارسی بهانگ ه بفتح اول و اظهار ثانی والف و خفاء
نون و کاف فارسی م قنب تمنیق اللام بهاتل ه بفتح اول و اظهار ثانی والف

وخفاء نون وفتح فوقانی هندی وسکون لام م گشنیج ف گل لنده بهودل ه بفتح
اول وضم ثانی واظهار آن و واو مجهول و دال مهمله هندی ع طلق ف ابرک تمنیق
النون بهرامن وبهرمان ف بفتح اول وسکون ثانی با راء مهمله والف وفتح میم و
سکون نون در لغت اول م با میم والف ونون در لغت ثانی یاقوت سرخ وغازه که
زنان بر روی مالند وگل خسکدانه بهمن م بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم مشهور
است چنین نام وگویند اسکندره ولایتی ست سرخ ه بهمن سفید اسکن طحی
گویند ح د ۲ ق سمن مفرح ومقوی دل خ سرخ مثل یکدرم ص انیسون ل تودری
ولسان العصافیر تمنیق الهاء بهاریه ف بفتح اول وثانی والف وکسر راء مهمله
سوحده ثانی وهاء ثانی ف گل آبی مقوی دماغ بهرامه ف بفتح اول وسکون ثانی
با راء مهمله والف وفتح میم وخفاء هاء ع بهرامج م بید مشک بهروجه وبهروزه ف بکسر
اول وسکون ثانی وضم راء مهمله و واو مجهول وفتح جیم ولغت اول وزاء معجمه در لغت
ثانی وخفاء هاء ه بریجا تمنیق التحتانی بهارنگی ه بفتح اول واظهار ثانی والف
فتح راء مهمله وسکون نون وکسر کاف فارسی دوای هندیست تلنسیق الیاء
التحتانی وتمنیق الالف بتیش تیشا بکسر اول وسکون تحتانی وشین معجمه وکسر
فوقانی وتحتانی مجهول ثانی وشین معجمه ثانی م ماه فرفین تمنیق الفوقانی بیدخشت
بکسر اول وثانی مجهول وسکون دال مهمله وکسر خاء معجمه وسکون شین معجمه وفوقانی
ف شیرخشت بینته ه بکسر اول وثانی مجهول وخفاء نون شجریست خاردار که
در هندا از چوبش او دسته چابک سازند وجل بنیت نیز قسمی از دست ف خیزران تمنیق
الخاء المعجمه بیخ مخ بکسر اول وثانی مجهول وکسر خاء معجمه وضم میم وسکون خاء معجمه
ثانی ه مهرتی بیض مسلوخ ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون
سین مهمله وضم لام وسکون واو ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده

٨١

تمنیق الدال المهملة بجاوف بکسر اول وثانی مجهول درختیست مشهور و کرگی ست که کتاب
و کاغذ و جامهای پشمین را بخورد و تباه سازد بید و ندف بکسر اول وثانی مجهول
و سکون دال مهمله و فتح هاء و سکون نون م شاه و نه بیرد بکسر اول وثانی مجهول
و راء مهمله و فتح زاء معجمه پیچا تمنیق الراء المهمله بید انجیر ف ه درخت انجیر
ع خروع بید ستر ف بکسر اول وثانی مجهول و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله و
فتح فوقانی م سگ آبی که خصیه آنرا جند بیدستر نامند و ترکی قندز گویند بیره
بکسر اول وثانی مجهول ف کنار طرف ی بیسره ف بکسر اول وثانی مجهول و فتح
سین مهمله جانور شکاری که چون شکره باشد و آنرا بیسره نیز نامند بیضه العصافیر
ع بکسر اول و سکون ثانی وضم ضاد معجمه و سکون لام و فتح عین مهمله و صاد مهمله و
الف و کسر فاء و سکون تحتانی ف خایه گنجشک ه چڑیون کی انڈے ف مبهی
خ تازه تمنیق الزاء المعجمه بیض الاوز ع بضم همزه و سکون واو خایه مرغابی
خ تازه بیوآز ف بکسر اول وثانی مجهول با واو و الف م شیرک ع خفاش
تمنیق السین المهمله بیخ سوس بضم سین مهمله و سکون واو و فتح سین مهمله
ثانی ف حبک ه ملٹھی تمنیق الشین المعجمه بیش ف بکسر اول و سکون
ثانی ف زهر نیس و بیشما طح ی ۴ ف قاتل ص یا زهر یا مشک یا جدا
ال بیخ کبر یا نرد فند ه بکسر اول بفارسی و سکون تحتانی م برگ خرما بیش موش
بکسر اول و سکون ثانی و شین معجمه و ضم میم و سکون واو ف حیوانی ست مانند
ماش که معروف ست بفارة البیش و در بن درخت بیش جایی دارد تمنیق
الضاد المعجمه بیاض البیض ع ف سپیده تخم مرغ ق مسکن او جاع ل
اسغول بیض بکسر اول و سکون ثانی ف تخم هر جانوری ه انڈا طمع ح ب
دق مغذی مغری خ تازه تمنیق الطاء المهمله بیض البطع بضم ضاد معجمه

وسکون لام وفتح موحده ثانی وسکون طا مهمله ف خایه فاخ تازه تمنیق القاف
بیض مسلوق ع بکسر ضاد معجمه وفتح میم وسکون سین مهمله وضم لام وسکون واو ف
تخم مرغ بریان کرده وجوشانیده تمنیق الکاف بیخ مهک بفتح میم وسکون ها مرما
بید مشک ف بکسر میم وسکون شین معجمه نوعی از بید است که از گل آن عرق کشند
تمنیق اللام بیض الحجل ع بفتح حا مهمله وسکون جیم ولام ف خایه کبک ف بیخ
خ تازه بیل بکسر اول وثانی مجهول م بل گل رای بیل تمنیق المیم بیض الحمام ع
بفتح حا مهمله با میم والف ف تخم کبوتر ف بیخ بیض النعام ع بضم نون مشدد
وفتح عین مهمله با الف ف خایه شتر مرغ خ تازه تمنیق الهاء بیجاده ف بکسر اول و
ثانی مجهول وجیم با الف وفتح دال مهمله م کهربا کانی وگویند سنگریزه های سرخ رنگست
که از جواهر فرومایه باشد وبعضی گویند بیجاده پر مرغ را جذب کند بیرزه ف بکسر اول وثانی
مجهول وسکون را مهمله وفتح زا معجمه پرچا بیجیله بروزن بحیله ف م خرفه بیغ
بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م بنفشه که گفته شد تمنیق التحتانی بیخ چوبی
بضم جیم فارسی وسکون واو وکسر جیم ثانی ه جونک کی جڑ که آنرا کوه کان چون
رلو بر جاها می چسپانند بیخ چینی ف بکسر اول وثانی مجهول وکسر خا معجمه وجیم فارسی
وسکون تحتانی ثانی وکسر نون م چوب چینی وبیخ حیات بیخ شانه دشتی ف با شین
معجمه والف وفتح نون وهمزه ملینه وفتح دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی
ه کنگهی کی جڑ بیخ سوٹ جنگلی ه ق مخدر بیرزی ف بکسر اول وثانی مجهول ورا مهمله
وکسر زا معجمه ه سربچا تر قلم الباء الفارسی وتنسیقه وتمنیق الالف پاڈراه
بموحده فارسی والف ودال مهمله هندی ورا مهمله والف ثانی گل درخت هندیست
پاڈل بموحده فارسی والف وفتح دال مهمله هندی وسکون لام پارکاه بموحده فارسی
والف ورا مهمله ف سیماب ملح تمنیق الفوقانی هندی پاٹے ه بموحده فارسی والف

ف ابریشم تمنیق الدال المهمله پالکهان ببیده بموحده فارسی والف وفتح کاف
وانظهار ها والف ونون وکسر موحده وانظهار های ثانی وتحتانی مجهول م جنطیانا
تمنیق الذال المعجمه پانیذ ف بموحده فارسی وکسر نون وسکون تحتانی ع لعاب الغزال
وفانیذه تباسه تمنیق الراء المهمله پاکره بموحده فارسی والف وفتح کاف وسکون
راء مهمله درخت هندیست که قسمی از درخت برست طب پاذهر ف بموحده فارسی
والف وواو وفتح زاء معجمه وسکون هاف تریاک چه پاو بمعنی شوینده وپاک کننده است
از زهر مهره تمنیق الکاف پاچک ف بموحده فارسی والف وفتح جیم فارسی م سرگین گاو
که خشک شده باشد یا بدست آنرا پهن ساخته باشند بجهه سوختن ۵ اوپلی و نیز دارو
هاضم طعام پالک ۵ بموحده فارسی الف وفتح لام ف اسفاناخ طب تمنیق النون
پان ۵ بموحده فارسی والف ف برگ تنبول طح تمنیق التحتانی پاپری ۵ بموحده
فارسی والف وفتح موحده فارسی ثانی وکسر راء مهمله ف شمشاد طب تنسیق التاء
الفوقانی وتمنیق الالف پت پاپڑا ۵ بکسر اول فارسی وسکون فوقانی وموحده
فارسی ثانی والف وموحده فارسی ثالث وراء مهما هندی ف شاهتره طب پتجیا
۵ بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وکسر جیم وتحتانی دوای هندیست تمنیق الجیم
پترج ۵ بفتح اول فارسی وسکون فوقانی وفتح راء مهمله م سارج طح تنسیق الخاء
المعجمه وتمنیق الهاء پخته بفتح اول فارسی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وخفاء ها
پنبه تنسیق الدال المهمله وتمنیق الکاف الفارسی پدم راگ ۵ بفتح اول
فارسی ودال مهمله وفتح راء مهمله والف وکاف فارسی ف یاقوت سرخ تمنیق الهاء پده ف بفتح
اول فارسی ودال مهمله نام درختی ست که بر بند هع غرب تنسیق الراء المهمله وتمنیق الدال المهمله
پرسغدف بفتح اول فارسی سکون راء مهمله وفتح واو وسکون نون م امر وتمنیق الکاف پرکت ف
بااول فارسی نوعی از فولاد جوهردار پرستک وپرستوک ف بکسر اول فارسی وثانی

ذهب بپارسی طلا وبهندی سونا گویند طبیعتش [illegible] دل وخفقان را دفع کند

وسکون سین مهمله وضم فوقانی وسکون کاف در لغت اول وسکون واو در لغت
ثانی جانوریست که پشت ودم آن سیاه بود وسینه سفید باشد ومنقارش سرخ ودر
سقف خانه آشیانه دارد م فراشتنگ پروانک فا بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح نون م جانوریست که پیشانیش سبز آواز کنان رود تمنیق الکاف الفارسی
پرنک ف بکسر اول فارسی وفتح راء مهمله وسکون نون م برنج ه پتیل پرنیک
ه بکسر اول فارسی وثانی وتحتانی مجهول واظهار نون وکاف فارسی دوای هندیست
طب تمنیق اللام پربال ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی با موحده والف لام
ع لبد وسرجان م مونگا تمنیق المیم پرچیم ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی
وفتح جیم فارسی گاو قطاس ه سرگای تمنیق النون پرافزان بفتح اول فارسی
وسکون راء مهمله ومد همزه وذال معجمه یا راء مهمله والف جانوریست شکاری از جنس
چرغ ع زمج پرپهن ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ثانی وهاء
فرمخ وحمله ه لونیا وکهول پرسیاوشان ف ع کزبرة البر ه هنس راج وکلز جاه
وسنبل که در کنار چاه وچشمها میروید طح ی الموبیند مع ح ب ف ق منضج ملطف
مدر محلل مفتت مسهل بلغم وسودا نه سیاه چوب سبز ورق یا سیاه چوب سرخی مائل
شربت یک درم تا ده درم ص مصطکی یا کتیرا بوزن او بنفشه یا کیمیم وزن آن البسکده
بادوردانک وزن آن زوفا پرزن ف بفتح اول فارسی وثانی فارسی م زعفران
تمنیق الهاء پرکنه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح کاف ونون ترکیبی از
بوهای خوش م ارکجه پریچه ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم
فارسی لیف خرما تمنیق التحتانی پسبله ه بضم اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م ترسبی تمنیق السین المهمله وتمنیق الالف پستاه بکسر
اول فارسی وسکون سین مهمله وفتح فوقانی ف پسته ع فستق طح ق بهمن تمنیق الفوقانی

پست ف بکسر اول وسکون ثانی وفوقانی م نیم آرد وآرد بریان کرده بزبان
ترکی تلقان خوانند تمنیق الکاف الفارسی پستان سگ ف م پستان
ه لسوڑه تمنیق الکاف پستنگ ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون وفتح
کاف فارسی وسکون کاف ثانی ژاله تمنیق الواو پست جو بکسر اول فارسی سکون
ثانی وکسر فوقانی وفتح جیم ف آرد جو تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الکاف پشک
بکسر اول فارسی وسکون شین معجمه وکاف ف سرگین تمنیق اللام پشکل بکسر اول
فارسی وسکون ثانی وکسر کاف ف سرگین تنسیق الکاف وتمنیق الدال المهمله
پلند ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون ودال مهمله بزبان جنوق نان تمنیق الکاف
الفارسی پکهرک ه بضم اول فارسی سکون ثانی واظهار ها با راء مهمله والف وکاف
فارسی ف لبراق تمنیق النون پکهبنجن ه بضم اول فارسی وسکون ثانی واظهار
وفتح موحده فارسی ثانی وهمزه وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی درای
هندیست جهتا امراض چشم طرح تنسیق اللام وتمنیق الالف پلاس پاپڑا ه
بفتح اول فارسی ولام والف وسکون سین مهمله با موحده فارسی ثانی والف ثانی و
فتح موحده فارسی ثالث با راء مهمله والف ثالث ف درخت پله ه دهاک کی بیج
تمنیق السین المهمله پلاس ه بفتح اول فارسی ف پله ه دهاک طرح وقلمین
تمنیق الکاف پستک ف بکسر اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی هم
پستوک پلنگ مشک بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون و
کاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمه هم فرنجمشک ف
بالنگو خورد تمنیق اللام پلاس پیپل ه بکسر اول فارسی
بالام والف وسین مهمله وکسر موحده فارسی ثانی
وسکون تحتانی وفتح موحده فارسی ثالث ه پارس پیپل

درخت هندیست پلپل ف بکسر هر دو موحده فارسی و سکون هر دو لام م فلفل
پلول ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح واو م ثمره هندیست که اکثر در کشت
برگ تنبول میکارند و نانخورش نیکوست طح تمنیق المیم پلم ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و میم م خاک تمنیق الها پلغده ف بفتح اول فارسی و ثانی
و سکون غین معجمه و فتح دال مهمله م تخم مرغ و میوه که بوسیده باشد پله ف بفتح
اول فارسی و ثانی ه درختیست که هر نیز بفارسی شیر حیوان نوزاینده که آنرا فله
و رنگ نیز گویند تمنیق التحتانی پلچی ف بضم اول و سکون ثانی و کسر جیم فارسی م
خرمهره پلیندی ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح تحتانی و سکون نون و کسر
دال مهمله نوعی از خربزه تنسیق النون و تمنیق الالف پنرنوا ه بضم اول و
ثانی و سکون راء مهمله و فتح نون ثانی و واو م بسکهپر تمنیق الفوقانی پنجنکشت
ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و
سکون شین معجمه ه درختیست مینهالو طح اگویند ۲ ی ۲ ق محلل ملطف مفتی
نخ تخم تازه ش یکمثقال ض صمغ عربی ل دو وزن آن شهد انج تمنیق الدال
المهمله پندف بفتح اول فارسی و سکون ثانی م غلیواز تمنیق الراء المهمله
پنواڑه بفتح اول فارسی و سکون ثانی و واو و الف دوای هندیست م قلت
طبعی تمنیق الکاف پنج پایک ف بفتح اول فارسی و سکون نون و جیم
و موحده فارسی ثانی و الف و فتح تحتانی ع سرطان پنانک ف
بفتح اول فارسی با نون و الف و فتح نون ثانی ع صمغ پنیرک
ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح
راء مهمله م گل خطمی تمنیق الکاف الفارسی پنک بفتح اول
فارسی و سکون نون و کاف فارسی م خوشه تمنیق المیم پنجه مروم

بفتح اول فارسی ه‌ها نهاجو طبی تمنیق الطا پنبه انه ف ه بنولا پنج پایه فرهنگ
ه لیکن اینجه گریه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح جیم وهمزه ملینه وضم کاف
فارسی سکون راء مهمله وفتح موحده م بیدمشک تلنسیق الواو وتمنیق الفوقانی
پوست ف بضم اول فارسی وسکون واو وفوقانی م جگر تمنیق الشین المعجمه
پولیش ف بضم اول فارسی وسکون ثانی دو واو وفتح موحده فارسی ثانی ع ہد ہد
تمنیق الکاف پوپک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ثانی
ع ہد ہد پوشک ف بضم اول فارسی وثانی مجهول و فتح شین معجمه م گربه تمنیق اللام
پوپل ف بضم اول فارسی وثانی مجهول و فتح موحده فارسی م فوفل ه سپیاری تمنیق الواو
پوپو بهر دو موحده فارسی وسکون هر دو واو م ہد ہد وآواز ہد ہد تمنیق الهاء پوپه
بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی واخفاء ها ع ہد ہد پودنه ف بضم اول
فارسی وثانی مجهول و فتح نون م خربوزه وهندوانه و دیگر میوه‌ها که درون سان مضمحل
و پوسیده باشد تمنیق التحتانی پوت بنهاری ه ف تخم خار واژگونه م چرچره بکی هم
پوش وربندی بضم اول فارسی وسکون واو وکسر شین معجمه وفتح ذال مهمله وسکون
راء مهمله وفتح موحده وسکون نون وکسر دال مهمله ثانی ف شیاف ست که از این
و در هند می آرند وان نباتیست که همچنان میگویند و شیاف میسازند طب ی ال
ماميثا عنب الثعلب یا بزر العنب یا حضض یا عصاره ماميثا پوی ه بضم اول فارسی
وثانی مجهول ف سبزی هندیست که ریشه‌ها مثل انگور بر بیاره سید واند بعضی عنب الثعلب
ست وانتر ها نانخورش تلنسیق الهاء وتمنیق الالف پهلسا ه بفتح اول فارسی
واظهار ها وسکون لام وسین مهمله م میوه مشهور هندیست تمنیق الدال المهمله
پهرهده بفتح اول فارسی واظهار ها وسکون راء مهمله وفتح هاء ثانی درخت هندیست
م تمنیق الراء المهمله پهنور ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم نون

وسکون واو م بهی تمنیق الکاف بهمرک بفتح اول فارسی وسکون ثانی و فتح میم
وزاء معجمه وسکون کاف م خارپشت تمنیق اللام بهگرمول ه بضم اول فارسی
وسکون ثانی و فتح کاف وسکون راء مهمله وضم میم وسکون واو دوای هندیست
تمنیق الهاء ف پهنانه بفتح اول فارسی وسکون ثانی با نون والف و فتح نون
ثانی م بوزنه ومیمون ه باندر تمنیق التحتانی پهنگری ه بفتح اول فارسی واظهار
ثانی وسکون فوقانی هندی و فتح کاف وکسر راء مهمله م شب یمانی ف زاک سفید
بهی ف بفتح اول فارسی وکسر ثانی ع حنظل تنسیق الیاء التحتانی تمنیق الالف
پیابانسا ه بکسر اول فارسی با تحتانی و موحده والف ثانی و خفاء نون وسین مهمله
قسمی از بانسا تمنیق الموحده پیلوخب طعامیست ترش که از جوز مغز و شیر جغرات
سازند تمنیق الدال المهمله پیل آمرود ف بکسر اول فارسی تحتانی ولام نوعی از امرود
است تمنیق الراء المهمله پیاره ه بکسر اول فارسی و تحتانی والف م میوه هندیست
که ترشیش تبر شی خرمای هندی ماند و از تخم او چرونجی یعنی نقل خواجه بهم میرسد پیلامو
ه بکسر اول فارسی وسکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی و لام الف وضم میم وسکون
واو ف فلفلمویه پیمزره ف بکسر اول فارسی سکون ثانی وضم میم وزاء معجمه ع طحلب
سوال که در آبها روید تمنیق الشین المعجمه پیش بکسر اول فارسی وسکون
تحتانی و شین معجمه م برگ خرما پیلکوش ف بکسر اول فارسی سکون ثانی ولام وضم
کاف فارسی و واو مجهول ع اذان الفیل و نوف و گویند در فارسی گلی است که بر
کنارهایش نقطهای سیاه باشد تمنیق الکاف پیتیک ف بکسر اول فارسی سکون
ثانی و فتح فوقانی کرمی ست که جامها و کاغذ تباه سازد پیچک بکسر اول فارسی و ثانی
مجهول و فتح جیم فارسی ع عشقه ولبلاب تمنیق اللام پیپل ه بکسر اول فارسی و
سکون ثانی و فتح موحده فارسی ف ملفل دراز و نیز نام درخت مشهور هندیست

پیتیل به بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح فوقانی ف برنج تمنیق النون پیگین
بفتح اول فارسی و سکون تحتانی و ضم غین معجمه و سکون نون م سداب تمنیق
الواو پیلوه بکسر اول فارسی و سکون ثانی و ضم لام ع اراک پینوف بکسر اول
فارسی و سکون ثانی و ضم نون ف دوغ ترش پخته م کشک و قروت تمنیق الهاء
پیچه ف بکسر اول فارسی و ثانی مجهول و فتح جیم فارسی م بیحک پیله ف بکسر اول
و ثانی مجهول و فتح لام شکوفه ابریشم تمنیق التحتانی پی ف بفتح اول و سکون تحتانی ع عصب باب
ترقیم التاء الفوقانی و تنسیق و تمنیق الالف تال بکماراه بفوقانی و
ولام و فتح میم و کاف و اظهار ها و الف ثانی و راء مهمله دوای مشهور هندیست تانبا
ه بفوقانی و الف و خفاء نون و موحده ف مس تمنیق الموحده تاکوب بربری
بفوقانی و ضم کاف و سکون واو م فرفیون تمنیق الفوقانی تاسمصت بربری
بفوقانی و الف و کسر سین مهمله و سکون میم و فتح صاد مهمله و سکون فوقانی ف ترشه
ترنج تاغندست بربری بفوقانی و الف و فتح غین معجمه و سکون
نون و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله فوقانی ثانی م عاقرقرحا
تمنیق الخاء المعجمه تاخ بفوقانی و الف و سکون خاء معجمه درختی هست که چوب آنرا
هیزم سازند آتش آن از هیزمهای دیگر بیشتر ماند و آنرا تاغ نیز گویند تمنیق الدال
المهمله تاردف بفوقانی و الف و فتح راء مهمله م کشته که برگا و و دیگر حیوانات
بجسید تمنیق الراء المهمله تارف بسکون راء مهمله درختیست شبیه به درخت خرما
که از آن آبی حاصل کنند که مانند نشه در سکر رود و اکثر در ملک هندوستان شود و در آن
برگ آن از هر یک کتر بیشتر و برهمنان کتابها بر آن نویسند و هندوان و زنان
انسان نرمه گوش خود پاره ساخته برگ آن درخت پیچیده در آن نهند تالسفیر
بفوقانی و کسر لام و سکون سین مهمله و کسر فاء و سکون تحتانی و کسر سین مهمله ثانی عنبر

تخم سپندان ه اسپند تالیسپتره بفوقانی والف وکسر لام وسکون تحتانی و سین مهمله وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده دوای هندیست تامر بفتح میم م
گل ماضی تمنیق الغین المعجمه تاغ ف بفوقانی والف م درخت تاخ وتخم مرغ
تمنیق الکاف تارنک ف بفوقانی والف وسکون راء مهمله وفوقانی ثانی وکون
ع عنکبوت تاشک ف بفوقانی والف وفتح شین معجمه م مسکه ع زبد تافشک ف
بفوقانی والف وفتح فا وشین معجمه م ویوجه ع ارضه تارک فا بفوقانی والف واو م
خروکا وجوانه تمنیق اللام تال ف م درخت تاڑ تامول وتانبول م بفوقانی و
الف وضم میم وواو مجهول در لغه اول وسکون نون وضم موحده وسکون واو ف
برگ تنبول ه پان وناک بیل ب ا ی ۲ گویند ح ای ۲ ص فوفل وکات و آهک
مجموعه ل فرنفل تاول فا بفتح واو م تاوک تمنیق النون تارین بفوقانی والف
وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ونون و بی نون نیز آبیکه از درخت تاڑ حاصل شود
وآن شربتی بود که نشاءش باد در سر آرد تمنیق الواو تاهوف بفوقانی والف وضم
هام شراب عراقی تمنیق الهاء تارچوبه بفوقانی والف وراء مهمله وضم جیم فارسی و واو
مجهول وفتح موحده م هلیون تالانه ف بفوقانی والف ولام الف وفتح نون کو
از شفتالو تمنیق التحتانی تالگی ف بفوقانی والف وسکون لام وکسر کاف فارسی
م کشنیز صحرائی تنسیق الباء الموحده وتمنیق الدال تبرزد ف بفتح فوقانی و
موحده وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه نبات وشکر سفید و ذهی باز نمک سخت از قسم
نمک سنگ وقسمی از انگور در غایت شیرینی وصبر را نیز گویند تمنیق الراء المهمله تباشیر
ف بفتح اول وثانی و الف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م بنسلوچن تبرع بکسر
اول وسکون موحده ف زر و طلا ه سونا تمنیق النون تبرخون ف بفتح اول وثانی
وسکون راء مهمله وضم خاء معجمه وسکون واو ع عناب وگویند چوبیست سرخ رنگ

بسیار سخت و گران و املس که شاطران از ان چوبدستی سازند و گویند سرخ بید گویند
بتخم و گویند نوعی از تره که با طعام و نان بخورند و آنرا ترخوان و ترخون خوانند و معرب
آن طرخون تکان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف و الف ف خاره ہ کانٹا
تمنیق الهاء تبرز ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح زاء معجمه م تبرزد تین بکر
ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم و کاف مشدد م اذخر تنسیق الفوقانی
و تمنیق الکاف تریک بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و کاف
م سماق تمنیق المیم تمر ف بضم هر دو فوقانی م سماق تمنیق التحتانی تتری
ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله م سماق تتلی بفتح و سکون ثانی و کسر لام
ہ چرچی تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق الواحد ہ تخم جاروب ف م اطریلال
تمنیق الفوقانی تخم اسپست بکسر همزه و سکون سین مهمله و کسر باء فارسی و سکون
سین مهمله ثانی و فوقانی م بذر الرطبه تمنیق الخاء المعجمه تخ بفتح اول و سکون
ثانی فاسبه و کنجاره ہ کهل تمنیق الضاد المعجمه تخم حماض بفتح حاء مهمله و میم مشدد
و الف و ضاد معجمه ہ چوکی کی بیج تمنیق الکاف تخم تورک ف ع بزر الخرفه تمنیق
اللام تخم خلخال ف بکسر خاء معجمه و لام الف م اطریلال تخم گل ف بضم کاف
فارسی زر یعنی زردی میانه گل تمنیق المیم تخم شاهسفرم ع بزر الریحان
تمنیق النون تخم سپندان ہ اسبند تخم کتان کاف و فوقانی و الف
السی تمنیق الها تخم بنک دیوانه بفتح موحده و سکون نون و کسر کاف فارسی
و دال مهمله و تحتانی مجهول با واو و الف و فتح نون ہ خراسانی اجواین تخم بلیله
بفتح موحده فارسی و لام ہ بلاس پاپڑه تخم خرفه ف بضم خاء معجمه و سکون راء مهمله
و فتح فاء ہ لونیا کی بیج تمنیق التحتانی تخم تیزک بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی
و راء مهمله با میم و ... ت و کسر یاء ف زردک ہ مال کنگنی تخم شرتی ف تخمی است

از قسم سیاه لیکن بسیار کوچک است تلنسیق الدال المهمله و تمنیق الواو ندو
بفتح اول و ضم دال مهمله و سکون واو م جانوریست سرخ رنگ بیشتر در حمامها
پیدا میشود تلنسیق الذال المعجمه تمنیق الجیم تذرج بفتح اول و ذال معجمه و سکون
رای مهمله ف تذرو لا وا بانبر طح ب ق گوشت او مقوی دماغ تمنیق الواو
تذروف بفتح اول و ثانی و سکون رای مهمله و واو مجهول مرغ دشتی تلنسیق الواء
و تمنیق الالف تراب صیداغ بضم اول و ثانی والف و کسر موحده و فتح صاد مهمله و
سکون تحتانی و دال مهمله ف خاکیست از معده کوهی ترپهلاه بکسر اول و سکون
رای مهمله و فتح موحده فارسی و اظهار ها و لام م لفظیست هندی که بعرب اطریفل
است و آن عبارتست از ترکیب هلیله و بلیله و آمله ترکتاه بکسر اول و سکون و ضم
کاف با فوقانی هندی نیز لفظ هندیست که عبارت از ترکیب زنجبیل و دار فلفل
و فلفل گرد شود ترمزاه بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و رای مهمله م جرجیر تمنیق الموحده
تربع بضم اول و سکون ثانی ه مولی و بفتح اول و موحده فارسی م قراقرت و
کشک سیاه تراب ع بضم اول و فتح ثانی والف ف خاک ه مٹی تمنیق الجیم
ترنج ف بضم اول و فتح ثانی و سکون نون ع اترج ه بجورا تربد ع بضم اول و
سکون ثانی و ضم موحده ه نسوت و ناک تر طح ی ۳ ق مسهل بلغم لحم یعنی
بیض مدور مصمغ مجوف و در سودن سفید تر و زود کوفته گردد و کمتر بلد یک باشد
و دو سطبری میان خنصر و بنصر بود و بعد از کوفتن و بیختن رلیغه بر نیارد و تنگ شاخ
باشد و قسم سیاه آنرا استعمال نکنند ص نمر شیدن و چرب کردن بروغن بادام
پس کوفتن کش نیم درم تا یکدرم و گویند از دو درم و یکدرم تا دو درم و در مطبوخ از سه
درم تا پنج درم ل پوست تلوت تا نیم درم حب النیل م دوانگ و نیم و نان صبر دوانگ
و نیم و گون حنظل و گویند ترمس تمنیق الواء المهمله تره سرف بفتح اول و ثانی و

وهمزهٔ ملینه ها و کسر میم و سکون تحتانی ۸ ترمرا تمنیق الزاء المعجمه ترازف بفتح اول
وثانی والف درخت صنوبر ترببز ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده م هندوانه
وخیار و بادرنگ ع بضم اول م ترب تمنیق السین المهمله ترفاس بضم اول و سکون
ثانی و فا والف م کمات و سماروغ ترس ع بضم اول و سکون ثانی و کسر سین م
باقلای مصری و شامی ۵ جها الرطح ای ۲ ق مجلی بفتح مدر محلل خ سفید فربه کند
ش دو درم ص نمک ع صعتر ل برنج کابلی و شیح ترکی و گویند فودنج یا دو وزن
باقلا یا لوبیا تمنیق الشین المعجمه ترغشن بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمه
م نوعی از زردآلو تمنیق الفا ترفن ف بفتح اول و سکون ثانی و فا کشک سیاه
و قراقروت ع ثقل تمنیق الکاف ترابلهالک ع بها والف و کسر لام م سم الفار
ه سنبلکما ترببک ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده نوعی از انگور و بفتح اول
و موحده فارسی قراقروت ترترک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی م
مهمله ثانی جانوریست که در ماوراءالنهر دختر صوفی گویند ترزک ف بضم اول و سکون
ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک تردک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله م گرما
گندم خوراک ترندنک ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله و سکون نون ثانی م ترترک ترتیا
بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی والف و کاف م پازهر تمنیق النون ترآیمان بفتح
اول و ثانی والف و کسر تحتانی با میم والف ثانی ۵ هنس ترنایان یونانی بضم اول و نون
ثانی با و موحده دو والف م غافث ف ترنمان بفتح اول و سکون ثانی با خا معجمه
والف نوعی از سبزی که مانند پودنه با نان بخورند ترخون ف بفتح اول و سکون ثانی
و ضم خا معجمه و سکون واو ع بقم و عاقرقرحا ترنجان بضم اول و ثانی و سکون نون
با جیم والف ف بادرنجبویه ترنجبین ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم و کسر موحده
و سکون تحتانی شمی ست که بر خارشتر در خراسان و بخارا و قریشی نشیند طمع ی

۹۳

ـدق ملین مجلی قاطع صفرا خ تازه سفید کمانند خشت بندد و از نیشاپور آید س از
هفت درم تا سی درم ص تمر هندی ل شیرخشت و نیموزن سکنجبین با آب سغوخ یا نبات
یا نیموزن آ وخیار چنبر ترنکبین ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ع ترنجبین تمر
ف بفتح اول و ثانی م مل شیرین تریاق روستایان ف سیر لیس تمنیق الهاترابالشارد ف
بفتح شین معجمه مشدد و الف وکسر را مهمله ثانی و فتح دال مهمله چهار راها خاک خزینه ایست تراب الطرق الاربعه ع
ف خاک چار راه که چوراهی کی مٹی تربره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح سوحده و
را مهمله ثانی م تربک تربزه ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم سوحده و فتح زا معجمه م
هندوانه وخیار بادرنگ و بضم اول م ترب تربه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
سوحده م قرا قروت ترگربه ف بضم کاف فارسی م بادرنجبویه تریاق الحیه ع ف
سنگیست که در کنج چشم گاو کوهی می باشد تمنیق التحتانی تراب القیء ع بفتح قاف
و سکون تحتانی م سم الفار ترهتی که بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و کسر فوقانی
که کانه سفید تریاق ترکی م سوسیائی خ اگر قدری از ان بر خون بسته بزنند خون را
روان سازد و اگر در شیر زنند ببندد تریاق فارسی م پادزهر تلنسیق و تمنیق الزاء
الفارسی ترف بکسر اول و سکون زا معجمه فارسی م برگ گیاه نو بر آمده تمنیق الکاف
تزوک ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و فتح دال مهمله و سکون کاف م کرم گندم
خوار تلنسیق السین المهمله و تمنیق الکاف الفارسی تس سگ ف بضم اول
وکسر سین مهمله و فتح سین مهمله ثانی م شاهبانک ع بنفسج الکلاب تلنسیق الشین
المعجمه و تمنیق الجیم تشمیزج ع بفتح اول و سکون ثانی وکسر میم و سکون تحتانی
و فتح زا معجمه ف چشمک که چاکسو طح ی خ سیاه براق فربه تمنیق الشین المعجمه
تش ف بفتح اول م آتش تمنیق النون تشتیوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی
وکسر فوقانی و سکون تحتانی در واو و الف م بسفایج تلنسیق الفاء و تمنیق الالف

تفسلا یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله با تحتانی م تا مسیاف سمغ سداب کوهی تمنیق الفوقانی تفتح بفتح اول وسکون ثانی م شوکران تمنیق الحاء المهمله تفاح ع بضم اول و ثانی مشدده والف ف سیب شیرین مع ح ب داترش ب ی ۲ منحوش مع ح ب ق تقوی دماغ ح ملوش از شراب و یکوقیه ص عسل ل سفرجل تمنیق الواء المهمله تعفورف بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او م خاک ع طین تمنیق الضاد المعجمه تفاح الارض ع بضم اول و ثانی مشدد و الف و ضم حاء مهمله م بابونه تمنیق النون تفاح الجن ع بکسر جیم م بیروج تمنیق الواو تعفوف بضم اول و ثانی م آب دهن تمنیق الماء تغنته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م پرده عنکبوت تمنیق التحتانی تفاح ارمنی م خوبانی تفاح بری م زعرور ف کیل تفاح پارسی م شفتالو تفاح مائی م ترنج تمنیق القاف و تمنیق الهاء تقدہ ع بکسر اول و سکون قاف و فتح دال مهمله ف کشنیز تقرہ ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله م کرویا ف زیره رومی تمنیق و تمنیق الکاف تک ف بفتح اول و سکون کاف گیاهی ست که در میان آب روید و در مصر ازان کاغذ سازند نوع بری و گویند گیاهی ست که در گندم زار روید و از گیاه گندم سخت تر باشد تمنیق الماء تکته ف بفتح اول و ثانی بز نر و سرگین گاو و گاو میش که بهت هیمه سازند سوختن تمنیق الکاف الفارسی تمنیق الراء المهمله تگره بفتح اول و کاف فارسی مهمله و فتح سین الهمله تگیس ف بفتح اول و ثانی فارسی خسته انگور تمنیق الکاف الفارسی تگرگ بفتح اول و ثانی فارسی و سکون راء مهمله ف ژاله و اولا تمنیق اللام و تمنیق الکاف تلخ خوک و تلخ خبلوک ف نام تره ایست ع ترخشقون تلخک ف گیاهی ست بغایت تلخ و گویند حنظل تلک ف بضم اول و سکون لام م لوبیا و بکسر اول و سکون ثانی م زعرور تمنیق اللام تل ه بکسر اول و سکون ثانی ف کنجد

۹۵

تمنیق النون تنکبین ف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم کاف فارسی وکسر
وسکون تحتانی م ترنگبین تمنیق الواو تکوف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م
خار تمنیق التحتانی تلسی ه بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله ف بادرنجبویه
تلی ه بکسر اول وثانی مشدده ف سیر ع طحال تنسیق المیم وتمنیق الحاء المهمله
تمساح ع بکسر اول وسکون میم یا سین مهمله والف وحاء مهمله ف نهنگ ه مگر مچه
تمنیق الراء المهملة تمر بفتح اول وسکون ثانی باصطلاح عبریان جنینرا نامند و اول آن را طلع
گویند و دوم را خلال نامند و سوم را بلح و چهارم را بسر و پنجم را رطب و بعد مرتبه ششم تمر خوانند
ف خرما ه کهجور طح را گویند ق مجلی بلبی خ فربه صادق الحلاوه ص بادام وخشخاش
ل کشمش تمنیق اللام تملول بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو م قنابری
تمنیق المیم تمتم بکسر هر دو فوقانی وسکون هر دو میم م سماق و بضم هر دو فوقانی
ف دم گاو کوهی م قسطاس تمنیق الواو تمر ه تمر هند و تمنیق التحتانی تمر هندی
ع ف خرمای هندی ه املی طب ۳ گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب دق ما مع
مر و مقوی و مفرح دل خ زرد شیره دار بغایت ترش از طبیخ او اسکرچه و گویند
پانزده درم و گویند نیم رطل ص شراب بنفشه و شراب خشخاش ل در جلاب اجاص
تنسیق النون وتمنیق الموحده تنوب رومی بفتح اول وضم نون وسکون
واو م صنوبر کوچک که از و قطران و زفت سازند ه درخت چیپه طح ی ۳ ق
قابض ش از صمغ او یک مثقال ص بادام شیرین ل سرو تمنیق الواء المهملة تنکار ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف ع بورق ه سهاگه تمنیق اللام تنبول ف بفتح
اول وسکون ثانی و ضم موحده وسکون واو م برگ پان ه ناگ بیل تمنیق النون
تن ه بضم اول وسکون نون گل نر درخت است که صباغان از و رنگ میسازند و در شیراز
بعینه چون در گفت نیست و بارش چون بار نیست تمنیق الواو تند و ف بفتح اول

وسکون ثانی وضم دال مهمله ع عنکبوت تمنیق الهاء تلنسته ف بفتح اول وثانی و
سکون سین مهمله وفتح فوقانی م بافته عنکبوت تلنسیق الواو وتمنیق الالف
توتیا بضم اول وسکون واو وکسر فوقانی با تحتانی والف انواعیست بهترینش
هندیست که آنرا توتیای سبز گویند وبهندی نیلا تهوتهه وبهریا تهوتها نامند
بعد ازان کرمانی که بپارسی توتیای سفالک وبهندی کهریه گویند طب ای ۲
ل شادنج تمنیق الجیم توج ف بضم اول وسکون واو م بهی تویج ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح تحتانی بیاره ایست که بر بهی درخت که پیچد آنرا خشک
کنند ع عشقه تمنیق الدال المهمله توبال الحدید بضم اول وسکون ثانی و
موحده فارسی والف وضم لام وسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله و
سکون تحتانی ف براده آهن توتیای زرد ف سنگ بصری ه کهریاق پاس
قمروح طب ای ۲ گویند ب ی ۲ توذ ف بضم اول وسکون واو م توت
تمنیق الراء المهمله تور ف بضم اول وسکون ثانی گیاهیست ترش مزه م
ترشکو ساگ سی کا تمنیق الزاء المعجمه توتیای سبز ف نیلا تهوتهه تمنیق الزاء الفارسی
توژ ف بضم اول وثانی مجهول وزاء فارسی پوست درختیست که بر کمان وبلو
تیر وحنای زین واشال آن بکشند تمنیق السین المهمله توبال النحاس بضم
اول ونون مشدد وحاء مهمله والف وسین مهمله ف براده مس طح ی ۲ تمنیق الضاد
المعجمه توت حامض ع بضم اول وسکون ثانی ف توت ترش وسیاه طب
ی ۲ گویند د گویند ی ا ق ملین خ سیاه بزرگ ش از رب او یک اوقیه ص
ملنجبین ل اجاص تمنیق الغین المعجمه توغ ف بضم اول وسکون ثانی
چیزیست که آتش آن دیر بماند م تاغ وتاج تمنیق الکاف توتک ف بضم
اول وثانی مجهول وفتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آموزد ع طوطی

توتیای خالک ف سنگ بصری ه کهاپریا تورک ف بضم اول وفتح ثانی ورای مهمله
م خرفه ه لونیا توشک ف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمه م مرجان تمنیق
الکاف الفارسی تورنگ ف بضم اول وثانی مجهول وفتح رای مهمله وسکون نون
وکاف فارسی م خردل صحرائی تمنیق اللام توبال ف بضم اول وثانی باموحده
فارسی والف ولام م ریزه زر وسیم وامثال آن وآنرا براده نیز گویند تمنیق النون
توبالمون بضم اول وسکون ثانی باموحده والف وضم میم ولام وسکون دال
ثانی لوگ سے از یتوعات یعنی درخت شیر دار تولکن بضم اول وسکون ثانی وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح کاف فارسی م غلیوازه چیله تون ه گل سنبهالو تمنیق الواو توت جلوع ف تو
شیرین وسفید طح اد ۲ گویند ب ۱ ق ملین خ بزرگ شیرین از رب وکوفته ص خلط حبین الحامل
آلو بخارا تمنیق الهاء تودریه ف بضم اول وثانی وفتح دال مهمله ورای مهمله طا گیست بزرگ
او نهایت لذیذ باشد جز رجال تم ره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح دال مهمله م شغال تمنیق التحتانی
توت ختنی علیق وتوت سله گل تی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ثانی ع طوطی تودری بضم اول وسکون
ثانی وفتح دال مهمله وکسر رای مهمله طح ۲ ی گویند را ق مفتح مجلی خ زردش نیم مثقال
تا دو مثقال ل بهمن توری ه بضم اول وثانی مجهول وفتح رای مهمله وکسر همزه م بتره
تره هندیست که ریشه سیاه دارد وبرگهایش به برگ بید انجیر ماند وگلش زرد وبرش
که طول این بست بد از خطها بود ونانخورش هندست وقسمی از و بالییه وفربه جز
نیست وخطها ندارد وآنرا کهیا خوانند بکسر کاف فارسی واظهار ها با تحتانی والف
طاب تونبری ه بضم اول وسکون ثانی واخفاء نون وفتح موحده وکسر رای مهمله ف
کدو تلخ وآن شیرین نیست وتلخ وتلخ آنکه تخمش نیز تلخ باشد تلنسیق الهاء وتمنیق الکاف
تهک ف بفتح اول وها م خاک تمنیق الواو تهوف بکسر اول وثانی م تهی تلنسیق
الیاء التحتانی وتمنیق الجیم تیج ف بکسر اول وسکون تحتانی وجیم م تخم ابریشم

بود دیگو بهند
هندی سرخ و بهمن
و آن دو نوع
است بستانی
و دشتی و عرب
سوه کمن را
شوق گویند
سرد و خشک
در درجه اول
سرطان زنبق

دبینه تمنیق الراء المهمله تیرف بکسر اول وسکون ثانی م شکوفه خرما ع طلع د
نام نوعی از انار و نیز نام نرگس تمنیق الزاء المعجمه تبکوزف بکسر اول وسکون ثانی
وضم کاف و واو مجهول کشنک د مینو تمنیق السین المهمله تین طب و یابس ع بکسر اول وسکون ثانی و کسر نون
وفتح راء مهمله وموحده وتحتانی و الف وموحده ثانی وسین مهمله ف انجیر تر وخشک ط د طبع اول یابس ام ح
دق مجلی منضج مبهیخ در تری پوست باز کرده بعد از ان انچه میل سفیدی داشته
باشد بعد از ان سیاه یابس ریلی ش ده دانه تا بست دانه واز شراب او دو وقیه
ص از یابس بادام یا گردگان یا سکنجبین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیب ق تمر
تمنیق اللام تنغال بکسر اول وسکون ثانی با غین معجمه والف ع سکر العشر ف
شکرک کوهی تمنیق الواو تیندوه بکسر اول وثانی مجهول واخفاء نون وضم دال
مهمله وسکون واو هم ثمر درختی ست هندی که چوب او آبنوس ست تمنیق التحتانی
تیندی ه بکسر اول هندی وسکون ثانی وکسر دال مهمله هندی ف بلح ع جراد تیرا
ه بکسر اول وثانی مجهول وکسر راء معجمه م زنجبیل تر قیم الثاء المثلثه و
تنسیق وتمنیق الالف ثانیا یونانی بمثلثه والف وکسر فاء وسکون سین مهمله
وتحتانی م صمغ سداب کوهی ط ح محرق ق مفرح ش یکدانگ ص لعابات ل
حرف وچهار دانگ وزن آن کیترا د گویند فرفیون تمنیق الراء المهمله تاقبحر
ع بمثلثه والف وکسر قاف موحده وسکون لام وفتح حاء مهمله وجیم م بسفایج نام
ع بکسر میم م لوبیاه دودهی کی پهلی تمنیق السین المهمله تالسقیس یونانی بمثلثه
والف وکسر لام وسکون سین مهمله وکسر قاف وسکون تحتانی وسین مهمله ثانی
م حرف بابلی نام ع بمثلثه والف وکسر میم م بسفایج تمنیق الخاء المعجمه وتمنیق
الراء المهمله تخیرع بفتح اول وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی ف کنجاره ه
کهلی تنسیق الدال المهمله وتمنیق التحتانی ثندی ع بفتح اول وسکون

دال مهمله ف پستان کا چوچی و چخیاخ از حیوان معتدل تنسیق العین المهمله
وتمنیق الموحده ثعلب ع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح لام وسکون موحده
ف روباه کا لوکهری و تو بری تمنیق المیم ثغام ع بفتح اول وثانی والف
ورستا اسپند تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الواء المهمله ثغاریع بفتح اول
وغین معجمه والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ورا مهمله ثانی ف دستنبویه کا کچری
تنسیق الفاء وتمنیق النون ثفان بضم اول وفا والف ونون ف تخم
تره تیزک کا هالون تنسیق اللام وتمنیق الجیم ثلج ع بفتح اول وسکون لام
ف برف کا پالا طب ی تمنیق النون ثلثان بضم اول وسکون ثانی با ثلث
والف ونون ع عنب الثعلب تمنیق التحتانی ثلج چینی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر جیم وجیم فارسی وسکون تحتانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی ف سنگ
سفید که در سرسه ها بکار می برند طب ی ق محلی ش دو دانگ ص حلبه
سرطان بحری تنسیق المیم وتمنیق الالف ثمرة الطرفاء ع بفتح اول و
سکون میم ورا مهمله وضم فوقانی وفتح طاء مشدده مهمله وسکون راء مهمله ثانی وفا
والف م حب ازنج دعذبه ف گز مازوه مایش طح ی اگویند ب ای ۲ ف قابض
تا نه ش دو درم ص دو قوه با تخم کدو ل جوز السرو یا نیوزن پوست انار یا آمله
تمنیق الراء المهمله ثمرة العرعر ع بفتح اول وثانی ورا مهمله وضم فوقانی وفتح
هر دو عین مهمله وسکون هر دو راء مهمله م جوز اپیل کا مهوه بیر ثمرة الکبر ع بسکون
لام وفتح کاف وموحده ف کوزک طح ۳ گویند ہم تمنیق القاف ثمرة العلیق
ع بضم عین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی وقاف ف توت سه گل طب ی ۳
تمنیق المیم ثمرة الروم بضم دال مهمله وسکون واو ومیم م مقل یکی کا گوگل
تمنیق التحتانی ثمرة الشوک المصری ع ف بفتح اول وثانی وفتح راء مهمله وضم فوقانی

دور شب روشن سحر پس مشابه راج وقطرب که در شب روشن اند کرده دگویند خاتور قطرب این گیاه را دوستی دارد

۱۰۰

وسین معجمه مشدد وسکون واو وکسر کاف وسکون لام وکسر میم ثانی وسکون سریانی

صاد مهمله وکسر راء مهمله ف گلنار تلنسیق الواو وتمنیق الشین المعجمه توش

سریانی بضم اول وسکون واو وکسر میم وسکون شین معجمه ف بوونه کوهی تمنیق المیم

ثوم ع بضم اول وسکون ثانی میم ف سیر لسن طح ی ۴ ق مفرح ملطف خ

بزرگ دانه ش سه دانه ص ترشی وروغن وگوشت فربه ل ثوم بری تمنیق الهاء

ثوم الحیه ع بضم اول وسکون ثانی وضم میم وسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی

مشدد وخفا رها م اسقوردیون ف سیر دشتی تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق اللام ثیل

ع بکسر اول وسکون تحتانی ولام هم نوعی از حرشف ف بید گیاه طب ی ۱ ش یک مثقال ص

بنفشه ل علیق ترقیم الجیم وتنسیق الالف وتمنیق الجیم

جاذرهر ج ع بجیم والف وسکون واو

وفتح راء وسکون الجیم ف گاوزهره وآن حجر البقر ست ه کای وعن تمنیق الراء المهمله جالنهر

ع بجیم والف وبضم راء مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء مهمله ثانی جمار النهر وسلق الماء

ان نبات ست که در آب وید ونیلوفر ماند واندکی از آب پیدا باشد طب ق

قابض ل بطباط جاغر ف بجیم والف وفتح غین معجمه م چینه دانه مرغان ع حوصله

جاوشیر بجیم والف وسکون واو وکسر شین معجمه وسکون تحتانی وراء مهمله ف گاوشیر

وآن صمغ درختی ست طح ی ۳ ق مفتح ملطف مدر محلل مغشی خ زعفران

تازه وتر که رود در آب حل شود واول که شاخ بر آید سفید باشد وبعد از آن از

خشکی زرد گردد وهنگام گذارش بشیاند ش نیم درم ص مرباء مورزل سکبینج ودل

دبانه وکلیم وزن بالبین التین باد ووزن صمغ زیتون تمنیق الزاء المعجمه

جاورس بجیم والف وکسر او وسکون تحتانی ه کای رد ن تمنیق السین المهمله

جاسوس بجیم والف وضم سین مهمله وسکون واو وسین مهمله ثانی غ خشخاش زبدی جاسر

101

بجیم و الف و فتح میم و سکون کاف و فتح میم ثانی و سکون سین میم ثانی و سکون شین حمله ... جاورس

ع بجیم و الف و فتح واو و سکون راء مهمله و سین مهمله ف گاورس ه باجراطوا ی ۲ ق قابض

مجفف ص روغن بادام یا شیرلیر روغن کنجد یا روغن گاو ل ازرخن تمنیق الشین المعجمه جاش

ف تخم کتان تمنیق الکاف جامه عوک ف سبزی که شبیه با بریشم در میان آب

بهم رسد تمنیق اللام جال ف ع اراک و بجیم فارسی م قسمی از طائر جابی بهل پ

ه بجیم و الف و بکسر تحتانی و فتح موحده فارسی و اظهار ها م جوز بوا تمنیق النون

جامن بجیم و الف و بضم میم و سکون نون م ثمر درخت هندلیست سطبر تخم مانند

بانگور سیاه گرد باشد و درازه و بالیده ه بلیدا ط ی ق قابض تمنیق الواو جاون آ

ف بسکون نون و دال مهمله و الف و ضم راء مهمله و سکون واو ع ترباق تمنیق الها

جاسه ع بجیم و الف بکسر میم و فتح سین مهمله و خفاء ها م با قلای قبطی و در بصر بسیار

باشد تمنیق التحتانی جادی ع بجیم و الف و بکسر دال مهمله و سکون تحتانی م زعفران

جالی ف بجیم و الف و کسر لام ع اراک ه درخت پیلوق ملین جای تیری ه بجیم الف

و بکسر تحتانی و فتح موحده فارسی و فوقانی مشدد و کسر راء مهمله م تبنابسه جای ف

بجیم و الف و تحتانی مجهول ه گل چنبیلی و بجیم فارسی حشیش خشکی ست که از جانب خطا

می آرند و آنرا در آب جوشانیده چون قهوه میخورند و آنرا صالی بصاد مهمله نیز

گویند تمنیق الباء الموحده و تمنیق الجیم جبلهنج (یعنی گیاه شاهسفرم) بکسر اول و سکون موحده

و فتح لام و ها و سکون نون و کسر جیم ثانی م جبلاهنک جبلهنک ف جبرهنک

و آن ثمر تخم زرد خار ست بیخ وی ترید زردست و گویند تخم تربد سیاه است

س نیمدرم تا یکدرم ل خربق تمنیق القاف جبن رطب و عتیق ع بضم اول و

ثانی و کسر نون ف پنیر تر و کهنه ط رطب یعنی ترب ای عتیق یعنی کهنه

ب ج ی ۳ ق تر او مغذی ص عسل یا قند یا نعنع تمنیق النون جبسین ع بکسر

وسکون ثانی وکسر سین مهمله وسکون تحتانی ع جص ف گچ تمنیق الماء حبه
ف بفتح اول وثانی دخفاء یام رب ترنج وامثال آن تلنسیق وتمنیق الثاء
المثلثه حبثیث ع بفتح اول وکسر مثلثه وسکون تحتانی ومثلثه ثانی ف درخت جوز خرما
تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الجیم الفارسی خچچ فارسی بفتح اول وسکون
خاء معجمه وجیم فارسی م شب پره کلان که مانند غلیواز می باشد وسرنگون خود را
از درختان آویزد م خوبیواره طرباگر تمنیق النون حجحن ف بفتح اول وکسر ثانی
وسکون جیم م چاکسر تلنسیق الدال المهمله وتمنیق الموحده حدب
ع بفتح اول وسکون دال مهمله حمار النجد ع ف خرکره تمنیق الراء المهمله حدوار
ع بفتح اول وسکون دال مهمله وواو والف راء مهمله م زدوار وماه فرفین م ماه پرین ه
نرلیبی طح ی ۳ ق تریاق ومقوی مفرح دل خ خطائی که بعد از سون نفسجی نماید ش
نیمدرم تا نیم مثقال ص کشنیز خشک ل در تریاق مه منزن زرنباد تمنیق التحتانی حید
ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی ف بزغاله یعنی حلوان تلنسیق الراء المهمله
وتمنیق الالف حراسیا ع بفتح اول وثانی والف وکسر سین مهمله وتحتانی والف ف آلوبالو
حرجیر الماء ع بکسر هر دو جیم وتحتانی وسکون راء مهمله اول وضم راء مهمله ثانی وسکون لام ا ماء میم الف وهمزه
ع قرة العین ف کرفس آبی تمنیق الموحده حرب ف بضم اول وفتح ثانی م دراج تمنیق الفوقانی
حرنوت بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ف بادنجان کوهی تمنیق
المثلثه حریث ع بکسر اول وثانی مشدد وسکون تحتانی ف ماهی تمنیق
الدال المهمله حراد ع بفتح اول وثانی والف ف ملخ ه تیتری طح ی ۲ ق
مدر عرق خ فربه ص خس وخیار تمنیق الراء المهمله حراد البحر ع بسکون لام
وفتح موحده وسکون حاء مهمله وراء مهمله ثانی اربیان ودرهبیان ف ملخ دریائی
حرجر ع بکسر هر دو جیم وسکون هر دو راء مهمله ع باقلا جرجیر ع بکسر اول وسکون ثانی

وکسر جیم ثانی وسکون تحتانی ه ترمراگویند لف عایشه طح ی ۲ گویند سوق
ملطف سهی خ بت ثانی کم حدت ش د و درم ص کاسنی وکافور خرفه وسرکه ل
نرول بارشاد تمیق القاف جرملانق ع بکسر اول وسکون ثانی ومیم وفتح دال
مهمله والف وفتح نون ف کرم دانه تمنیق الکاف جرواسک ف بضم اول
وسکون ثانی و واو والف وفتح شین مهمله ع صرصره جهینگر تمنیق النون جردا
ع بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله والف ف موش ه چوها تمنیق التحتانی
جرجرالمصری ع ترس تنسیق الزاء المعجمه وتمنیق الجیم جرمانج ع بکسر اول
وسکون زاء معجمه یا میم والف وفتح زاء معجمه یا میم والف وفتح زاء معجمه ثانی ع ثمرة الطرفا
ف گزمازوه مایمن تمیق الواء المهمله خزرع بفتح اول وثانی ف گزر زرد
ه گاجر طح ۳ راق منضج سهی خ زرد شیرین ش ده درم ل شلغم تمنیق التحتانی
جزراقلیطی جزربری بکسر اول وراء مهمله وهمزه وسکون قاف وکسر لام وسکون
تحتانی وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ثانی در لغة اول وفتح موحده وکسر راء مهمله ثانی
در لغة ثانی م خشقاقل ف زردک دشتی تنسیق السین المهمله وتمنیق
الفوقانی جست ه بفتح اول وسکون سین مهمله ف توتیا تمنیق الدال المهمله
جساد بکسر وفتح اول وثانی ف زعفران تمنیق الواو جسر ودارو بفتح اول وسکون
ثانی وفتح راء مهمله وسکون واو بادال مهمله والف وضم راء مهمله ثانی م خولنجان
ف خسرودارو ه کلیجن تمنیق التحتانی جبسی بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم ف
خسک ه گوکهرو تنسیق وتمنیق الشین المعجمه جشر ف بفتح اول وسکون
شین معجمه مهره ایست کبود که از آبگینه سازند ورنگش شبیه برنگ فیروزه باشد
تنسیق وتمنیق الصاد المهمله جبصین بفتح اول ف گچ طب ی
ق قابض مخفف خ سفید براق ص شوربای جرب ل طین قیمولیا تنسیق العین

المهمله وتمنیق المیم جعده بضم اول وسکون عین مهمله وفتح دال مهمله ونون
کبیر وصغیر کبیر دیراف عنبر بید گویند وصغیر دیرا الشیرازی گل اربه خوانند وگویند
نوعی از درمنه است طح ۳ ی ۲ ق منضج ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ
شامی صغیر تازه سفید مش بکیدرم ص حماما یا کزبره ل در اخراج دود وادرار
حیض پوست جوف انار تریا فونج جبلی یا شیح تنسیق الغین المعجمه وتمنیق
الفوقانی جغرات بضم اول وسکون غین معجمه با را مهمله والف م ماست
ع صقراط جغشت ف بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه تره ایست که در
ابتدای بهار بیشتر از جمیع سبزیها بردمد وآنرا با سرکه نانخورش سازند تمنیق الها
جغاره ف بفتح اول وثانی والف وفتح را مهمله وخفا ها م سبع جغشت م نان
ارزن تنسیق الفا وتمنیق الطا المهمله جفت البلوط ف پوست
بیرون بلوط طب ی ا تمنیق الکاف جفتک ف بضم اول وسکون
ثانی وفتح فوقانی مرغیست که نر آن یک بال دارد و بر جانب دیگر قلابه وماده آن
نیز یک بال دارد و بر جانب دیگر حلقه هرگاه که نر و ماده آیند از همدیگر جدا شوند بجز اینکه
مشغول گردند و همین که میل پرواز کنند نر آن قلابه را در حلقه بال ماده اندازد و
باهم پرواز کنند ع لاینفک و بفتح اول فارسی وثانی طائر کاروانک تمنیق التحتانیه
جفری ع بفتح وضم اول وسکون وکسر را مهمله ف کفری یعنی پوست بهار خرما ماده
خ خوشبول سورد زمیوزن پوست انار و تموزن گلسرخ باد نبال خود ویا جلنار
تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق المیم جگرنه ف بفتح اول وکاف فارسی و
سکون را مهمله وفتح نون وخفا ها نوعی از کلنگ که کوچک تر باشد و بر گردن
پرهای سیاه باشد که آنرا مردم بر سر گذارند تنسیق اللام وتمنیق الالف
جلماتا سریانی بفتح اول وسکون لام یا میم والف مثلثه ف خیار بالنگ یعنی

۱۰۵ سکر العشر نوعی از شکر است که بر درخت عشر فرود آید چنانکه ترنگبین بر نوعی از خار

بادرنگ تمنيق الموحده جلبوب بفتح اول وسكون ثانی وضم موحده وسكون
واو ح لبلاب تمنيق الدال المهمله جلدع بكسر اول وسكون ثانی ودال مهمله
ف پوست ه چمڑا طمع ق مغري ومدمل وجابس وم خ پوست حيوان شيرخوار
ص سركه وكرم دار ول اكار ع جليدع بفتح اول وكسر ثانی وسكون تحتانی ف
برف ه پالا طب ی تمنيق الراء المهمله جلنار ع بضم اول ف گلنار و آن
گل انار بری ست كه بغيراز ان ثمری ندارد ب ١ ی ٢ گويند ب ی ٣ ق قابض
خ فارسی يا مصري ش از يک نيم درم تا دو درم ص كثيرا بار وغن بادام ل حفت بلوط
يا شگوفه انار يا طراثيث تمنيق الزاء المعجمه جلوز بكسر اول وفتح ثانی وسكون واو
ف چلغوزه وگويند بادام كوهی طح ا گويند ٢ ی ١ تمنيق الشين المعجمه جليش
ع بفتح اول وكسر ثانی وسكون تحتانی وشين معجمه ف حلبه تمنيق القاف جلباق
ع بفتح اول وكسر ثانی وسكون معجمه يا موحده والف ف بيخ حماض بری تمنيق الكاف
جلونك ف بفتح اول وضم ثانی وسكون واو وفتح نون درخت خربوزه تمنيق الكاف
الفارسی جلبنگ بفتح اول وسكون ثانی وفتح موحده وها وسكون نون وكاف فارسی
م بهنگ جلنگ ف بكسر اول وثانی وسكون م جلونك وتلخ آبی كه بهندی جهينگ گويند
تمنيق اللام جل ع بضم اول وسكون لام ف گل ه كلال وبفتح اول در هندی
آب را گويند وبفارسی پرنده ايست كه چون بلبل خوش آواز بود تمنيق النون
جلجلان ع بضم اول وسكون ثانی وضم جيم ثانی ولام والف ونون ف كشنيز خشك
جلنجبين ع بضم اول وفتح ثانی وسكون نون وضم جيم وكسر موحده وسكون تحتانی
ف گلقند عسلی جلنسري بضم اول وسكون ثانی وفتح نون وسكون سين مهمله و
كسر راء مهمله وسكون تحتانی ف بدو چينی جلبيان بضم اول وسكون ثانی يا تحتانی
والف ونون ف غله ايست مانند عدس بشيرازی بشو خوانند تمنيق الواو جلبو ف

بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو سبزیست شبیه به نعناع جلبدار
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ودال مهمله والف وضم راء مهمله وواو ترس
تمنیق الحاء چلغوزه ف بکسر اول فارسی تلزی سکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو
وفتح زای معجمه وهاء حب الصنوبر الکبار ه چلگوجا بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی
وواو مجهول با جیم ثانی والف چلنجوجه سریانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم
جیم ثانی وسکون واو مجهول وفتح جیم ثالث وهاء ف بوذری جله بضم اول وفتح
ثانی مشدد وخفا رها نباتی ست که درجای نمناک روید سپیده وام وکدر وتخم و
برگ ندارد م سماروغ ه کهٹ رس وبفتح اول سرگین شتر تمنیق التحتانی جلجلا
حبشی بضم اول وسکون ثانی وضم جیم ثانی با لام ثانی والف وضم نون وسکون
لام ثالث وفتح حاء مهمله وموحده وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ف خشخاش سیاه
دگویند پودنه بریست جلجلان مصری ف بیش تلنسیق المیم وتمنیق الفوقانی
جمست ف بفتح اول ومیم وسکون سین مهمله وفوقانی سنگی بنفسجی ست گویند که
چون در ظرفی جمست هر چند شراب خورند مستی نکنند واگر پاره جمست در قدح
اندازند همین عمل کند وچون در زیر بالین نهند خواب نیکو بینند تمنیق الدال المهمله
جمدع بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله ف یتیع ه پالا تمنیق الراء المهمله جمارنه
ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضم راء مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها وراء
مهمله ثانی م جار النهر ل بطباط جمار ع بفتح اول وثانی مشدد والف ف مغز سپید
درخت خرما که پنیر خرما گویند ط ب ی ا گویند ب ۲ خ تر وشیرین ص خرما
یا عسل ل حماض تمنیق الزاء المعجمه جمیز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وزاء معجمه ف انجیر ادم ه گولر تمنیق اللام جمل ع بفتح اول وثانی وسکون لام
ف شتر ه اونٹ تمنیق المیم جمجم بربری بکسر هر دو جیم وسکون هر دو میم

ف بیخی ست که بشقاقل ماند در رنگ و گویند که از زمین هند خیزد و از ابسون
زرین از زمین بر کشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند که از ترکستان
خیزد و معروف بود بجیم خطائی جسفرم بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح
فا و را مهمله و سکون میم ف ریحان سلیمانی مرزنجوش یا نیمو زن شیح و نیمو زن عنب الثعلب
تمنیق النون جمان بضم اول و ثانی و الف و نون م جلیدا ر تمنیق الواو جمهلو
بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و ضم لام و سکون واو م سنگ تمنیق المهاء جمعیر
بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون تحتانی و فتح را مهمله و خفا ها ه
بهنگرا تمنیق التحتانی جمه چینی بفتح اول ع ثلج چینی جمهوری ع بفتح اول و سکون
ثانی و ضم ها و سکون واو و کسر را مهمله تحتانی ف شراب مثلث تمنیق النون و تمنیق
الالف جنطیانا یونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طا مهمله با تحتانی الف و نون
و الف ثانی بیخ سرخ رنگ ست باندازه انگشت سطبر تر و بنام پادشاهی خوانند
که او را شاه جنطی گفتندی ۵ یکسان بید و گویند زنجبیل رومی طح ۲ ی ۳ ق
مفتح مفرح خ رومی بسیار سرخ خوشبوش نیم مثقال ص اسقولوقندریون یا ریوند
ال یک نیمو زن اسارون و نیمو زن پوست بیخ کبر و زراوند دحرج تمنیق الدال
المهمله جنبید بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی م صعتر تمنیق
الواء المهمله جناح النسر بفتح اول و ثانی و الف و ضم خا معجمه و فتح نون مشدد
و سکون سین مهمله م باقلا جنجر بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی ف گشته
جند بیدستر بضم اول و سکون ثانی و دال مهمله و کسر موحده و تحتانی مجهول و فتح
دال مهمله ثانی و سکون سین مهمله و فتح ثانی ف آش بجکان و کند بید ستر و خصایه
حیوان بحری و خصیه سگ آبی ۵ خایه او و بلا و طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مدرج
هر دو خصیه بهم چسپیده و رقیق پوست که بعد از شکستن رنگش سیاه بود و در رفته

دریک درجه معتوی یا بهست در شان او جهت فرسبی خورند سمسم بپارسی کنجد هندوسی تل گویند و تلی نیز خوانند گرم ست

دسبکی میانه باشد و بولش قوی و جرلیش م آشته باشد ش ربعدرم تا یکدرم و گویند
یکمثقال یاد و مثقال ل وج و بکنیم وزن فلفل تمنیق الشین المعجمه جناح ابیش
ع بفتح اول و ثانی و الف وضم حاء مهمله و سکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی
م کنکر تمنیق القاف جناح مطلق ع بضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و سکون
قاف م راسن و گویند پیلگوش تمنیق اللام جندل ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح دال مهمله ف سنگ و بفتح اول فارسی ف صندل سفید تمنیق النون جنبدا
ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم دال مهمله و راء مهمله مشدد و میم مشدد و الف
و نون ف گل انار بستانی بشیرازی گلک انار گویند ه انار کی کلی جنطان بکسر اول
و سکون ثانی م جنطیانا تمنیق الهاء جنطوریه بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء
مهمله و سکون واو و کسر راء مهمله و فتح تحتانی ام ما م قنطوریون تمنیق الواو
تمنیق الالف جوانسا بفتح اول و واو و الف و اظهار نون با سین مهمله و الف
ثانی ف خار شتر جوز بوا بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه و فتح موحده و واو و الف
جای پیل طح ی ق ملطف و مقوی کبد و معده خ مسخن فربه ش دو درم
مص عسل با صندل ل یک نیم وزن سنبل الطیب یا بسباسه تمنیق الموحده
جوز الطیب ع بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی م جوز بوا تمنیق الفوقانی جوزتا
بضم اول ثانی مجهول و فوقانی کهونکهی تمنیق الجیم جوز المرج بفتح اول و سکون
ثانی و ضم زاء معجمه و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و سکون جیم م حب الکنج تمنیق الراء
المهمله جوارش بضم اول و فتح ثانی و الف و راء مهمله غلط است ف زرع جو اکما
ه بفتح اول و ثانی و الف و فتح کاف و اظهار ها و الف ثانی م نطرون تمنیق الزاء
المعجمه جوز ع بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه ف گردگان ه اخروت طح
گویند ح ۲ ی اق محلل مبهی خ رقیق پوست ش بیخدبعم تا ده درم من سکنجبین

یا خشخاش باسرکه وسماق ل حبة الخضرا یا جوز هندی یا فندق تمنیق العین المهمله
جوز الرفع بفتح راء مهمله مشدد و سکون فا و عین مهمله م جوز القی تمنیق الکاف
جوبنیک ف بضم اول و ثالث مجهول و کسر موحده و سکون تحتانی و فتح نون م طائر کا دوانکه جولاهه
بضم اول و ثانی مجهول ولام الف و فتح هام عنکبوت تمنیق اللام جوز الاهلع بسکون لام و فتح همزه
و سکون موحده و فتح ها و سکون لام ثانی هوبیر جوز الکوثل بفتح کاف و سکون او و فتح مثلثه م جوز القی
جوز ماثل ع بمیم والف و کسر مثلثه ف کوز کیاه و داتوره طب ی ق مخدر مغشی مقی منوم
ش یک قیراط ص قطن جول ف بضم اول و سکون ثانی م غلیواز تمنیق الملحم
جوز جندم بکسر زاء معجمه و فتح جیم و سکون نون و ضم دال و سکون میم بهمین نام مشهور است
ف ابتیر از کل گندم گویند تمنیق النون جودان بفتح اول و سکون ثانی با دال
مهمله والف نوعی از کافر و چینه دان مرغان و نوعی از بید و نوعی از انار که دانه
آن خشک می باشد تمنیق لواو جوز السرع بفتح سین مهمله مشدد و سکون را
مهمله و واو مجهول ف کوز کلاغ کشتر و خست سرشت طح ا ی ۳ گویند ب ی
ق قابض و حابس خون خ تازه ش نیم درم تا نیم مثقال ص عسل ل نیموزن
پوست انار یا نیموزن کوز و نیموزن ابهل و نیموزن گزمازک تمنیق الها جودانه
ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله والف و فتح نون م جودان جوز الرته
بکسر را مهمله مشدد و فتح فوقانی مشدد ه ریٹها جولاه ف بضم اول و ثانی مجهول
ولام الف و اظهار ها جولاهه بفتح لام و الف و ها و اول و جوله ف بفتح لام اظهار ها
و جولهه بفتح لام و ها اول م عنکبوت تمنیق التحتانی جوز القیء بضم زاء معجمه
و سکون لام و فتح قاف ه مین پهل طح ی ۲ ق مقی ش یکدرم تا دو درم در
ماء العسل و القوه ص رب السوس و صمغ ل خربق سفید جوشند بکسر ها و سکون نون
و کسر دال مهمله ف نارگیل ه ناریل کهوپرا تمنیق الها و تمنیق الواو جهاوه

بفتح اول و اظهار ها و الف و ضم همزه و سکون واو طرفاف گز تمنیق الهاء جهوانه
ف بضم اول و ثانی و سکون واو با دال مهمله و الف و فتح و خفاء ها درختی ست که
بعمع آنرا کلک و کوزره گویند و جز آن تنسیق التحتانی و تمنیق الالف جبینا بکسر
اول و سکون تحتانی و خفاء نون و موحده و الف ف زرد چوبه تنسیق الکاف
جیوک بکسر اول و سکون تحتانی و فتح واو و سکون کاف ه گهونگچی تمنیق اللام
جیپال ه بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی و الف و لام ع حب السلاطین
م جمال گوته تمنیق الواو جبلدار و بکسر اول و سکون ثانی و لام با دال مهمله و الف
و ضم را و مهمله م سرحس ل در اخراج دود برنگ کابلی یا قنبیل تمنیق الهاء جیوه ف
بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو و خفاء ها م سیماب ترقیم الجیم الفارسی تمنیق
الموحده چاب ه بجیم فارسی و الف در بی الف نیز موحده م دوای هندیست
که کچ یلیل ثمر اوست تمنیق الکاف چاوک ف بجیم فارسی و الف و فتح واو م
چکاوک ه طایر جل تمنیق اللام چال ف بسکون لام قسمی از مرغ جرز خبازی
ه نوعی از ماهی تمنیق النون چارکون بسکون را مهمله و ضم کاف فارسی و سکون
واو و نون م بر بازه جای تیزی تمنیق الواو چاکسوه بسکون کاف و ضم سین
مهمله و سکون واو م تشمیزج ف چشمک تمنیق التحتانی چای بتحتانی مجهول
حشیش خسکی ست که از جانب خطای آرند و در آب جوشانیده چون قهوه
می آشامند و آنرا اصای بصلو مهمله نیز گویند تنسیق الموحده الفارسی و تمنیق الشین
المعجمه چپش ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی فارسی م بز یکساله تمنیق الغین المعجمه
چپاغ ف بکسر اول فارسی با فارسی ثانی و الف م نوعی از ماهی تمنیق الکاف
چپوک ف بضم اول فارسی و ثانی و سکون واو و کاف م کنجشک تنسیق التاء
الفوقانی و تمنیق الالف چیتراه بکسر اول فارسی و سکون فوقانی هندی

وفتح جیم فارسی ثانی وراء مهمله والف ف خار واژگونه تمنیق الجیم الفارسی فی تمنیق
الالف چچینڈاه بفتح اول وکسر جیم فارسی ثانی وتحتانی مجهول واخفاء نون ودال مهمله
هندی ف سایه پرور ثمرتره هندیست بدرازی خیار ودراز وبهیأت توری ناخوش
ست تمنیق الواو چچوف بضم اول وثانی فارسی لبستان تلنسیق الدال المهمله
وتمنیق الالف ف چدروا البضم اول فارسی ودال مهمله وسکون راء مهمله یا واو والف
م رستنی صبر تلنسیق الواء المهمله وتمنیق الالف چرآتیاه بکسر اول فارسی با راء
مهمله والف وکسر تحتانی وفوقانی ع قصب النهر ریر وتمنیق الدال المهمله
چرغندف باول فارسی رووده گوسپند را گویند که بگوشت پر کرده باشند م کلمه تمنیق الزاء المعجمه
فچرز بفتح اول فارسی وسکون ثانی وزاء معجمه م خبازتمنیق الشین المعجمه ف
چرش بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر موحده وسکون شین معجمه م چیز لی
تمنیق الغین المعجمه چرغ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی م جانور پرنده شکاری
تمنیق الکاف چربک ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وسکون کاف
م شیر وقیماغ ه ملائی چرک ف بفتح اول وسکون ثانی م فیست که خود را از مر ...
آمیزد چردک ف بفتح اول فارسی وضم ثانی وسکون واو م نان تمنیق اللام ع
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون واو ع لسان الحمل تمنیق الباء
چربوف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو م چربش تمنیق الهاء
چرآغلف بفتح اول فارسی وثانی والف وسکون غین معجمه وفتح لام م کرم شب تاب
چرغنده ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال
مهمله روده گوسفند که بگوشت پر کرده باشند م کلمه تمنیق التحتانی چرنجی ه بکسر
اول فارسی وفتح ثانی وسکون واو واخفاء نون وکسر جیم ف نقل خواجه تمنیق
الزاء المعجمه وتمنیق الدال المهمله ف چرند بفتح اول فارسی وسکون ثانی جانور

مانند بلخ که در تابستان وهوای گرم بیشتر بهم رسد وبسیار فریاد کند تمنیق الزاء المعجمه
چزف بالفتح اول فارسی وسکون ثانی م میمون تمنیق الغین المعجمه چزغ ف بکسر اول
فارسی سکون ثانی م خارپشت تمنیق الکاف چزک ف بکسر اول فارسی وسکون
ثانی م خارپشت تلنسیق وتمنیق الشین المعجمه چشم گاوش ف بفتح اول
فارسی با کاف فارسی م بابونه تمنیق الکاف چشمک ف بفتح اول فارسی وسکون شین
معجمه وفتح میم م چاکسو تمنیق المیم چشام ف بفتح اول فارسی وثانی والف وچشنام
ف م باضافت خاء معجمه مابین شین والف وچشم ف بحذف الف م چاکسو تمنیق الواو
چشم گاو ف بفتح اول فارسی با کاف فارسی م بابونه تلنسیق الغین المعجمه وتمنیق
الدال المهمله چغد ف بضم اول فارسی بسکون ثانی پرنده ایست مشهور ومعروف که بنحوست
اشتهار دارد الو تمنیق الراء المهمله چغندر ف بضم اول فارسی وفتح ثانی وسکون
نون وفتح دال مهمله سلق تمنیق الزاء المعجمه چغز بفتح اول فارسی وثانی وسکون
زاء معجمه م گیاه ژاژ غوک تمنیق الغین المعجمه چغ ف بضم اول فارسی حیوانیست نیوش
تمنیق الکاف چغک ف بضم اول فارسی وثانی وچغوک ف بضم اول وثانی و
سکون واو م کنجشک تمنیق الهاء چغرواره ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون
زاء معجمه با دال مهمله والف وفتح راء مهمله م جل بکسره سوال چغنه ف بضم اول فارسی
وسکون ثانی وفتح نون م کنجشک تلنسیق وتمنیق الکاف چکاوک ف بالفتح
اول فارسی وکاف والف وفتح واو وسکون کاف ثانی پرنده ایست از کنجشک
اندک بزرگتر وخوش آواز بود م جل ع قبره وابو الملیح ودر عراق هشنابند و
سرخاب را نیز گویند تمنیق الهاء چکاسه ف بفتح اول فارسی وثانی والف وفتح
سین مهمله م خارپشت تمنیق التحتانی چکری ف بضم اول فارسی وسکون ثانی
وکسر راء مهمله نوعی از ریواس تلنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الراء المهمله

چکندر ف بضم اول و کاف فارسی و سکون نون و فتح دال مهمله م چقندر تمنیق الکاف
چلک ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی فارسی م کنجشک و چکوک ف بفتح اول فارسی
و ضم ثانی فارسی و واو مجهول م کنجشک و خرفه را نیز گویند تمنیق التحتانی چکانی ف
بفتح اول فارسی و ثانی مشدد فارسی و الف و کسر نون م نوعی از خربزه تلسنیق
اللام و تمنیق الکاف چلانک ف بضم اول فارسی و لام و الف و فتح نون م
سرگین گردانک ع جعل تمنیق الماء چلپاسه ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی
با موحده فارسی و الف و فتح شین مهمله و خفاء ها م چهپکلی چلچله ف بکسر اول فارسی و
سکون ثانی و کسر جیم فارسی ثانی و فتح لام م لاک پشت ه کچهوا تلسنیق المیم و
تلسنیق الشین المعجمه چمش ف بفتح اول فارسی و سکون میم م چاکسو تمنیق المیم
چم ف بضم اول فارسی و سکون میم م تلف انگور که شیره آن گرفته باشند و بکسر اول
چاکسو م جل بک ه سوال تلسنیق النون و تمنیق الالف چنبا ه بفتح اول
فارسی و سکون نون و موحده فارسی شجر هندیست که گلش خوشبو بوی صنوبریست
و تخمی هست در میان گل وی که منسکرست طب نی تمنیق الفوقانی چندر کانٹ
ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون ها مهمله و کاف و الف و خفاء
نون ثانی ع حجر القمر تمنیق الراء المهمله چندر ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و
فتح دال مهمله م چقندر چنگار ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی و الف
م خرچنگ ع سرطان تمنیق الکاف چنبک ف بضم اول فارسی و سکون ثانی
و فتح موحده م سنگ آهن ربا ع مقناطیس تمنیق النون چندن ه بفتح اول فارسی
و سکون ثانی و فتح دال مهمله بسکون لام ع صندل سفید چنگلاهی ف بفتح اول
فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی با لام و الف و کسر ها و سکون تحتانی م غلیواز
تلسنیق الواو و تمنیق الالف چنوزه باف ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح زاء معجمه

فارسی و خفای ها و ضم رای مهمله با موحده و الف و چوزه لواف بضم لام با واو م علیواز
تمنیق الرای المهمله چونخوارف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون موحده
و ضم خای معجمه و واو معدوله و الف و رای مهمله ملوک ع ارضه چور پورف بضم موحده فارسی
و واو مجهول ثانی و چورف بضم اول فارسی و ثانی مجهول م تدرو تمنیق الکاف
چوک ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و کاف ع حماض و در فارسی جانوریست که
خود را از شاخ درخت آویزد و حق حق میگوید تا زمانیکه قطرهٔ خون از حلق او بچکد و بمعنی
آلت تناسل هم آمده و بواو مجهول ع اشنان چونگ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی
و فتح کاف م طائر بوم تمنیق النون چوبین ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر
موحده و سکون تحتانی م طائر کاردانک تمنیق الهاء چوب انه ف سنجد ع غبیرا
چوبینه ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و کسر موحده و سکون تحتانی و فتح نون و
خفای ها م چوبین تمنیق التحتانی چیولائی ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی با لام و الف
و کسر همزه و تحتانی ف سبزی مشهور هندیست که نا نخورش سازند تلنسیق الهاء و تمنیق
الالف چهریراه بفتح اول فارسی و اظهار ها و کسر رای مهمله و سکون تحتانی با رای مهمله
و الف م اشنه تمنیق الدال المهمله چهیرکنده بکسر اول فارسی مع اظهار ها و سکون تحتانی
و رای مهمله دوای هندیست که قسم ثانی او که سفید ست ه بداری کند گویند تمنیق الرای
المهمله چهره بفتح اول و فارسی و اظهار ها و ثانی و سکون ا رمهملع سنبل الطیب تمنیق التحتانی
چهتاماشی ه بفتح اول فارسی اظهار ها و فوقانی هندی و الف و میم و الف ثانی و خفای نون و کسر
سین مهمله و تحتانی م سنبل تلنسیق التحتانی و تمنیق الالف چیتاه بکسر اول فارسی
و سکون تحتانی با فوقانی و الف م قسیطرح تمنیق الهاء چیده ه بکسر اول فارسی سکون
و فتح دال هندی و های هندی م صنوبر صغار ترقیم الحاء المهمله و تلنسیق
و تمنیق الالف حاشتا یونانی بحای مهمله و الف و شین معجمه و الف ثانی نوعی از پودنه

پودنه کوهی و گویند برگ سپندان دشتی طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مفتح
محلل مقطع خ تازه وتریش تا دو دم ص نعناع باطباشیر ل حالوماسرانی بضم
لام وسکون واو بامیم م شنکار تمنیق الجیم حاج ع بحاء مهمله والف ف خار است
که ترنجبین ازان حاصل میشود تمنیق الواء المهمله حافر الحمار ع ف سم خر حافر
ع بحاء مهمله والف وکسر فاف سم ه کم طب ی ق مجفف خ از خیلونیکه منجور نند
ص روغن ل قرن حافر المهر ع بفتح میم وسکون ها م سو نجان ولعبت بربری
ل هیسالیوس تمنیق الشین المعجمه حافر حمار الوحش ع ف سم گورخر تمنیق
اللام حافظ الاطفال وحافظ النحل ع م فرنیون تمنیق النون حافر البردون
ع ف سم خر تنسیق الموحده وتمنیق الالف حبا قاسرانی بفتح اول وسکون موحده
والف وقاف والف ثانی م جند قوقی حب الترسا بضم فوقانی وسکون راء مهمله
با شین معجمه ف تخم ترشبنک ه چوکے کبیج حبة الخضراء بفتح خاء معجمه وسکون ضاد
معجمه با راء مهمله م تمر و نجبت بطرف دن و بن طح ی ۲ گویند ۳ گویند ۴ ق مدر
بهی خ بزرگ سبز تازه ص کتیرا ل مغز پسته و مغز بادام حبة السوداء بفتح اول
ثانی مشدد وضم فوقانی وفتح سین مهمله مشدده وسکون واو با دال مهمله ف
سیاه دانه حب ... بفتح حاء مهمله وسکون نون وفتح کاف بالام والف م حب السمنه
حبق القناء بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون لام وفتح فاء وفوقانی
م ترنکیش حبق الفناء بفتح فاء و نون ف ک روباه تربک حبق الماء با میم
مفتوحه والف ممدوده ف پودینه آبی تمنیق الموحده حب الزبیب ع
بفتح زاء معجمه وکسر موحده وسکون تحتانی ف تخم مویزه داکه کے بیج طب ا ی ا
بق بیخدرم ص کتیرا حب المحلب ع بکسر میم وسکون حاء مهمله وفتح لام ف
پیوند مریم ه کمیلا طح ی ۲ گویند مع گویند ب ل مغز بادام تلخ تمنیق الفوقانی

بیخ گزر کوهی را ... گویند و بهندوی کامل سبالان نیز خوانند گرم است در دوم در ... در یک ... دمقوی ... انکم ... لازم

١١٦

حب القلت ع بکسر قاف وسکون لام ف ماش هندی ه کلتهی و گویند بنوا طرل
تخم بلبوس تمییق الجیم حب الکاکنج ع ف عروس در پرده طب مع
گویند ب ی ۱ گویند ۲ خ بزرگ سرخ کوهی یا بستانی ص ورق گل سرخ
ل عنب الثعلب تمییق الحاء المهمله حب قیمساح ع بکسر فوقانی وسکون میم و سین مهمله والف
ف بیودینالی تمییق الخاء المعجمه حب البطیخ ع ف تخم خربوزه ل شونیز یا حب صنوبر حب الشیوع ع
مر سنک تمییق الدال المهمله حب الرشاد ع بفتح راء مهمله مشدد و شین معجمه و الف و دال مهمله ف تخم تره تیز طح ی ۱
ق مفتح ملطف مقطع مسهل بلغم و مره صفرا خ بابلی نوش تا دو مثقال ص شکر ل
جرجیر و خردل و تخم ترب و در ضماد عرق النسا تیطرح حب القفد ع بفتح فا و قاف و سکون دال مهمله
ف تخم پنجنکشت حب الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م حب کاکنج تمییق
الراء المهمله حب الصنوبر صغار ع بفتح صاد مهمله مشدد و نون و سکون واو
و فتح موحده ثانی و کسر راء مهمله و صاد مهمله ثانی با غین معجمه و الف و راء مهمله ثانی ف
تخم کاج و تازه جنده کرنج طح ی ۲ حب الصنوبر کبار ع بکسر کاف و فتح با
موحده و الف ف چلغوزه ه چلگوجا و نوجا طح د ۱ گویند ۲ گویند مع ح ب
ق بهی مش سه درم تا پنج درم ص با قند خوردن ل حب محلب مقشر یا نیموزن
بادام مقشر یا مغز تخم خربزه یا مغز جوز هندی یا مغز بادام کوهی یا حب صنوبر صغار
حب العرعر ع بفتح هر دو عین مهمله و سکون هر دو راء مهمله ف تخم ویل ه هوه بیر
حب العصفر ع بفتح عین مهمله و سکون صاد مهمله و فتح فا و سکون راء مهمله ف کسلدانه حب الغار ع
بغین معجمه و الف و راء مهمله مشهور بعین نام ست طح ی ۳ ل حب محلب یا مغز بادام تلخ حب القلب
ع بسکون لام و فتح موحده و قاف ف بابونه تمییق الزاء المعجمه حب العزیز ع
بفتح عین مهمله و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی و زاء معجمه ثانی م حب الزلم ف تخم کنگر حب الزاز
بفتح واو و سکون زاء معجمه شیعع لسان العصافیر تمییق السین المهمله حب الآس

ع بمد همزه و سین مهمله ف تخم مورد طب ی ۲ خ بستانی فربه رسیده تازه بهتر
سه درم تا پنج درم ص صمغ عربی ل آب ورق آن یا صعتر حب الانبرباریس ع
بفتح همزه و سکون نون و فتح موحده و سکون راء مهمله یا موحده ثانی و الف و کسر راء
مهمله ثانی و سکون تحتانی و سین مهمله ف زرشک حب الریباس ع بکسر راء مهمله مشدد
و سکون تحتانی یا موحده ثانی و الف ف تخم ریباس طب ی خ تازه ل حامض
بستانی تمنیق الطاء المهمله حب الضراط ع بکسر ضاد معجمه مشدد و با راء مهمله و الف
و طاء مهمله م مست و مازریون تمنیق العین المهمله حب الخروع ع بکسر خاء معجمه
و سکون راء مهمله و فتح واو و سکون عین مهمله ف تخم بیدانجیر ه ازندی طح ش دوانه مقشر
مغز پسته و نیموزن تخم تربز و نیموزن مغز جلغوزه حب القرع ع بفتح قاف و سکون
راء مهمله ف تخم کدو طب ۲ خ ماخوذ از کدوی که بآب شیرین پرورش
یافته باشد ش تنه درم ص تخم کرفس ل کثیرا بلغز تخم هندوانه تمنیق القاف
حب العلیق ع ف تخم توت سه گل طح خام و روغن اوب ی ۳ حبق ع بفتح
اول و ثانی و سکون قاف ف پودینه تمنیق الکاف حب ملوک ع م ماهودانه هجالگوطه تمنیق
اللام حب الاثل ع بفتح همزه و سکون مثلثه و لام ف گزمازج حب السفرجل ع
بفتح سین مهمله و فاء و سکون راء مهمله و فتح جیم ف بهدانه ه بهی کے بیج طب د
۲ خ ماخوذ از به ترش ش دو درم ص قند ل بزر قطونا حب القلقل ع بکسر هر دو
قاف و سکون هر دو لام ف تخم انار دشتی طح د ۲ گویند ی ق مرطب ش
دو درم ص عسل یا قند ل مغاث و حب الصنوبر و تودری سفید و چهار دانگ
وزن آن مغز تخم خیارین و نیموزن اهل و گویند نارجیل حب النیل ع بکسر نون
و سکون تحتانی و لام ه تخم لنگوا و کواددی طح ی ۲ گویند ۳ ق مسهل
بلغم خ بستانی ش از نیم درم تا یک درم و در مطبوخ تا هفت درم ص مالیدن

بروغن گردگان باهلیله وگویند ورد ل سقمونیا ورا سهال م دفع سو انیموزن پنه خنظل
ودانگ م زن آن حجرارمنی حب القلقل ع بفتح اول وثانی وضم قاف وسکون لام
وکسر فا وسکون تحتانی م مرزنگوش تمنیق الجیم حب الزلم ع بفتح زاء معجمه
مشدد ولام وسکون میم ف تخم کنگر طح ۳ د ۱ گویند ح ی ف بهی خ تازه
ش دو درم ص شکر ل خشخاش ونارجیل وشقاقل حب المنشم بضم میم وسکون
نون وکسر شین معجمه ف نقل خواجه حب النوم ع بفتح نون مشدد وسکون واو م
حب کاکنج تمنیق النون حب البان ع بموحده والف ونون ف پسته غالیه
ه بکائن کے بیج طح ی ۲ گویند ۳ گویند د اخ بزرگ خوشبوی ش دو درم
ل قشور سلیخه یا فوه ووده یک آن بسباسه حب البلسان ع بسکون لام وفتح موحده
ثانی ولام وسین مهمله والف ونون ف تخم بلسان طح ی ۲ ق ملطف ومقوی
کبد ومجلی وساخ قروح ش دو درم کثیرا ل عود بلسان ودیگر بدن سلیخه ووده یک
آن بسباسه حب الراس ع براء مهمله مشدد والف وفتح سین مهمله م وابج وحب الرمان
ع بضم راء مهمله مشدد با میم مشدد والف ف انار دانه طب ی خ ترش وفربل
سماق حب السلاطین ع بفتح سین مهمله مشدد ولام الف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی
ف دنده جمالگوٹا وم جیپال حب القطن ع بضم قاف وسکون طاء مهمله ف
پنبه دانه ه بنولا طح د ۲ گویند د بخ بزرگ سغز ش هفتدرم ص خمیره بنفشه ل
حب الحرشف نیموزن حب المساکین ع بفتح میم وسین مهمله والف وکسر کاف وسکون
تحتانی ونون م تخم لبلاب تمنیق الماء حب السمنه ع بکسر سین مهمله مشدد وسکون میم وفتح
نون وخفاء ها ف نقل خواجه ه چیونجی طح د ۱ گویند ۲ ق سمن خ انچه از ریا
نبود ش یک مثقال وگویند انخشک اوده درم ص قند ل پسته ل نیموزن مغز پسته
ونیموزن مغز بادام ونیموزن کنجد مقشر یا حب المحلب حب خلوه بضم خاء معجمه وسکون

لام وفتح واو وهاء ایسون حبسبع بفتح اول وثانی مشدد وهاء ف سرخ ه گهونکهی ورتی تمنیق
التحتانی خبازی ع بضم اول باء موحده والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی با فتح
راء مهمله والف مقصوره طائریست ف جرز ط گوشت اوح حب الکتری ع
بسکون لام وضم کاف وسیم مشدد وفتح مثلثه وراء مهمله والف مقصوره ف تخم امرود
ط ع ی خ بزرگ زردی مایل ش چهار درم ص عناب یا بزر قطونا حب سبستانی
ع بکسر سین مهمله وجیم وسکون سین مهمله ثانی با فوقانی والف وکسر نون ثانی م
ف دانه قاقله الایچی کے دانے حبق الراعی ع براء مهمله والف وکسر عین مهمله وتحتانی م
برنجاسف حبق ترنجانی ع بضم فوقانی وراء مهمله وسکون نون با جیم والف وکسر نون
ثانی وتحتانی ف بالنگو حبق خراسانی ع بضم خاء معجمه وراء مهمله والف وسین مهمله والف
وکسر نون ف [illegible] حبق [illegible] حبق کرمانی بضم صاد مهمله وسکون عین مهمله وفتح تحتانی
وکسر راء مهمله م شاهسفرم ف تخم ریحان حبق قرنفلی بضم قاف وکسر لام ف بالنگوی خرم
وباو [illegible] حبق [illegible] وسکون راء مهمله با میم والف وکسر نون م شاهسفرم
ف تخم ریحان [illegible] حبق نبطی بفتح نون وسکون موحده ثانی وکسر طاء مهمله
ف پودنه بستانی تمنیق الثاء المثلثه وتمنیق الالف حشر ما سریانی بفتح اول
وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسیم والف ف پودنه تلنسیق الجیم وتمنیق الالف
حجر الرحاع بفتح اول وجیم وضم راء مهمله وکسر راء مهمله مشدد ثانی با حاء مهمله ثانی والف
ف سنگ سیا تمنیق الموحده حجر الیشب ع بفتح تحتانی وسکون شین معجمه ف
سنگ یشم [illegible] تمنیق الفوقانی حجر اثمد ع بضم همزه وفتح موحده مشدد وهاء وسکون
فوقانی ه [illegible] حجر الحوت ع بسکون لام وضم حاء مهمله ثانی وسکون واو ف
سنگ ماهی وآن سنگیست که در سر ماهی یابند در جاییکه دماغ ست تمنیق الجیم
حجر الاسفنج ع بکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح فا وسکون نون وجیم ف سنگیست

که درمیان اسفنج یابند حجر الافروج ع بفتح همزه وسکون فا وضم را مهمله وسکون واو وجیم ف سنگی ست که از بلاد روم خیزد وسنگی بود که برروی آب بایستد حجر الفضه
تمنیق الدال المهمله حجر الیهود ع بفتح تحتانی وضم ها وسکون واو ف سنگ جهودان که بزیتون ماند وخطوط بسیار بروست طامع گونید ب ای
ق مفتت خ زیتونی شکل ش نیم درم ص سکنجبین سفرجلی ل جهت نقرس مس
حجر لازورد ع بالام والف وسکون زا معجمه وفتح واو وسکون را مهمله ف سنگ لاجورد
تمنیق الراء المهمله حجر الاحمر ع بفتح همزه وسکون حا مهمله وفتح میم ف سنگی ست
بلون بسد واز جمله سموم قتاله الیست حجر البقر ع بفتح موحده وقاف ف سنگی ست
که در زهره گاو بهم رسد وآن پازهرست ع جاد زهرج ف گاو زهره کای ر وهن حجر البلور
ع بضم موحده ولام ثانی وسکون واو ف سنگ بلور حجر الطور ع بضم طاء مهمله شدید
م حجر الدم حجر القمر ع بفتح قاف ومیم م بزاق القمر چندر کانت که بشب در افزون
ماه یابند در بلاد عرب حجر القیشور ع بفتح قاف وسکون تحتانی وضم شین معجمه وسکون
واو ورا مهمله ف نوعی از کفدریا حجر النسر ع بفتح نون مشدد وسکون سین مهمله ورا مهمله
م الکتمکت که گریجوا حجر النمر ع ف بفتح نون مشدد وکسر میم ف سنگی هست که در ماده پلنگ
بهم رسد حجر النار ع بفتح نون مشدد والف ف سنگ چقماق روی مختلف الالوان
می باشد ط ب ا ی ۳ ق وزن درا مجفف خنازیر ومندمل قروح عسر الاندمال
جمله اعضا بتعلیقا دملته بسته بزنان حامله نافع عسر لادت حجر النور ع بفتح
نون مشدد وسکون واو م قیشا تمنیق السین المهمله حجر اناغاطس
یونانی بفتح همزه ونون والف وغین معجمه والف ثانی وکسر طاء مهمله ف سنگی ست
که چون بسایند برنگ خون ماند حجر التیس ع بفتح فوقانی مشدد وسکون تحتانی
ف پازهر شبانکاره وپازهر حیوانی وآن از بز صحرائی حاصل میشود که خورش

مخلصه ست ۸ زهر مهرا حجر المغناطیس ع بکسر میم و سکون قاف و فتح نون و
و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی و سین مهمله ف سنگ آهن ربا ه چمک پتهر تمنیق الطاء المهمله
حجر السطر الیاع بفتح سین مهمله مشدد و سکون طاء مهمله و کسر جاء مهمله و تحتانی و طاء مهمله ثانی ف
سنگ مر تمنیق العا حجر الخطاطیف ع بفتح خاء معجمه و طاء مهمله و الف و کسر طاء مهمله ثانی و
و سکون تحتانی و فاف ف سنگ پرستوک چون بچه نخستین پرستوک در افزونی ماه
بکشی شکمش لبشگافی دو پاره سنگ بر آید یکی یکرنگ و دیگری برنگ مختلف
حجر الشفاف ع بفتح شین معجمه مشدد و فا و مشدد و الف م حجر فیشور تمنیق القاف
حجر مشقق ع بضم میم و فتح شین معجمه و قاف مشدد و سکون قاف ثانی ف سنگیست
زرد از بلاد مغرب خیزد و تو بر تو بود ح زعفرانی زود ریزنده شگافته تو بر تو تمنیق
الکاف حجر الدیک ع ف سنگی ست که در شکم خروس یابند حجر الکرک بفتح کاف
و راء مهمله و سکون کاف ثانی ف سنگی ست بغایت سفید بر ساحل بحر هند بهر سد طب
تمنیق اللام حجر اللحل ع بفتح دال و سکون ثانی و لام ف ککهلا آتش خوار تمنیق المیم حجر حماد ع
بفتح حاء مهمله با میم و الف و میم ثانی ف سنگی ست که در کبوتر یابند حجر الدم ع
بفتح دال مهمله شدد ف شادنج حجر الرخام ع بضم راء مهمله مشدد و ثانی با خاء معجمه
و الف م طین قیمولیا سنگی سفید مشهور ست و وی اقسام باشد خ سفید طب
۲ ای ف قاطع نزف الدم و مدمل جراحات باسر که محلل اورام و ذرور او قاطع نواسیر
تمنیق النون حجر الزیتون ع بفتح زاء معجمه مشدد و سکون تحتانی و ضم فوقانی و
سکون واو و نون م حجر الیهود حجر المسن ع بکسر میم و فتح سین مهمله و سکون نون ف سنگ فسان
تمنیق الهاء حجر الاسکف ع بفتح همزه با سین مهمله و الف و کسر کاف و فتح فاء خفاف
ف سنگی ست که کفشگران آن را بدان تیز کنند حجر الحیه ع بفتح حاء مهمله و تحتانی
مشدده و هاء ف سنگ مار و پازهر و سانپ کا من و آن معدنی ست و حیوانی حیوانی از

از افعی گیرند وآنرا پادزهر و بادمهره و مار مهره خوانند وآن بلون مار بود وامتحانش آنست که چون در آب بیندازند در حرکت آید حجر مثانه ع بفتح میم و مثلثه والف وفتح نون ف سنگی ست که در مثانه آدمی بهم رسد یعنی پتهری حجر مشویه ع بفتح میم و سکون شین معجمه و کسر واو و فتح تحتانی مشدد ف کلس و نوره ه چونه گلی تمیق التحتانی حجر ارمنی ع بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله و فتح همزه و سکون را مهمله ثانی و فتح میم و کسر نون ف گل ارمنی بط ب ی اق سهل خ سبز مائل بسفیدی باندک کبودی و بس از شکستن چشمهاء و مانند و منج باشد و بعد از تر کردن بوی طفل یا بوی گل خوش دهد ش نیم درم تا نیم مثقال ص مغسول ل یکنیم وزن حجر لازورد حجر اعرابی بفتح همزه و سکون عین مهمله با را مهمله ثانی والف و کسر موحده ف شاه سنگ بشیرازی سنگ زخم حجر اللبنی ع بفتح لام مشدد و موحده و کسر نون ف سنگ شیرین چون او را آب بسایند بشیر ماند حجر بحری ع بفتح موحده و سکون حا مهمله ثانی و کسر را مهمله م مرجان ه مونگا و بربال حجر حبشی ع بفتح حا مهمله ثانی و موحده و کسر شین معجمه ف سنگیست سبز رنگ مانند یشم حجر حدیدی ع بفتح حا مهمله ثانی و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و کسر دال مهمله ثانی ف خماهن امندل حدیدی حجر خزفی ع بفتح خا معجمه و زا معجمه و کسر فا و تحتانی ف سنگ مصریست مانند خزف و زود از هم بشگافد و صفایح بر یکدیگر دارد حجر روشنائی ع بضم را مهمله ثانی و واو مجهول و سکون شین معجمه با نون والف و کسر همزه م مرقشیشا حجر عسلی ع ف سنگی ست که چون بسایند رطوبتی دهد بغایت شیرین بود و بقوت شادنه باشد حجر قبطلی ع بکسر قاف و سکون موحده و کسر طا مهمله ف سنگی ست مصری بغایت سست در آب زود حل شود و گازران مصر کتان بدان شویند حجر هندی ف نوعی از شادنه هندیست تلنسیق الدال المهمله و تمیق الفوقانی حدادت ع بضم اول م دال مهمله والف و فوقانی ف

١٢٣

سوش گیرہ چوبے مار و جمیلہ تمنیق الجیم صدیح ع بفتح اول و دال مہملہ م
حنظل خشک حدید ع بفتح اول و سکون تحتانی و دال مہملہ ثانی ف آہن
ہ لوہا طب ی ق مجففخ فولاد ص مرطبات ل نحاس تمنیق القاف حدق
ع بفتح حا مہملہ و دال مہملہ و سکون قاف ف بادنجان ہ بیگن تلنبیق الراء
المہملہ و تمنیق الالف حرا بضم اول و فتح را مہملہ و الف م سداب کوہی
و الشیرازی گورخر خوانند طح ی و حراۃ بزیادتی تار فوقانی بعد الف نیز آمدہ حرشا
رومی بفتح اول و ثانی مہملہ و الف و شین معجمہ و الف ثانی ف خردل بری ہ جنگلی
رائی حربا سریانی بکسر اول و سکون ثانی ع موحدہ ف آفتاب پرست و بوقلمون
ہ گرگٹ حرف الماء بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون لام با میم و الف
ممدودہ جر نیست کہ در آب روید مانند قرۃ العیون طح ی ۲ گویند ۳ تمنیق
الموحدۃ حرب بکسر اول و سکون ثانی ع طلع ف بہار خرما تمنیق الراء المہملہ
حریر ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف ابریشم تمنیق الشین المعجمہ
حریش ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف ماریکہ بر پوست او نقطہای
سیاہ و سفید باشد و گویند کرگدن تمنیق الضاد المعجمہ حرض ع بضم اول و ثانی
و سکون ضاد معجمہ م اشنان تمنیق الفاء حرشف ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح
شین معجمہ و سکون فا م کنگر طمع ح د گویند د۲ گویند ب گویند ج ۲ ۱ قاد رفر
خ تر و تازہ ش انجنغ ادیکدرم ص سرکیل ہلیون حرف ع بضم اول و ثانی ع
حب الرشاد ف تخم ترہ تیزک تمنیق اللام حرحل یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح جیم ف بلخی ست کہ بال ندارد و سبز بود حرمل ع بفتح اول و کسر نحو و سکون
ثانی و فتح میم و بالضم نیز آمدہ ف تخم سپندان ہ اسپند سوختنی طح ی ۲ گویند
۳ ق ملطف خ فربہ ش نیم مثقال ص لعوق ربوب فواکہ ل تخم سداب

یا قردمانا یا تخم ترب و فوتنج تمنیق النون خرجوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح جیم و واو و الف م خرچل خردون سریانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله
و سکون واو ف حیوانی ست مانند سوسمار که بیونانی سالاسندرا خوانند و از جمله
سموم قتاله ست خزا الشیاطین ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم زاء معجمه و فتح شین
معجمه مشدد و با تحتانی و الف و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی ثانی م آطریلال خرفغان
رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و قاف و الف ع سم الفار تلنسیق الزاء المعجمه
و تمنیق الراء المهمله خرازالصخر ع بضم اول و فتح تیر و زاء معجمه و الف و ضم راء معجمه
ثانی و فتح صاد مهمله مشدد و سکون خاء معجمه و راء المهمله ع زهر الحجر ف گل سنگ و آن
چیزیست مانند سبزی روی آب بر سنگ پیدا شود طب ی ا تلنسیق السین
المهمله و تمنیق الکاف خسک ع بفتح اول و سین مهمله ف خار خسک ه گوکهرو
چنکهار طب ی گویند ح ا گویند مع ح ب گویند ح ی ۲ ق سقی بفتح مفتت
منعظ خ بستانی سبز تازه ش مقدر م تا ده درم و گویند دو درم تا بست درم بدل
حقنه ص روغن بادام یا کنجد و گویند بدل عصی الراعی تمنیق اللام خسل ع
بفتح اول و ثانی ف بچه نوزاد ضب تلنسیق الشین المعجمه و تمنیق الالف
خشیش بزرقطوناع ف گیاه بنگو طب رخ تازه و تر تمنیق الفوقانی
خشیش الغافث ع م برگ غافث تمنیق الجیم خشیشة الزجاج ع بضم زاء
معجمه مشدد و فتح جیم و الف ف گیاه آبگینه نباتی ست که در آبها روید طب
ی ف راد ع ش از عصاره او ده درم ص فوتنج ل لسان الحمل تمنیق الصاد
المهمله خشیش البرص ع بفتح موحده و راء مهمله م آطریلال تمنیق اللام
خشیفل ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء و سکون تحتانی و ضم فاء ثانی م
شقاقل خشیش السلحال ع بکسر طاء مشدد مهمله و حاء مهمله و الف و لام م

۱۲۵

اسقولوقندریون ف زنگی ار د تمنیق الهاء حشیشه د و دیه بضم دال وسکون او
وکسر دال مهمله ثانی وفتح تحتانی مشدد ثانی خفاء نام اسقولوقندریون تمنیق
التحتانی حشیش خراسانی ف درمنه خراسانی تلنسیق الصاد المهمله
وتمنیق الجیم حصاة الاسفنج ع بفتح اول با صاد مهمله والف وضم فوقانی
وسکون لام وکسر همزه وسکون سین مهمله وفتح فا وجیم م حجر الاسفنج تمنیق المیم
حصرم ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر را مهمله ف غوره انگور که کچی دا کـ طب ۱
ی ۳ ق قابض خ صادق الحموضة ش دواوقیه ص انیسون وعسل یا گلنگبین
ل حماض اترج یا ریباس تمنیق الهاء حصرمیه ع بکسر میم وفتح تحتانی مشدده ف
نام طعامی ست تلنسیق وتمنیق الضاد المعجمه حضض ع بضم اول وفتح ضاد
معجمه وسکون ضاد معجمه ثانی ف بلل که رسوت ط مع ح ب گویند خ ۲ ب ق
محلل بادک قبض وحابس م خ جهت ورمهاکی وجهت سوی هندی اص بربر حص
ل فیلزهرج با فوفل وصندل ساوی یا یامیتا یا اقاقیا وزعفران تلنسیق الفاء
وتمنیق الالف حفاء ع بضم اول با فا والف ممدوده م بروی ولوح تلسیق
اللام وتمنیق الموحدة حلبلاب ع بفتح اول وسکون لام وفتح موحده با لام
ثانی والف وموحده ثانی م لبلاب حلبیب ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده
وسکون تحتانی م سوهجان هندی ط ح ی ۲ گویند ۳ تمنیق المثلثه
حلتیت ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی ومثلثه با فوقانی
ف انگوزه که هینگ ط ح ی ۴ گویند ۳ ق ملطف مبهی خ منتن وسفید که
زود حل شود ش نیم مثقال ص اشق وجوزبوا گویند ابریاریس ل محرورش
که بسیار جوشانیده باشند یا جاوشیر وسکبینج تمنیق الراء المهمله حلاق الشعر
ع بفتح اول ولام مشدد والف وضم قاف وفتح شین معجمه مشدد وسکون عین مهمله

ف آهک و نوره تمنیق اللام حلاحل ع حلحل بفتح اول و ثانی والف وکسر حاء مهمله
ثانی وسکون لام ثانی در لغت اول وبکسر هر دو لام در لغت ثانی م پیاز بلبوس
تمنیق المیم حلم ع بضم اول و ثانی سموف کنه قراد کلی کرمی ست که اکثر بگوش
سگ و دیگر حیوانات می چسپید تمنیق النون حلزون بفتح اول وسکون ثانی وضم زاء
معجمه وسکون واو و نون ف نوعی از صدف م شنج سنکهه طب ی وخاکستر بری
اوح اق مجفف ص فواکه قابض ل صدف تمنیق الواو حلیموع بفتح اول
وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو ف بیخ حماض بری تمنیق الها
حامه ع بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده وخفاء ها م سمینه وشملیت تو میتهی
طح ی اگویند ح س ق منضج ملین ش دو درم و در حقنه تا بست درم
[illegible] روغن قسط تلخ ل بزر کتان و اکلیل الملک حلیفه ع بضم اول و فتح ثانی
وسکون تحتانی و فتح فاء و ها م حراف کوهی و سداب کوهی تمنیق المیم تمنیق
الالف حماماع بفتح اول و میم و الف و میم ثانی والف ثانی م ماهوج طح ی ۲
گویند [illegible] ق منضج مفتح مغثی و مقوی کبد و منوم خ ازمنی ذهنی خ شوش د و درم
[illegible] و دل تمام یا یاسمین خشک و گویند اشنه و سنبل حمیراء ع بضم اول و فتح ثانی و
وسکون تحتانی و راء مهمله و الف م سنکار تمنیق الموحده حماض الارنب ع بکسر اول
با میم و الف و ضم ضاد مهمله وسکون لام و فتح همزه وسکون راء مهمله و فتح نون
وسکون موحده م کشبوث تمنیق الجیم حماض الاترج بضم همزه وسکون فوقانی
وضم راء مهمله ف ترشه ترنج طب ی س ص شراب خشخاش ل حماض الموته تمنیق
الراء المهمله حماض البقرع بفتح موحده و قاف ف حماض بری حماض نهر
بفتح نون وسکون هاء م حماض بستانی حمرع بضم اول سکون ثانی و راء مهمله ف خرما هندی
۸ انبلی حمص الامیرع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ضم ضاد مهمله وسکون لام و

۱۲۷

وفتح همزه وکسر میم وسکون تحتانی ف خار خسک تمنیق الصاد المهملة حمص ع
بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون صاد مهمله ف نخود ه چنی طح ۲ گویند ی گویند ۳ مع ح
ق مدر مبهی قابض طبع خ سفید بزرگ ص خشخاش ل باقلا تمنیق الضاد المعجمة
حمر الارض ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون لام وفتح همزه وسکون ا
مهمله ثانی م خراطین حمض ع بفتح اول وثانی وسکون ضاد معجمه م اشنان تمنیق الطاء المهملة
حماطم ع اول کسر ثانی والف وطاء مهمله م نوعی از حمیر تمنیق اللام حل ع بفتح اول وثانی وسکون
لام ف بره ه حلوان تمنیق للمیم حماحم ع بفتح اول وثانی والف وکسر حاء مهمله ثانی
وسکون میم ثانی ف بستان افروز طح ی ۲ حمام ع بفتح اول وثانی با الف و میم ف کبوتر
ه پریوا طح ی ۲ حمحم ع بضم هر دو حاء مهمله وسکون هر دو میم ف گاوزبان تمنیق التحتانی
حمار اهلی ع ف خر ه گدها ط الحمش ح ی ۲ حمار وحشی ع ف گورخر طح ی ۲ حماض
بستانی ع بفتح اول وثانی مشدد والف وضاد معجمه ف ترشینک وچقندر صحرائی
ه ساگ چوکا ط ب ی ۲ ق قابض ملطف خ بستانی ترش ص شراب عناب
ل تخم حماض وتخم ریباس یا بارتنگ یا تخم مورد تانسیق النون وتمنیق الالف
حناء ع ه مهندی ط ب ای ۲ ق قابض خ بغایت سبز که در حال خورد کرده
باشند ش جهت قولنج نیم مثقال واز تخم این جهت دماغ دو مثقال ص ب السوس
ل الیترال آس تمنیق الشین المعجمة حناء قریش ع بکسر اول با ثانی والف وکسر
همزه وضم قاف وفتح راء مهمله وسکون تحتانی وشین معجمه م خراز الصحر تمنیق اللام
حنظل ع بفتح اول وسکون نون وفتح ظاء معجمه وسکون لام ف خربزه تلخ ه اندراین کا پهل طح
۳ ی ۲ گویند ح ی ۲ ق مسهل محلل ش تازه زرد رسیده هندی ش از یک
قیراط تا یکدرم واز تخم او نیم درم واز عسل او یکدانگ ف نیم دانگ ص کثیرا یا مصطکی وصمغ
ل نشاسته ل [illegible] وچهار دانگ وزن آن قثاء الحمار یا حب الخروع وچهار دانگ

وزن آن قند و گویند دو وزن آن حب النیل و نموذن بلج نقطی و نموذن محمود
تمنیق النون خناء مجنون بفتح میم و سکون جیم و ضم نون و سکون واو ف
وسمه یعنی ورق نیل تمنیق الهاء خناء الغول ع بضم همزه و سکون لام و ضم غین
معجمه واو مجهول و فتح لام م البوخلسا و شنکار حنطه ر رومیه بکسر اول و سکون ثانی
و فتح طاء مهمله و خفاء ها و ضم راء مهمله و سکون واو و کسر میم و فتح تحتانی مشدده میم
حنطه روس ف کاکل و جو برهنه حنطع ف گندم ه گیهون طح مع ری
ق منضج خ میان سرخ و سفید نرم بسیار فربه تمنیق التحتانی جندقوقی ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح دال مهمله و ضم قاف و سکون او و کسر قاف ثانی ر ف اندوه
قوقوو ویو ایست و آن سبزه ایست بری طح ی ۲ گویند ۳ ق. ملطف مدرخ
بستانی ش دو درم ص هندبا ل رطبه تنسیق الواو و تمنیق الفوقانی حوت
ع بضم اول و سکون ثانی ع سمک ف ماهی ه مچهلی تمنیق الراء المهمله حور سنغند
ف بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و همزه و سکون سین مهمله و فتح فاء و سکون
نون با دال مهمله و الف و راء مهمله ثانی م بستان افروز حومر بفتح اول و سکون ثانی و ضم
میم سکون راء مهمله ف تره هندی تمنیق الکاف حرکس بفتح اول و سکون ثانی و کاف م بادرنج
تمنیق المیم حرجم بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم ف گلسرخ ه کلال کهول
تمنیق الهاء حومانه بضم اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح نون و ها م ذو ثلاثه
اوراق و طرفین ه سهنس کوهی تمنیق التحتانی خواری ع بفتح اول و ثانی
و الف و کسر راء مهمله و تحتانی ف آرد گندم از حریر بیخته ه میدا جوزرومی بفتح اول و سکون
ثانی و زاء معجمه م جوز رومی که گویند کهربا صمغ ارست بطاب نی ق مجفف ش
یک مثقال ل ولب تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق اللام حیطل بکسر اول و سکون
تحتانی و فتح ضاد معجمه و سکون لام م صدق تمنیق المیم حی العالم ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد

۱۲۹

وسکون لام با عین مهمله والف وفتح لام ثانی گویند نوعی از سرخ مردست وآن دیدست
وما که از جمیع ملل برری کارآمده وبتجربه رسیده وبزبان هندی شهدئی زرد گل ست طب
۳ ی اق را وع خ بستانی ش از آب وبنجبد م ص طین ارمنی یا بود نیل عصاره
کاهو یا عنب الثعلب تمنیق الحاء حیح بفتح اول وثانی مشدد وخفاء ها ف مار
سانپ وناگ طح ی ۲ ق ملطف خ افعی تمنیق التحتانی حیات الموتی ع بفتح
اول وثانی والف وضم فوقانی وسکون لام وفتح میم وسکون واو وفتح فوقانی
ثانی والف مقصوره م تطران توقیم الخاء المعجمه وتنسیق وتمنیق الالف
خاراف بخاء معجمه والف وراء مهمله م سنگ سخت خامالاء ف بمیم والف ثانی ولام
وفتح الف ثالث ممدود م مازریون تمنیق الموحده خانق الذئب ع بخاء معجمه وبکسر نون
وضم قاف وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی وموحده م خربق سیاه فخال نگی آن
کشنده گرگ ست ه کتکی طح ی ۳ خانق الکلب ع بسکون لام وفتح کاف
وسکون لام ثانی ف فلوس ماهی ه کچلا تمنیق الموحدة الفارسی خاسپ ف
بکسر سین مهمله وسکون موحده فارسی م سیب تمنیق الفوقانی خاربشت
ف بسکون راء مهمله وضم موحده فارسی وسکون شین معجمه م قنفذ ه ساهی
تمنیق الدال المهمله خاود ف بسکون دال مهمله م غلیواز تمنیق الراء
المهمله خارشتر ف بکسر راء مهمله وضم شین معجمه وفوقانی وسکون راء مهمله ثانی
جنسی از خار که شتر آنرا برغبت بخورد وآنرا اشترخار نیز گویند خانق النمر ع بکسر نون
وضم قاف وفتح نون ثانی مشدد وکسر میم نوعی از مازریون وآن کشنده پلنگ
وگرگ وسگ وخرگوش ست ومانند آن طح ی ۲ گویند ب ی ۲ خایه گیر ف
بفتح تحتانی وخفاء ها وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی ع ریتلا تمنیق الزاء المعجمه
خایه زین ف بفتح تحتانی وخفاء ها وکسر راء مهمله وتحتانی مجهول وزاء معجمه خایکینه

ع معجمه تلنسیق السین المهمله خاماذریوس ف و یونانی بمیم و الف ثانی و فتح
دال مهمله و سکون راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله م کماذریوس ف
از نام واروی تلخ خامالاون لوقس یونانی بمیم و الف ثانی و لام و الف ثالث
و ضم واو و کسر نون و ضم لام و سکون واو ثانی و کسر قاف م ماذریون سفید فوتر
یونانی سفید خامالادن مالس یونانی بمیم ثانی و الف رابع و لام ثانی مالس نیز نلی
سیاه م ماذریون سیاه و نیز اسم حرباست خامانیطس یونانی بمیم و الف ثانی و کسر
نون و سکون تحتانی و کسر طاء مهمله م کمافیطوس ف ماش ارو خایدیس ف
بفتح تحتانی و خفاء ها و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و سین مهمله م کمات تمنیق الشین
المعجمه خاوش ف بضم واو و سکون شین معجمه م خیاری که برای تخم نگاه دارند
خانه ریش بفتح نون و خفاء ها و کسر راء مهمله و تحتانی مجهول ف کلاه ماران و سماروغ
رومی تمنیق العین المهمله خالع بکسر لام و سکون عین مهمله ف خرمای
تمام پخته تمنیق الکاف خانق الملک ع بکسر نون و ضم قاف و سکون لام و فتح میم
و کسر لام ثانی و سکون کاف سماداوران کف نمک داوران خایه ایرک ف بکسر کاف فارسی
و سکون تحتانی و فتح راء مهمله ع رتیلا تمنیق اللام خادل ف بضم واو و سکون لام
م سورچه تمنیق المیم خالم ف بضم لام و سکون میم م فارخام شراب تمنیق النون
خالاون یونانی بخاء معجمه و الف و لام و الف ثانی و ضم واو و نون ع حنظل و سیه خندرس ف کاکل
و جوبرهنه خالیدونیون یونانی بخاء معجمه و الف و کسر لام و سکون تحتانی و ضم
دال مهمله و سکون واو و کسر نون و ضم تحتانی ثانی و سکون واو ثانی دو نوع است
بزرگ آن را ف زرد چوبه گویند و کوچک آن م باسیلن خامالاون یونانی بمیم
و الف ثانی و لام و الف ثالث و ضم واو م ماذریون ف ستاره گویند
نام حرباست خامامیلن یونانی بمیم و الف ثانی و کسر میم ثانی و سکون تحتانی

۱۳۱

و کسر لام ف بابونه خان ف بسکون نون شان عسل وشان نبور جاونجان
ع بخاء معجمه والف وفتح واو وکسر لام وسکون نون با جیم والف ثانی ف خسروداج
ه کلیجن خایه علامان ف بفتح تحتانی وهمزه واظهار یا وضم غین معجمه بالام والف
ثانی ومیم والف ثالث نوعی از انگور سیاه بزرگ ست تمنیق الواو خالکشوف
بسکون کاف وضم شین معجمه وسکون واو تخمی ست که سرخ میگون بود و بغایت
ریزه باشد م خاکسی وشفتر ک ع بزر الخمخم ه خوب کلان طح تمنیق المهملة
خاروازگونه ف بکسر راء مهمله باواو والف وسکون زاء فارسی وسکون واو
وفتح نون م چرچرا خامشه بضم میم وفتح شین معجمه م شیطرج خ سرخ زعفرانی مائل
خرد شیرین ه چیتیه خایه فنا بفتح تحتانی ف تخم هرجانور ع بیضه تمنیق التحتانی
خالکشی ف بسکون کاف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م خالکشو خلمارا قطی
یونانی بخاء معجمه والف بامیم والف ثانی وکسر همزه وفتح همزه ثانی وسکون قاف
وکسر طاء مهمله م بل تلنسیق تمنیق الباء الموحدة ه خبز الغراب ع بضم اول
وسکون موحده وضم زاء معجمه وسکون لام وغین معجمه باراء مهمله والف وموحده
ثانی م اقحوان ف بابونه تمنیق الخاء المعجمه خبز المشایخ م اشنان تمنیق
الدال المهمله خبث الحدید ع بفتح اول وثانی وضم مثلثه وسکون لام وفتح
حاء مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی بادال مهمله ثانی ف ریم آهن ه لوه سنگهان
وکیٹ طح ی ۳ گویند ب ق مجفف خ پولادی املس ریزه های کوچک
بی خشونت ش یکمثقال ص روغنها ل اگر م بربود اطریفل کوچک واگر
غیر بد بر حرف ودر اقراص چشم پوست تخم مرغ تمنیق الزاء المعجمه خبز ع بضم
اول وسکون ثانی وزاء معجمه ف نان ه روٹی طح امع ق مغذی خ ماخوذ از گندم
آفت نارسیده فربه پاک صلب ص باب شستن تمنیق السین المهمله

خبث النحاس ع بضم نون وحاء مهمله والف وسين مهمله م توبال النحاس ف يم س ط ح
ی ٣٤ ق قابض مجفف اكال خ بسيار تنگ ش بمدرم دار الحال ص كتيرا صمغ ل منضج
تمنيق الصاد المهمله خبث الرصاص ع بكسر راء مهمله وصاد مهمله والف
وصاد مهمله ثانی ف يم قلعی طب ی ل سفيدارز تمنيق الكاف خزدوک ف بفتح اول
وثانی وسكون زاء معجمه وضم دال مهمله وسكون واو وكاف جانوريست شبيه
بجعل كه آنرا اهل شيراز خزوک گويند تمنيق الواو خزدو ف بفتح اول وثانی
وسكون زاء معجمه وضم دال مهمله م خزدوک تمنيق الهاء خبث الفضه ع
بكسر فاء وفتح ضاد معجمه مشدده وخفاء ها ف چرک نقره خ سبز تنگ تمنيق التحتانی
خبازی بضم اول وثانی مفتوح والف وكسره زاء معجمه وسكون تحتانی ف نوعی
از خطمی طب را گويند مع ح ب ق ملين خ بری ش جهة سعال وثقال
ل خطمی تنسيق الباء الموحدة الفارسی وتمنيق الكاف خنبک ف بفتح
اول وموحده فارسی وسكون كاف م نان بزرگ تنسيق التاء الفوقانی و
تمنيق الجيم ختفرج ف بفتح اول فوقانی وسكون فاء وفتح راء مهمله م خرف
تمنيق القاف خترق بفتح اول وسكون فوقانی وفتح راء مهمله م فنتين تمنيق
الكاف ختم للملک ع بفتح اول وسكون ثانی وضم ميم وسكون لام وفتح ميم ثانی
وكسر لام ثانی ف گل مختوم تنسيق الثاء المثلثه وتمنيق الراء المهمله
خثاء البقر ع بكسر خاء وثاء مثلثه والف وضم همزه وسكون لام وفتح موحده وقاف
ف سرگين گاو ه گو بر طح رق منضج محلل ش يكقيراط تنسيق الدال المهمله
وتمنيق القاف خدرنق بفتح اول ودال مهمله وسكون راء مهمله وفتح نون وسكون
قاف ع عنكبوت تمنيق اللام خداع الرجال ع بضم اول وفتح ثانی والف
ضم عين مهمله وكسر راء مهمله مشدده با جيم الف م بزر البنج تنسيق الواء المهمله

وتمنیق الالف خرس گیاف بکسر اول و سکون را مهمله و سین مهمله و کسر کاف فار
باتحتانی والف نباتی ست که بیخ آن شقاقل ست خرماف بضم اول و سکون
ثانی با میم و الف ه کهجور طرح رض بادام و خشخاش و سکنجبین و کا هو تمنیق الفوقانی
خربت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م بط کلان ق قابض خرنوت ف
جنسی از توت باشد زبون و بلی منو تمنیق الجیم خرزهرج بفتح اول و سکون
ثانی و فتح زای معجمه و سکون ها و فتح رای مهمله و سکون جیم ف خرزهره کنیر خرمنج ف
بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون نون م خرمگس خرء والذباب والدجاج
ع ف سرگین خروس و ماکیان ه بیٹ مرغی کی تمنیق الجیم الفارسی خروج
ف بضم اول و ثانی و واو مجهول م خروس تمنیق الخاء المعجمة خربزه تلخ ف
ه اندراین کا پہل تمنیق الدال المهملة خرادف بفتح اول و ثانی والف م
غلیواز خربق اسود ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون قاف ه
کٹکی طرح ی ۳ ق مسهل خ متوسط در فربهی و لاغری و گره دار مجوف و سیاه
سعد مانند که در بن ریشه های باریک باشند ش نیم درم ص بادام و کتیرا و کندش
و پوست بیخ گز مهاری یا نیموزن مازریون و چهار دانگ آن نمار لیقیون و نیموزن
ماهیزهرج یا کبیکج خزندف بفتح اول و ثانی و سکون نون گیاهی ست مانند
اشنان تمنیق الراء المهملة خردرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
ف م غلیواز ه چیل خرف ع حماره گدها خرکوء الفارع بکسر اول و سکون ثانی
و ضم واو و سکون لام با فا والف ف بشکل موش ه چوہے کی مینگنی تمنیق
الزاء المعجمة خربوزف بضم موحده فارسی و سکون واو م شرک کلان
خربیواز ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی مجهول با واو و الف
و زای معجمه م شرک کلان بمقدار غلیواز که خود را سرنگون کرده از درختها بیاویزد

ه بڑا باکرا تمنیق الشین المعجمه خرگوش ف بضم کاف فارسی و واو مجهول
م ورق بارتنگ وارنب خرموش ف موشی ست که اندک از خرگوش کوچکتر
بوده گهونس تمنیق الضاد المعجمه خربق ابیض ع گویند بیخی ست که پوست
وی مستعمل ست و بیخ کبر ماند و بطعم از خربق سیاه تلخ تر بوده بتیس طح ی
۲ گ بند ۲ ق مقی خ سفید زود شکنند و چون بخایند لعابی ظاهر شود و زود زبان را
بگزد بعد از ان سخت بگزد ش ورتی نمید رم ص مصطکی ل جوز القی ماهیزهرج
خردل ابیض ع م اسفند سفید تمنیق العین المهمله خرفع ع بکسر اول و سکون
ثانی و فتح فا و سکون عین مهمله م ثمر درخت عشر و آگهه کا پهل خروالضفادع ع بکسر
اول و سکون ثانی و ضم واو و فتح ضاد معجمه مشدد با فا و الف و کسر دال مهمله م طحلب
ف جامه خواب بک و بیزره سوال خروع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو
ف بیدانجیر و ارنڈ طح ی ۲ ق محلل ملین خ بحری غثی بده دانه مقشر ص
کتیرا با صمغ ل تخم ترب خربع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م حلوا عصفر
تمنیق الفا خرکوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون واو و فا م جنسیست
از بوم که بغایت بزرگ باشد تمنیق القاف خرنق ع بفتح اول و سکون ثانی
و فتح فا و سکون قاف ف تخم سپندان خرنق بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون
ف بچه خرگوش تمنیق الکاف خرچلوک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
جیم فارسی و ضم کاف و سکون واو و کاف ثانی م و ستنبویه کا کچری خرک
ف بفتح اول و ثانی م خرما خشک م خارک خرگوشک ف م ورق بارتنگ
خرد هک ف بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح ها م مرجان کا بیرال و مونگا
تمنیق الکاف الفارسی خرچنگ ف بفتح جیم فارسی و سکون نون م
پنجپایه کیکڑا تمنیق اللام خرچال ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم فارسی

۱۳۵

والف م جز بزرگ خردل ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله رائی ط
سح ی ۴ ق محرق کاوی ملطف لبستانی تازه فربه سرخ که بعد از کوفتن زرد باشد
ش دو مثقال وگویند نیم درم ص صندل وگلاب وکافور ونمک هندی ل دو دن
حب الرشاد دو وزن تخم شلغم خرغول ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول م گیاه باتنگ وریم آهنج وبزبان سعدی سمر قند روف نامند ع
لسان الحمل ه خوب کلان خرپای ابوجهل ه کریج تمنیق النون خراطین ع بفتح
اول وثانی والف وکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ف زغازه کینچوا طح ای ۲
ق ملحم ش جهت یرقان و ورم ص روغن بادام یا زیت ل زلو خرآهن ف
بفتح اول وسکون ثانی ومد همزه وفتح ها نوعی از علف ه لوهار خرامین ع بفتح اول
وثانی والف وکسر میم وسکون تحتانی ف زلوه جونک وگویند خراطین خرنطان
بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وطاء مهمله والف م بنتوسه ه اکاس بیل اسبل
خرسیان بفتح اول وسکون ثانی وکسر سیم با تحتانی والف م جند بید ستر تمنیق الو
خرچکو بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وفتح جیم فارسی وضم کاف ه تخم گوانج
خرد بکسر اول وضم ثانی م گل خیر وتمنیق المعاخر بته ف بفتح اول وسکون ثانی و
فتح موحده وفوقانی وخفاء ها م خربت خرزهره ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح را وعمیم
وسکون ها وفتح راء مهمله ثانی ع دفلی ه کنیر خرسته ف بکسر اول وثانی وسکون
سین مهمله وفتح فوقانی م جونک خرغوله ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمه
و واو مجهول وفتح لام م خرغول خرفه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح فا م تورک
خرمهره ف بفتح اول وسکون ثانی وضم سیم وسکون ها وفتح راء مهمله م سفید مهره
سنکهه خروسه ف بضم اول وثانی و واو مجهول وفتح سین مهمله م تدرو خروه ف
بضم اول و واو مجهول واظهار ها م خروس خره ف بفتح اول وثانی م گنجاره

۱۳۶

تمیق التحتانی خرامی بکسر اول وثانی والف وکسر میم وسکون تحتانی ف گل خیری
بری طح ی ۲ ق محلل ص بنفشه ل مرزنجوش و بابونه خردل فارسی بفتح دال
مهمله وکسر لام با فا والف وراء مهمله وسکون سین مهمله ف تخم سپندان خرمای هندی
بضم اول وسکون ثانی والف وکسر تحتانی وها وسکون نون وکسر دال مهمله ف تمر هندی
خرنوب شامی بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو وکسر موحده با بین
وکسر میم ف کسر گا ذرونی طا ب ی ۲ گویند ح ق قابض خ خشک شیرین قر
ش بجدرم تا ده درم ص عسل ل شاه بلوط خرنوب مصری بکسر میم وسکون صاد
مهمله وکسر راء مهمله م قرط خرنوب نبطی بفتح نون ثانی وسکون موحده وکسر طاء مهمله
ب ی ۲ ق قابض خ بزرک ش سه درم ص چربی ل عذبه یا مازوی بی سوراخ
یا طراثیث یا قرط خرنوب هندی بکسر ها وسکون نون وکسر دال مهمله ف خیار چنبر
خری ف بکسر اول وثانی گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد م خیری
وهمیشه بهار خرقه بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون ه کو بج تمیق الفا
خرف بفتح اول وثانی وسکون فاه بینکری طا ب ی ق مجفف خ خرف نو
ص جلاب ل قیشور تمیق الکاف خروک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
وکاف م سرگین گردان ع جعل تمیق النون خرمیان بفتح اول وسکون ثانی
وکسر میم با تحتانی والف ونون م جند بیدستر تمیق الهاء خرنده ف بفتح
اول وثانی وسکون نون وفتح دال مهمله وخفا رها ع حشرات الارض تمیق
السین المهمله وتمیق الالف خسته خرماه گرکح تمیق الراء المهمله خسرمار
بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام وکسر ها مهمله با میم والف وراء مهمله م
شنکار تمیق السین المهمله خس ع بفتح اول ف کاهو طا ب د ۳ گویند
۲ ق منوم خ تازه بستانی سبز پهن ورق ش دو مثقال ص کرفس ل عناب

ل هندیا و بفارسی جانوریست که پایهای باریک ارد و بر وی آب بود و خسته
او شبیه بدانه جو باشد کوچک تر از جو و گویند مرغیست سفید رنگ که بزرگ تر
از کلنگ باشد تمنیق الفا خسفه ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف قف گردگان ه
اخروث تمنیق القاف خسق بکسر اول و سکون ثانی م معصفر تمنیق الکاف
خسک ف بفتح اول و ثانی ع خسکه ه گوکهرو و بکسر اول و سکون ثانی م گل معصفر
تمنیق الواو خسوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم واو مجهول م خسته خسر و دار و
بضم اول م خولنجان تمنیق الهاء خسته ف م تخم میوه‌ها مانند شفتالو و خرما خسکدانه
ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف با دال مهمله و الف و فتح نون م تخم معصفر تمنیق
التحتانی خسری ف م نوعی از شراب چکیده تنسیق الشین المعجمه و تمنیق
الفوقانی خشک پشت ف لاک پشت تمنیق الراء المهمله خشکار بضم اول و
سکون شین معجمه با کاف و الف ف آردی که از وی نخاله نگرفته باشند بهندی چهنا آتا
خشیسار ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و نون با سین مهمله و الف نوعی
از مرغابی که پشت آن سیاه و میان سرش سفیدی باشد تمنیق الزاء المعجمه
خشب الشونیز ع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و شین معجمه مشدد ثانی و واو مجهول
و کسر نون و سکون تحتانی چوب سیاه دانه گویند سیسارون تمنیق الشین
المعجمه خشخاش ع ف کوکناره جهونترا ابیض یعنی سفید ب ی او اسود
یعنی سیاه ب ی ۳ گویند ۲ گویند دخ سفید تازه فربه بنش از سفید او و دوم
تا پنجدرم و از سیاه نیمدرم ص عسل یا قند یا عصاره لسان الحمل یا ارزیانه ل از تخم ذکر
یا دام مقشر تمنیق الفاء خشیف ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف برف
تمنیق اللام خشل بفتح اول و ثانی م مقل تمنیق النون خشکنجبین بضم اول و سکون
ثانی و فتح کاف و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی م عسل خشک

لفظ گوشنا از ... در اول ... فاعبد ... دارچینی ... باصمین ... مثنوی ... نزست ...

کبریج نیلوفر هندیست و عاشوریحان این قول را تخطیه کرده و ابوحنیفه گوید فاعبد ... کل حنا بوده آمده رنگ و بند خاصیتش ...

١٣٩

که از کوهستان فارس خیزد طح ی ل یکیموزن عسل تمنیق الواو خشوع بفتح
اول و ضم ثانی م خرمای زبون تمنیق الها خشکنانه ف بضم اول و سکون ثانی
و کاف با نون و الف و فتح نون ثانی نان بی نانخورش تلنسیق الصاد المهمله
تمنیق الموحده خصی الکلب ع بضم اول بیخی ست مانند خصیة الثعلب خصیة الثعلب
ع بضم اول و سکون ثانی طح د ا گویند مع ق مهیج خ شیرین فربه که از دو بوی منی
آیدش یکمثقال تا دو مثقال د گویند بخورد مرض آمدن بوسیدان با تخم تربوز یا تخم
جرجیر یا تخم انجیر یا تخم اسپست یا سقنقور یا شقاقل تمنیق الراء المهمله خصیة البحر
ع م جندبیدستر تمنیق السین المهمله خصی الفرس ع م جاموب تمنیق اللام
خصیة الایل ف خایه بز کوهی خصیة العجاجیل بفتح عین مهمله و جیم و الف و کسر جیم ثانی
و سکون تحتانی ف خایه گوساله تمنیق الها خصیه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح
تحتانی ف خایه بیلری طح گویند ب ی خ خایه خروس فربه تلنسیق
الضاد المعجمه و تمنیق الفاء خضفع بفتح اول و ضاد معجمه ف خربزه نارسیده
و خربزه خورد خضلاف بفتح اول و سکون ثانی باللام و الف م درخت نقل
تلنسیق الطاء المهمله و تمنیق الراء المهمله خطر ع بکسر اول و فتح طاء مهمله
م وسمه تمنیق الفا خطاف ع بضم اول با تای مشدد و الف ف پرستوک کنهیا
بیت دیوری اح ی ا ق منفت حصاة ل سرگین گا و تمنیق النون خطبان
بفتح اول و ثانی با موحده و الف م حنظیا نا تمنیق الفتحانی خطمی بفتح بفتح اول
و سکون ثانی و کسر میم گل مشهور ست طب د گویند ح ق ملین منضج مملح خ منبر
تازه کوهی سفید گل ص عسل یا کنار ل نیلوفر یا خبازی تلنسیق الفا و تمنیق الجیم
خفنج بفتح اول و سکون فا و جیم م خردل بری خفج ف بفتح اول و سکون ثانی
ار مهملع بقلة الحمقاء تمنیق الشین المعجمه خفاش ف بفتح اول و ثانی مشدد

والف م شیر هندی چیکاؤ طح دخ بزرگ ص شخاش تمنیق الفاء خف
ف بفتح اول گیاهی ست که آتش زود گیرد و گلزا بر زیر سنگ آتش زنه نهاده
چماخ برزنند تا آتش بگیرد م پده ع مرخ تنسیق اللام وتمنیق الدال المهمله
خلدع بفتح اول وسکون لام ف موش کور و انگشت برگ ه چکچوندر تمنیق الواو
المهمله خلر بضم اول و فتح ثانی مشدد م جنسی ست مانند کرسنه تمنیق الفاء
خلاف ع بکسر اول ف درخت بید طب ی ق مجفف خ کنار چشمه رسته باشد
ش ازآب او بست مثقال ص گلاب یا مرزنجوش ل گل حنا و گل کرم تمنیق
القاف خلوق ع بفتح اول ضم ثانی وسکون واو م زعفران تمنیق اللام
خلال خلیل بکسر اول م درخت آاطریلال خلال ع بفتح اول ف غوره خرما
خل العنصل ع ف سرکه پیاز دشتی خل ع بفتح اول وثانی مشدد ف سرکه طب
ی ۳ گو ینب ا ی ۳ ق ملطف مقطع خ خل خمر ص سکر و روغن بادام وبضم اول
وسکون ثانی ف خاکستر تمنیق الواو خلوف بضم اول و ثانی م آلو تمنیق
الفا خلع ع بفتح اول و ثانی مشدد و خفاء هاء ف شراب ترش تمنیق التحتانی خلال
ماسولی بکسر اول م اذخر خلبای بفتح اول و ثانی با موحده والف وکسر تحتانی مجهول
م قنه ف بیرزد تنسیق المیم وتمنیق الفوقانی خمسته انگشت ف بفتح
اول وسکون سیم وکاف فارسی ه سبنهالو تمنیق الراء المهمله خمر الماء ع بفتح اول
وسکون ثانی وضم راء مهمله م اشخار خمر ع بفتح اول وسکون ثانی ف شراب انگوری
۵ ماکه مد طح ی ۲ ق ملطف خ ریحانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبوی تنگ
ادویه رو کنند وسیان نو کهن ش هفتاد و د مثقال صل فواکه ترش ان نبید
تمیع ع بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی م قنطریط ب ۲ ر ا ق منضج خ معتدل
ملح ص سکنجبین تمنیق القاف خمسته افداق ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله

غبار آن را
در دهان بزنند
که دندان را
بریزاند گویند
شیر خشت
زقوم) دیگویند
انگره هست
دیگویند
ما غیر یون نمت
وغالب عاید

وضم فوقانی وفتح همزه وسکون م او بار اء مهمله و الف و قاف ه سبنها الو تمنیق اللام
خمل بفتح اول وسکون میم و لام م ستونجان تمنیق النون خمان بفتح اول و ثانی و
الف م خامار اقلی خماهن ف بضم اول وسکون ثانی و مد همزه و فتح ها سنگی ست
حدیدی سیاه و آن دو نوع ست یکی نر دوم ماده و نر آن بغایت سخت و تیره رنگ بود چون
بآب سایند سرخ شود مانند شنگرف و گویند ظرف آن سه چند شراب خورند مستی
نیاورد ع صندل حدیدی تمنیق النون وتمنیق الراء المهمله خنگسار ف بکسر
اول وسکون نون وکاف فارسی با سین مهمله والف م شوره که جزو بارود شیح
تمنیق السین المهمله خندروس ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وضم را
مهمله وسکون واو ع حنطه رومی ف کامل و گندم صحرائی و جو برهنه طح ی گویند
ح تمنیق الکاف خنجک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم م درخت بکسر اول
درخت بن تمنیق اللام خندریل بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر را مهمله
وسکون تحتانی ف کاسنی بری تمنیق النون خندیقون بفتح اول وسکون ثانی
وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ف شرابیست که از عسل
و شراب کهن یا مثلث سازند طح ی تمنیق الها خنجره بفتح اول وسکون ثانی
وفتح جیم و را مهمله ف خربار هندی تمنیق التحتانی خنثی ع بضم اول وسکون ثانی
وفتح مثلثه والف مقصوره ف بیخ گیاه سیرش طح ی گویند ب رق مجلی و
محلل ش پنجدرم و اثر و شکوفه او دو درم ص شوربای جرب ل فوه و مغاث
تمنیق الواو وتمنیق الالف خوافا بفتح اول با واو والف م گوشت خوکلان
بضم اول وسکون ثانی و موحده و فتح کاف ف تخم بارتنگ تمنیق الفوقانی خو
بفتح اول م ثانی وسکون سین مهمله ف خربزه تمنیق الجیم الفارسی خوچ ف
بضم اول وسکون ثانی م گل بستان افروز تمنیق الخاء المعجمه خوخ ع بفتح اول م

وسکون ثانی ف شفتالوه الخ وطب ر ۲ گویند ق قامع مروخ انچه استخوان
رو وار جدا شود ش یک کف ص نخبیل م بی با بل ل شمش تمنیق الواء المهملة خوش نظر
بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه وفتح نون وظاء معجمه م کلگه وگویند سرخ مر
تمنیق الصاد المهملة خوص بفتح اول م ورق مقل و ورق نخل و ورق نارگیل
را بدین نام خوانند تمنیق العین المهملة خوخ اقرع بفتح اول وسکون ثانی وکسر
خاء معجمه ثانی وفتح همزه وسکون قاف وفتح راء مهمله م سانج هندی تمنیق الکاف
خواتیم الملک ع ف گل مختوم ونیز ختم الملک گویند بحذف واو ویاء تحتانی خوزدو
ف بفتح اول وثانی وسکون زاء معجمه وضم دال مهمله و واو مجهول م خنبر دوک خوک
ف بضم اول وسکون ثانی ع خزیر تمنیق اللام خوال ف بفتح اول وثانی
والف م دوده که از چراغ حاصل میشود ع مرکب تمنیق النون خولان ع بفتح اول
وثانی والف ونون م حضض خولنجان بضم اول وثانی مجهول وکسر لام وسکون
نون با جیم والف ه کلیجن طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مهیج خ سرخ سطبر
کم گره ش نیم درم تا یکدرم ص کتیرا و چیزهای چرب وصندل وکافور یا ابریشم
ل تیز نفل یا قرفه و درد گرده وقوت باه یک نیمونزن دارچینی ونیمونزن برگ
قرنفل خون سیاوشان بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسین مهمله با تحتانی
والف وضم واو با شین معجمه والف ثانی ع دم الاخوین وگویند بقم و وجه تسمیه آنکه
چون افراسیاب سیاوش را کشت جائیکه خون او ریخته ودر آنجا این نبات رسته
ه هیل و وکهی تمنیق الواو خولدوف بضم اول وثانی مجهول وفتح لام وضم لام
ثانی وسکون واو ثانی رازیانه بری تمنیق الهاء خواجه گیاه بضم اول با ثانی
معدوله والف وفتح جیم فارسی بخفاء ها وکسر کاف فارسی با تحتانی والف ه
بالبنا خوجه ف بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی م گل بستان افروز خوخ

خوخ فلیق استه بفتح اول وسکون ثانی وکسر خاء معجمه ثانی وفتح قاف وکسر لام و
سکون تحتانی وقاف وفتح همزه وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م قاقله خود خرد
ف بضم اول وثانی مجهول م کسر دال مهمله وضم خاء معجمه ثانی وراء مهمله وواو مجهول ثانی
اظهار یاه م گل تاج خروس نحوی ناه ف بضم اول وثانی مجهول تحتانی بانون والف
واظهار یاه م خراطین تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف خیربوا بفتح اول و
سکون تحتانی وکسر راء مهمله وفتح موحده وواو مشدده والف ع قاقله صغار تمنیق الجیم
خیروج بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وجیم م خبازی خیشفوج
بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمه وضم فاء وسکون واو ف پنبه دانه تمنیق الدال المهمله
خنیدف بکسر اول وسکون ثانی ودال مهمله م خوید که عبارت از جو وگندم ونخود سبز
باشند تمنیق الراء المهمله خیارچنبر وخیارشنبر بکسر اول باثانی والف وراء مهمله وفتح
جیم فارسی وسکون نون وفتح موحده وسکون راء مهمله ثانی در لغت اول وفتح شین
معجمه در لغت ثانی ه گرمالا وامیلتاس د هن بیڑا وباندر پوری وباندر لکڑی
طامع ح ب ق محلل وملین ومسهل صفرا خ هندی سطبر سیاه رسیده بر عسل
وفلوس و پوستش براق ورقیق باشد در وقت استعمال از قلم بیرون آرند ش
پنج درم تا پانزده درم ص روغن بادام مصطکی وانیسون وعناب یا آب تمر هندی
ل ترنجبین وسه وزن آن مویز بی دانه واندکی تربد تمنیق الراء المهمله خیار ف
بکسر اول باثانی والف وراء مهمله بادرنگ ه کهیرا ط ب د ۲ تمنیق النون خیزران
ف بکسر اول وسکون ثانی مجهول وضم زاء معجمه با راء مهمله والف ونون ه چوب بید
ط ح د ۲ مع ی ق مفتت حصاة ش دو درم ص خافشل بیخ غلیق تمنیق
الواو خیارکدو ف بکسر اول باثانی والف وکسر راء مهمله وفتح کاف وضم دال مهمله
وسکون واو ع هندوانه ه تربوز ب د خطمی خیلوف بکسر اول باثانی وضم لام

م غیر خبوف بکسر اول و ضم ثانی لعاب هن تمیق الهلنخیا بنده ف بکسر اول ثانی و الف

فتح زا معجمه و خفا ها و دکر طرف ر۲ تمیق التحتانی غیر ران بکسر اول ثانی مجهول فتح زا معجمه

با را مهمله و الف و کسر نون و فتح موحده لام و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ثانی خ مو صحرائی خیری ف بکسر

اول و سکون ثانی و کسر را مهمله نام گلی ست زرد رنگ که میان آن سیاه باشد و آنرا همیشه بهار

نیز گویند ترقیم الدال المهمله و تلسیق لالف و تمیق الدال المهمله

دارد بدال مهمله و الف و فتح را مهمله و سکون دال مهمله ثانی ه اسکندره تمیق الواو

المهمله وآربرف بضم موحده و سکون را مهمله غلیست سبز رنگ که بمنقار

درختان را سوراخ کند و آنرا بشیرازی نمک و بگیلانی دارکوب گویند د ستخار

ف بسکون شین معجمه یا خا معجمه والفتح خبث الحدید د آغ سرف بسکون غین معجمه

و فتح سین مهمله جانوریست که درمیان سران جندبرزرد باشد و مانند بلبل و صل و سر

و خوش آواز بود تمیق الزاء المعجمه والیوزف بسکون لام و ضم موحده فارسی

و واو مجهول و زا معجمه م فرا سترو ک تمیق السین المهمله د آس ف بسکون

سین مهمله م سداب د سنحوان ماهی تمیق الصاد المهمله د اصعوص و ع اصعو

بکسر را مهمله و فتح صاد مهمله و ضم عین مهمله و سکون واو و صاد مهمله ثانی و در لغت اول و

فتح میم و سکون نون و ضم صاد مهمله و سکون واو در لغت ثانی م مارچینی تمیق

الکاف دارمک بکسر را مهمله و فتح میم و سکون کاف م نوعی از مر تمیق اللام

ملد فلفل بکسر را مهمله و فا و سکون لام و کسر فا ثانی و سکون لام ثانی ع فلفل مدر

ه پیپل طح ی ۳ ق ملطف مغشی تح سبزی که بطعم فلفل بود ش نیدرم ص

صمغ عربی یا صندل خ و کلا سبل زنجبیل یا زرنباد یا فلفل د ارنهال ف بکسر را

مهمله با نون و ها و الف درخت بقم دار شخال بسکون شین معجمه یا خا و الفا و لام

ع خبث الحدید د اول بفتح واو ف روغن کتان تمیق المیم دارم ف فتح را مهمله

وسکون میم ف انار تمنیق النون دانون بفتح فوقانی وسکون واو ونون ف
بیخ حب السلاطین م جمال گوٹے کی جڑ داربرنیان ف بکسر را مهمله وفتح موحده فارسی
وسکون را مهمله ثانی وکسر نون با تحتانی والف ف چوب بقم دارشیشعان بکسر
را مهمله وشین معجمه وسکون تحتانی وفتح شین معجمه ثانی عین مهمله والف ثانی بهکال
طح ای ۲ ق قابض خ گران سرخی ائل خوشبو سطبر اندک تلخ ش یکدرم تا دودرم
ص دو قوبار از اینه ل اسارون یا ثمرة الطرفا یا چهار دانگ وزن آن زرا وند
نیسوزن آن در وجع یار اکت سعد دارقن بکسر را مهمله وفتح قاف ف شقشقا التمنیق
للماء دار برزه ف بفتح موحده فارسی سکون را مهمله وفتح زا معجمه بخفا رابام
فراشترک دارکیسه بکسر را مهمله وکاف وسکون تحتانی وفتح سین مهمله م بسبابا
وگویند طالیسفر و اکه بفتح کاف وانهار ع عنب ف انگور دالبوزه ف
بسکون لام وضم موحده فارسی وواو مجهول وفتح زا معجمه م فراشترک تمنیق
للتحتانی داورومی بکسر دال مهمله ثانی وتحتانی وضم را مهمله وسکون واو وکسر میم و
سکون تحتانی ثانی م هو فاریقون داریوی ف بسکون را مهمله وضم موحده
و واو مجهول ع عود دارچینی ع بکسر را مهمله وصاد مهمله وسکون تحتانی وکسر نون ه
دال چینی طح ی ۳ گویند ق ملطف مفتح مدر مقوی ل وکبد ومعده ومبهی خ
سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرینی آمیز ش یکدرم ص اسارون ل پوست سلیخه ونمولیت
کبابه یا ابهل یا زرنبت یا خولنجان تمنیق الباء الموحده وتمنیت بلا لف دباع بضم
اول با موحده مشدده والف ف کدو تمنیق الموحده دبلب بضم اول با ثانی دال
وموحده ثانی م سنبل سنبر تمنیق الواو المهمله ویهعابر بفتح اول م ضم ثانی وسکون ا
با دال مهمله ثانی والف ورا مهمله م تمنیق السنین المهمله دلبس ع بکسر اول
وسکون ثانی وسین مهمله وشاب نعمانی طح بفتح بمعنی آتش ندیده که

از طب فارسی گرفته باشند ص بادام وکاهو وخشخاش وسکنجبین تمنیق القاف
دبق بکسر اول وسکون ثانی وقاف م سوبزج عسلی طح ۲ ی ۳ ق محلل ملین
خ تازه املس که درونش کرانی وبرونش سیاه سرخی مائل ص زرنباول نیلوفر
عاقرقرحا وچهار دانگ زن آن جوز السرو ونیم وزن آن اهل تمنیق اللام
دبوکل بفتح اول وضم ثانی وسکون واو ولام ف روغن کتان
تمنیق الها دباله ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام وخفاء ها م
ترنج وبله بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف بار درخت کریره
تمنیث تلنسیق وتمنیق الجیم دجاج ع بضم اول باجیم والف وجیم ثانی
ف ماکیان که کوکری وبزبان شاهجهان آباد مرغی طمع ح ق گوشت او
سغذی ومقوی باغ خ آنکه بیضه نداده باشد ص نان پاک ل دراج دج ع بفتح
اول ف مرغ بری که طیخام بزبان دهلی مرغا تمنیق الراء المهمله وجرع بفتح اول
وکسر ثانی ف لوبیا تلنسیق الخاء المعجمه وتمنیق الالف دخسیسا بضم
اول وسکون خاء معجمه وکسر سین مهمله وسکون تحتانی باسین مهمله ثانی والف ف
روغن بلسان تمنیق الخاء المعجمه دخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه م گیاه جست
که از میان آب بروید وازان حصیر بافند م لوخ تمنیق المیم دخت مرم بضم
اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی وسکون میم
ثانی ف پوست درخت سبنهالو که بهیال سبنهالو کی تمنیق النون دخان ع بضم
اول باثانی والف ونون ف دود که دهنوان طح ی ق ملطف مجفف ص
شراب خشخاش دخن ع بضم اول وسکون ثانی ف ارزن که چینا طب ی
گویند ۳ گویند ح ص تند مصلح گل ل برنج تلنسیق وتمنیق الدال المهمله
دود ف بفتح اول وسکون دال مهمله ثانی م جانوران درنده چون شیر وببر گرگ

واشتال آن تمنیق الهاء وده ف بفتح هر دو دال مهمله وخفا ها بمعنی رونده کوبا
تنسیق الراء المهمله وتمنیق الالف درخت ریشاغ بفتح اول و ثانی وسکون
خاء معجمه وکسر فوقانی و راء مهمله ثانی وتحتانی مجهول با شین معجمه والف ه درخت بڑ
درختک دانا ف بفتح اول و ثانی وسکون خاء معجمه وفتح فوقانی وکسر کاف بال دال
مهمله ثانی بانون والف درختی ست که بهر جانب که آفتاب بگردد برگهای آن
در بجانب آفتاب کنند وگویند درخت وقواق ه سورج مکهی تمنیق الموحده
درداب ع بفتح اول وسکون ثانی با دال مهمله ثانی والف وموحده ف وستبنوبه
ه کجری تمنیق الفوقانی درخت آفتاب پرست ف بفتح اول و ثانی وسکون خاء معجمه
وکسر فوقانی وبه همزه وسکون تا با فوقانی ثانی والف وموحده ساکنه وفتح موحده
فارسی وراء مهمله ثانی وسکون سین مهمله وفوقانی ثالث ه ہلہل تمنیق الجیم
دراج ع بضم اول و ثانی مشدده باالف وجیم ف تراج ه تیتر طمع ف گو
او سعوی وباغ دراشج بفتح اول و ثانی والف وفتح شین معجمه م نوعی از لبلاب
درنج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی م دراج تمنیق الخاء
المعجمه دراونخ بفتح اول و ثانی والف وکسر راو وسکون تحتانی وخاء معجمه ف
تمنیق الراء المهمله درادار بفتح اول وسکون ثانی با دال مهمله ثانی والف وراء مهمله
ثانی ف درخت پسته وسپیدار ط ورق او ب ی ۲ ق قابض مجلی ردی
ع بضم اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله ثانی وضم تحتانی مشدد وسکون لام و
وفتح خاء المعجمه وسکون میم وراء مهمله ثانی ف دردی شراب طح ی خ از شراب
کهن درد بطار بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح موحده با طاء مهمله والف
توت سکل تمنیق السین المهمله درافس شتامی بفتح اول و ثانی والف وکسر فا
وسکون سین مهمله ف شنفتالو تمنیق الشین المعجمه درش ف بفتح اول و ثانی

١٤٧

وسکون شین معجمه م نوعی از خیار که آنرا کلونده و دشتی نیز گویند تمنیق العین

المهمله درجج ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون عین مهمله ف

شاغل ه لهر تمنیق الفاء درخف ف بضم اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه

م زنبور سیاه تمنیق اللام دبازونبال بفتح اول وثانی والف وزاء معجمه وضم

دال مهمله وسکون نون با موحده والف ثانی ولام ف گاوگاومیش دوی ال

ع بضم اول وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله ثانی وضم تحتانی مشدد وسکون لام

وفتح خاء معجمه ف وردی سرکه طح ی ق مجفف نخ کمه ص دغن گل ل

شب با سرکه یا شراب تمنیق المیم درازدم ف بفتح اول وثانی والف وزاء معجمه

وضم دال مهمله ثانی وسکون میم ف م سگ ه کته تمنیق النون درخت گلچکان

ف بفتح اول وثانی وسکون خاء معجمه وکسر فوقانی وضم کاف فارسی وسکون

لام وفتح جیم فارسی با کاف والف ونون ه درخت مهوا درون بفتح اول وثانی وسکون نون

م زالو جونک تمنیق الهاء درخت سبنه ف بضم سین مهمله وسکون نون و

فتح موحده وخفاء ها جانوریست که درخت را سوراخ کند وسبز رنگ باشد م

سبز که کلنتا ه ورده ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله ثانی هم درد

شراب وآب وروغن وامثال آن درگاله ودرگاله ف بفتح اول وسکون

ثانی با کاف فارسی والف وفتح لام در لغت اول وضم کاف فارسی با لام والف

وفتح لام ثانی در لغت ثانی م پنج درمنه ف بفتح اول وثانی وسکون میم وفتح نون

وخفاء ها جوهری اجواین درونه ف بفتح اول وضم ثانی وواو مجهول وفتح نون

گیاهیست که شبیه بگندم باشد م درونج عقربی درج ع بفتح اول وثانی مشدد

ومخفف وم شکنبه تمنیق التحتانی درونج عقربی غ بفتح اول وضم ثانی وسکون

واو وفتح نون وسکون جیم وفتح عین مهمله وسکون قاف وفتح راء مهمله وکسر موحده

۱۴۹

وسکون تحتانی ه اتوس طح ی ۳ ق ملطف ومفرح ومقوی ال خ روزی مث
نیمدرم تا یکدرم ص رازیانه یا نشاسته ل زرنباد دو دانگ م زن آن قرنفل د
گویند عاقرقرحا و دو وزن سورنجان دری ف بفتح اول و کسر ثانی م نوعی از
کبک تلنسیق وتمنیق السین المهمله دس ف بضم اول وسکون سین مهمله
م گل پخته تمنیق الهاء دستنبویه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
نون وضم موحده وواو مجهول وفتح تحتانی وخفاء ها ع شمامه ه کچری تلنسیق
المعجمه وتمنیق الراء المهمله دشمر ف بفتح اول وسکون شین معجمه وفتح میم
وسکون راء مهمله م شاخل ع درج ه ارہر تمنیق التحتانی دشتی ف بضم اول
وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی م زلوه جونک تلنسیق الفاء وتمنیق
الراء المهمله دفار بفتح اول با فا والف وراء مهمله ه گنوار تمنیق التحتانی دفلی ع
بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ف خرزهره ه کنیر طح ی ۳ ق
محلل خ سطبر بزرگ ورق لسایر تلخ سرخ گل سخت ش بمدرم تلنسیق القاف
وتمنیق النون دقطانانون بفتح اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف ومیم
والف ثانی وضم نون وسکون واو ونون م مشکطر اشیع تلنسیق اللام و
تمنیق الموحده دل آشوب ف بکسر اول وسکون لام ومهمزه وضم شین معجمه
وسکون واو وموحده م پنج انگشت ه سبنهالو دلب ع بضم اول وسکون ثانی
ف درخت چنار طح جزو پوست اوی اگویند ۲ ب ا دچوب اوب دق
بجفف خ تازه ص عود یا دارچینی ل قشور رمان تمنیق المثلثه دلبوث
بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو وثلثه ف نوعی از سوسن بر
تمنیق السین المهمله دلینس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر وفتح
نون وسکون سین مهمله ف نوعی از صدف کو مک تمنیق العین المهمله دلاع

ع بضم اول با ثانی مشدد و الف و عین مهمله ف هندوانه تمنیق الکاف دلک
ف بفتح اول و ثانی و میم و سکون کاف م پنیر تر دلیک بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف ثمر گل چون گل بریزد آن ثمر حاصل شود تمنیق الکاف الفارسی دلنک
ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی م غلاف خوشه خرما تمنیق اللام
و لدال بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله ثانی و الف و لام ف خارپشت که سنانی
تمنیق النون دلفین بضم اول و فتح ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و نون ف ماهی
بزرگ سیاه رنگ که سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر ف خوک ماهی تمنیق الهاء دلمه
ف بفتح اول و ثانی و میم و خفاء ها م پنیر تر دله ف بفتح اول و ثانی م گربه صحرائی
و بکسر اول م دل تمنیق المیم و تمنیق الجیم دم الدجاج ع بفتح اول و ضم
میم مشدد و دال مهمله مشدد و ثانی با جیم و الف و جیم ثانی ف خون ماکیان خ ماخوذ
از طایر سلیم تمنیق السین المهمله دم التیس ع بفتح اول و ضم میم مشدد و کسر فوقانی
مشدده و سکون تحتانی و سین مهمله ف خون بز کوهی خ ماخوذ از بز کوهی چهار ساله
در وقتیکه انگور رنگ گیرد حلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند و آنچه متوسط باشد
بستانند و در ریگ سنگین کنند تا سر شود پس قرصها ساخته خشک سازند و از غبار
محافظت نمایند و در جای نمناک ننهند تمنیق العین المهمله دم الضفدع ع
بفتح اول و ثانی مشدد و فتح ضاد معجمه مشدد و سکون فا و فتح دال مهمله ثانی و سکون
سین مهمله ف خون غوک خ از ضفدع زرد و سبز تمنیق الغین المعجمه دماغ ع
بکسر اول با ثانی و الف و غین معجمه ف مغز سر ه بهیجا ط ب رق ملین و مقوی
دماغ و مبهی خصوصا مغز سر دماغ گنجشک و بره بسیار مبهی ست خ ماخوذ از مرغهای کوهی
و از مواشی مغز بره و گوساله ص لیمونه و فلفل و خردل و دار چینی و سرکه ل مغز ساق
تمنیق القاف دمسق ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و سکون قاف ف

وقرط بکسر قاف نوعی از کراث ای گندنا و بفتح اول و ثانی ترکیب و آن ثمر درخت خار دارست اقاقیا عصاره دست قوی

ف ابریشم سفید تمنیق المیم دمادم بفتح اول وثانی والف وفتح دال مهمله ثانی و
سکون میم ثانی ع حجر الدم دم الحمام ع بسکون لام وفتح حاء مهمله با میم ثانی والف
ومیم ثالث ف خون کبوتر خ خون طائر سلیم دم ع بفتح اول وسکون ثانی ف
خون ه لوہو طح رق مغذی ص نانخواه ل جگر تمنیق النون دم الاخوین ع
بسکون لام وفتح همزه وخاء معجمه وواو وسکون تحتانی ونون ف خون سیاوشان
ه هیرادکهی وگویند لکهی طب ۱ ای ۲ گویند ح ای ۲ ق قابض طبع مجفف دابسر
دم ودمل خ چکیده صافی که اصلاح چوب درکونباشد ش نیم درم ص صمغ عربی کتیرا
یا پوونیه ل عصاره او باخس المحار یا اقاقیا دم الانسان ع بفتح اول وضم ثانی
مشدد وسکون لام وکسر همزه وسکون نون با سین مهمله الف ف خون آدمی
دم الثعبان ع بضم مثلثه مشدد وسکون عین مهمله با موحده الف م دم الاخوین
تمنیق الهاء دسه ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله وخفا ها م ابریشم
سفید ع دسق دسیجه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مهمله سکون تحتانی
وفتح جیم فارسی م کازرع صعوه ه ممولا تلنسیق النون وتمنیق الدال المهمله
دند ف بکسر اول وسکون نون ودال مهمله ثانی م باتو ع حب السلاطین ه جمال گوٹا
طح ی ۴ ق مسهل خ چینی بعد از و سبزی بعد از و هندی ش یکنیم حبه تا دو حبه
وگویند دو دانگ تا نیم درم ص نشاسته دبل بضم اول ف نوعی از زنبور تمنیق الراء
المهمله دنقر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون راء مهمله ف شوره ه
باجی طح ی تمنیق الهاء دنقه بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وخفا ها ف
یاسمین ه چنبیلی تلنسیق الواو وتمنیق الالف دوبا ف بضم اول مهمله وواو مجهول
باموحده فارسی والف کرم سرخ است که در درخت پلو طیابند و بان ابریشم امثال
آن رنگ کنند تمنیق الهاء المهمله دوباروح بضم اول وثانی مجهول با موحده

والف وضم یای مهمله وسکون واو ثانی وحای مهمله کاکنج تمنیق الخاء المعجمه دوخ ف
بضم اول وسکون ثانی وخای معجمه م لخ ودخ تمنیق الراء المهمله ذ دوالحریع
بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وفتح حای مهمله وکسر رای مهمله
وسکون تحتانی ورای مهمله ثانی ف کرم ابریشم ذ دسر بضم اول وثانی مجهول وفتح
سین مهمله م کاکل وجو برهنه وگندم صحرائی طح دای ۲ گویند ب ق مسهل
تخ سیاه ش ددورص کیتر اوقل ل نیموزن حب النیل تمنیق الزاء المعجمه
ذ دوالقرمز ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وکسر قاف
وسکون رای مهمله وکسر میم وسکون زای معجمه ف کرم ابریشم سرخ طب تی تمنیق
الصاد المهمله ذ دص ع بضم اول وسکون ثانی وصاد مهمله ف ش آبی ست که آنرا
تافته در دانند ذ دقص بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف ع بصل تمنیق الغین
المعجمه ذ دغ ف بضم اول وسکون ثانی مجهول وغین معجمه جهاجهه تمنیق الکاف
ذ دالک ف بضم اول وبا ثانی والف وفتح لام وسکون کاف ع اشنه ۵ چهریلا
ذ دلک بضم اول وبا ثانی والف وفتح لام ف ملغا سویه تمنیق اللام ذ دال ف
بضم اول وبا ثانی والف ولام م زمرد و بعضی گویند طالیسفر ف پوست بیخ زیتون دبال
ف بضم اول وثانی مجهول وبا موحده والف ولام م زمرد دویل ف بضم اول
وکسر ثانی وتحتانی مجهول م ابریشم کنده که از پیله حاصل شود که در کتاع میان
او باشد تمنیق المیم ذ دم ع بضم اول وسکون ثانی ومیم م درخت مقل تمنیق
الواو ذ دوقو ع بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون واو ف تخم جزر بری
که بیخ وی رشتنا ق سهست و گیاه وی خرس گیاه ۵ لالاکا طح ۳ ی اق منضج بلغم
نخ تازه در روغن بکدرم ص تخم مورد یا بلبوط یا مصطکی یا طباشیر بدل ۵ ووزن تخم گندنا
بادوه وبیدن تخم کرفس ونانخواه تمنیق الهاء ذ دالحیه ع بفتح اول وثانی والف وضم

همزه و سکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی مشدده دخطیاء م خطیا ناد واله ف بضم
اول ها ثانی والف و فتح لام م اشنه دوده ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
ثانی م دود چراغ که کاجل دوزه ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح زاء معجمه صارماز کو
تمیق التحتانی دوا الخطاطی بفتح اول و ثانی والف و ضم همزه و سکون لام و ضم
خاء معجمه با طاء مهمله والف ثانی و کسر فا و سکون تحتانی م مامیران دودهی که بضم و
سکون ثانی و کسر دال مهمله ثانی و اظهار ها دوای هندیست م سوپند و شیر گیاه
و قسم خورد او م نکارجنی دورحونی بضم اول و سکون ثانی و راء مهمله و ضم حاء مهمله
و سکون واو و کسر نون ف نوعی از سوسن بریست دونه ترکی بفتح اول و سکون
ثانی و فتح نون و همزه ملیله ها و ضم فوقانی و سکون راء مهمله و کسر کاف که جو هری
اجوائن تلنسیق الهاء و تمیق الالف دهنیاد بفتح اول و اظهار ها و سکون
نون با تحتانی والف ف کشنیز تمیق الفوقانی دمست ف بفتح اول و سکون
ثانی و فتح میم و سکون سین مهمله و فوقانی م درخت غار گویند تخم تریاق همین
که بعسل می پسرند انطح ۳ ی ۲ خ ثمر و برگ او تمیق الجیم دهنبع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم سنگیست بشرف وهلزطب ی ۲ خ
فرنگی شیرین چون آنرا بسایند و برروی آیینه بگذارند تا خشک شود اگر آیینه تیک
بر دارد تلخ است و الا شیرین تمیق الدال المهمله دهن ماموسدع بفتح اول و سکون ثانی
و ضم نون و سکون لام و فتح واو و سکون راء مهمله و دال مهمله ثانی ف ذهن گل
طعب ر ۲ تمیق الراء المهمله دهن اصفنج بکسر نون و فتح همزه و سکون صاد
مهمله و فتح قاف ف روغن زردی بیضه مرغ که اطبا کاتیل گ دهن الغابع بسکون لام
با غین معجمه والف ف روغن غار ل زفت تر تمیق الزاء المعجمه دهن الجوزع بسکون
لام و فتح جیم و سکون واو و زاء معجمه ف روغن گردکان ط ی ۲ دهن اللوزع

۵۳

بفتح لام مشدد وسکون واو ف روغن بادام اصل روغن پسته تنفستالو تمیق
السین المهمله دهن النرجس ع بفتح نون مشدد ثانی وسکون راء مهمله وکسر جیم
وسکون سین مهمله ف روغن نرگس ق مقوی دماغ ل روغن یاسمین تمیق یعنی ا
المهمله دهن الخروع ع بسکون لام وکسر خاء معجمه وسکون راء مهمله وفتح واو وسکون
عین مهمله ف روغن بیدانجیر ل روغن بادام تلخ یا روغن خسکدانه تمیق القاف
دهن الزنبق بفتح زاء معجمه مشدد وسکون نون وفتح موحده ف روغن گل زنبق
ل روغن یاسمین یا روغن سوسن دهن الخلوق بفتح خاء معجمه وضم لام ف روغن
زعفران تمیق اللام دهن الحل ع بفتح حاء مهمله ف روغن کنجد و روغن شیرین
ه تلون کا تیل و میٹھا تیل ط ح د دهن السفرجل بفتح سین مهمله مشدد و فاء وسکون
راء مهمله وفتح جیم ف روغن آبی ل دهن التفاح وبدل دهن تفاح دهن سفرجل
باشد دهن الفجل ع بضم فاء وسکون جیم ف روغن ترب ه مولی کا تیل ط ح ی ۳
ل روغن زیت کهنه دهن الدربیل بزن مشدد ثانی والف وسکون راء مهمله
وکسر جیم وسکون تحتانی ف روغن جوز هندی ل روغن گردگان تمیق المیم
دهن القرطم بسکون لام وضم قاف وسکون راء مهمله وضم طاء مهمله ف روغن خسکدانه
ل روغن انجیر تمیق النون دهن اسن ه بفتح اول و انهما ثانی والف وکسر میم وسکون
نون هم درخت مشهور هندیست ونیز نام یاسمین سیاه دهن البان بسکون لام وموحده
والف ه روغن بکائن ل روغن بندق دهن البلسان بسکون لام وفتح موحده
ولام ثانی وسین مهمله والف ف روغن بلسان خ تازه قوی بوی ل بوزن آن
دهن واوی یا نیموزن دهن ناجیل و دانگ نیموزن آن زیت کهن گویند که
حب بلسان کوفته در روغن نارجیل بجوشانند یا روغن گاو که در آن می ریخته باشند
یا نوزده درم روغن زیت و ده درم روغن نارجیل و یکدرم عصاره ترب باهم مخلوط کرده

۱۵۴

١٥٥

بجوشانند تا بروغن آید در ظرف آبگینه نگاهدارند و گویند که زیره هرچند بیشتر نگاه
نزدیک تشگافش شیشه آویزند که در و بچکد طح ی ۲ گویند ۳ دهن السوسن بفتح سین
مهمله مشدده و واو مجهول و فتح سین مهمله ثانی م روغن سوسن ل روغن نخاز دهن النسرین
بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و کسر راء مهمله و سکون تحتانی م روغن نسرین ل
روغن بلوام دهن بضم اول و سکون ثانی ف روغن طح دق ملین نخ تازه تمنیق
المادنهان ف بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فتح نون و خفا رها و بی الف نیز م زنجار
نوعیست سبز رنگ و تلخ و از کان مس حاصل شود ع دهنج دهن الانجره ف بسکون
لام و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم و فتح راء مهمله ف روغن گزنه ل روغن خسکدانه
تمنیق التحتانی دهاتکی ه بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فوقانی و کسر کاف و سکون
تحتانی م گل دهاوی دهن الخیری بکسر خاء معجمه و سکون تحتانی و کسر راء مهمله ف
روغن خیری ل روغن حنا دهن السوالی بکسر سین مهمله مشدد با واو و الف و کسر لام
ف روغن کتان دهن العسلی بفتح عین مهمله و سین مهمله و کسر لام م اومالی تمنیق التحتانی
و تمنیق الالف دیاقود ایونانی بفتح اول و کسره آن با تحتانی و الف و ضم قاف
و سکون واو با دال مهمله و الف ثانی ف شراب خشخاش که با پوست بپزند دیوبا
ف بکسر اول و ثانی مجهول و او با موحده فارسی ع عنکبوت و گیاهی ست که بعربی
آنرا جند قوقی خوانند تمنیق الفوقانی دیواسپست بکسر اول و ثانی مجهول و او
مجهول و کسر همزه و سکون سین مهمله و کسر موحده فارسی سکون سین مهمله ثانی و فوقانی
م جند قوقی تمنیق الراء المهمله دینار بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف و راء
مهمله م تخم کشنیز دیودار بکسر اول و تحتانی مجهول و واو مجهول با دال مهمله ثانی و
الف و بیار است و آن صنوبر هندی ست ف درخت مانند و جننده طح ی
تمنیق السین المهمله دیفرحبس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و راء مهمله

وسکون واو وکسر جیم وسکون سین مهمله م سه نوع ست اول معدنی که در جزیره
قبرس از جائی بهم رسد نوعی از طین ست لیکن چون آفتاب خشک کنند بصلبی
سنگ بود دوم نقلی که از مس میگیرند چون نحاس بگدازند و آب بروی میزنند
وانرا بوته بیرون آورند و در شیب او یابند سوم مرقشیشاست که میسوانند مانند طلس
ولون وی بنقره ماند ونیطلس ه بکسر اول هندی وثانی مجهول وخفا نون وفتح
دال هندی ثانی شوتره هندیست بکلانی مانند بادنجان لیکن اکثرش کرده ونان
مورشی ست خوب طلح دیوبا قونیطلس یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو با
والف وضم قاف وسکون واو ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی وکسر طا مهمله م
بیلکوش تمنیق الکاف ونیگ بردیگ بکسر اول وسکون ثانی وکاف وفتح موحده
وسکون را مهمله وکسر دال مهمله ثانی وسکون تحتانی ثانی وکاف ثانی ف مرگسه موش
عملی وگویند زنیخ مصعد دیکسع بکسر اول وسکون ثانی وکاف ف خروس ه
کلگرا طاگوشت اوج دگویندی خ نزدیلمک وش بکسر اول وثانی مجهول وسکون
لام وفتح میم ع رتیلا دیوک ف بکسر اول وثانی مجهول وفتح واو وسکون کاف ع
ارضف دیوچه تمنیق المیم ویسم بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ف
بستان افروز دیوگندم بکسر اول وثانی مجهول وواو مجهول وفتح کاف فارسی وسکون
نون وضم دال مهمله ثانی عف جنسی از گندم که دو دانه دریک غلاف باشد وگویند
بزرگ بی دانه تمنیق الواو دیحو بکسر اول وسکون ثانی وضم حا مهمله خروحت کریه
ه میمنت دیگا رف بکسر اول م بابونه تمنیق المال سیه بفتح اول وسکون ثانی وفتح
سین مهمله وسیم م سورچه ذیوچه بکسر اول وثانی وثالث مجهولین وفتح ذال معجمه مشدده ثانی
با واو والف مجهولین وجیم فارسی ف زالو هجو نک توقیم الذال المعجمه تمنیق
الالف وتمنیق الموحده ه ذات الذوائب ع بذال معجمه والف وضم فوقانی والف

۱۵۴

وکسر موحده وسکون موحده ثانی ه درخت بر تنسیق وتمنیق الموحده ذباب ع
بضم ذال معجمه با موحده والف وموحده ثانی ف مگس ه مکی طرح ق مین سقی تمنیق
اللام ذبال ع بضم اول با ثانی والف ولام ف کاسه پشت وسنگ پشت تنسیق
الراء المهمله وتمنیق الفوقانی ذرت ع بضم اول و فتح زاء مهمله مشدده وسکون فوقانی
ه غله جواری طب ی تمنیق الجیم ذرایح ع بفتح اول و ثانی والف وکسر راء مهمله
ثانی وسکون تحتانی ع حیوانی ست از مگس بزرگتر بقدر زنبور سرخ لیکن باریکتر و
نقطها سیاه بران و آن سم قاتل ست ه بندلی طرح ی خ ذهبی رنگ ق غفسرح
ش یک طسوج ص شیرتازه و روغن بادام و جلاب طین مختوم و باید که آنها را در کوزه
کنند و سرکونه به لته کتان بسته سرنگون بر بخار سرکه جوشان گذارند تا مخنوق شود
بگیرند ل طلینوث یا کرم سبز که در درخت صنوبر می باشد تمنیق الفا ذرق الخطاطیف
بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون لام و فتح خاء معجمه و طاء مهمله والف وکسر طاء
مهمله ثانی وسکون تحتانی وقاف سرگین پرستوک تمنیق القاف ذرموق بفتح اول
و ثانی م جند قوقی و نیز اطلاق می کنند بر لیشکل و سرگین تمنیق التحتانی ذرانی
ع بفتح اول و ثانی والف وکسر نون ف نمک سفید تنسیق الفاء وتمنیق الراء
المهمله ذفک بفتح وکسر اول وسکون فا و فتح کاف تخم کرفس کوهی تمنیق التحتانی
ذفری رومی بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله م نوعی از سداب بری ست تنسیق
اللام وتمنیق الواو ذلو بضم اول ولام وسکون واو ه جونک تنسیق النون
وتمنیق الراء المهمله ذنب الفار ع بفتح اول ونون وضم موحده وسکون لام
با فا والف ف بارتنگ تمنیق اللام ذنب الخیل ع بسکون لام و فتح خاء معجمه
سکون تحتانی ولام م لحیة التیس تنسیق الواو وتمنیق الفوقانی ذو ثلاث
شعبات ع بضم اول وسکون واو و فتح مثلثه ولام و الف و مثلثه ثانی و فتح حاء مهمله

وموحده مشدده والف ثانی وفوقانی مـ ذ ع ور ر ذ و ثلاث شوکات ع بفتح شین معجمه
وسکون واو باکاف والف ثانی م شکاعا تمنیق العین المهمله ذ و خمسة اصابع
ع ف پنجنکشت تمنیق القاف ذ و خمسة اوراق ع بفتح همزه وسکون واو باراء مهمله
والف ثانی وقاف ف پنجنگشت تنسیق الماء وتمنیق الموحده ذهب ع بفتح
اول وهاء ف زر ه سونا طح مع ق ودقش تقوی دل ش یک قیراط ص عسل
ومشک تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الموحده ذنب ع بکسر اول وسکون
تحتانی وموحده ف گرگ ه بهیڑیا تمنیق النون ذ بفان ع بکسر اول وسکون
ثانی بافا والف ونون ف زهر قاتل تر قیلم الراء المهمله وتنسیق الواو
تمنیق الالف راتا یونانی براء مهمله والف ونون والف ثانی ف انار ریاوسرا
سکون واو باراء مهمله ثانی م خارپشت تمنیق الجیم راتینج رومی بکسر فوقانی وسکون
تحتانی وفتح نون وسکون جیم م صمغ درخت صنوبر ف زنگباری طح ی ۲ ق
منبت اللحم مجلی قروح خ سفید زردی مایل که بوی صنوبر باند ص اسفیداج روغن گل
ل قنه وعلک البطم باز فت کهن راتیانج ع براء مهمله والف وسکون زاء معجمه باتحتانی
والف ثانی وفتح نون م رازیانه ف بادیان ه سونف طح ی ا ق مفتح مدر مفتت
شخ لبستانی ش تا ژ پوست او یکمثقال تا دو درم ص صندل وکافور یا زعرور ل تخم
کرفس رامح بفتح نون ف نارگیل تمنیق الحاء المهمله راج ع بسکون حاء مهمله ف
شراب تمنیق الدال المهمله راوند ع بفتح اول والف وفتح واو وسکون نون ودال مهمله
ف بیخ ریباس ست م ریونده ریون چینی طح گویند مع گویند ح ۳ ی ا گویند
ح ی ۳ ق مقوی خ چینی که بعد از سحق زعفرانی شود وبعد از شکستن درون رنگش
بلون هان گاو باشد و دیر آریوند لحمی میخوانند وماننده سم اسپ باشد که اصلا سوراخی درو
نباشد ش نیم درم تا دو درم و گویند دانگی تا یکدرم ص صمغ عربی یا ماء المندیال یحوزان

زراوند مدحرج و بوزن دی ورق گل سرخ سنبل و بعضی گویند زرشک و طباشیر زعفران
تمییق الزاء المعجمه رازف بسکون زاء معجمه م خارپشت رازیرف بکسر او و سکون
تحتانی م درخت اشترغار تمییق السین المهمله راسع بفتح اول همزه ساکنه ف
سرچی موند تمییق الفاء راف فع لبلابه تمییق الکاف رامک ه بفتح میم و
سکون کاف م مرکبی ست از مازو و پوست انار و زاج سیاه و صمغ و دوشاب یا عسل
و گویند از مازو و پوست انار و زبیب و ورد و دار چینی طب ی گویند ح ق قابض
نخ انچه سرخی زند ش نیم مثقال ص عسل ل اقاقیا یا سواد القضات یا جلنار یا آمله او
ف بفتح واو و سکون کاف م شراب صافع راوق تمییق الکاف الفارسی رانک
ه بخفا نون ف ارزیز تمییق اللام رال ه م قیر تمییق المیم رازیاف م بسکون
راء معجمه با تحتانی والف و میم م رازیانه تمییق النون رادن بکسر دال مهمله ف زعفران
راسن ف بفتح سین مهمله م زنجبیل شامی و گویند فیلگوش ه راسنا طح ی ۲ گویند
۲ ق مقطع ملطف مفرح خ بسبز تازه مش یک مثقال ص مصطکی و حماما یا سرکه یا س
ل پرسیاوشان ج ران ف درخت انگوزه رالیسن ه بکسر تحتانی و سین مهمله م نام درخت
هندیست تمییق الواو رابوف بضم موحده نام گلیست راسوف بضم سین مهمله
م موش خرماع ابن عرس ه نیولا تمییق الهاء راتیه ف بفتح دخفا ها م گیاهی بود
مانند سیر که آنرا بریان کرده بخورند راوجه ف بسکون واو و فتح جیم فارسی م نوعی
از انگور راوسه بسکون واو و فتح سین مهمله م اشترغار راوماد ف بسکون واو
با میم والف و فتح دال مهمله م انگوزه ع حلتیت تمییق التحتانی رادبوی ف بسکون
دال مهمله و ضم موحده و واو مجهول و تحتانی مجهول ع عود رازقی بکسر راء معجمه و قاف
گل نخ تمییق رازیانج شامی رومی بسکون زاء معجمه با تحتانی والف و فتح نون و کسر جیم
با شین معجمه با الف و کسر میم و سکون تحتانی و فتح واو و ضم راء مهمله ثانی و سکون واو تا

وکسر میم ثانی م انیسون ر اطینی بکسر طاء مهمله وسکون تحتانی ونون م همه علمها را بدین نام خوانند و علکا یعنی بانچه توان خائید و فرو توان برد شل مصطکی و عقرالی و بکسر هنوف خردل تنسیق الباء الموحده وتمنیق الالف بیتاع بفتح اول وکسر موحده وسکون تحتانی با فوقانی والف ف ماهی کوچک طاح تمنیق السین المهمله رب السوس ع بضم اول وثانی مشدد وسین مهمله مشدد وسکون واو وسین مهمله ثلثی ف عصاره مهک تمنیق القاف بعق سرطانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله ثانی وسکون قاف م عنب الثعلب تمنیق اللام ربل رمی بفتح اول سکون ثانی و لام م فنتین کوهی تنسیق الموحدة الفارسی وتمنیق الدال المهمله ربید بود ف بفتح اول و موحده فارسی وسکون دال مهمله ر بفتح اول وضم ثانی فارسی وسکون واو در لغت ثانی م گیاهی ست کہ چرنده راسست کند تنسیق الفوقانی وتمنیق الالف رتیلاه یونانی بضم اول و فتح فوقانی وسکون تحتانی بالام و الف حیوانیست مانند عنکبوت ف خانه گرگ ودله وآن از سموم قتاله است تمنیق الکاف زنگسف بضم اول و فتح ثانی م پیوند بری تمنیق المیم رته ف بفتح اول وثانی مشدد خمار هاره ریتها تنسیق الجیم وتمنیق الموحده رجل العقاب ع بکسر اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وضم عین مهمله با قاف والف و موحده م اطریلال رجل الغراب ع بسکون لام ثانی وضم غین معجمه باراء مهمله والف حشیشی ست که ف سبزی پای کلاغ گویند و گویند آن آطریلال ست طبیخ وی ح ای ۲ تمنیق الدال المهمله رجل الجراد ع بکسر اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح جیم با راء مهمله والف و دال مهمله م زرنب ف سرو ترکستانی تمنیق الراء المهمله رجل الطیر ع بفتح طاء مهمله مشدد وسکون تحتانی وراء مهمله م رجل الغراب تمنیق المیم رجل الحمام ع بسکون لام ثانی وفتح حاء مهمله با میم والف و میم ثانی ف شنکار تمنیق الهاء رجل

بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء ہاء ف تورک م بقلة الحمقا و بفتح اول ف
سماروغ تنسیق و تمنیق الخاء المعجمه رخ ف بضم اول و سکون خاء معجمه جانوریست
مشهور که مانند عنقا وجود خارجی ندارد چنانچه در شطرنج مهرهٔ بنام او موسوم ست
تمنیق المیم رخام ع بضم اول و فتح ثانی والف و میم ف سنگی ست سفید طب ی
گویند ح ق مجلی خ سفیده ص روغن گل ل شاخ ایل سوخته تمنیق النون رچین ف بضم
اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و نون م قروت طح ی ۲ و
گویند بمعنی دوغ تمنیق الهاء رخمه ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و خفاء ہاء ف مرغ
مردارخوار رخنه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ رضینه بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و فتح نون م زنگباری تنسیق الدال المهمله و تمنیق الواو رندجو
بفتح اول و دال مهمله و سکون نون و ضم جیم و سکون واو ف کرم دیوک ع ارضه تمنیق الهاء
رده ه بکسر اول و فتح ثانی مشدده و اظهار ہاء دوای هندیست تنسیق و تمنیق الزاء المعجمه
زرشک بفتح اول و سکون زاء معجمه م پاره انگور و انگور و زهر را نیز گویند تمنیق الهاء
زره ف بفتح اول و ثانی و خفاء ہاء م عنب الثعلب ه مکو تنسیق السین المهمله
و تمنیق الفوقانی رسوت ه بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح واو و سکون فوقانی
داروی هندیست که در امراض چشم بکار روند م حضض تمنیق السین المهمله
رس ف بفتح اول و سکون سین مهمله م طلا و نقره و مس و آهن و سیماب و دیگر فلزات
کشته تمنیق الهاء رسته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی ست
شبیه بقیروت ع کعب الغزال ه بتاشا تنسیق الشین المعجمه و تمنیق الفوقانی
رشت ف بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک تمنیق الدال المهمله رشاد
ع بفتح اول و ثانی م تره تیزک طح ی نضیج مخلخ سنبر بستانی ش در مثقال
ص هندبا و تخم کرفس ل جرجیر تمنیق الشین المعجمه رش ف بفتح اول و سکون

ثانی م قسمی از خرما که بالمدینه و سیاه رنگ بود و نوعی از انجیر و سیماب تمنیق الکاف رُشک
ف بضم اول و سکون ثانی و کاف ع عقرب ه بچهو تمنیق الهاء رشینه بفتح اول و کسر
ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م زنگباری تنسیق و تمنیق الصاد المهمله
رصاص ع بکسر اول و فتح صاد مهمله و الف و صاد مهمله ثانی ف قلعی و ارزیز ه رانگا
و رانگ طب ر ۲ گویندی ق سوختهٔ او مندمل خ آنچه نرم تر باشد ل اتمه تنسیق
الطاء المهمله و تمنیق الموحده رطب ع بضم اول و فتح ثانی ف خرمای تر ه
پند کهجور طح ۲ د اخ جینی ص بادام و خشخاش باوی خوردن و بعد از ان مغز کا
یا خیار بسر که یا سکنجبین خوردن تمنیق الهاء رطبع ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده
ف اسپست تر طح د ق منفخ خ سبز تازه ص خرنوب ل جند قوقی تنسیق العین
المهمله و تمنیق الدال المهمله رعاد ع بضم اول با عین مهمله و الف و دال مهمله م
حیوانی ست : دریائی و ماهی رعاده تمنیق المیم رعی الحمام ع بفتح اول و سکون
ثانی و ضم تحتانی و سکون لام و فتح حاء مهمله با میم و الف و میم ثانی غله الیست غالب
غله ارهر تنسیق العین المعجمه و تمنیق الثاء المثلثه رغث ع بفتح اول و سکون
ثانی و مثلثه ف گلنار تمنیق الحاء المهمله رغوة الملح بکسر اول و سکون ثانی و فتح
واو و ضم فوقانی و سکون لام و کسر میم و سکون لام ثالث و طاء مهمله ف کف آب نمک
تمنیق الراء المهمله رغوة القمر ع بسکون لام و فتح قاف و میم م حجر القمر تمنیق
النون رغوة الحجامین ع بسکون لام و فتح حاء مهمله با جیم مشدد و الف و کسر میم و
سکون تحتانی ف ابر مرده تنسیق القاف و تمنیق الالف رقعا بفتح اول و
سکون قاف و فتح عین مهمله م مرض تنسیق السین المهمله رقاقس بضم اول و
و فتح ثانی و الف و کسر قاف ثانی م خصی الثعلب و گویند لعبت بربر
تمنیق القاف رق ع بفتح اول و سکون قاف ف پوست سنگ پشت

تمیق النون رقون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو و نون م حنا تمیق الهاء
رقعه بضم اول وسکون ثانی وفتح عین مهمله م اسم هیچی ست سرخ رنگ و سر دارد و
که جبر کسر کنند آنرا رقعه خوانند مثل انجبار و نبوبه و خامادا قطی تنسیق الکاف
و تمیق الموحدة الفارسی رکت پهپه بفتح اول وکاف وسکون فوقانی
وضم موحده فارسی و اظهار هاء وسکون موحده فارسی ثانی ف خرزهره سرخ م
لال کیز تمیق الهاء کاسپه ف بضم اول و فتح ثانی والف و فتح سین مهمله و معجمه م
خار پشت تنسیق المیم و تمیق الدال المهمله رماد ع بفتح اول و میم الف
ف خاکستر ه راکه طح ی ق مجفف خ خاکستر بلوط ش نمد رمص جلاب
و روغن گل تمیق الراء المهمله رمان البر ع بضم اول و فتح ثانی مشدد والف
وضم نون وسکون لام و فتح موحده و راء مهمله مشدد درختی ست که بدرخت انار
ماند کوچکتر از و حب فلفل دانه و پست مغاث بیخ اوست تمیق السین المهمله
رماس ف بفتح اول و ثانی والف م مصطگی تمیق الضاد المعجمه رمان حامض
ع بضم اول و ثانی مشدد والف و کسر نون با حاء مهمله و الف ثانی و کسر میم ثانی
وسکون ضاد معجمه ف انار ترش طب ی گویند مع ری خ بزرگ ش دعا و قیل
از شراب او ص رمان حلو یا زنجبیل مربا یا حلوای عسل یا قندل حص م تمیق اللام
رمان السعال ع بضم سین مهمله مشدد با عین مهمله والف م خشخاش رمل ع
بفتح اول وسکون ثانی ف ریگ ماهی ه ریت تمیق المیم رم ع بکسر اول ف
مغز و خاک تمیق الواو رمان حلو ع بضم حاء مهمله ف انار شیرین طب و گوید
مع ح ق مقوی مل خ رسیده الملسی ش دو و قیل از شراب او ص رمان حامض
با او یا العیاذ و تنسیق النون و تمیق الالف رنگینا ف بفتح اول وسکون نون
و کسر کاف فارسی وسکون تحتانی با نون ثانی والف م شنغرنگ تمیق الدال المهمله

زند بفتح اول و سکون ثانی م سور درلف بفتح اول و سکون ثانی ف بید مشک
تنسیق الکاف الفارسی رنگ بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی بزکوهی
تنسیق الواو و تنسیق الالف روباه بضم اول و سکون واو با موحده فارسی
والف ف نقره و بموحده تازی م روباه تربک روجناه بضم اول و سکون ثانی
و فتح جیم با فوقانی بهم کیس ح وح توتیاه بضم اول و سکون ثانی و حاء مهمله و ضم فوقانی
و سکون واو ثانی و کسر فوقانی با تحتانی والف ه جست روهینیا ف بضم اول
و ثانی مجهول و کسر ها و سکون تحتانی با نون والف م پولاد جوهردار روی توتیا
بضم اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول و ضم فوقانی و سکون واو ثانی و کسر فوقانی
ثانی با تحتانی ه جست تنسیق الجیم رونجنج ع بضم اول و سکون ثانی و فتح
سین مهمله و سکون خاء معجمه و فتح فوقانی و سکون جیم ف مس سوخته طح ی ۲
ق مجفف اکال مجلی خ رقیق ش نجد رم ص صمغ و کثیرا ل توبال روخ بضم اول
و سکون ثانی و فتح نون م ریوند تنسیق الخاء المعجمه روخ ف بضم اول و سکون
ثانی خاء معجمه گیاهی ست که از میان آب بروید و از ان حصیر بافند م لوخ
تنسیق السین المهمله روس ع بضم اول و همزه و سکون واو ف سرها ط
ح رق مغذی خ سرهای حیوانات معتدل الرطوبت ل اکارع و بضم و سکون
واو ف روباه روناس ف بضم اول و ثانی مجهول با نون والف ع فوه الصبغ
روهنس ه بضم اول و ثانی مجهول و فتح ها و سکون نون م کندهیل ع از خر
تنسیق الشین المعجمه روشا الحمار الوحش ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم شین
و سکون لام و کسر حاء مهمله با میم والف و کسر راء مهمله ثانی و سکون لام ثانی و فتح
واو و سکون حاء مهمله ثانی ف سرگین گورخر تنسیق الکاف روباه ترک ف
بضم اول و سکون ثانی مجهول با موحده والف و اظهار ها و ضم فوقانی و سکون راء مهمله

ثانی وفتح سوم دره ثانی وسکون کاف ع عنب الثعلب رودرکف بضم اول و
ثانی مجهول وفتح دال مهمله جانوریست که هر چندش بزنند فربه شود وآنرا تبرکی
وشف خوانند واز پوستش پوستین سازند روشنک ف بضم اول وثانی
مجهول وفتح شین معجمه ونون داروئی ست هندی مانند کمات خشک م شاطل
تمنیق النون روبیان ع بضم اول وثانی مجهول بکسر موحده با تحتانی والف
ونون م اربیان ف ملخ دریائی ه جهینگا روین ف بضم اول وثانی مجهول با تحتانی
مفتوحه مجدیطه تمنیق الواو روبجوف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم جیم و
سکون واو ثانی ع ارضه تمنیق الهاء ردچهه بضم اول وثانی مجهول وفتح جیم
واظهار ها ف نیله گاو روس انکزده ف با بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله و
فتح همزه وسکون نون وضم کاف فارسی وسکون زاء معجمه وفتح دال مهمله ع
عنب الثعلب جه روس روباه وانگزده دانه انگور روین پیچیده بضم اول وثانی
مجهول وفتح تحتانی وکسر نون وموحده فارسی وسکون تحتانی ثانی مکسر جیم فارسی
وسکون تحتانی ثالث وفتح دال مهمله ه ناگیسر تمنیق التحتانی روباه ترکی باظهار ها
وضم فوقانی وسکون راء مهمله وکسر کاف م خارپشت روئی ف بضم اول وسکون
ثانی ع صفره کالنسی تلنسیق الهاء وتمنیق الواو المهمله ربح الفار بفتح اول و
سکون ثانی وضم جیم وسکون لام با فا والف م سم الفار ف مرگ موش ه
سنکهیا تمنیق التحتانی رهشی ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ف
آرده که از کنجد سازند طح رتلنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف ریماه
بکسر اول وسکون تحتانی وفتح فوقانی هندی واظهار ها ع بندوق هندی نکا
ه بکسر اول وسکون ثانی وضم نون با کاف والف ف تخم چهلشت تمنیق
الفوقانی رسعت یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون سین مهمله

وفتح عین مهمله م سعد تمنیق الجیم ریباج بکسر اول وسکون ثانی باموحده والف
وفتح نون ف نوعی از سرطان بحری طب د۱ ریتاج بکسر اول وسکون ثانی
بافوقانی والف وفتح نون م راتینج ریاج ف بکسر اول وثانی مجهول باواو والف
م ریباس تمنیق الدال المهمله ریحان ع اود بفتح اول وسکون ثانی باحاء مهمله
الف وکسر نون با دال مهمله والف ثانی وضم همزه وسکون واو ودال مهمله ثانی ف مرزنگوش تمنیق الراء المهمله
ریخف بکسر اول وثانی مجهول وفتح خاء معجمه نوعی از زیره تمنیق السین المهمله ریباس ع بکسر اول و
ثانی مجهول با موحده والف ف ریواس وریباج ریوند چینی بیخ او است طب ی ۲ ق قامع مره ومفرح
ومقوی ملح فاسی ش از شراب او بکو قیه ص اترج مربا ل حماض اترج یا غوره
تمنیق الشین المعجمه ریش ع بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمه ف پره تیکهه
تمنیق النون ریحان سلیمان بفتح اول وسکون ثانی وحاء مهمله والف وکسر نون
وضم سین مهمله وفتح لام وسکون تحتانی ثانی وفتح میم والف ثانی ونون ثانی م
مرزنجوش ریحان ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله با الف ف نازبوه
کالی تلسی طح ی ۲ ق محلل نخ خوشبو ش از تخم او دو درم ص گلاب وکزبره
وخیار ل تخم مرو ریم آهن ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم ومد همزه وفتح ها ف
جرک آهن ه لوه کسنکهان وکیت ریهقان بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها با قاف
والف ف زعفران تمنیق الواو ریلوف بکسر اول وسکون ثانی وضم لام م
شنجار ریونجوف بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون نون وضم جیم واو م
ولوک ع ارضه تمنیق الهاء ریکاسه ف بکسر اول وثانی مجهول باکاف والف
وفتح سین مهمله م خارپشت ریک زاده ف بکسر اول وثانی مجهول وکاف فارسی
با زاء معجمه والف وفتح دال مهمله م ریگ ماهی ع شقنقور ریع بکسر اول وفتح
ثانی ف شش ه پهیپهڑا طح د ق قلیل الغذا ش دو درم ص نان میده

دبثانی مجهول واظهار ها خاک شود تمنیق التحتانی رلسی ف بکسر اول وثانی مجهول
وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م نوعی از انگور ست تر قیم الزاء المعجمه
وتلنسیق الالف وتمنیق الجیم زاج ع بزاء معجمه والف وجیم ف زاک ه
پهٹکری وآن انواع باشد سفید را شب وتلقدلیس وسرخ را سوری وسبز را
قلقند وزرد را قلقطار وسبز را زاک سیاه نیز نامند وبه هندی کسیس خوانند
وزاک زرد را بهندی هیرا کسیس م زاک لک وزاک ترکی را نیز هندی کسیس خوانند
طلح ی ۳ ق قابض محرق مفرح خ مصری براق زود ریزنده وپاک ونوص شیر
تازه زنان وسکه باشکرل شماذ زاج ف بکسر را مهمله زرشک تمنیق الجیم
الفارسی زاغچ ف بکسر غین معجمه وسکون جیم فارسی م زاغ تمنیق القاف زاوق
بضم همزه وسکون واو ف سیماب تمنیق اللام زاخل بکسر خاء معجمه ف درخت
زقوم گویند که درخت آک زازال ف بهر د بزاء معجمه بهر د والف م مرغی سیاه
پای کوتاه که بر زمین نشیند نتواند بر خواست وبصر سیوک تا خد تمنیق الهاء زاف
ف بفتح اول والف وفتح فاو خفاء ها م خارشیت تنسیق وتمنیق الموحده
زبل الذئب ع بفتح اول موحده وضم لام وکسر ذال معجمه مشدده وسکون تحتانی
وموحده ثانی ف سرگین گرگ خ که از بالای خار بگیرند وسفید وزرد استخوان
وموی یابند واز زبل سگ که از استخوان خورده باشد زبل کلب بیباع
بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع ه موبیز م کشمش ط گوشت اوج داود انا او
ب ی ۲ ق ملین منضج ش ده درم ص خیار بالنگ سبز یا خس ل عناب یا موبیز
منقی تمنیق الدال المهمله زباد ع بفتح اول وثانی والف ف تراوش خصیه
مستی جانوریست گربه مانند زباب رسیده وشاخ طح ۳ مع ر ی خ قدری
از وبه سرجو الدندی گرده قیرن آتش والرند اگر روان نشود جید ست ع الاشتر

بوشنند پاره پاره خام گرم گرم با جوشنده از گز تازه از الت بلغم ... باشد اذ بحلاوه گرم کردن

زبدع بفتح اول وثانی ف مسکه بلشیلزی نمشک م مکهن طح داق منضج محلل
مرخی حتازه ماخوذ از شیر میش ص شکر یا رب حامضل ر وغن شسته زبرجد
ع بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم م بهمین نام سنگی ست تمنیق الواو
المهمله زبدالبحر ع بفتح اول وثانی وضم دال مهمله وسکون لام وفتح موحده وسکون
حاء مهمله وراء مهمله ف کفدریا ه سمندر پهین طح ی ۳ گویند بکه گویند ق مجلی
خ دروی زردی مائل ش یکدانگ تا دو دانگ ص کیترا و روغن کدو ل
حجر القیشور یا بورق ارمنی زبدالبحیرع بسکون لام وفتح موحده وکسر حاء مهمله
وسکون تحتانی ف چیزیست که گرد بر گردنی جمع میشود مانند پنبه در میان نیستان
وگیاه باشد مانند حجر السیوس بود بشکل زبدالبحر ست بسیار سوراخ زبدالقمرع بفتح قاف
و میم م حجر القمر زبدالقواریرع بسکون لام وفتح قاف و واو والف وکسر راء مهمله
وسکون تحتانی ف کف آبگینه ه کاچ لون تمنیق اللام زبلع بکسر اول وسکون
ثانی ف سرگین ه لید طح ... معفن زبیب الجبل ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وضم موحده ثانی وسکون لام وفتح جیم وموحده ثالث م مویزج تمنیق الواو
زبان گاو ف بفتح اول وثانی والف وکسر نون با کاف فارسی والف و واو
مجهول م گاوزبان تمنیق الیماء زبان بره ف بفتح موحده ثانی و راء مهمله وخفاء ها
م بارتنگ زبوده ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح دال مهمله ع کراث
م گندنا تنسیق وتمنیق الجیم زجاج ع بضم اول با جیم والف وجیم ثانی ف
آبگینه وشیشه ه کانچ طح ای ۲ گویند ب اق لمطاین مجلی خ سفید شفاف ممانی
ش نیمدرم زج ف بضم اول م قراقروت تمنیق اللام زجمول بفتح اول وسکون
ثانی وضم میم وسکون واو ولام م تخم کشوث تنسیق الدال المهمله وتمنیق
الراء المهمله زدوارع بفتح اول وسکون دال مهمله با واو والف و راء مهمله م جدوار

بطبع وقوة بلکه
دفا میست
معوی عضا
ودافع اخلاط
ثلثه ودر منافع
برابر آبجیات است
داگر بهان شیرا
را بجسان برد
بوشنند سفید
و اخلاط ثلثه

ف ماه پروین ه زلیبی تلنسیق الراء المهمله و تمنیق الالف زریر اسپانی
بفتح اول و کسر راء مهمله و سکون تحتانی با راء مهمله ثانی والف ع بقلة الحمقا تمنیق
الموحده زرنبج بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون موحده ف
سر ترکستانی ه برنجی سینتی طح ی ۲ ق ملطف خ تازه خوشبوش نیمدرم ص
جلاب بگرم یا صندل ل دارچینی یا کبابه یا هال یا قشر اترج تمنیق الفوقانی
زرین درخت ف بفتح اول و کسر ثانی مشدد و سکون تحتانی و نون و فتح دال مهمله
وراء مهمله ثانی و سکون خاء معجمه و فوقانی م درخت اترج و گویند درختی است در
ولایت گازرون مشهور بهمین نام ص حب الآس ل تنطوریون باریک یا تخم
خیارزه یا حب الاترج یا نیموزن زعفران تمنیق الجیم زراج ف بفتح اول و ثانی
والف م زرشک زراوندمدحرج بفتح اول و ثانی والف و فتح واو و سکون نون
و کسر دال مهمله و ضم میم و فتح دال مهمله ثانی و سکون حاء مهمله و فتح راء مهمله ثانی م زراوند
طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مفتح مقطع خ قدر ه زعفرانی نش یک مثقال تا دو درم
ص عسل یا انیسون یا سیل زرنباد و قسط دو دانگ وزن آن نبات و نیموزن
ریوند و گویند یک نیموزن زراوند طویل زرغنج ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین
معجمه و سکون نون م حلبه چینی گیاهیست بغایت بدبوکه از چین دسته بسته
بیارند و برگش برگ سداب ماند طب در ذکنج ف بفتح اول و سکون ثانی
و ضم کاف فارسی و سکون نون م زرغنج زرنبج ف بکسر اول و ثالث و سکون نون ع
زرنیلر بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی و فتح لام م ماش تمنیق الجیم الفارسی زرنج بفتح اول
و سکون جیم فارسی م کبک تمنیق الخاء المعجمه زرنیخ سرخ بفتح اول
و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی و کسر خاء معجمه و ضم سین مهمله
و سکون راء مهمله ثانی و خاء معجمه ثانی م منسل تمنیق الدال المهمله زرسوم

١٦٩

قول حکما است ... بود درازی ... گویند از قول جالینوس که حرارت ... [illegible]

بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون واو و دال مهمله ف زرد چوب
زرنباد ع بضم اول وثانی وسکون نون باموحده والف ه کهچور طح ی ۲
ق ملطف مغشی مفرح مقوی ل وعده ومبهی خ انچه در تری بکار دپاره مکرده باشند
تا نخترش یکدرم ص فوتنج وسنبل یا صندل ل یک نیموزن درونج وچهار دانگ
وزن آن طر حشتقوق بری ونیموزن حب لاترج یا شیطرج ورس با نیموزن
سنبل زرنیخ زرد بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه
وفتح زاء معجمه ثانی وسکون راء مهمله ثانی ه هرتال طح ی ۳ ق معفن مقرح
قاتل خ ارمنی تو بتوش ینمدرم ص قی کردن آب گرم وروغن وشیر تازه ل
لونه تمنیق الواءالمهمله زریرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله
ثانی فارسی ک تمنیق الکاف زرشک ف بکسر اول وثانی وسکون شین معجمه وکاف
ع ابنر باریس ونیز گلیست خوشبو زرک وزریک ف بکسر اول وسکون ثانی
در لغت اول وکسر ثانی وسکون تحتانی در لغت ثانی م زرشک تمنیق الکاف
الفارسی زرنک ف بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی م زردآب
گل کازیره ونیز درختی ست کوهی وچوبش بسیار سخت باشد وازان تیره وتیر
وحنای زین واشال آن سازند گویند که چون چوب ورا در گیرانند آتش او
قریب بده روز بماند ونیز نام زرشک وزردچوبه وخردل تمنیق اللام زراوند
طویل بفتح طاء مهمله وکسر واو وسکون تحتانی ولام م زراوند دراز طح ۲ی ۲
ق مفتح محلل مغشی مدمل خ زعفرانی سطبر تر از انگشت نرش یکدرم تا دودرم
ص عسل یا انبرباریس ل شیطرج یا زرنباد وقسط ونیموزن فلفل و دو دانگ
وزن آن لسبغایج ونیموزن انزروت تمنیق النون زرقون سریانی بفتح
اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو ونون م سریخ ه سندور زرنون

بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گل شقایق تمیق الواو زردخوف
بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله وفتح خا معجمه وسکون واو م گیاهی ست که گلش
زرد وخوشبوست زروف بفتح اول وضم ثانی م زالو تمیق الهائد آقه ع بضم اول
وثانی والف وفتح فا خفا هاف شتر گاو وپلنگ زرده ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله م زردی میان تخم مرغ زرنیله ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون
وسکون تحتانی وفتح لام م ریواس تمیق التحتانی زرجامی ف بفتح اول وسکون
ثانی با جیم والف وکسر میم وسکون تحتانی م نوعی از انگور زردک ریکی ف بفتح
اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر کاف ورای مهمله ثانی وتحتانی
مجهول وکسر کاف فارسی م شقاقل زرقوری رومی بفتح اول
وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر رای مهمله م رجل الغراب تنسیق العین
المهمله وتمیق الدال المهمله زعفران الحدید ع بفتح اول وسکون عین مهمله وفتح فا ورای
مهمله وضم نون وسکون لام وفتح حا مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ودال مهمله
ثانی ف یم آهن طرح ی تمیق الراء المهمله زعرور ع بضم اول وسکون ثانی وضم
را مهمله وسکون واو ورای مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قابض خ سرخ رسیده
ش سه درم تا پنج درم ص رازیانه ل عبیرا تمیق النون زعفران بفتح اول وسکون
ثانی وفتح فا ورای مهمله والف ونون ه کیسر طح ۲ ی ۱ ق محلل مفتح منضج مفرح
مقوی ل منومخ تازه سرخ تیز بوی ش نیم درم تا یک درم ص انیسون وزرشک
یا جوارش سفرجل ل قسط بوزن وی وکیمونان آن پوست سلیخه تنسیق العین
المعجمه وتمیق الراء المهمله زغار ف بفتح اول وغین معجمه والف ورای مهمله م شلخ
درخت انگور زغبیع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف مرو سفید و تخم کتان
هالسی تمیق الکاف زغاک ف بفتح اول ثانی والف وکاف م شاخ درخت انگور

تمنیق اللام زغال بضم اول و فتح ثانی والف ولام ه کولیه تمنیق النون زغن ف
بفتح اول و ثانی و سکون نون م غلیواژه چیل تنسیق الفاء تمنیق الفوقانی زفت
ف بضم اول و سکون فاء و فوقانی دوائی ست چسپنده که از صنوبری بر حال
شود و آن بر نه قسم ست رومی و یابس و رطب طح ی ۲ ق محلل ملحم مجلی قروح خ
براق صاف پاک کاسل ش از رومی یکدرم تا دو درم ص کتیرا یا اسفیداج و کافور ل
جاء و شیر علک البطم و سوم و قطران تمنیق القاء زفیرق اندلسی بکسر اول و ثانی و
سکون تحتانی و بغیر تحتانی نیز آمده و فتح راء مهمله ثانی و فاء ثانی ف عناب تنسیق القاف
و تمنیق المیم زقوم بفتح اول و ضم قاف و سکون واو و میم ه سینده و تنو تنسیق
الکاف تمنیق الموحله زکاب ف بفتح اول و کاف والف و موحده م سیاهی
دوات و ساوع مرکب تنسیق الکاف الفارسی و تمنیق الموحله زگالاب ف
بضم اول و کاف فارسی والف و لام والف ثانی و موحده م زکاب تمنیق اللام
زگال ف بضم اول و کاف فارسی الف و لام م انگشت نا افروخته ه کولیه بن سلگا
تمنیق الهاء زگاله ف بضم اول با ثانی فارسی والف و فتح لام و خفاء ها ع مداد
تنسیق اللام و تمنیق الکاف زلوک بفتح اول و ضم لام و سکون واو و کاف م
زالو تمنیق الواو زلوف بفتح اول و ضم لام و سکون واو م زالو تمنیق الهاء
زله ف بکسر اول و فتح ثانی مشدد و خفاء ها م جانوریست مانند ملخ که در هوای گرم
بخانه و صحرا فریاد کند تنسیق المیم و تمنیق الجیم الفارسی زمچ بفتح اول و
سکون میم و جیم فارسی ه پیشکری و بکسر اول و فتح ثانی مشدد م مرغیست که آنرا چرغ
گویند تمنیق الدال المهمله زمرد بضم اول و ثانی و راء مهمله مشدده و سکون دال مهمله
ه یونان ط ب ی ۲ ق مجفف خ سبز شفاف کهنه ش یک قیراط ص مشک ل
مرجان تمنیق الغین المعجمه زماروغ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون

واو وضین معجمه م سمار وغ تنسیق النون وتمنیق الموحده زنجبیل الرطب ع بفتح
اول وسکون نون وفتح جیم وکسر موحده وسکون تحتانی وضم لام وفتح را مهمله مشدده
وسکون طا مهمله وموحده ثانی ه ادرک وآدا تمنیق الدال المهمله زند ف بفتح
اول وسکون ثانی ودال مهمله م درخت سور وتمنیق الراء المهمله زنبر ف بفتح اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون را مهمله ع انبر باریس زنجار بفتح اول وسکون
ثانی وفتح جیم والف ف زنگار طح ی ۴ ق حار اکال خ ماخوذ از معدن مس سیاه
منبر ص قی کردن بآب گرم وشیر تازه و روغن وشوربای چرب ل قلیمیا ونیموزن
زنجرف یار وسنج زنجفر بفتح اول سکون نون وفتح جیم وسکون قاف شنگرف ه
اینگر طح ی ۲ گویند ب اق بغسل ص روغن زرد وآب گرم ل مروسنج یا بالیقا
زنگبار بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی باموحده والف ه نیلا تهوتها زنورف
بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م بن خرشنه خرپا دحیلون والو تمنیق الناء زنجرف
بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون را مهمله ونام شنگرف تمنیق القاف
زنبق بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون قاف م گلیست که آنرا سوسن سفید
گویند طح ۱ مع ی تمنیق اللام زنبل ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده
وسکون لام م انبر باریس زنجبیل ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحده
وسکون تحتانی ولام ه سونتهه وسندهی طح ۳ ی ۲ ق منفشی ومقوی با
وسبی خ چینی زرد وتی بایل ش دو درم ص عسل تا قرص کافور ل دار فلفل وفلفل
عاقرقرحا تمنیق المیم زنجبیل العجم بسکون لام ثانی وفتح عین مهمله وجیم م اشترغاز
زنم بفتح اول وسکون ثانی ومیم م سطعر تمنیق النون زنیان ف بکسر اول
وسکون ثانی وتحتانی والف ونون ثانی م نانخواه ه اجواین زن بضم اول م
حبندمس تمنیق الواو زنجروف بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم ورا مهمله

وسکون واو م صمغیست که زر رسیم بدو حل کنند تمنیق الهاء زنبوره ف بفتح اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو وفتح راء مهمله وخفاء ها م زنبور بزرگ زنبد
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده م گلیست دراز بغایت خوشبو ع زنبق
تمنیق التحتانی زنجبیل شامی بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحده وسکون
تحتانی وکسر لام با شین معجمه والف وکسر میم وسکون تحتانی ثانی م راسن زنگار معدنی
ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی والف وکسر راء مهمله وفتح میم وسکون عین مهمله
وفتح دال مهمله وکسر نون وسکون تحتانی م توتیاء سبزه نیلا تهوتها زنگباری ف
بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی بموحده والف وکسر راء مهمله م صمغ صنوبر
ع راتیانج ه رال تنسیق الواو وتمنیق الالف زوفراع بضم اول وسکون او
وفتح فا با راء مهمله والف ف سیرکنگا فدونی طح ی ۲ ق ملطف خ نوشیند رم ص
شقاقل ان زیره کرمانی تمنیق الوحدة زوفا رطب ع بضم اول وسکون ثانی
با فا والف وکسر همزه وفتح راء مهمله وسکون طاء مهمله وموحده چرکیست که بر دمهای میش
ارمن جمع میشود بسبب گیاهی که شیر دارد وآن از یتوعات بود چون بچرند بسبب حدت
وقوت آن شیر وسخ بر دنبه میشان جمع شود وباشد که روان بود وآنرا بپزند وبعوام
آورند وگویند هرگاه که ایل افعی را بخورد قوت طبیعت ایل بدافع سموم ست حرکت کند
تا دفع ضرر سم کند عرق بسیار بر پیشانی او جمع شود و کثیف گردد وآنرا زوفای
تر خوانند وآن در غایت قوت بود طح ۳ ر ا ق منضج محلل بلیس خ بسیار جرب
ص دردل ستر ساق گاو یا موم روغن لادن تمنیق الجیم زونج ف بفتح
اول وثانی وسکون نون وجیم رده هار گوسفند که بگوشت دپیه گرده قاق کنند
م کلیه تمنیق السین المهمله زوفاریا لبس ع بکسر همزه وفتح تحتانی والف وکسر موحده
م گیاهیست که به برگ حنا ماند وبزرگ مصری مشهور طح ی ۳ ق ملطف منضج

۱۷۴

مدرقا ملح کرمهانج مصری که از کوه بیت المقدس گیرندش چهار درم صمغ عربی یا
عناب بل فودنج و سیاوشان و نیموزن مرزنجوش تمنیق القاف زر واوق
بضم اول با ثانی و الف وضم همزه و سکون واو ثانی و قاف ف سیماب ج ورق
بضم اول و سکون ثانی ع ف تخم خرمای جنگلی تمنیق النون زوان بفتح اول و ثانی
والف و نون م یا مین تمنیق التحتانی زونی ف بضم اول و سکون ثانی و کسر
نون و سکون تحتانی م زالو تنسیق الهاء و تمنیق الالف زهر گیا ف بفتح
اول و سکون ثانی و رای مهمله و کسر کاف فارسی با تحتانی و الف م گیاهی ست
که هر گاه ورق او آدمی بخورد بمیرد تمنیق الحاء المهمله زهرة الملح ع بفتح اول
و سکون ثانی و فتح رای مهمله وضم فوقانی و سکون لام و کسر میم و سکون لام ثانی
و حاء مهمله ف نباتی ست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبهای ایستاده
و نهرها نیز سویدج زعفرانی رنگ شود گزنده تمنیق الراء المهمله زهر الحجر ع بسکون
لام و فتح حاء مهمله و جیم و سکون رای مهمله م غرا الصخر زهر ف بفتح اول و سکون
ثانی ع سم ه بس تمنیق السین المهمله زهرة النحاس ع بضم فوقانی و فتح نون
مشدد با حاء مهمله و الف ف چیزیست که چون مس بگدازند و آب بران زنند کفی پیدا
گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید تمنیق الکاف زهک ف بفتح اول و سکون ثانی
و کاف م شیر زنان و شیر ماده حیوان نوزائیده ه پیوسی تمنیق المیم زهم بضم و
فتح اول [illegible] ثانی و میم [illegible] زرنباد تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق الالف
زیراه بکسر اول و سکون تحتانی با رای مهمله و الف ع کمون تمنیق المهمله زیتون الکلب
ع بفتح اول و سکون ثانی وضم فوقانی و سکون واو وضم نون و سکون لام
و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحده م زیتون بری تمنیق الفوقانی زیت
ع بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی ف روغن زیتون طح دخ ترص

۱۷۵

عسل یا زرنب کهن و روغن خروع یا روغن تربد در ادویه قتاله زیت البحر تمنیق الجیم الفارسی زیج ف بکسر اول وسکون ثانی وجیم ف م نوعی از انگور که بغایت نازک وخوش لذت باشد تمنیق الواء المهمله زیتارع بفتح اول وسکون ثانی با فوقانی والف وراء مهمله ف ثفل و دردی زیت زیرک ف بکسر اول وسکون ثانی م اسپرک تمنیق الزاء المعجمه زیز بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو وضم نون وسکون لام وفتح حاء مهمله وموحده وسکون غین معجمه م زیتون الکلب تمنیق الضاد المعجمه زیتون الارض بسکون لام وفتح همزه وسکون راء مهمله وضاد معجمه م مازریون تمنیق القاف زیبق ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده ف جیوه وسیماب ه پاره طح ی محرق گویند ب د ۲ ق مفسد خ زنده که مستعمل نکرده باشند و بغایت جهنده و از کرانیش و د برآید و بلغت کشیریان نامهای بسیار وارد تمنیق الکاف زیچک ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وسکون کاف م روده گوسپند که برنج وگوشت با مسالح پر کرده قاق سازند م کلمه زیرک ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله م فولاد جوهر دار تمنیق الکاف الفارسی زیگ ف بکسر اول وسکون ثانی وکاف فارسی م جانوری حقیر جثه خاکستری رنگ که زیر شهپر ویا سرخ ست وکوچکتر از گنجشک نائی بود و آوازش بغایت خوش وحزین تمنیق النون زیت السودان ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وفتح سین مهمله شده وسکون او با دال مهمله والف ف روغن بجرک یعنی روغن بادام کوهی زیت الهرجان بفتح ها و راء با جیم والف م زیت السودان زیتون ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو درخیتست مشهور طرسیده او معج ی ونارسیده ب نی او گویند اطراف وبرگ او ف ۲ وانچه از وسبز ونارسیده آ

[illegible]

آنرا زیت الاتفاق گویند زیزوون بکسر اول وسکون ثانی وزاء معجمهٔ ثانی وضم قاف
وسکون واو ف نوعی از درخت سنجد که بر نمیدهد زیبان بکسر اول وثانی با نون و
الف ه اجرائی تمنیق التحتانی زیت بکانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وراء
مهمله وکاف وکسر موحده وسکون تحتانی آسانی م زیت شامی ترقیم الزاء الفارسی
وتنسیق الالف وتمنیق الزاء الفارسی ژاژ ف بهر دو زاء فارسی گیاهیست که
بی تخم روید ودر غایت بیمزگی باشد وچندانکه آنرا اشتر نخاید نرم شود ژاژیرف بکسر
موحده وسکون تحتانی وزاء فارسی ثانی م بوی مادران تمنیق الکاف ژاژومک
ف بضم زاء معجمهٔ فارسی ثانی وسکون واو وفتح میم وسکون کاف م لوبیاء لبا
تمنیق الهاء ژاژه ف بفتح زاء فارسی ثانی وخفاء ها م ژاژ ژاله بفتح لام م تگرگ وشبنم
تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الهاء زغار وزغاله ف بفتح اول وفارسی وغین معجمه
والف وفتح راء مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م نان ارزن وسرخی که زنان
بر روی خود مالند تنسیق الواو وتمنیق الزاء الفارسی ژوژ ف بضم اول فارسی
وسکون واو وزاء فارسی ثانی م خارپشت تمنیق الکاف ژوژک ف بفتح اول
فارسی وسکون ثانی وفتح زاء مهمله وسکون کاف پرنده ایست سرخ فام بقدر گنجشکی
تنسیق التحتانی وتمنیق الهاء ژیوه بکسر اول فارسی وتحتانی مجهول وفتح واو وخفاء ها
م سیماب ترقیم السین المهمله وتنسیق الالف وتمنیق الالف سالاندا سین
مهمله والف ولام والف ثانی وفتح میم وسکون نون وفتح دال مهمله با راء مهمله والف
ثالث م نوعی از عظاماست که چهار پای دارد ودر کان نوشادر بسیار بود ودنب
وی کوتاه بود وسیر وش وآن بزرگتر ومهین تر از سام ابرص باشد وگردن وی
باریک بود ولون وی ابلق زرد وسیاه بود وگویند چون در آتش اندازند بسوزد
وچون او را سنگ زنند کارگر نشود واز جمله سموم قتاله است مانند زرایح تمنیق الفوقانی

ساسارگشت سریانی بهر دو سین مهمله و مجر والف و را مهمله کسر کاف وسکون شین
معجمه و فوقانی ف تخم انجره تمنیق الجیم سابنرج ف بکسر موحده وسکون تحتانی
وفتح را معجمه وسکون جیم ف مردم گیاه ع تفاح ساج ف بسکون جیم م ماده مرغ کنجد
مرباره درخت سال طب ی ۳ ساج ع بکسر دال مهمله گویند برگ قرنفل ست
وگویند برگ درختیست که دارچینی پوست اوست وکبابه ثمراو وگویند برگ درخت
صندل ست ه تیج طح ی ۲ گوینده ح ۲ اق ملطف ومقوی معده خ تازه که
زردی و بویش بزردی مائل بود وروی بسبزی مائل باشد وقوی رایحه سیاه مانند قرنفل
مانند وزود شکننده نباشد ش یکمثقال ص مصطکی یا شراب به یا صندل ل
سنبل الطیب یا سلیخه یا طالیسفر ساج ف بکسر را مهمله جانوریست خوش آواز
سارنج ف بفتح را مهمله وسکون نون مرغی ست کوچک ضعیف سیاه رنگ
که در آذربایجان سوران گویند وسارنگ وسابیج نیز خوانند تمنیق الدال المهمله
سارف بسکون را مهمله م خوک سارد ع بکسر را مهمله ف کنه که در بدن حیوان
می چسپد تمنیق الراء المهمله سابره بفتح موحده حیوانیست هندی که از چرم او شلوار
سازند وبندکمر وبند شمشیر نیز ط گوشت او ح ی سارخکدار وسارشکدار ف بفتح
را مهمله وسکون خا معجمه وکاف با دال مهمله والف در لغت اول وسکون شین
معجمه در لغت ثانی شجرة البق سار ف جانوریست پرنده سیاه رنگ که خالها سفید
دارد وخوش آواز بود وبنتیر شکار ملخ کند ونیز شتر را نامند سارغ بفتح سین مهمله
ثانی م شارک ه سارو وبضم سین مهمله ثانی نی که از و قلم سازند سامندر ف بفتح
میم وسکون نون وفتح دال مهمله م جانور سمندر که در آتش سکون شود ساسو
بضم میم وسکون واو م الماس سایه پرورده بفتح تحتانی وخفا ها وفتح موحده فارسی
وسکون را مهمله وفتح واو م جنید اتمنیق الزاء المعجمه سانیز ف بکسر میم وسکون تحتانی

ولمقدار خورد
ترست
بزبان هندی
کلمچی خوانند
طبعش سرد و
خشک است
در دوم
بدل آن
بوده لسان

وزاء معجمه م سنگی که بدان کارد وشمشیر تیز کنند تمنیق السین المهمله سارس ه بفتح را
مهمله وسکون سین مهمله ثانی م جانور مشهور هندیست ساساليوس بسین مهمله ثانی و
الف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م انجدان رومی وکاشم رومی ط
ح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب ساس ف بسین مهمله والف ه
کهٹمل کرمیست خورد که خون آدمی بخورد ساویس ف بکسر واو وسکون تحتانی م
نخاله سایوس ف بضم تحتانی وسکون واو م اسبغول تنسیق الشین المعجمه
سایه خوش ف بفتح تحتانی وخفاء ها وضم خاء معجمه و واو معدوله وشین معجمه درخت بان رو
تمنیق الصاد المهمله سام ابرص ع بکسر میم وفتح همزه وسکون موحده وفتح
راء مهمله وسکون صاد مهمله ف ماترنگ وچلپاسه ه سپکلی وچهپکلی ونکتکی طح
ی ق مفسدخ انچه در بساتین باشد ص روغن زرد وعسل و آب گرم ل وزغ تمنیق
الغين المعجمه ساغ ف بسکون غین معجمه نام مرغیست مانند سار تمنیق الکاف
سابزک ف بکسر موحده وسکون تحتانی وفتح زاء معجمه وسکون کاف م سابزج
سارخک وسارشک ف بفتح راء مهمله وسکون خاء معجمه در لغت اول وسکون
شین معجمه در لغت ثانی م پشه سارک ف بفتح راء مهمله م سار وستا به برک ف
بفتح تحتانی وخفاء ها وفتح موحده وراء مهمله م گیاهیست که چون شتر بخورد بخواب
رود تمنیق اللام سال ه بسکون لام ع سازج تمنیق المیم سا سم ف بفتح
سین مهمله ثانی وسکون میم م آبنوس سام ف م آتش تمنیق النون ساخن
ف بکسر خاء معجمه وسکون نون ع صاروج سادا وران بدال مهمله والف ثانی
وفتح واو وراء مهمله والف ثالث م سواد القصاة ه سیهک ه و او ران گویند چیزیست
مانند صمغ که در اندرون بیخ گردگان که مجوف شده باشد یابند وگویند میان
درخت بطم کهن میباشد و او را ابن آیه خوانند طب ۲ ی ۳ ق قابض خ

مائل بسرخی ش و دو دانگ ص زعفران ل فیلزهرج یا دو دانگ وزن آن بیخ نی
یا آمله دا تاقیا سا طریون بفتح طاء مهمله وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو
م خصی الثعلب سا گون ه بفتح کاف فارسی وسکون واو درخت مشهور هندیست
که برگهاش بگوش فیل ماند ودرشتی ملمس برگش چون بسوهان سا لیون ف بکسر لام
وضم تحتانی وسکون واو م تخم کرفس کوهی سا نبهرلون ه بسکون نون وفتح موحد
واظهار ها وسکون راء مهمله وضم لام و واو مجهول ع ملح عجین و اندرانی سا سان ف
مثل سنگی که بدان کارد وغیره تیز کنند که آنرا فسان نیز خوانند سا وان ه با واو والف
ثانی غله ایست مشهور ف شالخ تمنیق الواو سا رو ف بضم راء مهمله وسکون واو
م صارو ح ملعوا مجهول م جانوریست سیاه رنگ که در هند بهم رسد ومانند طوطی سخن
گوید وآنرا شادرو شارک نیز گویند سا وف زر خالص که شکسته وریزه ریزه باشد
ع قراضه ونیز بوته خاردار سفید رنگ که درازیش یک گز باشد وآنرا چون همه
بسوزند ونیز بمیان کرم پیله بگذارند تا پیله بران تند تمنیق الهاء سا ده ف بفتح
دال مهمله وخفاء ها ع ساذج سا رو نه ف بضم راء مهمله وسکون واو وفتح نون م زرانگو
سا لقه بکسر نون وفتح قاف پرسیاوشان تمنیق التحتانی ساتی ه بکسر فوقانی
هندوی اظهار ها وسکون تحتانی ف قسمی از شالی سرخ هندیست ساجی ه بکسر جیم
مشهور بحذف الف وجیم مشدد
ف شخار ساری ف بکسر راء م سارسالی بکسر لام م انجدان رومی وکاشم رومی
تنسیق المرحل ة البلم وتمنیق الالف سبع الشعر ا بفتح اول وسکون موحده
وضم عین مهمله وشین معجمه مشدده وفتح عین مهمله ثانی با راء مهمله والف م افتیمون
تمنیق الفوقانی سبلت ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون فوقانی
م سرشیر تمنیق الجیم سبج ع بفتح اول وموحده وسکون جیم ف شبه
تمنیق الخاء المعجمه سبخ ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون خاء معجمه م نمک

تمنیق الدال المهمله سنبوسیند ف بفتح اول و فتح ثانی و سکون واو و کسر سین مهمله ثانی
و فتح موحده فارسی و سکون نون ه جرانسا تمنیق الشین المعجمه سبیوش ف بکسر
اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م تخم اسبغول تمنیق الضاد المعجمه
سبع الارض ع بفتح اول و ثانی و ضم عین مهمله و سکون لام و فتح همزه و سکون رای
مهمله ف پرسیاوشان تمنیق الکاف سبزک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح
رای معجمه م جانور کاسکینه سبک ف بکسر اول و فتح ثانی م جانوریست پرنده که بخلاف شپره عاشق نور آفتاب
باشد تمنیق اللام سبزال ف بفتح اول و سکون ثانی و زای معجمه با سیم الف و لام م نوعی از انگور تمنیق الهاء سباده
بضم اول با ثانی و الف و فتح دال مهمله و خفای هام سنگی که از آن فسان سازند و نگاکان نگین بدان تیز را
و جلا دهند م سنباده سنبوسه ف بفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول و فتح سین مهمله م کرم
گندم خوار و سبوس آرد تمنیق التحتانی سبزالی ف بفتح اول و سکون موحده و زای
معجمه با سیم و الف و کسر لام و سکون تحتانی م نوعی از انگور تنسیق الموحدة الفارسی
و تمنیق الفوقانی سپست ف بفتح اول و کسر موحده فارسی و سکون سین مهمله ثانی
و فوقانی م اسپست تمنیق الخاء المعجمه سپاناخ ف بکسر اول با ثانی فارسی
و الف با نون و الف ثانی و خای معجمه م ساگ پالک تمنیق الضاد المعجمه سپندیان
الارض بکسر اول و فتح ثانی فارسی و سکون نون و فتح دال مهمله با تحتانی و الف و ضم نون
ثانی و سکون لام و فتح همزه و سکون رای مهمله م فرسیون تمنیق الکاف سپاروک
ف بفتح اول و ثانی فارسی و الف و ضم رای مهمله و سکون واو و کاف م کبوتر سپرک
ف بکسر اول و سکون ثانی فارسی و فتح رای مهمله م سپرک تمنیق اللام سپل ف
بفتح اول و ثانی فارسی م سم شتر تمنیق المیم سپرغم ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی
و سکون رای مهمله و فتح غین معجمه و سکون میم ع ریحان ه نکمیران و بادروج ه بهری سپرم
و سپرهم ف بکسر اول و فتح ثانی فارسی و رای مهمله در لغت اول و سکون رای مهمله

وفتح ها در لغت ثانی م سپرغم تمنیق النون سپستان بکسر اول م ثانی فارسی وسکون سین
مهمله ثانی با فوقانی والف ونون ف سنگ پستان ه لسوڑا طمع گویند ح رقا
ملین منضج خ پر گوشت ش پانزده تا سی عدد ص آململ عناب سپندان بکسر اول
وفتح ثانی فارسی وسکون نون با دال مهمله والف ه اسپند تمنیق الواو سپید سرو
بفتح اول م کسر ثانی فارسی وتحتانی مجهول ودال م فتح سیم وسکون را مهمله وواو مجهول
نباتی ست مانند بستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپاره ف بفتح اول
وثانی فارسی والف وفتح را مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی
فارسی والف وکسر را مهمله ع فوفل سپیدی ف بفتح اول وکسر ثانی فارسی وتحتانی
مجهول ودال مهمله وضم را مهمله وسکون واو م قلعی تمنیق التاء الفوقانی وتمنیق
الواو المهمله ستاوره بفتح اول وفوقانی والف وفتح واو دوای مشهور هندیست
ستور ف بضم اول و ثانی وسکون واو بطریق عموم هر جانور چهارپای و بطریق خصوص
اسپ و استر تمنیق الکاف ستباک ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وکاف
م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی سترنگ ف بفتح اول وسکون فوقانی وفتح را
مهمله وسکون نون وکاف فارسی نباتیست شبیه بآدمی که در زمین چین روید گویند که
نگونسار بود چنانچه ریشه اش بمنزله سوی سر باشد و نر و ماده دستها در گردن هم آورده باشند
و پاها در هم محکم ساخته و نر را پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را بعکس آن
و هر کس که آنرا بکند در زمان بمیرد یا بعد از سالی بمیرد و هر گاه که این را بکنند از اطراف
بوته آن خاک را خالی بکنند چنانچه باندک قوت کنده شود پس بریسمان گاو یا سگ
بنمایند تا بجانب طعمه بدود و آن از بیخ برآید م استرنگ مردم گیا وسگ کن ع یبروج
الصنم تمنیق الها سته ف بفتح اول وثانی خفاء بام انگور تمنیق الجیم وتمنیق
الطاء المهمله سجلاطیون ثانی بفتح اول وسکون جیم با لام والف وطاء مهمله ف بالین

تمنيق الكاف سجك ف بفتح اول وضم ثانى م شير دوغ كه با هم بياميزند وشبت ريزه ريزه
كرده دران بريزند وآنرا در دوغ وشيراز نيز خوانند تمنيق اللام سجنجل ع بفتح اول
وثانى وسكون نون وفتح جيم ثانى ولام ف زعفران تمنيق الخاء المعجمه وتمنيق
السين المهمله سخينوس بفتح اول كسر ثانى وسكون تحتانى وضم نون وسكون واو
وسين مهمله ثانى م اذخر تمنيق الدال المهمله وتمنيق الموحده سداب بضم اول
ودال مهمله والف وموحده ه سانول م ساترى ط ترآن ح ى ٢ وخشك آن ٣ گويند
تراو ٣ گويند ه ق مقطع محلل وملطف مدر مغشى مفرح خ بستانى سبز تيز بوى كه نزديك
درخت انجير رسته باشد ش سه درم ص انيسون يا بقلة الحمقا ل نعناع وفوتنج
ياسيير تمنيق الراء المهمله سدر ع بكسر اول وسكون ثانى وراء مهمله ف درخت كنار
ه بيركار وكهه ط ب ى ا ق قابض خ سبز بين ورق ش سه درم ص كيترا تمنيق الهاء
سنبايه ف بفتح اول وسكون ثانى با موحده فا ... الف فتح تحتانى وخفار يا چرنيده است
كه دركوش ... هزار پايه سده ف بفتح اول وثانى درختى است كه در دار المرز ومازندران
از ديگر بلاد ايران وتوران بيشتر شود مشابه بزرگ باشد كه تنه او بدشوارى در بغل چهار
كس درآيد وبرگهايش بر شبه ابنوه كه باران ازان نگذارد وتا دويست سوار در سايه
آن درخت آرام توانند گرفت وبحدى مدور بود كه برگى از ديگر برگهاى آن بلند نباشد
وساقش بغايت موزون بود وبران درخت چيزى گرد مانند خريطه كه از چرم ساخته
باشند بهم رسد وپر از پشه باشد ودر ايام بهار درميان آن خريطه آبى بهم رسد ودر تيرماه
منجمد گردد مانند صمغى كه آنرا بعوض صمغ در سياهى كنند سياهى بارنگين وشفاف
سازد وآنرا پشه خانه وپشه دار وپشه غال وسار خكدار وسار شكدار ه بازبن كرثم الا
مشكر وافغان پشه وكنجشك وكنجك ودر دار نيز خوانند ع شجر البق تمنيق التحتانى
سدى ف بفتح اول وسكون ثانى وتحتانى مجهول بلغت اهل مدينه ع خلال ف غوره خرما

و فتح ها در لغت ثانی م سپر غم تمنیق النون سپستان بکسر اول و ثانی فارسی و سکون سین
مهمله ثانی با فوقانی و الف و نون ف سنگ پستان ه لسوڑا طمع گویند ح رق
ملین منضج خ بر گوشت سق پانزده تا سی عدد ص آملج عناب سپندان بکسر اول
و فتح ثانی فارسی و سکون نون با دال مهمله و الف ه اسپند تمنیق الواو سپید سرو
بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی مجهول و دال و فتح میم و سکون را مهمله و واو مجهول
نباتی ست مانند بستان افروز که ساق آن سپید بود تمنیق الها سپاره ف بفتح اول
و ثانی فارسی و الف و فتح رای مهمله م سنباده تمنیق التحتانی سپاری ه بضم اول با ثانی
فارسی و الف و کسر رای مهمله ع نوفل سپیدوری ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی
مجهول و دال مهمله و ضم رای مهمله و سکون واو م تلعی تمنیق التاء الفوقانی و تمنیق
الراء المهمله ستاوره بفتح اول و فوقانی و الف و فتح واو دوای مشهور هندیست
ستور ف بضم اول و ثانی و سکون واو بطریق عموم هر جانور چارپایی و بطریق خصوص
اسب و استر تمنیق الکاف ستباک ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و کاف
م سپند سوختنی تمنیق الکاف الفارسی سترنگ ف بفتح اول و سکون فوقانی و فتح رای
مهمله و سکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیه بآدمی که در زمین چین روید گویند که
نگونسار بود چنانچه ریشه‌اش بمنزله موی سر باشد و نر و ماده دستها در گردن هم آورده باشند
و پاها در هم محکم ساخته و نر را پای راست بر پای چپ ماده افتاده و ماده را برعکس آن
و هر کس که آنرا بکند در زمان بمیرد یا بعد از سالی بمیرد و هرگاه که این را بکنند از اطراف
بوته آن خاک را خالی کنند چنانچه اندک قوت کنده شود پس بریسمان گاو یا سگ
بنمایند تا بجانب طعمه بدود و آن از بیخ برآید م استرنگ و مردم گیاه و سگ کن ع یبروج
الصنم تمنیق الهاء سته ف بفتح اول و ثانی خفاره م انگور تمنیق الجیم و تمنیق
الطاء المهمله سجلاط یونانی بفتح اول و سکون جیم با لام و الف و طای مهمله ف یاسمین

تمنیق الکاف سجک ف بفتح اول وضم ثانی هم شیر و دوغ که با هم بیامیزند و شبت ریزه ریزه
کرده دران بریزند و آنرا درو داغ و شیر از نیز خوانند تمنیق اللام سجنجل ع بفتح اول
و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام ف زعفران تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق
السین المهمله سخینوس بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو
و سین مهمله ثانی م اذخر تنسیق الدال المهمله و تمنیق الموحده سداب بضم اول
و دال مهمله و الف موحده ساتول ساتری ط تر آن ح ی ۲ خشک آن ۳ گویند
ترا و ۳ گویند به ق مقطع محلل و ملطف مدر مغثی مفرح خ بستانی بهتر تیز بوی که نزدیک
درخت انجیر رسته باشد ش سه درم ص انیسون یا بقلة الحمقاء ل نعناع و فوتنج
یا سیر تمنیق الراء المهمله سدر ع بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله ف درخت کنار
ه بیر کار و کهه ط ب ی ا ق قابض خ سبز بن ورق ش سه درم ص کتیرا تمنیق الهاء
سنبایه ف بفتح اول و سکون ثانی و با موحده و الف و فتح تحتانی و خفا ها چیزیست
که در گوش ورم شود سدره ف بفتح اول و ثانی درختی است که در دار المرز و ماوراء النهر
از دیگر بلاد و ایران و توران بیشتر شود و بسیار بزرگ باشد که تنه او بدشواری در بغل چهار
کس در آید و برگهایش مثل برگ انبوه که باران از آن نگذارد و تا دویست سوار در سایه
آن درخت آرام توانند گرفت و بجدی مدور بود که برگی از دیگر برگهای آن بلند نباشد
و ساقش بغایت موزون بود و بر آن درخت چیزی گرد مانند خریطه که از چرم ساخته
باشند بهم رسد و پر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهم رسد و در تیر ماه
منجمد گردد مانند صمغی که آنرا بعوض صمغ در سیاهی کنند سیاهی رنگین و شفاف
سازد و آنرا پشه خانه و پشه دار و پشه غال و سار خکدار و سار شکدار و بازبن کرم الا
شکر و اغال پشه و کنجشک و کنجک و دردار نیز خوانند ع شجر البق تمنیق التحتانی
سدی ف بفتح اول و سکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل مدینه خلال و غوره خرما

تسنیق الراء المهمله و تمنیق الالف سرتیهوکاه بفتح اول وسکون راء مهمله
وضم موحده فارسی واظهار ها وسکون واو ونون باکاف والف قسمی از چرچر تمنیق الجیم
سراج القطرب ع بکسر اول با ثانی والف وضم جیم وسکون لام وضم قاف وسکون
طاء مهمله وضم راء مهمله ثانی وسکون موحده گویند که این تام مشتق اند و چیز است
یکی سراج وآن چراغ ست دوم قطرب وآن جانوریست که آن را طیتوت گویند
و در شب روشنیست و چون این گیاه بشب روشنست و ماهیکه ترست پس مشابهت
بسراج و قطرب هر دو که در شب روشن اند و گویند که قطرب این گیاه را دوست دارد
و در شبها طلب کند چطح ی اق قابض مخدرخ نوش نیمدرم ص کیشال زوفا یا
داآورد سرب ف بضم اول وسکون ثانی شیشا سرخاب بضم اول وسکون ثانی
با خاء معجمه والف مرغابی سرخ رنگ ماده آن حیض کند و سرخی که زنان با سفیدآب
بجهت خوش آینده رنگی بر رخساره بمالند و شراب تمنیق الجیم سرنج ف بکسر اول
وثانی وسکون نون وجیم سندور تمنیق الدال المهمله سراد بفتح اول و
ثانی والف ودال مهمله ع خلال ف غوره خرما سرخ مرد بضم اول وسکون ثانی
وخاء معجمه وفتح میم وسکون راء مهمله ثانی رستنی باشد که برگش شبیه ببرگ بستان افروز
بود وساق آن سرخ خوش رنگ وخوش آینده وآن را نازک بدن نیز خوانند
سرهاد بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله ثانی والف ف پنجنکشت سرند
بکسر اول و ثانی وسکون نون ف جامبک سوال عشقه را نیز خوانند تمنیق الراء
المهمله سرق بفتح اول و راء مهمله ع اس بضم اول شرابیکه از برنج سازند و نام نوعی
از ماهی که طول آن یک گز است و خرطومی بزرگ دارد مانند پیکان و اکثر حیوانات
را بدان گزند رساند سرموره بفتح اول وسکون ثانی وخاء معجمه وفتح میم وسکون
راء مهمله ساگ چوک تمنیق الزاء المعجمه سرخ مرز ف بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه

تنبوی بیکدام
سرکه بران
بیز بذیر
بدید نشود
دبیز بیم شود
وبعد ازان
بالا بشر
بیالا ایند
پس ازان
بکر یا س دیگر

وفتح میم وسکون رای مهمله ثانی وذال معجمه م سرخ مرو سرو ناز ف بفتح اول وسکون ثانی
وکسر واو ونون والف م سرو نورسته تمنیق السین المهمله سرخس ع بفتح
اول وثانی وسکون خای معجمه وسین مهمله ف کیل دارو وآن چوبیست سیاه رنگ
که بر ساحل دریای خزر یابند وآن نر وماده هست ه گویند بشور اطح ی ۲ ق بفتح
بجعف خ سیاه بزرگ که بعد از شکستن فستقی بودش نیم مثقال تا دو درم ص
شیح ارمنی باشاه بلوط وشکر سرخ ل تخم شبرم یا کشوث سرخینوس یونانی بفتح
اول وسکون ثانی وکسر خای معجمه وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو م شیطرج
سرس ه بکسر اول وسکون ثانی درختی مشهور هندی پر منفعت ست ع لحیة التیس
تمنیق الشین المعجمه سرشش بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون شین معجمه ه
خوبانی تمنیق الفا سرشف ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمه وسکون فا
ه سرسون تمنیق القاف سرق ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون قاف
ه ساگ بتهوا طب ۲ ق بلین ص نمک وابازیر ا اسپاناخ تمنیق الکاف
سرنک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون کاف م اسفاناخ رومی ع سرسق
تمنیق الکاف الفارسی سرنگ بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی
م آزاد درخت تمنیق النون سرسوکن ه بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله تا
وسکون واو ونون ف سرشف سرگین گردان ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر
کاف فارسی وسکون تحتانی ونون وفتح کاف فارسی ثانی وسکون رای مهمله با دال
مهمله والف م جعل سربن ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م شاخ حیلان سیرتو
سیریانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ه سند تمنیق
الواو سرو بفتح اول وسکون ثانی وواو مجهول ف درختیست مشهور طمع ح
ب دی ۲ گوینده ف گویند ح ی ۲ ق قابض خ سبز تا ۵ ص صمغ ل نیلوفر

پوست انار و گویند قرباناً وانزروت و لبضم را مهمله م شاخ حیوان تمنیق الف
سرکه بضم اول و سکون ثانی و فتح لام و خفا ها م شقاقل سر داله ف بضم اول و
سکون ثانی با واو و الف و فتح لام م علفی ست که بر سرش خارهای تیز بوند و هر کا بجا
رسد در جامه فرو رود و جدا نشود سر و سیاه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر او و سین
مهمله ثانی با تحتانی و الف و اظهار ها م درخت تازه ع صنوبر صغار سرچه ف بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی م مرغ فاطع صعوه ه ممولا تمنیق التحتانی
سرخ بای ف بضم اول و سکون ثانی و خاء معجمه با موحده فارسی و الف و تحتانی م سر
ترش ع حامض ه چوکا سرطان بحری و نهری و هندی ع بفتح اول و سکون ثانی با
مهمله و الف و کسر نون و فتح موحده و سکون حاء مهمله و کسر راء مهمله ثانی و سکون تحتانی
ف خرچنگ ه کیکڑا ط بحری یعنی دریائی ب ی و نهری یعنی جوئی ف ر و هندی
ب ر و محرق ا ی ۳ ق بحری محلی خ نهری از جوی بزرگ شیرین آبش یکدرم تا
یکدرم ص با ماش مختین با بلیبن قبرسی ل بحری و نرع یا سرطان خشک یا صدف
یا مذف چینی سرکه هندی بکسر اول و سکون ثانی و فتح کاف و همزه ملینه ها و ها ثانی و سکون
نون و کسر دال مهمله ف آبکاسه کانجی سر و جبلی م درخت عرعر سروسهی بفتح سین
مهمله ثانی و کسر ها م سری که راست باشد تمنیق السین المهمله و تمنیق الدال
المهمله سسعد یونانی بفتح اول و سکون سین مهمله و فتح عین مهمله و سکون نون و
دال مهمله م عود بلسان تمنیق السین سیسالیوس بفتح اول و ثانی و الف و کسر
لام و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله تا نیث م انجدان کاشم رومی تمنیق النون
سسطیون سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی و ضم
و سکون واو و نون فممبرک کا ذرونی تمنیق الطاء المهمله و تمنیق الالف
سطرکا رومی بالفتح اول و طاء مهمله و سکون راء مهمله با کاف و الف م اسطرک

تمنیق الحاء المهمله سطاح ع بفتح اول وثانی والف وحاء مهمله م هرنبا تیکه بر روی
زمین گسترده شود و را بدین نام خوانند تمنیق السین المهمله سطراطیوس یونانی
بفتح اول وسکون ثانی با راء مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی وضم تحتانی وسکون واو
وسین مهمله ثانی فنباتی ست که او را بیخ نیست و برروی آب پیدا شود و قرش
مانند ورق بادرنجبویه بود وکوچک تر از و واز نعناع بزرگتر طاب رسطیلوس کونانی
بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گلنا تمنیق الکاف سطراک
وسطواک سریانی بفتح اول وسکون ثانی با راء مهمله والف وکاف در لغت اول
وبا واو در لغت ثانی م زرنبا وتمنیق النون سطرونیون یونانی بفتح اول وسکون
ثانی وضم راء مهمله وسکون واو وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو و نون ثانی ف
چوبک اشنان تنسیق العین المهمله وتمنیق الدال المهمله سعدع بضم اول
وسکون عین مهمله ودال مهمله ه سوتها طح ی ها گویند ق مجفف مدر مفتت مفشی و
مقوی دماغ ودل وسعد خ کوفی فربه خوشبوی بستانی سفید بعد از ان شیرازی
بعد از ان هندی که چون سیاهی انو بخرا شند سفید و فربه بود ش یکدرم ص قند
وصندل وانیسون وگویند خس وخیار ک دارچینی و ج تمنیق الواء المهمله
سعترف بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون راء مهمله ساتهر تنسیق الغین
المعجمه وتمنیق الدال المهمله سغودف بضم اول وغین معجمه وسکون واو ودال مهمله
م مرزنجوش تمنیق الواء المهمله سغبر رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده
م سرخس سغرف بضم اول وفتح ثانی جانوریست که سیخهای ابلق بر پشت ان
باشد وچون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که آن سیخها بانکس خورد
وساهی تنسیق الفا وتمنیق الجیم الفارسی سغچف بفتح اول وسکون فا
وجیم فارسی م خربزه نارسیده تمنیق الدال المهمله سغردف بفتح اول وسکون فا

وضم بار مهمله و واو مجهول و دال مهمله مرغ سنگخوار ع قطاة سقنند سفید بفتح اول
وثانی وسکون نون وکسر دال مهمله وفتح سین مهمله ثانی وکسر فاء ثانی وتحتانی مجهول
ه اسپند تمنیق الراء المهمله سفرف بضم اول وثانی وسکون راء مهمله م سنجو
ه ساهی تمنیق السین المهمله سفاریکوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر
دال مهمله وسکون تحتانی وضم کاف وسکون واو وسین مهمله ثانی ف نوعی
از پیاز بری طح ی تمنیق اللام سفال ف بکسر اول وفتح فا بالف ولام م گل پخته
ه ٹھیکری وپوست گردگان وبادام وپسته وفندق وپوست انار خشک شده
واشال آن رانیز گویند سفرجل بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح جیم وسکون
لام ف آبی ه بهی طب ی ۲ ق قابض وحابس خون ومقوی دل وسعده خ
بزرگ رسیده س ده درم از آب وص رطب یاعسل ل کثری تمنیق النون
سقنند ولیون یونانی بفتح اول وثانی وسکون نون وضم دال مهمله وسکون واو
وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی ف زیره بری تمنیق الفا سفچی
ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وخفاء ها م خربزه نارسیده تنسیق
القاف وتمنیق الالف سقمونیا ع بفتح اول وسکون قاف وضم میم وسکون
واو وکسر نون با تحتانی والف صمغی ست مسهل وازیتوعات ست ف محموده ط
ح ی ۳ گویند ۲ ق مسهل صفراء انطاکی صافی سبک برنگ ابریشم وبمالیدن
دست خورد شود وسفید بود وچون در آب حل کنند مانند شیر باشد ش یک قیراط
تا دو دانگ ص معجون ساختن با آب به ترش وسیب وگلاب که در وی تنقیع کرده
باشند سماق واز وقرص نمک سازند ودر سایه خشک کنند وقدر شربت بدستور
از معجون ندانند وبعد از آنکه در به سیب یا پیاز یا زردک مشوی کرده باشند ص
کتیرا یا مصطکی وانیسون ونشاسته بروغن بادام ده وقوو اگر محموده را با نفت

صلابه کنند کار سوی کند ل ۳ وزن حب الخروع یا ماهودانه تمنیق الراء المهمله
سقار بضم اول و فتح ثانی و الف ساجی سقنقور بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم
قاف ثانی و سکون واو ریگ ماهی گویند از نسل تمساح ست و آن چنانست
که نهنگ بر ساحل و نیل خایه می نهد و بچه می دهد هر چه در آب رود نهنگ ست
و آنچه بر ریگ میماند سقنقور ست ط چون تازه بود ح ر ۲ و چون نمکسود کنند خشک
گردد و حرارت از رطوبت زیاده تر شود و گویند ح ۲ ی ۱ اف بهی خ ترکه در وقت
بهار و موسم هیجان ایشان صید کرده باشند ش از گوشت وی یکمثقال تا سه
مثقال ص عسل یا شوربای عدس اخصی الثعلب تنها یا با خردل یا ذکر گاو خشک
سوده و نیموزن زردک تمنیق الزاء المعجمه سقز بفتح اول و کسر ثانی مشدد و
سکون زاء معجمه ع علک الانباط و علک البطم ف صمغ درخت بن تمنیق السین
المهمله سقنقس بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف ثانی و سکون سین
مهمله ثانی م سقنقور تمنیق اللام سقاقل بفتح اول با ثانی و الف و ضم قاف
ثانی و سکون لام م شقاقل تمنیق النون سقنقع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
نون ع دبس ف سیلان یعنی عسل رطب سقوردیون یونانی بضم اول و ثانی و
سکون واو و راء مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م سیر بری
و سیر سو سقولوقندریون یونانی بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام و سکون
واو ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله یا معجمه سکون راء مهمله و ضم
تحتانی و سکون واو ثالث م اسقولوقندریون ف زنگی ار و طح ای ۲ گویند
مع ق ملین مش د و ورم ص ورد یا مصطکی یا عسل بل غافث یا کمادریوس
یا پوست کبر یا نیموزن آن تخم کرفس تمنیق الکاف و تمنیق الالف سکیلا
یونانی بفتح اول و کسر کاف سکون تحتانی و فتح راء مهمله سکون عین مهمله با لام

والف م بسفایج تمیق الجیم سکبینج یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده
و سکون تحتانی و فتح نون و سکون جیم ف صمغی ست شل انکوزه ه کندل طح
ی ۳ ق محلل ملطف مفتح خ صافی بیرون سرخ اندرون سفید زود گدازنده
و بویش میانه ملتیت و قنه و تیز بوی ش یکدرم تا یکمثقال ص ب السوس ل
بازرد سفید یا تیمون جاؤ شیر از هر یک ۲ دانگ نیموزن آن سکبج ف بفتح اول و کسر
ثانی م موبز سلونج ف بضم اول و ثانی و واو مجهول و فتح یا و سکون نون م خار
تمیق الواء المهمله سکر العشر بضم اول و فتح ثانی مشدده و ضم را مهمله و سکون لام
و ضم عین مهمله و سکون شین معجمه و را مهمله ثانی ف صمغیست که از درخت عشر یعنی
آک بیرون می آید در موضع گل وی که خشک گردد و جمع میشود آنرا بدین نام خوانند
م تبغال و شکر کوهی ط مع سکرج بضم اول و فتح ثانی مشدد ف شکر طح را
گویندی ف مجلی ملین خ سفید شفاف هندی ش بست درم ص زبان رش سائر
حموضات یا بوطا با شیلی آلوی سیاه یا موبز خراسانی با عسل من تمیق الزاء المعجمه
سکزف بفتح اول و کسر ثانی عزاء مجم م منسطلی و گویند سقر تمیق الکاف
سک المسک بضم اول و کاف مشدد و سکون لام و کسر میم و سکون سین مهمله ثانی م
کاف ثانی ف مرکبی ست از ماز و فاغره و قلنجه و لسابه و صندل مقاصری
و سنبل الطیب و عسل طح ی ۲ سکسک ف بضم اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله
ثانی م درخت تاخ سک بضم اول ع مرکبی ست و گویند عصاره آمله طح ی ق
مقوی دل خ خوشبو ش نیمدرم ص صندل ل آمله و گویند سبعن بفارسی بکسر اول
م سرکه تمیق النون سکاهن ف بکسر اول و سکون ثانی و مهموزه و فتح ها و سکون
نون م رنگ سیاهی که از سرکه و آهن سازند و بدان جامه چرک رنگ کنند سکنجبین ع
بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی ف سرکه و انگبین

مساوی ممزوج کنند ق منقی سکنکبین ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون و
ضم کاف فارسی وکسر موحده وسکون تحتانی م سکنجبین تمنیق الهاء سکاسته وسکاشه و
سکاشته سکاسه بضم اول وثانی والف در همه لغات وسکون سین مهمله ثانی وفتح فوقانی
وخفاء ها در لغت اول وفتح سین مهمله در لغت ثانی وسکون شین معجمه وفتح فوقانی در
لغت ثالث وفتح شین معجمه در لغت رابع م رکاسه سکسنبویه ومی بفتح اول وسکون
ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون وضم موحده وسکون واو وفتح تحتانی ف
تخم سپستان وگویند بیخ پنجنکشت تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الموحده
سکلاب ف بفتح اول وسکون کاف فارسی بالام والف موحده حیوانیست شبیه
بسگ که در دریا بهم رسد م جند بیدستر او دبلا وتمنیق الراء المهمله سگرف
بضم اول وثانی م رکاسه سکنکور ف بفتح اول وثانی فارسی وسکون نون وضم
کاف فارسی ثانی وسکون واو ع عنب الثعلب تمنیق الکاف سکک ف بفتح
اول وثانی فارسی وسکون کاف ه چینجراهک ف بفتح اول ع کلب ه کتا تمنیق
الواو سکالاف بفتح اول وسکون ثانی فارسی بالام والف ممدود واو مجهول م
سکالاب تمنیق الها سکاله ف بفتح اول وثانی فارسی وفتح لام وخفاء ها م گمین
سنگ سکرنه ف بضم اول وثانی فارسی وسکون راء مهمله وفتح نون وها م رکاسه
تمنیق التحتانی سکاآبی وسکلابی وسکلادی بفتح اول وسکون ثانی فارسی در
در هر سه لغت ومد همزه وکسر موحده وسکون تحتانی در لغت اول ولام والف و
کسر موحده در لغت ثانی وکسر او در لغت ثالث م بیدستر تنسیق اللام وتمنیق
الالف سلق الماء ع بکسر اول وسکون لام وضم قاف وسکون لام ثانی با میم
والف ممدود ه جار النهر تمنیق الفوقانی سلاجعت ه بفتح اول وثانی والف
وکسر جیم وسکون فوقانی م قسمی از سلارس سلت ع بکسر اول وسکون لام ف

جو بر ہنہ سلحفات بضم اول وفتح ثانی وسکون حار مہملہ با فا و الف ف سنگ پشت

سو کھواطمع ف حر طبیخ بزرگ ص ور و تمنیق الدال المہملہ سلسدہ بفتح

اول م سکون ثانی وفتح سین مہملہ ثانی وسکون دال مہملہ م سلسی تمنیق الواء المہملہ

سلکو بفتح اول م ضم ثانی وسکون واو و راء مہملہ ف نوعی از ماہی ست در نیل مصر

تمنیق السین المہملہ سلاریس ہ بکسر اول وثانی والف و راء مہملہ وفتح راء مہملہ ثانی

وسکون سین مہملہ ثانی م میئہ سائلہ تمنیق الطاء المہملہ سلیط یونانی بفتح اول

وکسر ثانی وسکون تحتانی وطاء مہملہ ف روغن زیت تمنیق القاف سلقع بکسر

اول وسکون ثانی و قاف ف چقندر طح ی ا ق محلل ملطف مجلی خ شیرین

سفید ص سرکہ ل شلغم سلمق بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم ہ کہیترا تمنیق الکاف

سلکع بضم اول وفتح ثانی وسکون کاف ف کبک بچہ تمنیق المیم سلجم بفتح

اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طح د ۲ ق مدرخ بستانی تازہ لمی

تو ابل ل جزر سلم بفتح اول وثانی م درخت سفیلان تمنیق الہا سلاحہ بفتح اول

وثانی والف وفتح حار مہملہ وخفا رہا ف بول بز کوہی ست کہ ہنگام تہیج بر سنگ

کردہ باشد وسنگ سیاہ گردد مانند قیر تمنیق سلافہ بفتح اول وثانی ولام والف

وفتح قاف شیرۂ انگور ہ گویند مثر دبہ سلخ الحیۃ بفتح اول وسکون ثانی وضم خار معجمہ

وسکون لام وفتح حار مہملہ وتحتانی مشدد ف پوست افگندہ مار ہ کینچلی ط بی

خ ماخوذ از مار سفید سلیخہ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح خار معجمہ ف پوست

درختی ست ہ کمیلی کہیلا طح ی ۲ گویند ۳ ق مجفف ملطف مدر مفرح مقوی

اول وعدہ خ سرخ سطبر اندک تلخ تمام عفص و چون بشکنند بر یوند لمی ماند ودرانا

تصدبہ سوزش مانند قرفہ پیچیدہ ش یکدرم ص کثیرا الکسل دار چینی بلا اساروں

تمنیق التحتانی سلق بری ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وفتح سوحدہ

وکسر را مهمله مشدده وسکون تحتانی م نوعی از حماض سلق جبلی ع بفتح جیم و موحده
وکسر لام م حلیموطح رتنسیق المیم وتمنیق الالف سمک صیداء ع بفتح
اول م یم و کاف و همزه ملینه ها و فتح صاد مهمله وسکون تحتانی با دال مهمله و الف
در چشمه بود نزدیک بمدینه صیدا از زمین خام و مانند ریگ ماهی کوچک بود و بحز
فصل بهار که هنگام هیجان آبهاست صیدش نتوان کرد خ نرش نیمدرم سمیکا
ع بضم اول و فتح ثانی وسکون تحتانی با کاف ف ماهی خورد تمنیق الخاء المعجمه
سماروخ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم را مهمله وسکون واو و خاء معجمه م سمارغ
تمنیق الراء المهمله سم الحمار ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد وسکون لام و کسر حاء
مهمله با میم ثانی و الف و راء مهمله ف خرزهره سم الفار ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و
سکون لام با فا و الف ف مرگ موش ه سنبل کهار سمندر و سمندور ف بفتح اول
و ثانی وسکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول وسکون واو در لغت ثانی حیوان
مشهور که در آتش تولد کند سمور بفتح اول و ضم ثانی وسکون واو و خاء نوریست مشهور
که در ترکستان بسیار می باشد م طنطنک طح ی تمنیق الغین المعجمه سماروغ
بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله وسکون واو ف کلاه ماران ه گگن دهول
وکنبهی تمنیق القاف سماق ع بضم اول با ثانی و الف و قاف ف تتری و تتم ه
تمالپتر طب ۱ گیندای ۳ ف قابض مقوی معده خ تازه و سرخ ص مصطکی ل
حماض و اترج یا زرشک یا خطمی و بر سیاوشان و بفتح اول ه غله کنکنی سمسق بفتح
اول وسکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی ع آذان الفار تمنیق الکاف سمارک
ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله وسکون واو م کبوتر سم السماک بفتح اول
و ضم ثانی مشدد و فتح سین مهمله مشدد ثانی و میم ثانی م ماهیزهرج سمک ع بفتح اول
و ثانی ف ماهی ه مچهلی زمین ط تازها و ب ۲ گوشدی ۲ و نمکسود ح ی ق

مغذی و مبہی خ صحرائی رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خوردی و بزرگی
ولاغری ربنده از بدبوی و سکنش آب شیرین سنگریزه یا ریلی بر تابه بریان کرده
ص عسل و روغن بادام و فلفل و بعد از و زنجبیل مربی و شراب ل لحم تمنیق اللام
سماقیل بفتح اول و ثانی و الف و کسر قاف و سکون تحتانی و لام م سماق سمند
و سمندول ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مہملہ در لغت اول و سکون
واو در لغت ثانی م سمندر تمنیق المیم سمسم ع بکسر ہر دو سین مہملہ و سکون ہر دو میم
ف کنجد ہ تل طح را گویند ۲ ق محلل ملین مبہی خ تازہ بزرگ دانہ مش یک کف ص
بریان کردن و با عسل خوردن ل بزرکتان د ر تملیس و در معاجین مغز بادام یا خشخاش سفید
و عسل سم ع بفتح اول و سکون ثانی ف زہر و بشین ہ بس تمنیق النون سمندر بیس ہ
بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مہملہ و سکون راء مہملہ و کسر موحدہ فارسی
و اظہار ہاء و تحتانی مجہول و نون ف کف دریا سمندرلون ہ بفتح اول و ضم ثانی و
دال مہملہ مشددہ و سکون راء مہملہ و ضم لام و واو مجہول ع ملح محیط ف نمک دریا سمقونیا
بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون سین مہملہ ثانی و فتح میم ثانی و ضم حاء مہملہ
و سکون واو م آذان الفار سمن ع بفتح اول و ثانی ف روغن گاو ہ گھیو طح ر
اق منضج محلل ملین خ تازہ ص جمیع مقویات معدہ انار مزل سسکہ بضم اول و فتح ثانی
ف گل سہ برگ سمو ربیون یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و راء مہملہ و کسر موحدہ
و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف چربی گوشت طح یخ ماخوذ از حیوان مستعمل ص زنجبیل محلل سمینون
بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو م سمنہ و ہر ترکیبی کہ
بدن را فربہ کند آنرا سمنہ خوانند تمنیق الہا سمانہ ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح
نون و خفاء ہا م جانوری حقیر سمنہ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م حب السمنہ

ف نقل خواص ه چرو بجی سمه ف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ سبز که بروی آب
بهم رسد تمنیق التحتانی سمانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون فا غلیست
دریائی گماورا قتیل الرعد خوانند بدان سبب که چون آواز رعد بشنود بمیرد سمسم
بری بکسر ه د سین مهمله و سکون ه و سیم و فتح موحده و کسر راء مهمله مشدد م جیلمنگ
ف تخم زرد خار تسنیق النون و تمنیق الالف سناء بفتح اول و نون و الف
ه بهون تر و رطح ی ف مسهل سوداء ملکی و حجازی که با برگهای مورد ماند و بر گشتر
از هر دو طرف املس و خضرتش مائل بزردی ه باک از چوب و خس ش در مطبوخ از
چهار درم تا هفت درم و کوفته تا سه درم ص بلیله زرد و بنفشه و ورق گل و صمغ عربی
و کثیرا ب اجاص تمر هندی ل از مکی یکوزن و نیم سنا نجدی یا مصری یا دو وزن
سنا دیگر و گویند بسفایج و شاهتره سنگهار اه بکسر اول و خفاء ثانی و فتح کاف فارسی
و الهاء و الف و راء مهمله ثمریست خاردار هندیست بشکل فندق که در آبهار وید
و بالای ثمر او سه خار باشد تمنیق الموجده ة سنبل الطیب ع بضم اول و سکون
ثانی و ضم موحده و لام و کسر طاء مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ثانی ه چهار طح
ی ۲ گویند ۳ ق مفتح محلل مقوی باغ و دل خ سوی تازه سبک خوشبوی چون
سعد و اشقر کوچک خوشه مجفف زبان چون بخایند بویش در دهان و رنگ کند
ش نیم درم ص کیترا یا طباشیر ل دو وزن آن اذخر با یکوزن ساذج هندی بدل
مصطکی سنبل الکلسبع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و لام و سکون لام
ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ف میوه درخت سپیدار و گل لسان العصافیر
سنجاب ف بکسر اول و سکون ثانی با جیم و الف جانوریست مشهور که اندک
از موش کلان تر باشد و از پوستش پوستین سازند گرمی وی کمتر از سمور است
طح ی تمنیق الفوقانی سنبوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون و او

وفوقانی ه زیر آسنگ پشت بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وضم موحده
فارسی وسکون شین معجمه م لاگ پشت ه کهوا تمنیق الجیم سنباج بضم
اول وسکون ثانی با موحده والف وفتح دال مهمله وسکون جیم ف سنباده ه کرند
که بر وا قرا ز ها تیز کنند ط ب ی ۳ ق مفرح تمنیق الخاء المعجمه سنخ ف بفتح
اول م ثانی وسکون خاء معجمه م نمک تمنیق الدال المهمله سنجد ف بکسر اول
وسکون ثانی وکسر جیم وسکون دال مهمله م غبیرا سنسا د بفتح اول وسکون ثانی
با سین مهمله ثانی والف ف جهای تیری تمنیق الراء المهمله سنجفر بفتح اول
وسکون ثانی وفتح جیم وسکون فا و راء مهمله م زنجفر سندر ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم دال مهمله م سندروس سندوره بکسر اول وخفاء ثانی وضم دال مهمله وسکون
واو م سرخ سنکمیر ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وکسر میم وتحتانی
مجهول جانوریست پرنده سنکین سار ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی ونون ثانی با سین مهمله ثانی والف نام طائریست سیاه رنگ
که بر پشتش نقطها سپید باشد م سار وسنوریع بکسر اول وفتح ثانی مشدد وسکون
واو ف گربه بلی طح ر تمنیق الزاء المعجمه سنزف بضم اول وکسر ثانی وزاء معجمه
م سیاه دانه سنکونیز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر واو وسکون تحتانی
ع زنجبیل ه سونهٹه تمنیق السین المهمله سندوس ف بفتح اول وسکون ثانی
وفتح دال مهمله وضم راء مهمله و واو مجهول وسین مهمله ثانی م صمغیست شبیه کهربا زرد رنگ
روغن کمان از و سازند طح ی ۲ گویند ا ق مجفف خ صافی ش نیم مثقال
ص لوز بدل ل کهربا و لک سندوقس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم
دال مهمله وسکون واو وکسر قاف م سرخ سنکرک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی و راء مهمله وسکون کاف ثانی م تگرگ تمنیق اللام سنبل ف بضم اول وسکون ثانی

وضم موحده ع سنبل الطیب تمنیق المیم سنکم ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح
کاف فارسی م طائریست تمنیق النون سنداران بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال
مهمله و اظهار ها و الف ونون ثانی ع عود هندی ه اگر طح ی ۳ سنک اغلس بفتح
بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر همزه وسکون شین معجمه وفتح کاف ه
کلتهی نام غله ایست ونوعی از خرماست ه بفتح اول نباتی ست مشهور که در هند ازو
ایمان سازند ع قنب ه انباری تمنیق الواو سنادو ف بفتح اول با ثانی و الف
و دال و واو مجهول م سوئش سنبالو ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وضم
لام م بوزنه تمنیق الها سنباده ف بضم اول وسکون ثانی با موحده والف وفتح
دال مهمله وخفا ها م سنگی ست که بدان کارد وشمشیر وغیره تیز کنند ونگینها تراشند
و از جزایر چین خیزد سنسه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی م زنبور
سیاه وانگور سیاه سنکهه ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف واظهار ها م سفید مهره
سنکچه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وجیم فارسی م تگرگ سنکسبویه رومی
بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وسین مهمله ثانی وضم موحده و واو مجهول وفتح
تحتانی ف پنجنکشت ل قصب الذریره سنگ مثانه ف بفتح اول وسکون ثانی
وکسر کاف فارسی وفتح میم مثلثه والف وفتح نون ه پتهری که از مثانه آدمیان بیرون
می آید تمنیق التحتانی سنبل رومی بکسر لام وضم را مهمله وسکون واو وکسر میم م
ناردین سنبل هندی بکسر لام وها وسکون نون ثانی وکسر دال مهمله م سنبل الطیب
وگویند ارشیغه ان سنبهلی بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده واظهار ها وکسر
لام ه منادی سنجد بوی ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون دال مهمله
وضم موحده وسکون واو نام گلی ست سندهی ه بکسر اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله
واظهار ها غ زنجبیل سنکهاهولی ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف واظهار ها

۱۹۷

والف وضم های ثانی و واو مجهول وکسر لام ص و وای هندیست طح ق ملین
سنگ بصری بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی وفتح موحده وصاد مهمله
وکسر راء مهمله ف توتیا و سفالکسه کمیر یا سنی ف بکسر اول و ثانی م ریم آهن
تنبیق الواو و تمنیق کالالف سوناه بضم اول و واو مجهول با نون والف
ف زر و طلا تمنیق الموحدة الفارسی سوپ ه بضم اول وسکون واو وموحده
فارسی ف آب تمنیق الفوقانی سواد القضات ع بفتح اول و ثانی والف وضم
دال مهمله وسکون لام وضم قاف وفتح ضاد معجمه مشدد و والف فوقانی م مازو ه
ماجوپهل تمنیق الجیم سورج بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون جیم
ف نوعی از کفدریا تمنیق الخاء المعجمه سوخ ف بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه
م پیاز تمنیق الدال المهمله سواد السند وسواد الهند بفتح اول و ثانی
والف وضم دال مهمله وکسر سین مهمله مشدد و ثانی وسکون نون با دال مهمله در لغت
اول وکسر ها در لغت ثانی نوعی از سلیخه است که آنرا سلیخة السواد گویند ل صدف
سوسپیند ف بفتح اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی وفتح موحده فارسی سکون
نون م شیر گیاه ه دودهی تمنیق الراء المهمله سواد النهر بفتح اول و ثانی والف
وضم دال مهمله وفتح نون مشدد وسکون ها و راء مهمله م کشت برکشت سوسمار
بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی با میم والف م جانوریست مثل شکل
اسوع ضب ه گوه سویق الشعیر ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم
قاف وفتح شین معجمه مشدد وکسر عین مهمله وسکون تحتانی ثانی حب یست جو
ه ستو جو کی طب ی اص قند سفید تمنیق السین المهمله سوس ع
بضم اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی ف مهک ه مرهٹی طح ی گویند مع
گویند اب ق مقوی دل و محلل ملطف و مجلی خ بیخ زرد و تنگ ش یکمثقال

ص در دل تمین و بدر رجله و نیز بزبان هندی جانور آبی مشهور ست بصورت خوک
و مشک بود و در عربی نیز کرم گندم خوارست که در غله خورد و بیفتد و انرا تباه کند و نیز
فارسی کرمیست که در جامهای ابریشمی افتد و تباه سازد و نیز سوسمار تمنیق الشین المعجمه
سونش ع بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون شین معجمه ف براده هر چیز
را بدین نام خوانند تمنیق الفا سونف ه بفتح اول و سکون ثانی و خفاء نون ف
بادیان تمنیق القاف سویق ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ه لبیت
و تلقان ه ساتو و آنرا از گندم و جو و برنج و نخود بریان سازند ط از گندم ح ی ۲
و از برنج مع خ باعتدال بریان گردد و کم نخاله تمنیق الکاف سوسک ف بضم
اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی ف تیهو و جانور تدرو تمنیق النون سونجان
بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون نون با جیم و الف ف لعبت بربر
ه سنگهاره جنگلی ط ح ۳ ی ۲ ق مهیج خ مصری که درونش و بیرونش سفید و شکستن
صلب باشد ش نیم مثقال تا یکمثقال ص کثیرا شکر و زعفران و فلفل و زنجبیل
یا پنج سورنجان ل ترید دو دانگ وزن آن فتیمون و دو یک آن خربق سفید
و در وجع مفاصل بوزن آن ورق سنا و نیموزن مقل الیهود و گویند بوزیدان سورن
ه بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله بیخ مشهور هندیست م بجر کند سوسن بضم اول
و ثانی مجهول و فتح سین مهمله ثانی ف گلیست مشهور ط ح ی ۳ گویند مع ق ملین
محلل مدر حیض خ آسمانگونی و گویند سفید از وش یکمثقال تا سه مثقال ص کافور
یا نیلوفر ل ح نرگس سوقطیون یونانی بضم اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون
طاء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م خصی الثعلب سونجرلون ه بضم اول و ثانی
مجهول و خفاء نون و فتح جیم فارسی و سکون راء مهمله و ضم لام و واو مجهول ثانی ف
نمک سیاه تمنیق الها سوسه بضم اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی م کرم گندم

خوارک سوتلہ ہ بضم اول و ثانی مجهول و خفاء نون و فتح فوقانی هندی و اظهار ها
ع زنجبیل تمنیق التحتانی سوبدی ف بضم اول و سکون ثانی و موحده و کسر دال
مهمله م سارع زرر ور و آن طائریست سورابی بضم اول و سکون ثانی و کسر را
مهمله ف نوعی باز زاغ سرخ ست که زاغ کفشگران خوانند طرح ی سوم بلی ہ
بضم اول و ثانی مجهول و میم و فتح موحده و کسر لام دوای مشهور هندیست سون
ہ بضم اول و ثانی مجهول و نون ساکن با میم و الف و کسر کاف و اظهار ها م ترشیشه
تنسیق الهاء و تمنیق الالف سهاگاه بضم اول و اظهار ها و الف با کاف فارسی
و الف ثانی ف تنکار سهجناه بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم با نون و الف و
م درخت هندیست و گویند فلفل سفید تخم اوست سهوراه بفتح اول و ضم ثانی
و واو مجهول با را مهمله و الف درخت مشهور هندیست که بالی صیته مار کرد چوب ا
نگرد تمنیق الواو المهمله سهرف بکسر اول و سکون ثانی م گا و تمنیق الکاف
سه کوہک ف بکسر اول و خفاء ثانی و ضم کاف و واو مجهول و فتح ها و سکون کاف
ثانی م خار خسک ہ گوکهر و تمنیق اللام سگل ف بفتح اول و خفاء ثانی و ضم کاف فار
م درختیست که چون میوه پخته شود سرخ گردد ف قابض تمنیق التحتانی سهدئی ہ
بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و تحتانی مجهول و کسر همزه و سکون تحتانی ثانی
م دوای هندیست طب رق دافع حرارت اگر بخیس اسائیده بر قضیب طلا کنند
باهر زنیکه مقاربت نماید فریفته گردد و چون کوفته پارچه بیز نموده با بول انسان سرشته
قرص ساخته بر دهن عرق مدنی بر بندند از بیخ بر آرد تنسیق التحتانی و تمنیق الالف
سیا بفتح اول با تحتانی م سنا سیبیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده با تحتانی
ثانی ف نام ماهی مشهور ست در نواحی بیت المقدس سیساه بکسر اول و سکون ثانی
و سین مهمله ثانی ف شا سرب تمنیق الموحده سیاب بکسر اول با ثانی و الف و موحده

۲۰۰

بلغت وادی القرن م خلال سیف الغراب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وسکون
لام وضم غین معجمه یا با و مهمله والف م نوعی از سوسن م دلبوس سیماب ف بکسر اول
وسکون ثانی با میم والف ه یا اسفیذباج بکسر اول و ثانی مجهول خفا و نون
ف قسمی از باقلای هندیست تمنیق الفوقانی سیکران الحوت ع بکسر اول وسکون
ثانی وفتح کاف و را مهمله والف وضم نون وسکون لام وضم حا مهمله وسکون واو
و فوقانی م ماهیزهرج تمنیق الجیم سیج ف بفتح اول وسکون ثانی وجیم م موم
تمنیق الخاء المعجمه سیالخ ف بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر لام وسکون
خا معجمه م خار خسک تمنیق الدال المهمله سینهد که بکسر اول و ثانی مجهول وضم
ها و خفا نون دال هندی م زقوم تمنیق الراء المهمله سیار ف بکسر اول با ثانی
والف م کشکینه و آن نانی ست که از جو پزند سیخ پر ف بکسر سین مهمله وسکون ثانی
وخا معجمه وفتح موحده فارسی م بچه جانوران پرنده که نو پر بر آرند سیر ف بکسر اول
وسکون ثانی ه لهسن سیسنبر بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون
نون وفتح موحده م سی سنبل و سیسنبل و تمام سبزی باشد میان نعناع و پودنه
زیرا که پودنه چون در گذره دست نشان نماید سیسنبر وید و چون باز بکرند
دیگر نقل کند نعناع بر آید و بویش تیز باشد طبی ۳ ل در تحلیل و تلطیف تا درجه
تمنیق الزاء المعجمه سیاکیزف بفتح اول و ثانی والف وکسر کاف وسکون تحتانی
ثانی م نمد تمنیق السین المهمله سیساليوس بکسر اول وسکون ثانی با سین مهمله
ثانی والف وکسر لام وضم تحتانی ثانی وسکون واو ف نوعی از صمغ ست مثل
انگوزه و آن انجدان رومی و کاشم رومی ست و گویند تخمی ست مثل کمون کرمانی
که بوی ترنج دهد طح ی ۳ ق محلل و ملطف خ رومی کوچک ق و بخیش خوشبوی
و مغش ملینت و تخم کاشم نیز د رم ص برطانیقی ل خردل سفید یا انجدان

یا غطر اسالیون تمنیق الکاف سیسرک و سیسک و سبلک و سیلک ف بکسر اول
و سکون ثانی و کسر سین مهمله ثانی و سکون راء مهمله و کاف و در لغت اول و کسر
سین مهمله ثانی و در لغت ثانی و کسر کاف اول در لغت ثالث و کسر لام و در لغت
رابع م کرم گندم خوار تمنیق الکاف الفارسی سماهنگ ف بکسر اول و سکون
ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون نون و کاف فارسی م تشاربری تمنیق اللام
سیال بفتح اول و ثانی و الف و لام ف یاسمین و بکسر اول اسم هندی ست
ف شغال سیجول بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون ثالث و ضم جار معجمه
و سکون واو ع تشی ه ساهی سینبل ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار ها و ضم سین
مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده م سیسنبر تمنیق النون سیبوس ف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون
م اسبغول سنیساردن بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف و ضم راء
مهمله و سکون واو ف چوب سیاه دانه طرحی ۲ سیسبان بکسر و فتح اول و سکون
ثانی و فتح سین مهمله با ثانی با موحده و الف م حب الفقد سیسون بکسر اول و
یعنی تخم بخنکشت ۱۲
سکون ثانی و ضم سین مهمله ثانی و سکون واو م درختی هندیست مشهور که در تصفیه
خون دوای قویست سیکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهمله و الف
ع بزر البنج سیلان ف بکسر اول و ثانی مجهول با لام و الف شیره که از خرما رسیده
بچکد سیندهالون ه بکسر اول و ثانی مجهول و خفا نون و فتح دال مهمله با اظهار ها
و الف و ضم لام و واو مجهول م نمک سنگ تمنیق الواو سیرو ف بکسر اول و فتح
ثانی و سکون سین مهمله ثانی و ضم راء مهمله و سکون واو م کرم گندم خوار سیو ف
بکسر اول و ثانی مجهول و واو مجهول م سیب سیاه دانه ف بکسر اول با ثانی و الف
و اظهار ها با دال مهمله و الف ثانی و فتح نون ه کلونجی سیچنه ف بکسر اول و سکون ثانی

هلیون

هندی

وکسر جیم فارسی وسکون غین معجمه وفتح نون م جانوریست که شکاریست تمنیق التحتانی
سینی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م ریم آهن سی
ف بکسر اول م سنگ ترقیم الشین المعجمه وتلسیق الالف وتمنیق الفوقانی
شاه درخت ف بفتح اول وسکون ثانی واظهار ها وفتح دال مهمله وراء مهمله وسکون
خاء معجمه وفوقانی م درخت صنوبر تمنیق الجیم شادنج بفتح دال مهمله ونون
وسکون جیم م شادنه وحجر الدم ط نا شسته اوح ای ۲ وشسته اوب ا گویند
۲ ف قابض مجفف حابس خون نخ عدسی که از عدس بهمین تر باشد وبسیار سرخ سیاهی
مایل ود شکن ومغسول مش نیم مثقال حن عصاره زرشک ل نیموزن آن روی
سوخته وچهار دانگ وزن آن توتیای کرمانی یا حجر مقناطیس سوخته شاهترج
ع بسکون ها وفتح فوقانی وراء مهمله ف شاهتره ه بیت یا پرطه طح ای ۲ گویند
ب اق بفتح منقی مسهل صفراخ سبز تازه تلخ مش از آب او نیم رطل تا دو ثلث
رطل وخشک در مطبوخ تا ده درم ودر غیر مطبوخ تا هفت درم حن کیمو وعسل
ل نیموزن سنا رکی وچهار دانگ وزن هلیله زرد در تهای کهنه شاهلوج ع
بشین معجمه والف وها وضم لام وسکون واو ف شاه آلو زرد رسیده تمنیق
الخاء المعجمه شلخ ف بسکون خاء درخت وشاخ حیوانات وعطریست که از گره
حاصل شود ع زباد شاناخ ف بمیم والف ثانی ه غله سانوا تمنیق الدال المهمله شاهکند
ف بسکون کاف وفتح میم وسکون نون ودال مهمله م نمد تمنیق الراء المهمله
شارف بسکون راء مهمله م شغال وجانوریکه مانند طوطی سخن گوید وآنرا اشارک
وشلد ونیز گویند شانه سرف بفتح نون وخفاء ها وفتح سین مهمله ع هدهد شاه انجیر
ف باظهار ها وفتح همزه وسکون نون وکسر جیم وسکون تحتانی م انجیر وزیری
تمنیق الطاء المهمله شاه بلوط باظهار ها وضم موحده ولام وسکون واو

باب الیاء
یاقوت معرب ست

طا مهمله م بلوط الملک و آن شیرین تر از بلوط باشد طمع ی ا ق قابض
نخ رسیده و ترش دو در م ص شکر یا عسل ل خرنوب یا بلوط یا مغز و تمنیق القاف
شاهدانق بدال مهمله و الف ثانی و فتح نون م شهدانج ف تخم بهنگ تمنیق الکاف
شارک ف بفتح راء مهمله و سکون کاف م جانور سار و که سخن گویست شاسک
ف بفتح سین مهمله م تیهو شالوک ه بضم لام و سکون واو ف بیخ کول شانک
ف بفتح نون م سنگدانه مرغان شانه سرک ف بفتح نون و خفاء ها و فتح سین
مهمله و راء مهمله م هدهد شاهبانک ف بسکون ها با موحده و الف و فتح نون
م تس سگ غ بنفسج الکلاب شاهبانج تمنیق الکاف الفارسی شاشنگ ف
بفتح شین معجمه ثانی و سکون نون و کاف فارسی م تیهو تمنیق اللام شاخل ف بفتح
خاء معجمه و سکون لام م غله البیت ه اهر شاطل بکسر طاء مهمله دوائی ست هندی
مانند کمات خشک ه شاهنل طح ی ٣ ش نیمدرم تمنیق المیم شاه اسپرغم و
و شاه اسپرم و شاه اسپریم و شاهسپرم و شاه هسپرم و شاسقرم ف باظهار ها
و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح موحده فارسی و سکون راء مهمله و فتح غین معجمه و سکون
میم در لغت اول و سکون راء مهمله در لغت ثانی و فتح ها ثانی در لغت ثالث و فتح
ها اول و سکون سین مهمله در لغت رابع و سکون ها اول و فتح ها ثانی در لغت خامس
و فتح فا در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان ماری بنزدیک سر آمد
ماز دهن قدری تخم سیاه خورد بینداخت کسری فرمود تا این تخم را کشتند از آن
این رست ع ریحان طح ای ٣ ق تخمش قابض و منوم خ سعتری که کرمانی و
ریحانی خوانند ص نیلوفر تمنیق النون شابرن و شابورکان و شابورن و شادرن
ف بضم موحده و فتح راء مهمله و سکون نون در لغت اول و واو مجهول و فتح راء مهمله
با کاف و الف در لغت ثانی و فتح راء مهمله در لغت ثالث و ضم دال مهمله با راء مهمله

والف در لغت رابع م فولاد معدنی شتان ف بسکون نون م خانه زنبور عسل که
در ان عسل باشد م گواره شاهین ف بکسر ها وسکون تحتانی جانوریست شکاری
تمنیق الواو شاه دارو ف باظهار ها ودال مهمله والف وضم را مهمله وسکون واو
م شراب گویند جمشید خواست که اکثر اوقات خلق از انگور منتفع شوند آب انگور
بگرفت ودر ظرفی نهاد چون بجوشید وصاف شد سر روز جمشید چون از جوشیدن
باز ایستاد تلخ شد گمان برد مگر زهر قاتل گشته وآنرا در گوشه نهاد جمشید را
کنیزکی بود که معشوق او بود ناگهان بدرد شقیقه مبتلا آمد واز درد بیطاقت گشته
بمرگ تن داد وباخود اندیشید که ازان زهر مقداری بخورم تا یکبارگی خلاص شوم
قدحی برداشت وبخورد اثری بران شربت نگشت قدحی دیگر بخورد اهتزازی در خود
یافت پس چند قدحی پی درپی بخورد ومدتی بود که نغنوده بود سر بر بالش نهاد
ویکشبان روز بخفت چون بیدار شد ازان بیماری اثری نمانده بود واقعه را
بعرض جمشید رسانید جمشید آنرا شاه دارو نام نهاد تمنیق الهائیه شادنه ف بفتح
دال مهمله با معجمه ونون وخفا ها ع شادنج سنگ سرخیست که بسیاهی زند
وزود بشکند وآن عدسی ست وکاورسی واز دیار هند وطور سینا آورند شال
ف بفتح نون وخفا ها م شان شاه بسه ف باظهار ها وضم سو صده وفتح سین مهمله
ع اکلیل الملک شاهتره ف باظهار ها وفتح فوقانی ورا مهمله مشدد ع شاهترج
شاه دانه ف باظهار ها ودال مهمله والف وفتح نون م تخم بنگ شایه ف بفتح
تحتانی م میوه تمنیق التحتانی شاک دمی بکسر سو صده وضم را وسکون واو وکسر
میم وسکون تحتانی ف فلفل سفید شاه ذشتی ف بفتح نون وهمزه ملینه ها وفتح
دال مهمله وسکون شین معجمه ثانی وکسر فوقانی ه کنگهی شاه بوی ف باظهار ها وضم جیم
بواو مجهول م عنبر شاه چینی ف باظهار ها وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی و

وکسر نون م حنا تنسیق و تمنیق الموحده شباع بالفتح اول و موحده مشدده
ف زاج بلور و زاک سفید ه پهٹکری ط ح ی ۳ گویند ۲ ق قابض مجفف
خ یمانی سفید مائل بزردی ص مسکه و شیر تازه و شکر و لعابات ل نمک تلخ و نمک سیاه
لیموزن شبان قریب ف بضم اول و ثانی والف و نون وکسر فا و را مهمله و سکون
تحتانی و موحده ثانی م مرغ کوچک شبیه بابابشه و هرگاه بر زمین نشیند چنان معلوم
شود که قوت برخاستن و پریدن ندارد و همین که کسی قصد گرفتن او کند پریده اندک
دورتر نشیند و هر چند که بیشتر روند و بیشتر رفته بنشیند شتاب ف بالفتح اول و سکون ثانی
با فوقانی والف م کرمکی که در شب روشن نماید از طرف دنب که بهندش جگنو گویند تمنیق الفوقانی
شبتع بکسر اول و ثانی ه سوط منضج سوم خ سبز تازه شگفته گل ش دو درم ص [illegible]
قرنفل الیمو عسل یا سکنجبین ل لیموی تخم بهان یا بابونه تمنیق الراء المهمله شبانور ف بالفتح اول
و ثانی والف و خفا و نون و فتح واو و سکون را مهمله م شب پره شبیار ف بالفتح اول و سکون ثانی
با تحتانی والف م زن تنی صبره گسیکو ا ط ح ی ق مسهل صفرا تمنیق الزاء المعجمه شباز ف بفتح اول
و ثانی مشدد والف و زاء معجمه م شپره شب فروز ف بالفتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون فا و ضم را
مهمله و واو مجهول و زاء معجمه م کرم شتاب شب انگیز ف بالفتح اول و سکون ثانی و فتح همزه و سکون نون و کسر
کاف فارسی و تحتانی مجهول م بنجد رخت بزر البنج ه خراسانی اجوائن کی جڑ و برگ آن سببی ست شب آویز
ف بمد همزه و کسر واو و تحتانی مجهول مرغی ست که شبها خود را بپا از شاخ درخت آویزد و حق حق
و یاد امی که چند قطره خون از گلویش نچکد خاموش نشود تمنیق الطاء المهمله
شبطباط بالفتح اول و کسر ثانی و طاء مهمله با موحده ثانی والف و طاء مهمله ثانی
ف کشته شبوط بالفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و طاء مهمله روهو تمنیق الغین
المعجمه شب چراغ ف بالفتح جیم و را مهمله والف و غین معجمه گوهری که در شب
روشنائی دهد گویند کاوی از دریا بر می آید شبها گوهر مذکور از دهن برآورده

بر زمین می نهد و بر و شتنی آن چرامی کند تمنیق الکاف شبان فریبک و شبان فریوک ف بفتح اول و ثانی با الف و نون و کسر فا و را مهمله و تحتانی مجهول و فتح موحده ثانی و سکون کاف در لغت اول و فتح واو در لغت ثانی م مرغ شبان فریب شبچراغ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و را مهمله و الف و فتح غین معجمه ف کرم شب تاب شب خیزک بکسر خا معجمه و تحتانی مجهول و فتح زا معجمه ف تره تیزک ع رشاد تمنیق الکاف الفارسی شبرنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و خفاء نون و کاف فارسی م گلی ست خوشبو و سیاه رنگ باشد که زردی در رود و سنگ سیاه براق که آنرا شبه نیز خوانند طب ی تمنیق المیم شبرم بکسر اول و سکون ثانی و کسر را مهمله و سکون میم نبتی از یتوعات ست ه بسولاطح ای ۲ ق مسهل صفرا ح سبک که رنگ ساقش مائل بسرخی باشد ش دانگی و گویند نیم درم تا یکدرم ص در سرکه یا در شیر تازه خیسانیدن ل نیموزن ما زریون یا قثا الحمار تمنیق النون شبکون ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون م شبچراغ تمنیق الواو شبان فریوف بفتح اول و ثانی و الف و نون و فتح فا و کسر را مهمله و تحتانی مجهول و واو مجهول م شبان فریبک تمنیق الها شباره ف بفتح اول و ثانی مشدده و الف و فتح را مهمله و خفاء ها م شپره شب الاشکافه بفتح اول و ضم ثانی مشدده و سکون لام و فتح همزه و سکون سین مهملة با کاف و الف و فتح قاف تلیه ه نتاخی شیوقه بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح قاف م خماهن شبه ف بفتح اول و ثانی م سنگ سیاه رنگ شب بازه بتحتانی و الف و فتح زا معجمه ه چمگادر تمنیق التحتانی شبوی ف بفتح اول و ضم ثانی مشدده و واو مجهول و تحتانی مجهول م گلیست کبود و سفید و دیگر الوان که شب بوی دهد شیبی ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر موحده ثانی ف برگ بزالبنج ق مخدر لطیف تنسیق الموحدة الفارسی و تمنیق الزاء المعجمة

خاتمة الالوان در بیان خاصیات و تاثیر ما مخصوص

شبوزر ف بفتح اول وضم موحده فارسی مشدده و واو مجهول و زاء معجمه م شیره تمنیق
الکاف شترک ف بفتح اول و ثانی فارسی مشدد و راء مهمله جیمگاه تمنیق الهاء
شتره ف بفتح اول و ثانی فارسی مشدده و راء مهمله و خفاء هاء جیمگاه شیشه ف بفتح
اول و کسر ثانی فارسی و فتح شین معجمه ثانی کرمیست که اکثر در تابستان در چاهها
پشمین و گندم و دیگر غله ها بیفتد و آنرا تباه سازد تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الواو
المهمله شترخار ف بضم اول و فوقانی و سکون راء مهمله با خاء معجمه و الف و راء مهمله ثانی
عبنسی از خار که شتر آنرا برغبت تمام چرا کند شترمور ف بضم میم و سکون واو م
اشترمور تمنیق الزاء المعجمه شترغاز ف بغین معجمه و الف و زاء معجمه م درخت انکدان
تمنیق النون شتردندان ف بفتح دال مهمله و سکون نون با دال مهمله ثانی و الف
و نون ثانی نوعی از انزاج مصرسیت تمنیق الواو شترگاو ف بکاف فارسی و الف
و واو مجهول هم زرافه که سر آن بسر شتر ماند و گویند بسر گاو کوهی ماند و سینه و سم و شاخ
همه بگاو ماند شاخش از شاخ گاو کوچکترست و ریگتر و پوستش چون پوست پلنگ
پرخال و دم بدم آهو و دندان بدندان خر ماند و گردن و دستها بسیار دراز و
پایها کوتاه و گویند زانو ندارد و گویند که چون نافه حبشی با گاو کوهی جمع شود این
تولد شود و در ولایت توبه بهم رسد تمنیق الهاء اشتره ف بفتح اول و ثانی و خفاء هاء م
انکو تمنیق التحتانی شترپای ف بموحده فارسی و الف و تحتانی مجهول م گیاهیست
که برگش چون پای شتر ماند تنسیق الجیم و تمنیق الموحده شجرة الدب بفتح
اول و سکون جیم و فتح راء مهمله و ضم فوقانی و دال مهمله مشدده م درخت زعرور
تمنیق الفوقانی شجرة الحیات بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی مشدده و الف م
درخت سرو تمنیق المثلثه شجرة البراغیث بسکون لام و فتح موحده و راء مهمله و الف
و کسر غین معجمه و سکون تحتانی م درخت غافث تمنیق الزاء المعجمه شجرة الوز

دیگران و بمعنی
دیگر خاصیت
مقوی دل و
جمیع اعضاء
مشتهی طعام
و دافع فساد
باد و صفرا و
شیره آن
بلطیع تر لین
در دشنامی

بسکون لام وفتح حاء ف درخت ایهرکه در آن لسان العصافیر ست
تمنیق الغین المعجمه شجرة الضفادع بفتح ضاد معجمه مشدد وبا فا والف
وکسر دال مهمله م کبیکج ف کس دیران تمنیق الفا شجرة الخیطاطیف
بسکون لام وفتح خاء معجمه با طاء مهمله والف وکسر طاء مهمله ثانی
وسکون تحتانی م مامیران تمنیق القاف شجرة البق بسکون
لام وفتح موحده م سفیدار ف درخت پشه شجرة البهق بسکون
لام وفتح موحده وها م قثاء بری ف شوره شجرة الدبق بکسر
دال مهمله مشدده وسکون موحده م درخت سپستان شجرة التنوع
بکسر نون مشدد وسکون موحده ف درخت کنار تمنیق
الکاف شجرة آبالک وبهمزه ملینه ها وفتح همزه وکسر موحده
وسکون تحتانی بامیم والف وکسر لام ف نوعی از اشنان تمنیق المنلیم شجرة ابراهیم
بکسر همزه وسکون موحده با راء مهمله والف وکسر ها وسکون تحتانی ف پنجنکشت شجرة الدم
بفتح دال مهمله مشدد ف شنگار شجرة رستم بضم راء مهمله ثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی
م زراوند طویل شجرة مریم بفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی م بخور مریم تمنیق الهاء
شجرة آکله بمد همزه وکسر کاف وفتح لام م شجرة العد شجرة العد بفتح اول وثانی وراء مهمله
وضم فوقانی ولام مشدد با الف تقدیری واظهار ها ف درخت دیودار شجرة بارد
با موحده والف وکسر راء مهمله ثانی وفتح دال مهمله م لبلاب شجرة حره بضم حاء مهمله وفتح راء
مهمله مشدده ثانی ف آنادرخت نیب تمنیق التحتانی شجرة موسی بضم میم وسکون
واو با سین مهمله والف مقصوره ف درخت سگل بدان سبب بموسی علیه السلام
نسبت کرده اند که گویند که موسی علیه السلام آتش از ان درخت بدید تمنیق
الحاء المهمل وتمنیق الواو الوحده شجم الذبع بفتح اول وسکون ثانی وضم میم و

و دال مهمله مشدده و سکون موحده ف پیه خرس ل پیه سگ تمنیق الحاء المهمله
شحم المح بسکون لام و فتح میم و سکون راء مهمله و حاء مهمله م خطمی بری تمنیق الراء
المهمله شحم البقع بسکون لام و فتح موحده و قاف ف پیه گاو ل لبط شحم الخنزیر
ع بسکون لام و کسر خاء معجمه و سکون نون و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی ف پیه
خوک خ ماخوذ از خنزیر حیوان ل پیه سگ تمنیق الضاد المعجمه شحم الارض ع بسکون
لام و فتح همزه و سکون راء مهمله ف پنبه دانه تمنیق الطاء المهمله شحم البط بسکون
لام و فتح موحده و سکون طاء مهمله ف پیه قازق مسکن اوجاع تمنیق اللام شحم الحنظل
بکسر میم و فتح حاء مهمله ثانی و سکون نون و فتح ظاء معجمه و سکون لام م مغز اندرون
ق مسهل بلغم ش از یکدانگ تا دو ثلث درمی یا نیم درم ص اگر از نکایت بیح او ترس
پس سحق کن با مثل او کتیرا و از وقرص تنک ساز و در سایه خشک کن تمنیق المیم
شحم ع بفتح اول و سکون ثانی و میم ف پیه چربی طح د گویند ب ق ملین
خ از حیوان کا بی ص لیمون و زنجبیل مربا ل سمین تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق
الراء المهمله شخار بضم اول و خاء معجمه و الف و راء مهمله م قلیه بیخی تمنیق الهاء
شخکاسه ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و فتح سین مهمله و خفاء هاء م زال
شخیره بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح راء مهمله م شخار تمنیق التحتانی
شخلی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام م خار گیاه تنسیق الراء المهمله
و تمنیق الموحده شراب بفتح اول و راء مهمله با الف ع خمر و نیز اطلاق کنند
بر شربتها تمنیق المثلثه شربت ع و شربانی بفتح اول و سکون راء مهمله و فتح
موحده و سکون مثلثه م فراسیون ف کندنای کوهی تمنیق الفاء شرز
ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه و سکون فاء م شیر خفاش تمنیق الکاف
شرزک ف بکسر اول و ثانی و سکون زاء معجمه و فتح دال مهمله م آلوی کوهی و آن

زرد هست ع زعرور تمنیق الکاف الفارسی شرنگ بفتح اول و ثانی و سکون
نون م خربوزه تلخ ع حنظل تمنیق النون شربین بفتح اول و سکون ثانی و
کسر موحده و سکون تحتانی و نون ف درخت قطران جنسی ست از شجره صنوبر
طح ی ۲ ق قابض تن یکمثقال ص اشنان بدل تمنیق التحتانی شربتی ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فوقانی و سکون تحتانی م تخم ریحان
کوهی شری بفتح اول و کسر ثانی ف درخت حنظل تنسیق الشین المعجمه
و تمنیق اللام شششقاقل بفتح اول و سکون شین معجمه ثانی با قاف و الف و ضم
قاف ثانی و سکون لام م شقاقل تمنیق الهاء شترو بفتح اول و سکون ثانی
و کسر فوقانی و فتح راء مهمله م فوه مجیبه تنسیق الطاء المهمله و تمنیق الهاء
شطریه بکسر اول و سکون طاء مهمله و کسر راء مهمله و فتح تحتانی م نوعی از صعتر
تنسیق العین المهمله و تمنیق الراء المهمله شعاریر ع بفتح اول با میم مهمله
و الف و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و راء مهمله ثانی ف خیار زه که کرده شعر الجبال
ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم با موحده و الف ف
پرسیاوشان شعر ع بفتح اول و سکون ثانی ف موی ه بال طی ح ۳ ف مجفف
ح موی آدمی معتدل که سوخته باشند ل صوف شعیر ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی ف جو طب ی اگویند ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازه بزرگ دانه فربه
ش انا آب جو صدر م ص ابازیر گرم ل ماش تمنیق النون شعر الجن بفتح اول
و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون لام و کسر جیم و سکون نون ف پرسیاوشان
تمنیق الهاء شعو الصفالیع بفتح اول و ثانی و سکون واو و ضم راء مهمله مشدد
با قاف و الف و کسر لام و فتح موحده ف زعفران تمنیق التحتانی شعیر رومی بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر راء مهمله و ضم راء مهمله ثانی و سکون واو و کسر میم

وسکون تحتانی ثانی م خنبدروس تنسیق الغین المعجمه وتمنیق التحتانی
شغالی ف بکسر اول با غین معجمه والف وکسر لام م نوعی از انگور تنسیق الفا
وتمنیق الجیم شفلج بفتح اول وسکون فا وفتح لام وسکون جیم م ثمر کبر تمنیق
الکاف الفارسی شفترک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ورای مهمله
وسکون نون وکاف فارسی م میوه سرخ وسفید شبیه بشفتالو م شلبر وشلبل
تمنیق الواو شفادارو ف بکسر اول با ثانی والف ودال مهمله والف ثانی وضم
رای مهمله وسکون واو م پازهر تمنیق التحتانی شفنین بری ع بفتح اول وکسر اول وسکون
ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر نون ثانی وفتح موحده وکسر رای مهمله مشدد م
ف رغ بو تیتار خ کوچک تنسیق القاف وتمنیق الراء المهمله شقار بضم
اول با قاف والف ورای مهمله ه ساجی شقر بفتح اول وثانی م شقایق تمنیق القاف
شقراق ع بفتح اول وسکون ثانی با رای مهمله والف وقاف ثانی ف مرغیست
که کاسه شکنک گویند وآن کلاغ سبز ست تمنیق اللام شقاقل ع بفتح اول
وثانی والف وضم قاف ثانی ف گزر دشتی ه پهاڑکی گاجر د برالی ود و دهالی وسولی
وکاکولی وسیالی طلح د ا گویند ۲ ف بهی ومفرح ومقوی دل خ زرد هندی ث
ن و ورم ص آمله یا عسل ل لوز یدان یا چلغوزه یا دارچینی یا تخم زردک تمنیق النون
شقایق النعمان بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم قاف ثانی وکسر نون
مشدد وسکون عین مهمله یا میم والف ثانی ف گل لاله طح ی ۱ گویند ۲ گویند
ح را ق مجلی جاذب سموم ش نیم درم از گل او ص غبیرا ل شیح شقردیون رومی
بفتح اول وثانی وسکون رای مهمله وفتح دال مهمله وضم تحتانی وسکون م اسقوردیون
• ، سر موتنسیق الکاف وتمنیق الالف شکرتا بضم اول وکاف وسکون
واو با مثلثه والف ف تخم کشوث تمنیق الموحده شکبع بفتح اول وسکون ثانی

٢١٤

مرگ موش تمنیق الجیم شکنج ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم م نوعی از نا
شنکو ہنج بکسر اول وضم ثانی وواو مجهول وفتح ہا وسکون نون م خار خسک تمنیق
الدال المهملة شکند ف بفتح اول وثانی وسکون نون ودال مهمله ع خراطین
تمنیق الکاف شکانک ف بفتح اول وسکون ثانی والف وفتح نون م سنگدانه
مرغان شنک ف بفتح اول ع سم الفار ف مرگ موش کانی ونیز طائر عکه تمنیق
الکاف الفارسی شکربرگ ف بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله وفتح موحده
وسکون راء مهمله ثانی وکاف فارسی مبنی از شکرهای صافی ع عبیر جره تمنیق المیم
شکربادام ف بفتح اول وثانی وسکون راء مهمله با موحده والف ودال مهمله والف
ثانی م خوبانی تمنیق التحتانی سکاعی ع بضم اول وثانی والف وعین مهمله والف
مقصوره ف باد آورد طح ی ۳ گویند ح ای ۲ ق محلل خ سبز تازه ش و ودرم
ص عسل تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الراء المهمله شگار ف بفتح اول
وکاف فارسی والف م شغال بضم اول م زکال تمنیق اللام شکال بفتح اول وثانی
والف ولام م شغال بضم اول م زکال تنسیق اللام وتمنیق الالف شلکا بفتح اول وسکون
لام با کاف والف م زلوه جونک تمنیق الراء المهمله شلنفار بفتح اول وثانی وسکون
معجمه با فا والف وراء مهمله ع اصل السوس ه ملٹهی مه شلیر ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
تسمی از شفتالو م شفترنگ تمنیق الکاف شلغوک ف بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وواو مجهول
وکاف م شاہ بلوط شلک وشلوک ف بفتح اول وسکون ثانی در لغت اول وضم فوقانی وواو مجهول در لغت
ثانی م زلوه جونک تمنیق اللام شل ف بفتح اول وسکون ثانی تیر است چند
مانند نیزه لطعم تلخ وتند فی الجمله آنرا سنعر جل هندی خوانند هل ه بیل گویند پوست
ثمر جل ست طح ۳ را شلیل ف بفتح اول وسکون تحتانی م شلیر تمنیق المیم
شلجم ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طح ۲ را شلم

ف بفتح اول وثانی م شلغم وبکسر اول وثانی ع صمغ تمنیق النون شلون ع ف بفتح
اول وضم ثانی وسکون واو م صبنی ازشغال تمنیق الهاء شلمابه ف بفتح اول وسکون
ثانی باسیم والف وفتح موحده م شلغمی که درآب جوشانیده باشند تنسیق المیم وتمنیق الف
شمشیر بفتح اول وسکون میم وکسر شین معجمه ثانی باراء مهمله الف م اذان الفار تمنیق
الفوقانی شملیت ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ه میتهی
ع حلبه تمنیق الحاء المهمله شم بفتح اول با ثانی م حلزون ف سفید مهره ه سنکهه
تمنیق الخاء المعجمه شماخ ف بفتح اول باثانی والف م شاناخ شملخ ف بفتح اول
وسکون ثانی وفتح لام م شلغم تمنیق الدال المهمله شمشاد ف بفتح اول وکسر اول وسکون
ثانی باشین معجمه ثانی والف م درختی معروف ست ه بیری ونیز نام م مرزنجوش شملید ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ع حلبه میتهی تمنیق الراء المهمله
شمار بفتح اول وسکون ثانی باثانی والف ف بادبان شمشار ف بکسر اول وسکون
ثانی باشین معجمه ثانی والف م درخت شمشاد شمشیر بضم اول وسکون ثانی وکسر شین
معجمه ثانی وسکون تحتانی م قاقله صغار تمنیق الزاء المعجمه شملیز ف بفتح اول وسکون
ثانی وکسر لام وسکون تحتانی م شملیت تمنیق العین المهمله شمع ع بفتح اول
وسکون ثانی ف موم ه مین ط مع ق منضج ملین خ زردی خلط که ببوی عسل ماند
تمنیق المیم شمام ع بفتح اول وثانی باالف ف دستنبویه ه کهری تمنیق الهاء
شمدانه ف بفتح اول وسکون ثانی با دال مهمله والف وفتح نون م عناب شمه
ف بکسر اول وفتح ثانی م شیره ملائی تنسیق النون وتمنیق الفوقانی شنبلیت
ف بفتح اول وسکون نون وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی وفوقانی گلیست
زرد رنگ بشکل و قد مانند بهار نارنج وهمچنان شگفته وبوی تیز دارد وآنرا گل راهره نیز
خوانند تمنیق الجیم شنج ع بفتح اول وسکون نون وجیم م نوعی از حلزون ف

کجک گویند قضبک طب ی ۲ گویند تمییق الدال المهمله شنبلید بفتح اول
وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی ف شنبلیت وگویند گل سورنجان
طح ی خ سفید تازه تمییق الراء المهمله سنجار وشنقار وشنگار بفتح اول وسکون
ثانی باجیم والف وراء مهمله در لغت اول وباقاف در لغت ثانی وباکاف فارسی در لغت
ثالث م الوخلسا گیاهیست که برگش سیاه وبیخش سبز است تمییق الزاء المعجمه
شنبکیز وشنکویز بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر موحده وتحتانی مجهول
در لغت اول وکسر واو در لغت ثانی م شرابیکه از درخت خرما حاصل شود وسیندی
وبزبان پهلوی زنجبیل را گویند تمییق الشین المعجمه شسع بضم اول وثانی
وسکون شین معجمه ثانی خرمائیکه دانهٔ آن سخت نشده باشد تمییق الغین المعجمه
شنغ ف بضم اول وثانی م شاخ گاو تمییق الکاف الفارسی شنگ ف
بفتح اول وسکون ثانی م درختیست خوشبو صنع که نه آتش سفید وراست واملس
باشد وسر آن چتر زند وچوب آن در کمان بکار آید ودر خراسان بنفش خوانند
وبکسر اول ه غله مثر وقسمی از خیار که دراز وکج بود ودر شیراز کلونده خوانند وگیاهیست
که در اصفهان لاله شنگ گویند تمییق اللام شنگال ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی ولام وسکون لام ثانی لم غله شنگ تمییق النون شنان
بضم وکسر اول باثانی والف م فراسیون شنن ف بفتح اول گیاهیست که از وی
اسیمان سازند تمییق الهاء شنبلیله ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر
لام وسکون تحتانی وفتح لام ثانی م حلبه شندله بضم اول وسکون ثانی وفتح وکسر
دال مهمله وفتح لام م تودری تمییق التحتانی شنگرف زادلی ف بفتح اول وسکون
ثانی وفتح کاف فارسی وسکون راء مهمله وکسر فا بازاء معجمه والف ودال وکسر لام م
سرخ ه سند ور تمییق الواو وتمییق الالف شواصر بفتح اول وواو والف

٢١٥

و فتح صاد مهمله و راء مهمله ف نوعی از زبرجاست ط چ ی شوکة بیضاء بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف و همزه ملینه ها و فتح موحده و سکون تحتانی با ضاد معجمه ف باد آورد شویلا
بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی با لام والف م برنجاسپ تمنیق الموحدة شوبج
بفتح اول و سکون ثانی م عسل تمنیق الفوقانی شوات ف بفتح و ضم اول با ثانی والف جانوری
است پرنده مانند مرغابی که هم در آب و هم در خشکی زندگانی کند و گویند پرنده ایست سرخ رنگ
که هر زمان برنگی و لونی برآید م بوقلمون تمنیق الدال المهملة شواذ ف بفتح و ضم
اول با ثانی والف و دال مهمله م شوات تمنیق الراء المهملة شونار بضم اول و ثانی
مجهول با غین معجمه والف و راء مهمله ف زاک سفید تمنیق الزاء المعجمة شوره گز ف
بضم اول و ثانی مجهول و فتح راء مهمله و خفاء ها و فتح کاف فارسی ع اثل ه درخت جهاو
شموشمیز ف بضم اول و سکون ثانی و شین معجمه ثانی و کسر میم و سکون تحتانی ع قاقله صغار
شونیز ع بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی ف سیاه دانه ط ح ی ۲ ق
مقطع مجلی محلل ه ریش نیم مثقال تا دو درمص کثیرا و کاسنی ل صمغ زیتون یا تخم
تره تیزک تمنیق الطاء المهملة شوخط بفتح اول و سکون ثانی و فتح خاء معجمه ف
خوشه ارزن تمنیق العین المهملة شوع بفتح اول و سکون ثانی ف درخت بان
تمنیق الکاف شوالک ف بفتح اول و ثانی والف و فتح لام ه مرغی است که هر زمان
برنگی نماید ع ابو براقش شوشک ف بضم اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه ثانی م
جانور تیهو شوکة العلک ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و سکون لام
و کسر عین مهمله و سکون لام ثانی م نوعی از مازریون تمنیق النون شوکة الدبن ع
بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم فوقانی و فتح دال مهمله شده و میم و سکون
نون م کنگر شوکران بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهمله والف م تفت
هبیره و گویند که تخم تنگ رومی ف ودرس ط ب ی ۲ ق مخدر خ شیر ری شیر تمر

مس شراب صرف ل پ بزر البنج و تخم لفاح تنمیق الواو شوشون بضم هر دو شین معجمه و سکون
هر دو واو م ازان تنمیق الها شوکیع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف م شکاعی
تنمیق التحتانی شوے ف بکسر اول و ثانی م شبت هر سوا تنسیق الها تنمیق
الموحده شهاب بفتح اول با ها و الف م رنگ سرخی که مرتبه اول از گل
کازیره کشند و در عربی شیر نیک با آب آمیخته تنمیق الجیم شهدانج ع بفتح اول
و سکون ثانی با دال مهمله و الف و فتح نون م شهدانه ف تخم سنگ طح ی ۲ ق
مجفف خ البستانی ش سه درم ص بریان نمودن ل بوزن آن کنجد و نیم درم
فلفل تنمیق الها شهدانه ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف و
فتح نون ع شهدانج شهنگانه ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
فارسی و الف و فتح نون م شاله تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الالف
شیباف بکسر اول و سکون تحتانی با موحده و الف م افعی شیرگیاف بکسر اول
و سکون ثانی و را مهمله و کسر کاف فارسی با تحتانی ثانی بد و دو هی تنمیق الفوقانی
شیر خشت بکسر اول و سکون ثانی و را مهمله و کسر خا معجمه و سکون شین معجمه
ثانی نمیست که در خراسان چون شبنم بر درخت سیاه چوب که درختش
الی بر و بغایت صلب باشد بنشیند طمع ف ح ق مسهل صفرا خ شفاف
مانند صمغ ش از هفت درم تا سی درم ل یک نیم وزن آن ترنجبین یا کوزن
آن تنمیق الجیم شیر آملج بکسر اول و سکون ثانی و کسر را مهمله و مد همزه و سکون
میم و فتح لام و سکون جیم ف شیر آمله چون آمله را در شیر خیسانیده باشند آنرا
بدین نام خوانند طب ای ۳ گویند ح ح باید که چند روز آمله را در شیر خیسانیده
باشند ش یک مثقال شیرج بکسر اول و سکون ثانی و فتح را مهمله ع [illegible]
کنجد و شیرین هر میها تیل طح [illegible] ملین فواکه قابض ص زیت مغسول

۲۱۷

شیرزج بفتح زاء معجمه ف شیرخشت ش طح ی شیطرج ع بکسر اول وسکون تحتانی
وفتح طاء مهمله وراء مهمله ف شیتره ه چیتا طح ی ٣ق محلل منقی خ هندی ش
یک مثقال ص مصطگے یا ورد یا صندل ل فوه یا بیخکبر یا عقرقرحا تمیق الحاء
المهملة شیح ع بکسر اول وسکون ثانی وحاء مهمله ف درمنه طح ی ٣ گویند
ح ٢ ی ٣ق مقطع محلل خ ارمنی ش نیم درم ص ترس یا شراب ریباس یا شراب
ترنج یا بنفشه ل برنگ یا افسنتین تمیق الراء المهملة شیرخشیر بفتح موحده
وسکون خاء معجمه وکسر شین معجمه ثانی وسکون تحتانی ثانی وراء مهمله ثانی ف
بیخے ست زرد رنگ که از هندوستان وکشمیر خیزد ه هرنی طح ی ش دانگ
تا نیم درم تمیق الزاء المعجمه شیبة العجوز ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده وضم فوقانی وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو م اشنه
شیراز بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله با الف ع ریحان شینیز بکسر اول
وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م شونیز تمیق السین المهمله
شیرگس ف بکسر اول وفتح ثانی مجهول وراء مهمله وفتح میم وکاف فارسی ع عنکبوت
تمیق القاف شیرزوق بکسر اول وسکون ثانی وراء مهمله وضم زاء معجمه و
سکون واو وقاف م شیرزج تمیق الکاف شیرخشک بضم خاء معجمه وسکون
شین معجمه ثانی ف بید خشک وبید انگبین نمیست یعنی نعمتے ست که چون شبنم
در خراسان درخت بید نشیند طح گویند معرب ح ق ملین خ سفید شیرین ش
ده درم ل ترنجبین ششیک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه ثانی و
فتح تحتانی ثانی م گوسپند یکساله ششک ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه
ثانی وفتح تحتانی ثانی م تیهو تمیق المیم شیلم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح
لام وضم آن وسکون میم گویند دانهاے حلب گرد است که بعضے سیاه وبعضے

٢١٩

سرخ درمیان کشت گندم روید وگویند یاسمین جنگلی ست ط ح ی ٣ وگویندح ا
ی ٢ ق ملطف مجلی محلل مسکر ح اوکم فربه ص کزبره خشک ل جبند قوتی دور دنع
قو باگندم شیم ف بکسر اول وسکون ثانی ماهی است فلوس دار ع رچنده
تمیق النون شیان بکسر اول باثانی والف ف پرسیاوشان تمیق الواو شیشو
بکسر اول وسکون ثانی وضم شین معجمه ثانی وسکون واو م تیهو تمیق الهاشیرابه
بکسر اول وسکون ثانی بارا مهمله والف وفتح موحده ف خشخاش تیره بکسر اول وسکون
ثانی وفتح را مهمله نوعی از بوزه که بنگ داخل سازند شیلانه ف بکسر اول وسکون
ثانی بالام الف وفتح نون م عناب شیلونه ف بکسر اول وثانی مجهول وضم لام و
سکون واو وفتح نون م لاک پشت شیمه ف بکسر اول وثانی مجهول وفتح میم م نوعی
از انگور تمیق التحتانی شیان خوزی بکسر اول باثانی والف وکسر فا وضم معجمه و
واو مجهول وکسر زا معجمه وسکون تحتانی م اوشس در هندی تیج عتبه ف بکسر
اول وسکون ثانی وکسر خا معجمه وفتح حا مهمله ثانی وموحده وکسر شین معجمه ثانی ف
فلفل سیاه ترقیم الصاد المهمله وتنسیق الالف وتمیق الموحده
صاب بصاد مهمله والف وموحده م حنظل وگویند قثاء الحمار ست وگویند از شیرعماست
وگویند دیو دار ست تمیق الفاء صابون القاف بضم موحده وسکون واو وضم
نون وسکون لام باقاف والف وفا م چوب اشنان تمیق النون صابون
بضم موحده م ط ح ی ٢ ق مفرح محرق خ کهنه ص قی کردن آب گرم وروغن
منجمد وخوردن شوربای چرب باروغن ومرغ ل بوره واشنان تمیق الهاء صاحبه
بکسر حا مهمله وفتح تحتانی م خزف زرد که هر گاه تنسیق الباء الموحده ف
تمیق الراء المهمله صبار بضم اول با موحده والف ورا مهمله م تمر هندی صبع
بفتح وکسر اول وسکون موحده ه ایلوا و مسبر ط ح ی ٢ گویند ٣ ق مجفف مدمل

مسهل خ سقوطرے کہ لونش بجگر ماند و بویش بمر و براق چون صمغ باشد و چون بست
بمالند زود تر خرد شود و مطلقا سنگریزہ درو نباشد ش تا سہ درم و با دیگر مسهلات از
یک نیم درم تا یک مثقال ص صمغ و کتیرا ل مر احمر تنمیق التحتانی صبر ع بفتح اول و
کسر ثانی و سکون تحتانی م عصارہ سنا یا سنا تنسیق الحاء المهملہ و تنمیق
الالف صحناع بفتح و سکون حاء مهملہ با نون و الف ف ماهیا بطاح ی ۲ گوینج
ی ۲ ق مقطع مجلی ش یکدرم تا دو درم ص کتیرا و مصطگی و ورد و مقل و اگر در
اسافل شخصے علتی باشد بیامیزد و او را با مقل جهت مبرودی و محرورین را بہ کتیرا
مخلوط سازد و اگر در معدہ و جگر علت باشد با مصطگی و گل سرخ بدہد ل حضض و
ورد نفخ معدہ و ہستین تنسیق و تنمیق الدال المهملہ صدپیوند بفتح اول و
سکون دال مهملہ و کسر موحدہ فارسی و تحتانی مجهول و فتح واو و سکون نون هو
عصے الراعی صندیدالحدید بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم دال مهملہ ثانی
و سکون لام و فتح حاء مهملہ و کسر دال مهملہ ثالث و سکون تحتانی ثانی م زعفران آهن
تنمیق الفاء صدف بفتح اول و ثانی و سکون فا سپیی طب ای ۲ ق مجفف خ
سفیدی کہ در آب شیرین باشد ش از دو یک مثقال و از آب او سہ درم ص عسل
یا عناب ل ورنخ یا کهربا تنسیق الراء المهملہ و تنمیق الالف صریاع
بفتح اول و کسر راء مهملہ و سکون تحتانی با راء مهملہ ثانی و الف م بادروج تنمیق
الموحدہ صرب بفتح اول و سکون ثانی ع صمغ ہ گویند تنمیق النون صرفان ع
بکسر اول و سکون ثانی با فا و الف م نوعے از خرماء ہندی سرخ فربہ ف خرمائے
کلتوم و سرب را نیز بدین نام خوانند تنمیق الواو صرو بفتح اول و سکون راء
مهملہ م شوکران تنمیق الهاء صرابہ بفتح اول و سکون راء مهملہ و الف و فتح موحدہ
و خفاء ہا جنگلے کہ زرد خواہد شد م صرہ ع بفتح ہر دو صاد مهملہ و سکون راء مهملہ

اول وفتح راء مہملہ ثانی ف جرو اسک ھ جھینگر ش سہ عدد یا پنج یا ہفت جانور
تنسیق العین المہملہ وتمنیق الراء المہملہ صعتر غ بضم اول و
سکون عین مہملہ وفتح فوقانی وسکون راء مہملہ نوعے از پودینہ بری ست ف اوشن
و کاکوتے ط ح ی ۳ ق مفتح وملطف ومغشی خ کوچک ورق ش نیم مثقال
تا یکدرم ص سرکہ ل فو تنج تنسیق الغین المعجمہ وتمنیق النون صغبین
بفتح اول وسکون غین معجمہ وکسر موحدہ وسکون تحتانی م تکنج تنسیق القاف
وتمنیق الراء المہملہ صقر ع بفتح اول وسکون قاف وراء مہملہ طائری ست
شکاری ف چرغ ط ح ی تمنیق السین المہملہ صقالیس بفتح اول وثانی
وکسر تحتانی وسکون سین مہملہ ککڑی تنسیق وتمنیق اللام صلصل ع بہ فتح
ہر دو صاد مہملہ وسکون ہر دو لام م مکہ وعقعق ھ مہوکا صل ع بکسر اول ف مار
کہ افسون نمے پذیرد تمنیق النون صلون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو
م خرنوب نبطی تنسیق المیم وتمنیق الموحدۃ صمغ السداب بفتح اول و
سکون میم وضم غین معجمہ وسین مہملہ مشدد با دال والف ل دو بوزن حلتیت آ
تمنیق المثلثہ صمغ المحروث ع بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ وسکون
لام وفتح میم ثانی وسکون حاء مہملہ وضم راء مہملہ وسکون واو م حلتیت تمنیق الدال
المہملہ صمغ القتاد بفتح قاف ومثلثہ والف ہ کتیرا صمغ عسفید بفتح اول
وسکون ثانی وکسر غین معجمہ وفتح سین مہملہ وکسر فا با تحتانی مجہول ھ گوند درخت
کرہری تمنیق الراء المہملہ صمغ الصنوبر بفتح صاد مہملہ مشدد ثانی ونون وفتح
موحدہ ص راتینج صمغ الکنگر بسکون لام وفتح کاف وسکون نون وفتح کاف فارسی
ل بیخ وارشیشعان ودرے کردن جوزے الف تمنیق الزاء المہملہ صمغ اللوز ع
بفتح لام مشدد وسکون واو م صمغ بادام خ سفید یا خوداز درخت جوان ل صمغ عربی

و کثیرا تمغیق الصاد المهملة صمغ الاجاص بسکون لام و کسر همزه و با جیم مشدد
والف م صمغ آلو ق مفتت مدل خ ماخوذ از درخت کهن تمغیق الطاء المهمله
صمغ البلاط بکسر موحده با لام والف ف از سنگ ساخته و آن چیزی ست که از
رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهم رسد و نام مرکبی ست که از صبر و مُر
و خون سیاوشان و علک و انزروت و صمغ عربی از هر یک جزوی و اصل مرجان و
زاج از هر یک نیم جزو کوفته بیخته با آب صمغ عربی بسرشند و بر دیوارچی زنند و رها کنند
تا خشک شود و هر چند کهنه شود نیکو بود تمغیق الغین المعجمة صمغ ع بفتح اول
و سکون ثانی و غین معجمه صموغ جمع و ی ف از دو در مثلم ه گویند طری گویند مع
ق مغری قابض و حابس خ عربی شفاف سفید صاف بی چوب زود گداز نده در
آب تمغیق الفاء صمغ الحرشف بسکون لام و فتح حاء مهمله و سکون راء مهمله و فتح شین
معجمه م کنگری تمغیق المیم صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله
میم ثانی مسقط ح ی ۲ ش یک درم ص سفرجل و کثیرای ال کثیرا تمغیق النون
صمغ الزیتون بفتح زاء معجمه مشدده و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واو ه
اسطرک ل عصاره ط ز اسیت یا شونیز تمغیق التحتانی صمغ الیجوز الرومی ع بسکون
لام و فتح جیم و سکون واو و کسر زاء معجمه و ضم راء مهمله مشدده و سکون واو و کسر میم
و سکون تحتانی ف کهربا صمغ الکمثری بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدده و سکون
مثلثه و فتح راء مهمله و الف مقصوره ف صمغ درخت امرود خ از درخت کهن ش
دو مثقال صمغ عرب بکسر غین معجمه و فتح عین مهمله و راء مهمله و کسر موحده ه گوید
درخت کیکر ط مع گویند ح گویند ب ی ش دو مثقال ص کتیرا و شراب صندل
و گلاب صمغ بادام و حب الآس تنسیق النون و تمغیق الراء المهمله
صندل ا م ش ع بفتح اول و سکون نون و فتح دال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون

را مهمله و فتح میم و سکون را مهمله ف صندل سرخ ه رکت چندن ط ب ی ۲ گویند

سمل فوفل صنوبر صغار ع بفتح اول و ثانی و سکون واو و فتح موحده و کسر را مهمله و صاد

مهمله ثانی با غین معجمه و الف ه درخت چیڑه ط مع ح گویند ح ۲ ی گویند ل زفت

صنوبر کبار ع بکسر کاف با موحده و الف ف درخت چلغوزه ط ح ا س ۲ ق سمن خ

تازه سبز برگ سفید ش پانزده عدد ص جوارش سفرجل ل دو وزن او خشخاش

تنمیق الصاد المعجمة صندل ابیض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله

و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمه ف صندل سفید

ه چندن ط ب ی ۲ گویند ۳ گویند س ا ق مقوی دل خ مقاصری ش نیم مثقال ص

جلاب شکر طبرزد ل اشنه یا فوفل تنمیق الواو و تنمیق الضاد المعجمة صوف

الارض بضم اول و سکون واو و ضم فا و سکون لام و فتح همزه و سکون را مهمله و

ضاد معجمه ف [illegible] اسیون تنمیق الفاء صوف ع بضم اول و سکون ثانی و فا ف پشم ط

ح ی ۲ ق مسخن مجفف اکال ل شعر تنمیق الهاء صوطلیه بضم اول و سکون ثانی

و فتح طا مهمله و لام و خفا با ف نوعی از عقعق [illegible] تنمیق الضاد المعجمة و تنسیق

الالف و تنمیق اللام ضال ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار تنمیق النون ضمان

ع بضاد معجمه و الف و نون ف [illegible] ه بهیدی تنسیق الباء الموحدة و تنمیق الالف

ضبعه عرجاء بفتح اول موحده و عین مهمله و همزه لعینه و فتح عین مهمله ثانی و سکون را

مهمله با جیم و الف ف کفتار ط گوشت او ح ی ۲ تنمیق الموحدة ضب ع بفتح

اول و سکون موحده ف بچه سوسمار که اول سے زاید او را حل سے گویند و بعد

از ان غیدان خوانند و بعد از ان سطیخ و بعد از ان حصرم و چون بتمامی رسد ضب

گویند ط ح ی ق شکل او مجلے خ متوسط ص حصرم تنمیق الراء المهملة ضبر

بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله م درخت جز [illegible] تنسیق الراء المهملة و تنمیق الموحدة

ضرب بفتح اول وراء مهمله وسکون موحده م عسل وگویند جانور خارپشت
تنمیق الزاء المعجمه ضرس العجوز ع بکسر اول وسکون ثانی وضم سین مهمله و
سکون لام وفتح عین مهمله وضم میم وسکون واو وزاء معجمه ف خسک تنمیق
العین المهمله ضرع ع بفتح اول وسکون ثانی وعین مهمله ف پستان غیر
انسان ه چوچی ط ب ی خ ماخوذ از حیوان که گوشتش نیکو بود ودر وشیر بسیار
بود ضریع ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی نباتی ست دریائی که بر ساحل
دریا باشد ط ح ی تنمیق المیم ضرم م بفتح اول وسکون ثانی ومیم م اسطوخودوس
تنمیق الواو ضو بفتح اول وثانی وواو مجهول م نوعی از حبة الخضرا ط ح ی ۳
گویند ۲ گویند ح راق مخفف خ شیر تازه ص سفرجل تنمیق الهاء ضروع الکلب
ع بینی بضم اول وثانی وسکون واو وضم عین مهمله وسکون لام وفتح کاف وسکون
لام ثانی وفتح موحده وخفا ف ریاف درخت زقوم تنسیق الغین المعجمة وتنمیق
السین المهملة ضغابیس ع بفتح اول با غین معجمه والف وکسر موحده وسکون
تحتانی وسین مهمله جمع ضغبوس ست ف خیارزه ه ککری ضغبوس ع بضم اول
وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو ف خیارزه وگویند خربزه نارسیده تنسیق
الفاء وتنمیق العین المهملة ضفدع ع بفتح اول وسکون فا وفتح دال مهمله و
سکون عین مهمله ف غوک دوبک ه مینڈک ووزاد تنمیق النون ضفائر الجن
ع بفتح اول وثانی والف وکسر تحتانی وضم راء مهمله وسکون لام وکسر جیم ف
پرسیاوشان تنسیق الواو وتنمیق الراء المهملة ضومر ع بفتح اول وسکون
ثانی وفتح میم وسکون راء مهمله م بادروج تنمیق النون ضومران ع بفتح اول و
سکون ثانی وضم میم وراء مهمله والف ونون ف سپید مشک وگویند ریحان ل
بدم یا ملخ تنسیق الیاء التحتانی وتنمیق النون ضیمران ع بفتح اول وسکون

تحتانی وضم میم با را مهمله والف ونون م ریحان تری قسم الطاء المهملة و
تنسیق الالف وتنمیق الراء المهملة طالیسفر بطا مهمله والف وکسر
لام وسکون تحتانی وسین مهمله وفتح فا وسکون را مهمله ف پوست بیخ زیتون
هندی وآن تشو هندی ست طامع گویند ۳ ق قابض شربتش مثقال ص
عسل یا رب السوس ل سنبل الطیب ونیم وزن سازج یا مقل وابهل مساوی یا
چهار دانگ وزن آن کمون ونیم وزن ابهل یا بوزن او عذبه ونیم وزن بسباسه
تنمیق السین المهملة طاوس ع بضم همزه وسکون واو ه مور ط گوشت وح سا
تنمیق الکاف طالی ننک ف بفتح خا معجمه ف ار درخت نیم ه نبولی تنمیق المیم
طالم بفتح لام ف نخ زر وتنمیق النون طالقون بکسر لام وضم قاف وسکون
واو ف نوعی ست صنوبری که مدبر کرده باشند تو بال نحاسی که در کمیرگاه خیسانیده
باشند تنمیق الهاء طارطلفه یونانی بسکون را مهمله وکسر طا مهمله ثانی وفتح فات
م حب الملوک طاریقه یونانی بکسر را مهمله وسکون تحتانی وفتح قاف م بید
تنسیق الباء الموحدة وتنمیق الالف طبقا بفتح اول وسکون موحده با قاف
والف م خندروس تنمیق الخاء المعجمة طبیخ ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وخاء معجمه ف خربزه وادویه که بآب بجوشانند وبپزند تنمیق الدال المهملة طبرزد
بفتح اول وکسر ثانی وسکون را مهمله وفتح زا معجمه معرب تبرزد ست یعنی نبات مصری
از جنس اول ه ابلوج ونمک سنگ را نیز بدین نام خوانند از جهت سختی وصلبی جرد و
تنمیق الراء المهملة طبار بکسر اول با ثانی والف ف نوعی از انجیر سرخ بزرگ
طباشیر ع بفتح اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی ه بنسلوچن ط ب
ی ۲ گویند ۳ ق قابض مجفف مقوی دل ومعده خ سفید سبک زود خرد شوند
بش دو دانگ ص گلاب وگویند مصطکی وانیسون وگویند رب السوس نیم وزن کافور

یا عصارۂ لحیۃ التیس یا سہ وزن ان مغز خیار زہ و چہار وزن بزرقطونا یا گل مختوم یا
کاغذ مصری سوختہ یا تخم کاسنے یا نیم وزن صندل تنمیق القاف طقاق بکسر و
ضم اول باثانی والف وقاف م عافث تنمیق التحتانی طیع ع بفتح اول وکسر ثانی
وتحتانی مجہول ف پستان تنسیق الثاء المثلثۃ ﴿ وتنمیق الجیم طثرج بفتح
اول وسکون مثلثہ وفتح را مہملہ ف مورچہ کوچک ھ چیونٹی تنسیق الحاء المہملۃ
وتنمیق الالف طحمار وے بفتح اول وسکون حا مہملہ با میم م شوکران تنمیق الموحدۃ
طحلب ع بضم اول وسکون ثانی وضم وفتح لام ف جامہ خواب بک و سبز ھ سوال
کہ در آبہا روید طب ۲ س ۲ ق رادع خ آنچہ در آبہائے شیرین روید ص ماء الرجان
ل حی العالم تنمیق اللام طحال ع بکسر اول با ثانی والف ف سپرز ھ تلی طح
ی گویند ب خ ماخوذ از حیوان جوان فربہ ص روغن ومر کبر تنمیق الہاء طحینہ ع بفتح
اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح نون ف ارد تنسیق الخاء المعجمۃ ﴿
وتنمیق النون طخشیقون روے بفتح اول وسکون خا معجمہ وکسر شین معجمہ
وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ف دوائی ست کہ اہل ارمن بیکان را بوے
زہر آلود کنند تنسیق الراء المہملۃ وتنمیق الالف طرفاء بفتح اول وسکون
را مہملہ با فا والف ف درخت گز ھ جہاؤ وطب ہی گویند مع ح ب ق قابض مجفف
خ آنچہ از آب دورتر باشد ش پنجدہم ص روغن بادام یا عسل ل مذبہ یا جلنار
تنمیق المثلثہ طرآثیث ع بفتح اول وثانی والف وکسر مثلثہ اول وسکون تحتانی
ف اہل شیرین طاب ی ۳ ق قابض خ سفید ش یک مثقال ص کتیرا ل
نیم وزن پوست مرغ سوختہ وشستہ ودانگ وزن آن عفص ودہ یک آن صمغ عربی
یا جلنار یا جفت بلوط طرثوث بضم اول وسکون ثانی وضم مثلثہ وسکون واو م درخت
اشق وگویند اشترغار تنمیق الجیم طرسیوج بفتح اول وثانی وسکون سین مہملہ وضم تحتانی

وسکون واو ف ماهی دریائی تمیق الخاء المعجمه طرخیج بفتح اول وکسر ثانی وسکون
تحتانی وخاء معجمه ف نوعی از ماهی کوچک م شاه ماهی ط ح ی ق مقطع خ تازه ص
روغن وسرکه ل ماهی نیک تمیق السین المهمله طرنجومانس یونانی بفتح اول وثانی
وسکون نون وضم جیم وسکون واو با میم والف وکسر نون ثانی ف پرسیاوشان
تمیق الشین المعجمه طراغوریغالیش یونانی بفتح اول وثانی والف وضم غین معجمه
وسکون واو وکسر راء مهمله وسکون تحتانی با غین معجمه ثانی والف ثانی وکسر تحتانی ثانی
ف پودنه کوهی تمیق القاف طرخشقوق بفتح اول وسکون ثانی وفتح خاء معجمه و
سکون شین معجمه وضم قاف اول وسکون واو ف کاسنی بری ط ب ی ق
مفتح ش یک مثقال ص سکنجبین ل مدر تمیق النون طرماطیقون یونانی
بفتح اول وسکون ثانی وفتح حاء مهمله یا خاء معجمه با میم والف وکسر طاء مهمله ثانی وسکون تحتانی
وضم قاف وسکون واو و نون ف نوعی از سرمه یا داروی چشم طرخون ع بفتح اول
وسکون ثانی وضم خاء معجمه وسکون واو م طرخونی ف عاقرقرحا بستانی ط ح ی ۲ ق مخدر
خ تازه بستانی ص کرفس ل در تخدیر فم خل طردیلیون ر دمی بفتح اول وسکون ثانی
وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وضم لام وسکون واو م سیالیوس طرنجبین بفتح اول
وثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی ف ترانگبین طرنوذقون یونانی
بضم اول وثانی وسکون واو وضم هر دو قاف وسکون هر دو واو م زعرور طرو قون
یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وضم قاف وسکون واو ثانی ف بستان افروز
طریغان یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی با غین معجمه والف ف تخم معصفر بری
بشیرازی انگر نیز گویند طرفیلن بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فاء وضم
لام ف اسم مشترک است بر چند قوقی و بر نبات خصی الثعلب ... کوئی ح ی
طریقون یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو ف بوتیمار

تنمیق الهاء طربلیه بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی وفتح لام و
خفاء هام طرفیلن تنسیق الفاء وتنمیق اللام طلفشیل م بکسر اول وسکون فا وکسر شین
معجمه وسکون تحتانی ف عدس مقشر که با سرکه پخته باشند تنسیق اللام وتنمیق الالف
طلاء بکسر اول بالام والف ف خمر کهن وتیز نشئه زرد دار و که آب رقیق ساخته
بماند طلا. طلیسیا بفتح اول وکسر لام وسکون تحتانی با سین مهمله والف ف نوعی از صدف
کوچک تنمیق الحاء المهملة طلح ع بفتح اول وسکون ثانی م موز ه کیلا تنمیق
العین المهملة طلع ع بفتح اول وسکون ثانی ف اول میوه خرما که بهار خرما گویند
طب ای ۲ ق مجفف ممسک ص تمر وعسل ل کثیری تنمیق القاف طلق ع بفتح
اول وسکون ثانی م کوکب الارض ه ابهرک وبهوڈل طب ای ۲ ق قابض خ بیان
یک براق ص روغن وآب گرم ل طین قیمولیا تنسیق المیم وتنمیق الالف طمرا
رومی بفتح اول وسکون میم با راء مهمله والف ف بیدانجیر تنمیق المیم طمطم ع بکسر
هر دو طاء مهمله وسکون هر دو میم م سماق ه تن ٹریک تنسیق وتنمیق الموحدة
طوب ع بضم اول وسکون واو ۂ لغت اهل مصر خشت پخته تنمیق الطاء المهملة
طوطع بضم اول وسکون ثانی وطاء مهمله ثانی ف نبه تنمیق النون طوطاق اغریون
یونانی بضم اول وسکون ثانی با طاء مهمله ثانی والف وقاف وفتح همزه وسکون
غین معجمه وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی ع سلق جبلی م طلیو طولیدون
رومی بضم اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون
واو ثانی م عنب الثعلب تنمیق الهاء طواره یونانی بفتح اول وثانی والف وفتح
راء مهمله وخفاء ها ف بشپ ه بس تنسیق الهاء وتنمیق الفاء طهف بفتح اول
وسکون ها وفا ف ذرت یا طعامی است که از ذرت سازند تنسیق الیاء التحتانی
وتنمیق الالف طیا یونانی بفتح اول با تحتانی والف ف نوشادر طین قیمولیا بکسر

اول وسکون ثانی وکسر نون وفتح قاف وسکون تحتانی ثانی وضم میم وسکون واو
وکسر لام با تحتانی ثالث ف سنگ رخام طین مصری تمیق الموحدة کاطیب العرب
ع بکسر اول وسکون ثانی وضم صاد وسکون لام وفتح عین مهمله
و را مهمله وسکون موحده م اوخر تمیق الفوقانی طین الحکمت ع بکسر
اول وسکون تحتانی وضم نون وسکون لام وکسر حا مهمله وسکون کاف وفتح
میم وسکون فوقانی ف گل حکمت وآن مرکبے ست تمیق المثلثة طینوث
ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ومثلثه ف ع وسک ومزه دور
حیوانے ست سرخ که بروی نقطها ی سیاه بود واز ذراریح خوردتر و اکثر بر خوشه انگور
بود ذراریح یا کرم سبز درخت صنوبر تمیق الجیم طیهوج بکسر اول وسکون ثانی
وضم ها وسکون واو وجیم ف تیتوه پود ناطم ع خ فربهی که در فصل خریف گیرند
تمیق الراء المهملة طین احمر ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وفتح همزه و
سکون حاء مهمله وفتح میم وسکون راء مهمله ف گل سرخ که آن را مغره نیز گویند هه گیرو
طین اخضر ع بفتح همزه وسکون خاء معجمه وفتح ضاد معجمه ف نیل طین اصفر ع بفتح همزه
وسکون صاد مهمله وفتح فا م طین الضم زرد تیره رنگ که هندوان در تشفه بکار برند
هه پیوڑی تمیق السین المهملة طین شاموس شین معجمه والف وضم میم وسکون
واو وسین مهمله م کوکب ساموس وآن قائم مقام گل مختوم است ط مع ح ب
تمیق المیم طین مختوم ع بفتح میم وسکون خاء معجمه وضم فوقانی وسکون واو ف
گل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت املس ط مع ح ب ق قابض ومفرح
ومقوی دل وحابس خون ومدمل ش ودر سم ل و تریاق بدل ندارد و در
قبض خون مغره یا طین ارمنی که بخون بزکوهی سرشته باشند تمیق النون
طیلطان مصریانی بکسر اول وسکون ثانی با طاء مهمله تلفے والف ف گندنا صحرائی

طیلانیون یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام والف وفتح فا وضم تحتانی ثانی وسکون واو ف نوعی از حی العالم طین ع بکسر اول وسکون ثانی ف گل هـ مٹی ط مجموع کلهاب ی ق معفف ش یک درم ص هند بال از بعضے بعضے

تنمیق التحتانی طیقے رومے بکسر اول وسکون تحتانی وکسر قاف وسکون تحتانی ثانی م واوے طین ارمنی بفتح همزه وسکون را مهمله وفتح میم وکسر نون ثانی ف گل ارمنی گل ست تیره رنگ طب ی خ در مے که بی رمل وبعد از

سخن چون بر زبان نهند بچسپد ص گلاب ل طین لاکے طین فارسی بفا والف وسکون را وکسر سین مهمله ف گل سر شوی طب ی خ مائل ببرخی ش دو مثقال

طین قبرسی بضم قاف وسکون موحده وفتح را مهمله وکسر سین مهمله گلے ست سرخ گلگون که چون در دست بمالند سرخی او در دست بماند وچون بشکنند

در اندرون وے رگها زرد بود چون بر زبان نهند بغایت بچسپد ل طین مختوم طین نیشاپوری بکسر نون وسکون تحتانی با شین معجمه والف وضم موحده وسکون واو وکسر را مهمله گل ماکول وگل خراسانے وآن را خام و بریان کرده بخورند وبدان تنقل نمایند ش یک درم تا دو مثقال ترقیم الظاء المعجمة

وتنسیق الباء الموحدة وتنمیق التحتانی ظبے ع بفتح اول وسکون موحده وتحتانی مجهول ف آهو هـ هرن ومرگ تنسیق الفاء وتنمیق الالف ظفر

بفتح ظاء معجمه وسکون فا با را مهمله والف ف بوونه بری تنمیق الراء المعجمة طفیرة العجوز ع بفتح اول وکسر ثانے وسکون تحتانے وفتح را مهمله وضم فوقانے وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو ف خار خسک

تنمیق الهاء طفیره بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح را مهمله وخفا رها ف بوونه برے تنسیق اللام وتنمیق الفاء ظلف ع بکسر اول وسکون لام

و قاف سیم ه لمر ط ب ی ۲ ق مجفف خ سخت ص زبدل شاخ تمیق المیم طلیم بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانیه م ف ذکر نعام تنسیق الیاء التحتانی و تمیق النون
طلیان ع بفتح اول و تحتانی و الف و نون ف یاسمین بری که گل کوچک دارد
ه جائی جوے ط ح ی ۴ ق محرق کاوسے ص روغن گل ل وفلی و عنصل
ترقیم العین المهملة وتنسیق وتمیق الالف عاقرقرحا بعین مهمله و
الف و کسر قاف و سکون را مهمله و فتح شین معجمه و سکون میم با عین مهمله
ثانی و الف م شنکار عاقرقرحا ع بفتح هر دو قاف و سکون هر دو را مهمله با حاء
مهمله ه اکرکرا ط ح ی ۳ ق محلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان فربه
غلیظ و بعد از شکستن درونش سفید با شادش و دو دانگ گویند دو درم تا
سه درم ص مویزج بارب السوس ل در غرغره فونج در مرضهار معده
راسن بادار فلفل و عسل ز گویند ش طرح تمیق الجیم عاج ع بسکون جیم ف
دندان فیل ه هاتهی دانت ط ب ی ق مجفف خ سفید پاک ش نیم درم
از نشاره او ص رب الصنوبر ل نشاخ بر تمیق اللام عاقول بضم قاف
و سکون واو و لام ف درخت ساج ه سال تنسیق و تمیق الباء الموحدة
عبب بفتح اول و موحده و سکون موحده ثانی ف کچو مو عبعب بفتح و سکون
ثانی و فتح عین مهمله ثانی م تمر کاکنج ف کچو مو تمیق الراء المهملة عبهر ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح ها و سکون را مهمله ف نرگس عبیر بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی م زعفران تمیق الطاء المهملة عبیط ع بفتح اول و کسر ثانی
و سکون تحتانی و طاء مهمله ف پسته تنسیق التاء الفوقانی و تمیق المیم عتم
بضم اول و سکون فوقانی و میم ف زیتون کوہی ط خ ی ا تنسیق الجیم
و تمیق الموحدة عجب بفتح اول و سکون جیم م حب النیل عجم الزبیب ع به فتح

ول و ثانی و ضم میم و فتح زاء معجمه مشدده و کسر موحده اول و سکون تحتانی م
دانه موزیه ه دالکمه کے کیچ ط ب ی ۲ تنمیق الدال المهملة عجالد و عجلدبه فتح
اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون دال مهمله در لغت اول و ضم اول و سکون
ثانی و فتح لام در لغت ثانی فشیر حزات شده تنسیق الدال المهملة و تنمیق
لالف عدرنا سه پانے بفتح اول و ثانے و سکون راء مهمله با نون و الف م کندش
عدس الماء بفتح اول و ثانی و ضم سین مهمله و سکون لام با میم و الف ممدود و فتح
سبز بست مانند دانه عدس که بر روئے آب شل رنگ پیدا مے شود تنمیق الراء
المهملة عدس مر بفتح اول و ثانی و کسر سین مهمله و ضم میم و سکون راء مهمله
ثنگ تلخ ل یم وزن دانه حنظل و دو وزن عدس یا فونج جولی تنمیق السین
المهمله عدس ع بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله بنو سرخ ه مسوط مع
۲ ب ی ۲ پوست او ۱۲ و مقشر ۲ گویند ای ۳ ق تا بض انفاخ خ سپید بهین کہ
زود پخته شود و در آب سیاه نشود ص را زیانه و مصلح ل ماش یا باقلی تنسیق
الذال المعجمة و تنمیق الهاء عذبه ع بفتح اول و سکون ذال معجمه و فتح موحده و
ها. نام جزنانج و ثمرة الطرفا ه چهوئی مائین تنسیق الراء المهملة و تنمیق
الالف عرطنیثا بفتح اول و سکون راء مهمله و فتح طاء مهمله و کسر نون و سکون
تحتانی با شناته و الف ت چوبک اشنان ل زراوند طویل یا فونج یا دانه اترج عروق
حمراء بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر قاف و ضم حاء مهمله و سکون میم با راء
مهمله ثانے م فوه در دناس ه مجیٹه تنمیق الواو عرطب بفتح اول و سکون
ثانے و فتح طاء مهمله و سکون موحده م خساک تنمیق الراء المهملة عرعر به فتح
اول و ثانے و الف و راء مهمله ثانے م ابو نه عرعر بفتح سرو عین مهمله و سکون
راء و راء مهمله ف سرو کوہی و درخت وہل ط ۳۲ ی اق ملطف خ سرخ

شش نیم مثقال ص بلوط و جوز السرو عرق الکافور ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم
قاف و سکون لام با کاف و الف و ضم فا و سکون واو ف زرنباد عروق الشجر
بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم قاف و فتح شین معجمه مشدده و جیم م کندر
و گویند عرق الصباغین عروق الصفر ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم
قاف و کسر صاد مهمله مشدده و سکون فا دو نوع است بزرگ او زردچوبه و
خورد وی مامیران ف وار زردو زردچوبه هر بلد طاح ی ۳ گویند ۲ ق محلل ملطف
مدر خ سخت شکننده ش نیم درم ص ترص کافور ل نیم وزن مامیران یا نیم وزن
عاقرقرحا تمیق السین المهملة عرق یا بس ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف
با تحتانی و الف و کسر موحده و سکون سین مهمله ف زنگباری تمیق الضاد المعجمة
عرمض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم ف زنگ و سبزی که بر آب بهم رسد
عروق ابیض ع بضم اول و سکون ثانی واو و کسر قاف و فتح همزه و سکون
موحده و فتح تحتانی م لوزیدان تمیق الفاء عصف بفتح اول و سکون
ثانی و فتح صاد مهمله و سکون فا م کمافیطوس ف ماش دارو عرق نجد
بضم اول و ثانی ع قصب نی عروق الاصفر ع بضم اول و ثانی و سکون
واو و ضم قاف و سکون لام و مد همزه و فتح صاد مهمله ف پوست بیخ کبر ط
ح ی خ بارک ش نیم مثقال ص عسل ل دراد و یه سیر چهار دانگ وزن
آن حلتیت یا سکنجبین تمیق القاف عروق ع بضم اول و ثانی و سکون
واو ف بنجها تمیق الکاف عروسک ع بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح
سین مهمله کرم بیر بهوتی تمیق المیم عصم بینه بکسر اول و سکون ثانی و
کسر صاد مهمله ف بادنجان عروق داهیرم بدال مهمله و الف و سکون را مهمله
و کسر ها و فتح را مهمله ثانی ف بیخ مهک عوم بضم اول و سکون ثانی

ف نوعی از تابع تمیق النون عرن بفتح اول وثانی ف چیزی ست که
زیاده میشود وظاهر میگردد نزدیک زانو و سم اسپ ع عظم شبیق ھ گھوڑے
کا پر عروق الصباغین ع بضم اول وثانی وسکون واو وضم قاف وفتح
صاد مهمله با موحده مشدده والف وکسر غین معجمه وسکون تحتانی ف زرد چوبه
تمیق الهاء ع وسک در پرده ف بضم اول وثانی وسکون واو وفتح
سین مهمله وکسر کاف وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله ثانی وفتح موحده فارسی
وسکون راء مهمله ثالث وفتح دال مهمله ثانی وخفاء هاء م کانج تمیق التحتانی
ع فج بری بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا وکسر جیم وفتح موحده وکسر راء مهمله
مشدده وسکون تحتانی م سافج تنسیق الزاء المعجمه وتمیق الراء المهمله
عزیز الصغیر وکبیر بضم اول وفتح زاء معجمه وسکون تحتانی وضم راء مهمله وفتح
صاد مهمله مشدده وکسر غین معجمه وسکون تحتانی ثانی وکسر راء مهمله وفتح واو و
کاف وکسر باء موحده وسکون تحتانی ثالث م قنطوریون دقیق وغلیظ
تنسیق السین المهمله وتمیق الدال المهمله عسل القصب والطبرزد بفتح
اول وسین مهمله وضم لام وسکون لام ثانی وفتح قاف وصاد مهمله وکسر
موحده وفتح واو وطاء مهمله وموحده ثانی وسکون راء مهمله وفتح زاء معجمه
وسکون دال مهمله م شیره نیشکر وشیره نبات ھ رس طح راعسل داؤد بکسر
لام با دال مهمله والف وضم همزه وسکون واو و او ثانی تمیق اللام عسل النحل
ع بفتح اول وثانی وضم لام وفتح نون مشدد وسکون حاء مهمله م شهد
ھ مهو و مدطح ی ۲ ق مدل ببحلے او ساخ ح صادق الحلاوه خوشبوی سپید
سرخی مائل بسبیع بعد از آن صیفی نش بزو اوقیه و در معجون ۲ و برابر ادویه تا سه
برابر ص انار و ربوب فواکه و حماض اترج و خل ل سکنجبین شیرین تمیق التحتانی

۲۳۵

عسل لبنی ع بفتح لام تانی و موحده و کسر نون م میعه سائلة تنسیق الشین المعجمة
و تنمیق الراء المهملة عشر بضم اول و سکون شین معجمه و راء مهمله از تیوعات ست
ه درخت الکه ط ح ی ۳ ق محرق ش از شکر او دو درم ص نشستن در آب سرد
ل شبرم تنمیق القاف عشرق بکسر اول و ثانی و سکون راء مهمله ف مرده سنگ
تنمیق الهاء عشقه بکسر اول و ثانی و فتح قاف ف نوعے از لبلاب تنسیق الصاد
المهملة و تنمیق الالف عصارة مامیثاء بضم اول با صاد مهمله و الف و فتح
راء مهمله و همزه ملینه یا با میم و الف و کسر میم ثانی و سکون تحتانی با مثلثه و الف
ثالث م سیاف مامیثا ط ب ی اخ زرد سبک ل حضض یا پوشش در سندی
تنمیق الموحدة عصاب بضم اول با ثانی و الف و موحده م شیطرج عصب
ع بفتح اول و ثانی ف پے م نش تنمیق الفوقانی عصارة غافت بضم اول
با ثانی و الف و فتح راء مهمله و همزه ملینه یا با غین معجمه و الف و سکون فا و فوقانی
ف فشرده غافت تنمیق المثلثة عصارة طراثیث بهمزه ملینه یا و فتح طاء
مهمله و راء مهمله و الف و کسر مثلثه و سکون تحتانی و مثلثه ثانی ف فشرده لیل
عصاره قرط تنمیق الجیم عصارة البنج بضم فوقانی و سکون لام و فتح با موحده
و سکون نون ف افشرده بزر البنج ل عصاره عوسج تنمیق الدال المهملة عصارة
خشخاش اسود بهمزه ملینه یا و فتح هر دو خاء معجمه و سکون شین معجمه اول و کسر ثانی
و فتح همزه و سکون سین مهمله و فتح واو با دال مهمله ف افیون تنمیق الراء المهملة
عصفر ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون راء مهمله ف خس و خسک ط ح
ی ۲ ق محلل خ سرخ ن ص روغن بنفشه ل زهرة الملح یا آرد سفر حل عصفور
ع بضم اول و سکون ثانی و ضم فا و سکون واو ف کنجشک ه خانگی چڑے و
بلیری ط ح ی ۳ خ فربه صیدے تنمیق الزاء المعجمة عصارة شجرة الجوز

بفتح شین معجمه و جیم و راء مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح جیم ثانی و سکون واو ف افشرده درخت گردگان ل مرزنجوش تمنیو السین المهملة عصارة السوس بضم فوقانی و سین مهمله مشدد و سکون واو و سین مهمله ثانی م رب السوس ف بشیرازی آب خشک شده بهک طرع ۲ د عصارة انبرباریس بفتح همزه و سکون نون و فتح موحده و سکون راء مهمله و موحده با الف و کسر راء مهمله ثانی و سکون تحتانی ف افشرده زرشک ل دو وزن آن زرشک منقی عصارة لحية التيس بکسر لام و سکون حاء مهمله و فتح تحتانی و ضم فوقانی و فتح فوقانی مشدد ثانی و سکون تحتانی ثانی ف افشرده درخت سرس خ تازه ل اقاقیا تمنیو الظاء المعجمة عصارة القرظ بسکون لام و کسر قاف و سکون راء مهمله م اقاقیا تمنیق اللام عصارة المثل بسکون لام و کسر میم و سکون مثلثه و لام ثانی م رب السوس تمنیو النون عصارة افسنتین بفتح همزه و سکون فاء و فتح سین مهمله و سکون نون و کسر فوقانی و سکون تحتانی و نون ثانی ف افشرده افسنتین ص ریوندل سه وزن آن از ورق آن عصارة شقائق النعمان بفتح شین معجمه و قاف با الف و کسر تحتانی و ضم قاف ثانی و فتح نون مشدد و سکون عین مهمله با میم و الف ثانی ف افشرده الال عصارة بخور مریم تمنیو الهاء عصبية بضم و فتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و خفاء هام ریحان سلیمان و گویند لبلاب عصفیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء و سکون تحتانی و فتح راء مهمله ف خیری زرد تمنیو التحتانی عصى الراعی بفتح اول و ثانی و الف مقصوره و راء مهمله مشدده و الف و کسر عین مهمله ف کته هر لال ساگ طب ۲ ی ۳ گویند سرخ بستانی سرخ مائل بسیاهی ص صندل ل عنب الثعلب تلبسیق الضاد المعجمة و تمنیو الفوقانی عصات بکسر اول و ضاد معجمه و الف و فوقانی

ف هر وقتیکه خارناک بود بدین نام خوانند تنمیق للسین المهملة عَضْرَس ع بفتح اول
وسکون ثانی وکسر را مهمله وسکون سین مهمله ف تخطے تنمیق اللام عضل ع بفتح اول وثانی
م عضله ف شکک وماهیک تنمیق الهاء عضایه بفتح اول وثانی والف وفتح
تحتانی م ضب تنسیق الطاء المهملة وتنمیق الموحدة عطب ع بضم اول
وطاء مهمله ف پنبه تنمیق الدال المهملة عطارد بضم اول با ثانی والف وکسر را
مهمله م سنبل تنمیق اللام عطلق بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف بشیک
تنسیق الظاء المعجمة وتنمیق المیم عظلم بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام ف
درخت نیل عظم ع بفتح اول وسکون ثانی ف استخوان [illegible]
تجفف ... سخت کاواک ص بزرگ طونال صدف تنمیق الهاء عضایه بفتح اول با
والف وفتح تحتانی ف حیوانی ست سام ابرص آسا گوشزا ورا ورا وذکرست ورا وه
اورا وفتح تنسیق الفاء وتنمیق الصاد المهملة عفص ع بفتح اول وسکون فاء
صاد مهمله ف مازو هر با جبل ... گویند ... گویند ... قابض ... عالیس ذولی
... سبز ... سوراخ ... یک ... درم ... عنو ... حفت بلا ط وثده القطا او
... وحب الآس ... شور الرمان وبلیلج اصفر ودو ... همه ... یکدیگر اند ... طبیعت
... العقد ... عقاب ع بضم اول بقاف والف ... وحده ف
... عطاس ... عقرب ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح را مهمله کژدم ه
... طب ... شکننده ... مثانه ... ضعیف ... اغراض ماده باشد ...
وسطبرش ازسوخته او یک دانگ ... دوا ... جهت ... خون ...
عقید العنب ع بفتح اول وکسر قاف وسکون تحتانی وضم دال مهمله وسکون لام
وکسر عین مهمله وفتح نون ... وشاب انگور تنمیق الراء المهملة عقار ع بضم
اول با ثانی والف ف شراب ع خمر تنمیق القاف عقعق ع بفتح عینین وسکون

تا فذ یعنی قانجہ ھ مہو کا طرح ہی اعقیق ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
ف سنگ مشہور رطب ہی اق مجفف خ مینے بسیار سرخ شفاف مش نیمدرم ص
تخم کدول کہربا تمنیق المیم عقار آدم بضم اول با ثانی وکسر راء مہملہ و مد ہمزہ
وفتح دال مہملہ ع سغات تمنیق النون عقار کوہان روے بضم اول با ثانی و
الف وکسر راء مہملہ وضم کاف و واو مجہول با ہا و الف ثانی م عاقر قرحا عقربان
بفتح اول وسکون ثانی و فتح راء مہملہ و موحدہ و الف م اسقولوقندریون
ف سنگے دار و تمنیق التحتانی عقرب بحری بفتح اول وسکون ثانی وفتح
راء مہملہ وکسر موحدہ اول وفتح موحدہ ثانی وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ
ثانی ف گزدم دریائی وآن ماہے است کہ بر سر وے خارے بود کہ بدان
نے زند و بگزد ہد سینگے مچھلے تمنیق الکاف و تمنیق الموحدہ عکوب ع بفتح
اول وضم کاف وسکون واو م کنگر تمنیق الفوقانی عکازتیا ع بفتح اول و ثانی
وضم راء مہملہ و فتح زاء معجمہ مشددہ وسکون تحتانی ف دردی زیت خ کہن
تمنیق الراء المہملۃ عکبر ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحدہ ف موم سیاہ
نحلے لشیرازی برمرد گویند وسخ الکوہہن است مش یک مثقال تا دو مثقال
تمنیق السین المہملۃ عکرس ع بہ فتح اول وسکون ثانی و فتح راء مہملہ م ارنب
تمنیق الکاف عکک ع بفتح اول و ثانی وسکون کاف ثانی م سعد
تمنیق الہاء عکنہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون و خفاء ہا م سورنجان
تمنیق اللام و تمنیق الموحدۃ علیق الکلب ع بضم اول و فتح لام وسکون تحتانی
وضم قاف وسکون لام ثانی و فتح کاف وسکون لام ثالث ف درخت گل
نسعصارہ وسے کہ در آفتاب خشک کنند ل شوکۃ المصریۃ تمنیق المثلثۃ
علت بکسر اول وسکون ثانی ف کاسنے برے تمنیق السین المہملۃ علک البر

بکسر اول وسکون ثانی وکسر کاف با تحتانی والف وکسر موحده م خلفونیا
است وآن نوعی از اشنج است ف زنگباری علوفس بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو وکسر فاء خبازی ه جز تنمیق الطاء المهملة علک الانباط ع
بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف وسکون لام وفتح همزه وسکون نون و
فتح موحده والف ف صمغ بطم سفر صمغ درخت خنجک طح ی ۲ گویند باق
منضج محلل خ رز معتدل القوام بقدر ملحص مضمضه آب طبیخ مورد مل مصطکی
تنمیق القاف علق ع بفتح اول وثانی وسکون قاف ف زالو طب رق جاذب
خون خ آنچه در آب شیرین میباشد ص پاشیدن خاکستر بران عضول خراطین
علیق ع بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی ف ورد توت سگ طب ی
ق قابض خ تر وتازه ش از بیخ او دو درم ص بیخ مهک ل شگوفه آن تنمیق
الکاف علکسع بکسر اول وسکون ثانی ف هر صمغی که توان خائید تنمیق المیم
علقم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون میم م حنظل وگویند قثاء الحمار
و هر چه تلخ بود وآن را علقمه خوانند علک البطم ع بکسر اول وسکون ثانی وضم
کاف وسکون لام ثانی وضم موحده وسکون طاء مهمله م سقز تنمیق التحتانی
علیسی بفتح اول وثانی وکسر سین مهمله ص صبر تر علک بغدادی بفتح موحده
وسکون غین معجمه با دال مهمله والف وکسر دال مهمله ثانی م مصطکی خ سفید
مائل بزردی تنسیق المیم وتنمیق الجیم علمج بفتح اول وسکون میم وفتح لام
وسکون جیم ف نوعی از خربوزه که گوشت او سرخ وسبز او را همچنان با تخم
خورند ص خربوزه رستانی تنمیق الدال المهملة عمزد بفتح اول وسکون میم و
فتح زاء معجمه ف کرفس تنمیق الراء المهملة عمار بفتح اول وثانی مشدد والف
ف مورد تنمیق النون وتنمیق الالف عنقا بفتح اول وسکون ثانی با قاف

والف م سیمرغ تتمیق الموحده عناب ع بضم اول وثانی مشدد والف و
موحده ف جیلان وسیلان ه ولایتی بیرط م گویند ج دا گویند ب اق طین خ
جه جانی تازه کرم ناخورده شیرین ش در مطبوخ پانزده عدد ص شکر ل کشمش
یا مویز منقی یک نیم وزن آن سپستان عنب الثعلب ع بکسر اول وفتح ثانی وضم
موحده وفتح ثلثه مشدده وسکون عین مهمله ثانی مشدده وفتح لام ف
سه ده تریک ه مکوی و بیوتن طب را گویند ۲ گویند ج راق ر ادع خ زرد تازه
ص قند با سل ل سیاه اوران یا لطباط عنب ع بکسر اول وفتح ثانی ف انگور
ط پوست او ب وگوشت او ح رود انه او ب رق مغذی محلل خ سپید
رقیق شیرین ص حلنجبین ل زبیب عندلیب بکسر اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله
وکسر لام وسکون تحتانی ف مرغ هزار داستان تتمیق الفوقانی عنبروت بفتح
اول وسکون ثانی وفتح موحده وضم راء مهمله وسکون واو م خردل ه رائی عنزروت
بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمه وضم راء مهمله وسکون واو م انزروت عنکبوت ع
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم موحده وسکون واو [illegible] ه [illegible]
ط ح ق [illegible] خ آنچه [illegible] سفید [illegible] ص [illegible]
تتمیق الدال المهمله عنجد ع بضم اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون دال
مهمله ف دانه مویز تتمیق الراء المهمله عنبر بفتح اول وسکون ثانی وفتح
موحده وسکون راء مهمله عطری است مشهور ط ح ۲ ی ق مقوی دماغ
و دل خ اشهب حرب سفید سست سبک باش [illegible] صنع عرب یا [illegible] بسیدن
کافور خیار ل دو دانگ وزن آن مشک دو دانگ مرو دانگ زعفران یا بوزن
آن مشک ومرو زعفران عنقر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف مرزنگوش
تتمیق القاف عناق بفتح اول وثانی والف وقاف بزغاله تتمیق اللام عنصل ع

بفتح اول و سکون ثانی و ضم صاد مهمله م اسقیل ف پیاز موش و پیاز دشتی
و کشنده موش ه کاند اهمیق المیو عندم بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
م ابهم عنم بفتح اول و سکون ثانی ف گلنار تمنیق الها عنب الحیه ع بکسر اول و فتح
ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی مشدده و خفاء هاء ف ثمر
هزارچشان و ثمر کبر را نیز گویند تنسیق الواو و تمنیق الموحدة عود الصلیب
ع بضم اول و سکون واو و ضم دال مهمله و فتح صاد مهمله مشدده و کسر لام و سکون
تحتانی م فاوانیا و آنچه بیست که در گردن کودکان آویزند تمنیق الجیم عود الفاووج
بسکون لام با خا و الف و ضم لام ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله ف ننکار
عود الوج ع بسکون لام و فتح واو ف چوب اگر هر یج عوسج ع بفتح اول و سکون
واو و فتح سین مهمله ف نوعی از علیق است و نوعی از دام عیلان است و چون
خشک شود آن را ضریع خوانند ط ب ۲ ق رابع خ بیابانی سبز و ر ص کثیرا
یا مصطگی ل اشنه یا فوفل جهت درمهای گرم یا علیق تمنیق الحاء المهملة عواریه
ع بکسر راء مهمله مشدده و سکون تحتانی اسمی است مشترک بزبان شام فاوانیا و
بزبان مصر ماميران و نام تمشر اصل انبرباریس که آنرا بربری وارغیس خوانند و عود الوج
را نیز بدین اسم خوانند عود القرح ع بسکون لام و فتح قاف و راء مهمله م عاقرقرحا
تمنیق السین المهملة عود العطاس ع بسکون لام و فتح عین مهمله با طاء مهمله مشدده
و الف م کندش هـ چهکنی تمنیق النون عود بلسان ع بکسر دال مهمله و فتح موحده و
لام و سین مهمله و الف و نون ف چوب بلسان ح ی ۳ خ املس اسمر خوشبو
ش نیم مثقال ص کثیرا حب بلسان تمنیق الهاء عود الدرقه ع بفتح دال مهمله
مشدده و سکون راء مهمله و فتح قاف ف بیخ انگدان تمنیق التحتانی عود سندی
بکسر با و سکون نون و کسر دال مهمله ثانی ه آنکه از وی چوده سازند ط ح ی ۲ ق

مفتح سدد مقوی دماغ و دل خ مندلی ش نیمه زیمه تا یک سیم در مرض ورق گل سرخ
ل و شکر بستن صندل زرد و در معاجین و دو دانگ وزن آن وایچینے و دو دانگ
وزن آن زعفران و دو دانگ وزن آن زرارند مدحرج و گویند مصطگی و سنبل
تنسیق الها و تنمیق النون عهن ع بکسر اول و سکون ها و نون ف صوف پشم
تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الموحدة یعسوب ع بفتح اول و سکون تحتانی و ضم سین
مهمله و سکون واو م اذان الفار و بادشاه زنبور و عسل را نیز نام خوانند
عین الدب ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و دال مهمله مشدده م چشم خرس
تنمیق الدال المهملة عین الهدهد ع بسکون لام و ضم هر دو ها و سکون هر دو دال
مهمله اسم نباتے ست باقلیتکه معروف است باذان الفار و سے تنمیق
الراء المهملة عیون البقر ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم نون و سکون
لام و فتح موحده و قاف و سکون را مهمله نزد اهل مغرب و اندلس اجاص ست
و گویند انگور سیاه کلان که صادق الحلاوت نیست تنمیق الطاء المهملة
عیدان البطباط بکسر اول و سکون ثانی و دال و الف و ضم نون و سکون لام
و فتح موحده و سکون طا مهمله و سکون موحده ثانی و الف و طا مهمله ثانی ساکن
ف چوب کسته تنمیق المیم عیثام ع بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه و الف ف
درخت چنار تنمیق النون عیزران یهودے بکسر اول و ثانی مجهول و زا معجمه با
را مهمله و الف م قسمے از زعرور ط ب ی ۲ ق قابض خ انچه بوسے سیب دهد
ص عسل ل سفرجل تنمیق الها عیون الدیکه ع بضم اول و ثانے و سکون واو
ضم نون و کسر دال مهمله مشدد و سکون تحتانی ثانے و فتح کاف و خفا ها ف
چشمک خروس و حبه سرخ همگونگچی در ق ط 7 ی ترقیم الغین المعجمة
و تنسیق و تنمیق الالف غالالوطا یونانی به غین معجمه و الف و لام الف و ضم

لام ثانی و سکون واو با طاء مهمله والف ثانی م باقلی قبطی تنسیق الفوقانی
غافث بسکون فا و فوقانی از کوهستان حوالی شیراز آورند و آن گلیست لاجوردی
رنگ و در اشکال باریک شاخ بدرازی یک گز و گل و شاخ و ورق همه تلخ باشد
چون صبر و آنرا گل خله گویند ط ح ای ۲ گویند ب گویند مع ح ی ق مفتح و مقوی
کبد خ فارسی که از کوهستان حوالی شیراز آرند ش نیم مثقال ص انیسون یا دردی
ل اسارون و نیم وزن سنبل تنسیق الراء المهملة غار بسکون را مهمله مشهور
است بهمین نام ط ح ی ۳ ف محلل ملطف خ ورق او و بری ش نیم مثقال ص
طباشیر ل برگ سبز یا شونیز تنسیق الزاء المعجمة غارز نوعی از مغاث بزرگ چشم
تنسیق الزاء الفارسی غارژ ف مغار تنسیق الشین المعجمة غاش ف خوشه غوره
و خیار که جهت تخم نگاه دارند غاوش ف بضم واو م غاش تنسیق اللام غاسول ع
بضم سین مهمله و سکون واو م اشنان تنسیق النون غاریقون م بکسر را مهمله
سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو ط ح ای ۳ ق محلل و مفتح مقطع مسهل بلغم
و سوداخ سفید زود ریزنده ش از یک دانگ تا دو دانگ و گویند از ثلث درم
تا یک مثقال ص سکنجبین یا مصطکی ل در مسهلات بلغمی و سوداوی تربد دو دانگ
وزن آن افتیمون و ده یک وزن آن خربق سفید یا نیم وزن فرفیون یا نیم وزن
صبر تنسیق الواو غاوشو ف بسکون واو و ضم شین معجمه سکون واو ثانی م غاش
غاو ف گاو تنسیق الهاء غازه ف بفتح زاء معجمه سرخی است که زنان بروی مالند
آن را گلگونه نیز گویند غاغه عمانی بفتح غین معجمه ثانی م نوعی غالیه بکسر لام و فتح تحتانی
مرکب است معطر از مشک و عنبر و کافور و روغن بان هموار به ط ح ۲ ی اق ملین
و مقوی دماغ ش یک مثقال ص کافور ل لادن و روغن بان تنسیق التحتانی
غازی ف بکسر زاء معجمه و سکون تحتانی م جرب رده تنسیق الباء الموحدة

وتمیز الالف غبار الرحاع بضم اول وموحده باالف وضم راء مهمله وکسر راء مهمله
مشدده ثانی با حاء مهمله والف ثانی ف گرد آسیا عبیراع بضم اول وفتح ثانی و
سکون تحتانی با راء مهمله ف شجد طب ی ۲ گویند مع ی مایق فابض خ انچه برگرفت
فربه باشد ص فانیدل بندق تمیز الموحدة الفارسی فتمیز الکاف غبیک
ف بفتح اول وموحده فارسی م گیاه لوح که ازان بوریا بافند تمیز
الدال المهملة وتمیز الواو غدو بفتح اول وضم دال مهمله ف بادنجان تمیز
الراء المهملة وتمیز الالف غرسا بفتح اول وسکون راء مهمله با سین مهمله
والف م راسن تمیز الموحدة غرب ع بفتح اول وثانی م درختیست که انرا
اطار خوانند وبشیرازی ونک گویند واو را خار ها بود وقطران ازو حاصل شود
درخت بزه است ع انجل طب ای ۲ گویند پوست سوخته او وبیخ او ح ۲ ی ۲
فی جفف خ صمغ وی ص جلاب ال صفصاف غربیب بفتح اول وسکون ثانی
وکسر موحده وسکون تحتانی ف نوعی از انگور سیاه تمیز الجیم الفارسی
غرنج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر میم سیاه دانه تمیز الدال المهملة ❀
غرالجلود ع بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام وضم جیم ولام ثانی و
سکون واو ف شیرشیم ط ح ی ۲ غرد ع بکسر اول وسکون ثانی م نوعی از کماة
غرقد بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م نوعی از عوسج تمیز الراء المهملة ❀
غرر بفتح اول وثانی م نوعی از عصی الراعی که معروف است بباده غرم بکسر اول
م نوعی از سما رونع تمیز الشین المعجمة غرانوش ف بفتح اول وسکون ثانی با میم
والف وضم نون وسکون واو م ترخون که بیخ خنب کوهی آن عاقرقرحا ست
غرواشن ف بفتح اول وسکون ثانی با راء و واو والف م زنجبیل شامی ع راسن تمیز
الکاف غر السمک ع بفتح اول وضم ثانی مشدد وفتح سین مهمله ومیم ف سریشیم

ماهی طح ی خ سفید چشن تتمیق المیم غرم ف بالضم اول وثانی م کبش وشتے
دگوسفند ومیش دشتے تتمیق الهاء غره استیه ع بفتح اول وسکون ثانی باما و والف
وفتح شین معجمه وخفاء ہام زنجبیل شامی دگویند سندهی ه کوانچه تتمیق التحتانی غرمی
ع بفتح اول دکسر ثانی وسکون تحتانی ف سرشیم پوست گاو یا گاومیش را در آب
مے پزند وصاف مے نمایند وقرص مے سازند طح ملی ق مغری مجفف خ سفید
صاف بش نیم درم ص طبیخ الاصول ل ورفنق زفت تنسیق الزاء المعجمة
وتتمیق اللام غزال ع بفتح اول وزاء معجمه مشدده والف ولام ف شیر خر دکسر
اول وثانے مخفف ف آهوبره تنسیق الزاء الفارسی وتتمیق الالف غژغاو
غژگاو بفتح اول وسکون زاء فارسے درلغت اول وکاف فارسے درلغت
ثانے م گاوے که در کوههای مابین ملک خطا وهندوستان پیدا شود وتیز گے
آن را قطاس خوانند ه سره گاے تتمیق الموحده غژب ف بالضم اول وسکون
ثانی فارسے م دانه انگور که شیره وثکس تعنے تخم انگور در میانش باشد تتمیق المیم
غژم ف بضم اول وسکون ثانی فارسے م غژب تتمیق الواو غژغاو و غژگاو ف
ه سره گاے تنسیق السین المهمله وتتمیق الالف غسا بفتح اول وسین مهمله
ص املج تتمیق الجیم غسلج بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام م ع طلبنثا تتمیق الکاف
غساک بفتح اول وثانی والف م گیاه پیچان که عشقه است غسک ف بفتح
اول وثانے م کرم ساش ه کهٹمل تتمیق اللام غسل به فتح اول وثلثے ف
خطمی تنسیق الشین المعجمة وتتمیق الهاء غشه ف بکسر اول وفتح شین معجمه وخفاء ہا
م برگ نی صحرائے تنسیق اللام وتتمیق الالف غلوفیریا یونانے بضم
اول ولام وسکون واو وکسر فاء وسکون تحتانی وکسر راء مهمله با تحتانی ثانی
والف ع اصل السوس ه ملهٹی تملیحمن اغریاسریانی بضم اول وفتح ثانے وسکون

تحتانی وکسر جیم وسکون نون وفتح ہمزہ وسکون غین معجمہ ثانے وکسر راء مہملہ
یا تحتانی ثانی م شناطر شیع ف پودنہ کوہی غلیجن پودنہ واغ یاکو تمیق الجیم الفارسی
غلیفچ بفتح اول وثانی وسکون فا وجیم فارسے م زنبور سرخ تمیق الیاء الفارسی
غلیواژ بکسر اول وثانے وتحتانی مجہول با واو والف ہد حیلہ تمیق النون
غلیجن سریانی ف پودنہ بری تمیق الہاء غلیفہ بضم اول وسکون ثانی و
فتح موحدہ فارسے وخفاء ہا م جانور علکہ غلیتہ ف بفتح اول وکسر ثانے وسکون
تحتانے وفتح فوقانی م گیلہ ہے کہ از ان جوال سازند تنسیق المیم وتمیق
الکاف غنورک ف بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمہ وواو مجہول وفتح
راء مہملہ وسکون کاف م جانور بوتیمار تمیق اللام غملول بفتح اول وسکون ثانے
وضم لام وسکون واو م تفار بری ف سوزہ تمیق المیم غمام بفتح اول وثانے
والف م ابر تنسیق النون وتمیق الراء المہملۃ غنجار وغنجر ف بفتح اول
وسکون نون یا جیم والف وراء مہملہ درلغت اول وفتح جیم درلغت ثانے
م غازہ تمیق الشین المعجمۃ غنجرش وغنجمرش ف بفتح اول وسکون ثانے
وفتح جیم وکسر راء مہملہ وسکون شین معجمہ درلغت اول وفتح میم وکسر راء مہملہ
درلغت ثانی م فوک غنداش ف بضم اول وسکون ثانے ودال مہملہ با میم
والف م لوبیا تمیق الکاف الفارسے غنگ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف
فارسے م خربز تمیق اللام غنجال ف بفتح اول وسکون ثانی با جیم والف
م میوہ ترش تمیق الہاء غنجارہ وغنجرہ ف بفتح اول وسکون ثانے با جیم
والف وفتح راء مہملہ وخفاء ہا درلغت اول وفتح جیم وراء مہملہ درلغت ثانے
م غازہ غندرہ ف بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ ع رتیلا تمیق
التحتانی غنقیلے بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وکسر لام

وسکون تحتانی ثانی ف شلغم تنسیق الواو وتمنیق الالف غوشاف بضم اول

واو مجهول باشین معجمه والف م سرگین حیوانات وخوشه انگور وخرما وجو وگندم

وامثال آن تمنیق الدال المهمله غوشاد ف بضم اول وثانی مجهول وشین

معجمه والف ف سرگین حیوانات تمنیق الشین المعجمه غوش ف م سرگین حیوانات

تمنیق الکاف غوشاک ف م غوشا یک ف بضم اول وثانی مجهول ف تخم

مینڈک تمنیق الهاء غوره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح را مهمله وخفاء

هاء اول هر میوه غوزه بفتح زاء معجمه پنبه ناشگفته که در غلاف باشد وبزاء

فارسی م غنچه غوشنه وغوشه بضم اول وثانی مجهول وسکون شین معجمه و

فتح فوقانی در لغت اول وفتح شین معجمه وحذف فوقانی در لغت ثانی

م نوعی از کماه وفطر تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق القاف غیداق بکسر اول

وسکون تحتانی با دال مهمله والف ف بچه ضب که از مرتبه حل فرا ترک شده باشد

تمنیق المیم غیم بفتح اول وسکون ثانی م غمام تمنیق الهاء غیاریه بفتح اول وثانی

والف وکسر را مهمله وفتح تحتانی وخفاء ها م عنب الثعلب ترقیم الفا تنسیق

وتمنیق الالف فاشرا الیونانی بفا والف وکسر شین معجمه با راء مهمله والف م

هزار چشان وهزار افشان وکرمة البیضا وکرم وحشی ف تخوش طح ی ۲ ل

ور وسج وغیم وزن لباسه فاغیرا کبه فاز تانی وسکون تحتانی وراء مهمله م

بردسے فاوانیا یونانی بواو والف ثانی وکسر نون با تحتانی م عود الصلیب

طح ی ۳ گوئید مع ح ق قا العین بفتح [illegible] فتح مد قوی دل خ روسے مثل

نیم مثقال ص کثیر [illegible] یعقوب [illegible] مدحرج [illegible] یا پوست انار [illegible]

ومغز ساق آهو وچون [illegible] شود بدل شود تمنیق الجیم فالج بفتح

دال مهمله وسکون جیم ف سنگی سست [illegible] سبزی [illegible] باو زهر کانی

هر زهر مهره تمنیق الدال المهملة فاز و بفتح زا معجمه و سکون دال مهمله هـ بانچے
تمنیق الذال المعجمة فانید بکسر نون و سکون تحتانے هر تیاسه طرح دا گویند
سفید تمنیق الراء المهملة فادزهر بسکون دال مهمله و فتح زا معجمه و سکون
با و را مهمله ف بادزهر و مهره دارو سے که حفظ روح و دفع ضرر سم کند بدین اسم خوانند
را نجه مخصوص ست حجر التیس و حجر الحیه و بادزهر کانی فارع بفتح اول ف موش
هـ جوا فاغرف بکسر غین معجمه هر گل را گویند تمنیق السین المهملة فاز غوس ع
یونانے بکسر لام و سکون را مهمله و ضم غین معجمه و سکون واو ف مرغ نقلق
فاناقس اسقلینوس یونانے بانون و الف ثانی و کسر قاف و سکون سین مهمله
و فتح همزه و سکون سین مهمله ثانی و فتح قاف ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و
ضم نون ثانی و سکون واو م نوعے از دو قوی کبیر تمنیق الشین المعجمة فاربیش
بفتح را مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر موحده و تحتانی مجهول و شین معجمه
ف بیش موش کهر فاغوش سریانی بضم غین معجمه و واو مجهول م شیطرج تمنیق
الظاء المعجمة فاظ روے بظاء معجمه م جدوار تمنیق النون فارسین به فتح
و سکون را مهمله و کسر سین مهمله و سکون تحتانی م اسپندان فادن بفتح دال
مهمله هـ بنواژ فاشرستین یونانی بکسر شین معجمه و را مهمله و کسر سین مهمله و سکون
تحتانی یعنے دافع شصت علت ف ششپندان و سیاه دارو طرح ق مجلے
للطف … نیم مثقال … زراوند بوزن او پنج و نیم درزن بسباسه فاناقس
ابلاقلیون یونانے بنون و الف ثانی و کسر قاف و سین مهمله و فتح همزه و سکون
موحده با را مهمله و الف ثالث و فتح قاف ثانی و سکون لام و ضم تحتانی و سکون
واو ف درخت جاوشیر فاناقس خمر و نیتون یونانی بنون و الف ثانی و کسر قاف
و سین مهمله و فتح حا مهمله و سکون میم و ضم را مهمله و سکون واو و فتح نون ثانی

وضم فوقانی وسکون واو ثانی ف نوعی از زرد فراد کو جلیک تتمیق الهاء فاختشه
بکسر جیم وفتح شین معجمه و حفار ہا م جند بید ستر فاخته بسکون خا معجمه وفتح فوقانی
ه بندڑکے ط گوشت او ح ی فامیه بکسر میم مهمله وفتح تحتانی م قلفی بیخ نیلوفر
ہندے فاغیه ع بکسر غین معجمه وفتح تحتانی ف گل حنا ط م ۴ ح ب وہر نورے کہ
خوشبو بود زنیرا بدین نام خوانند وگویند گل رای حنیا فاغره ع بکسر غین معجمه وفتح
را مهمله ف فاخره وکبابه وشگافته تتمیق التحتانی فاترسنے بسکون شین معجمه
وفتح را مهمله وسکون سین مهمله وکسر نون م سپندان تنسیق الجیم وتتمیق
اللام فجل ع بضم اول وسکون جیم ولام ف ترب ه مولی ط برگ او ح ۳ ی
و مقطع ملطف وبرگ او مغثی خ بستانی سبز تازه بهتر از مربای او ده درهم
عسل تنسیق الخاء المعجمه وتتمیق الهاء فخفره ف بفتح اول وسکون خا معجمه و
فتح فا ثانی ورا مهمله م خله جو تنسیق الراء المهملة وتتمیق الفوقانی فرفت به فتح
اول وسکون ثانی وفتح فا ثانی وسکون فوقانی ف شاهتره تتمیق الخاء المعجمه
فرخ ع بفتح اول وسکون را مهمله م جوجه مرغ وفراخ بکسر اول جمع آن فرنج بفتح
اول وسکون ثانی وفتح فا ثانی م بقلة الحمقا تتمیق الدال المهملة فرزد ف
بضم اول وسکون ثانی وفتح زا معجمه ه سبزه ودب فرصاد ع بکسر اول وسکون
ثانی با صاد مهمله والف ف توت فرغند ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمه
وسکون نون ع عشقه ه امربل تتمیق الراء المهملة فرغور ف بفتح اول وسکون
ثانی وضم غین معجمه و واو مجهول م تیهو فرفخین بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا
ثانی وکسر خا معجمه وسکون تحتانی م بقلة الحمقا فرفوف بضم اول وسکون ثانی
وضم فا ثانی وسکون واو م ترا تیزک وبفتح اول وضم فا ثانی م پودنه پا تیم
فرفیر بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی وسکون تحتانی ف بنفشه دگویند

پودینه یا تیهو تمییز التاء المعجمه فرنیز بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و زاء معجمه م فیروزه
تمییز التاء الفارسیه فوترف بضم اول ثانی م موج یا پودینه تمییز الشین المعجمه فرش
ف بضم اول و سکون ثانی و شین معجمه شیر حیوان نوزائیده فرشیف بفتح اول و کسر
ثانی و تحتانی مجهول م گوشت بریان تمییز الکاف فرلوک ف بفتح اول و سکون ثانی
وضم فوقانی و سکون واو م پستوک فرستوک ف بکسر اول و ثانی و سکون سین مهمله
وضم فوقانی و سکون واو م مرغ فراشتروک فرسک ف بکسر اول ثانی و سکون سین
مهمله م شفتالو فرنجمشک بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر میم و سکون
شین معجمه م ریحان قرنفل ف بالنگوی خورده تلسے ط ح ی ۳ ق مقوی
دل و ملطف خ سپید و ش تخم او نیم مثقال ص صندل و گلاب ل بادرنجبویه یا
نیم وزن قرنفل یا نمام فرلویک بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح واو م خربوزه
تمییز المیم فراغ الحمام ع بکسر اول با ثانی و الف و ضم خاء معجمه و سکون لام و فتح
حاء مهمله با میم و الف ثانی و میم ثالث ف کبوتر بچه ط گوشت او ح ی اگوبند رص
سرکه و کشنیز تمییز النون فرامیون سریانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر سین مهمله و
ضم تحتانی و سکون واو ف گندنای کوهی ط ۲۷ ی ۳ ق بفتح مقطع مدر خ روی
سرخ تلخ ش نیم درم تا یک درم ص سنبل الطیب یا صمغ ل اسارون و چهار دانگ
وزن آن لسان یا امیسون یا افتیمون یا بوزن آن لافیه مازو فا فربیون بفتح اول و
سکون ثانی و کسر موحده و ضم تحتانی و سکون واو ف شیر درخت زقوم ط ح ی
گویند ح ۳ ق مقوی ملطف مسهل بلغم خ زرد صافی حاد الرائحه مزلیف ش یک قیراط
تا دو دانگ ص بادام شیرین و کشنیز و لعابات و روغنها ل اذریون نیم وزن دو
دانگ وزن آن جند بیدستر فرسلوت بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و ضم لام و سکون
واو م طلق فرفیون بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م

فرمیون قدس بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی وسکون تحتانی ف تخم تورک و خرفه
تمییز الواو فراشتو و فرستو بفتح اول و ثانی و الف وسکون شین معجمه وضم فوقانی و
سکون واو در لغت اول وکسر اول و ثانی وسکون سین مهمله در لغت ثانی م فراشترک
فرزع بفتح اول وسکون ثانی و واو مجهول ف پوستین گرترین پوستین روباه پس
سمور پس پلنگ پس قاقم بعد از آن بره تمییز الهاء فرزه ف بفتح اول وسکون
ثانی و فتح زاء معجمه و خفا ها سبزی و روب فرشه ف بضم اول وسکون ثانی و
فتح شین معجمه شیر حیوان نو زائیده [illegible] فرغنده ف بفتح اول وسکون ثانی و
فتح غین معجمه وسکون نون و فتح دال مهمله ع عشقه ها مل فرمه بفتح اول وسکون
ثانی و فتح میم ف بنفشه فرنقیه یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی و فتح
قاف ف حلبه بتثلیث السین المهملة وتمییز العین المهمله فسوة الضبع بضم اول
سین مهمله و فتح واو وضم فوقانی و فتح ضاد معجمه مشدده وضم موحده وسکون عین
مهمله م سماروغ تمییز القاف فستق ع بکسر اول وسکون ثانی و فتح فوقانی وسکون
قاف ف پسته [illegible] گویند [illegible] بفتح [illegible] تازه [illegible] بزرگ [illegible] از پوست
بیرون [illegible] زرد آلوی خشک یا تخم خیار ل مغز بادام و مغز [illegible] یا [illegible]
مغز [illegible] یا فندق تمییز النون فشلیون بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام
وضم تحتانی وسکون واو م اسفغول تمییز الهاء فستق الهادیه ع بکسر اول وسکون
ثانی وضم فوقانی و قاف وسکون لام با الف وکسر واو و فتح تحتانی و خفا ها ثالث
م حب البان [illegible] تخم [illegible] فصفصه بفتح اول وسکون ثانی و فتح فا ثانی وسین مهمله ثانی
م اسپست بتثلیث الشین المعجمه وتمییز العین المهملة فشاع ع بکسر اول با شین معجمه
الف و عین مهمله ف شرم [illegible] نباتیست که چون بر [illegible] انگور پیچیده شود مفسد وی بود
بتثلیث الصاد المهملة وتمییز الباء مفتوحه [illegible] بفتح اول وسکون صاد مهمله و فتح فا ثانی

وصاد مهمله ثانی م اسپست چون تر بود فصفصه و رطبه گویند و چون خشک گردد وقت
عامن گویند ف نجف تنسیق الضاد المعجمه وتمیق الالف فضا بکسر اول با ضاد معجمه و
الف ف دانه موز تمیق الهاء فضه ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد ف نقره هر رو با
طب ۲ ق ورق او قوی دل ۶ خالص ث یک دانگ ص مقل ل فیروزه تنسیق
الطاء المهمله وتمیق الراء المهمله فطر ع بکسر اول و سکون طا مهمله و را مهمله بیمار دغ ظ ب ۳ سا گویند
۲ او انواع است یک نوع فقع که لفارسی هیکل خوانند و دیگر نوشته و یک نوع فقیل
و مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین همه فطر بود و نوعی در شیب سرگین سوید و نوعی
در شیب خم شراب و انچه سرخ بود زهر بود و انچه سفید بود یا دزهر و انچه در زیر خم شراب بود
پوست او نیز زهر است و گویند قسمی از وست که در کشمیر او را گنه گچهو گویند بفتح کاف و نون
و خفا ها و فتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و ها و سکون واو خ سفید تنسیق النون
قطر اسالیون یونانی بکسر اول و سکون ثانی با را مهمله و الف و سین مهمله و الف ثانی
و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م قطر اسالیون ف تخم کرفس کوهی تنسیق العین
المهمله و تمیق السین المهملة فعیلا سوس یونانی بفتح اول و کسر عین مهمله و سکون
تحتانی با لام و الف و ضم سین مهمله و سکون واو و سین مهمله ثانی ف چوبک اشنان
تمیق النون فعولیون رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و
سکون واو ثانی م حنا تنسیق القاف و تمیق الحاء المهمله فقاح الملح بضم اول با قاف
و الف و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر میم و سکون ل ثانی م زهرة الملح فقاح ع
بضم اول و ثانی و الف ف گل و شگوفه تمیق الدال المهملة فقد بفتح اول و سکون
ثانی ف تخم نخجشت تمیق الراء المهملة فقاح الاذخر ع بضم اول با ثانی و الف
و ضم حاء مهمله و سکون لام و کسر همزه و سکون ذال معجمه و فتح خاء معجمه م گل اذخر
خوشبو ص بازرول قصب الذریره تمیق العین المهملة فقاع ع بضم اول

باتانی والف وعین مهمله بوزه و بانی ق ملطف ص عسل وا فاوی ل رایب
تنمیق المیم نقاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف وسکون را مهمله و میم ف
دل وآن شگوفه انگور بود طب تنمیق النون نقال مینون بفتح اول وسکون
ثانی بالام والف وکسر میم وسکون تحتانی وضم نون وسکون واو ف چوبک اشنان
تنسیق اللام وتنمیق الدال المهمله فلخود و فلخید بفتح اول وسکون لام و
بضم خا معجمه وسکون واو و دال مهمله لغت اول وکسر خا معجمه وسکون تحتانی لغت
ثانی ص نیه دانه فلفل اسود ع بکسر همزه و فا وسکون لام اول وکسر لام ثانی و فتح همزه وسکون
سین مهمله و فتح واو م فلفل سیاه ه کالی مرچ ط ح م ق ملطف نفخ مش مدر م
ص عسل بادالقرع ل یک نیم وزن فلفل سفید یا کبابه فلفل ابیض وبسکون لام
ثالث وضم غین معجمه ... مهمله وسکون واو م وسمه تنمیق الزاء المعجمه فلفل دراز ف
بفتح دال مهمله و را مهمله والف ... تنمیق الضاد المعجمه فلفل ابیض ع بفتح همزه و
سکون موحده و فتح تحتانی ف فلفل سفید ط ح ی م خ ... ازسوء
تا نیم مثقال ص عسل ل زنجبیل تنمیق الکاف فلنجمشک بفتح اول وثانی وسکون
نون و فتح جیم وکسر میم وسکون شین معجمه کاف ف بالنگو خر تنمیق اللام
فل ع بضم اول وسکون لام ف ... نیلوفر هندی ط ح ی ۲ م عسل ل تفاح ع
تنمیق النون فلفلمون بکسر فاءین وسکون لامین وضم میم وسکون واو ف ...
کوهی ط ح ی تنمیق الهاء فلفل ... بفتح صاد مهمله ... قاف والف
وکسر لام ثالث و فتح موحده ف تخم ... فلفلمویه بکسر فاءین وسکون لامین و
وضم میم وسکون واو و فتح تحتانی ف بیخ درخت فلفل دراز م ... مولد ط
ح ی اثر یک مثقال تا دو مثقال ص عسل ل دار فلفل یا ... یا دو وزن
وزن آن سورنجان ونیم وزن تخم سداب دانه فلنج بفتح اول وثانی وسکون نون

وفتح جیم م افلنجه فاف بفتح اول وثانی مخفف وشدده چوبی فلیفله بفتح اول و
کسر ثانی وسکون تحتانی وفتح فا ثانی ولام ثانی ف تخم عود بزبان اندلسی نانخواه
وگویند تخم پنجنگشت تنمیق التحتانی فلفل بری بفتح موحده وکسر را مهمله مشدده تخم
سنبهالو تنسیق النون وتنمیق الالف فنا بفتح اول وثانی ف روباه تریک
تنمیق الکاف فنک ف بفتح اول وثانی م جانوریست که از پوست او پوستین
سازند فنطافلون بکسر اول وسکون ثانی وطا مهمله باالف وفتح فا ثانی وضم لام
وسکون واو ف پنجگشت تنسیق الواو وتنمیق الدال المهمله فواد بفتح اول و
واو والف هر سنگ تنمیق اللام فوفل ع بضم اول وسکون ثانی وکسر فا ثانی ه
سپیاری طب ی ۲ گویند ح ی ۳ ق قابض رادع خ زرین ش نیم درم ص
صمغ ل صندل سرخ دو دانگ ونیم وزن آن بذر البنج فول ع بفتح اول وسکون
ثانی م باقلا فوه بضم اول وسکون واو وفتح ها ف شوره تنمیق المیم فوم ع بضم اول
وسکون ثانی ف گندم تنمیق الواو فویونانی بضم اول وسکون واو بیخی است
باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قسمی از سنبل الطیب است هر جا ل گرم ط ح
ی ق خ تازه خوشبو ش نیم ص رازیانه یا رب السوس ل سنبل یا کبابه یا
فلفل سیاه تنمیق الهاء فوده ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله م خمیر خشکی
که از آن آبکامه سازند فوشنه بضم اول وثانی مجهول وکسر شین معجمه وفتح نون م نوعی از
فوه ع بضم وفتح اول وفتح ثانی مشدد ف روناس هر مجیشه ط ح ی ۱ گویند ب ق
مد خ آنست تازه سرخ باریک ش نیم مثقال ودر مطبوخ دو درم ص انیسون با تخم
بادرنگ ل یک نیم وزن سلیخه یا شیطرج دهلا تنمیق التحتانی فوتنج حبلی بضم اول و
ثانی مجهول وسکون فوقانی وفتح نون وکسر میم وفتح جیم ثانی وموحده وکسر لام و
سکون تحتانی ف پودنه کوهی ط ح ی ۳ خ خشبوی تازه سبز کوچک ورق ش

یک نیم درم ص کتیرا ل یک نیم وزن فودنج نهری ق فودنج نهری بفتح نون وسکون
ها وکسر را مهمله ف پودنه جوئی طح ت ق ماطف محلل مسهل وترش یک درم تا یک مثقال
ص کتیرا ل رب السوس ل نعناع یا جده تنسیق الیاء التحتانی و تنمیق الجیم نیرنج
بکسر اول وسکون تحتانی مجهول و ضم را مهمله و واو مجهول و فتح زاء معجمه وسکون جیم ف بیروزه
طب ی اخ نیشاپوری کهنه نیلزهرج بکسر اول وسکون ثانی و لام و فتح زاء معجمه وسکون
ها و فتح راء مهمله گویند در خوشبوئی قسمیست و ثمر وی مثل فلفل است حضض عصاره اوست
طامع تنمیق الدال المهمله فید ع بفتح اول وسکون تحتانی و دال مهمله ف زعفران
سوده تنمیق النون فنجن ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح جیم وسکون نون م
سداب ترقیم القاف و تنسیق و تنمیق الالف قاراسیاع بقاف و
الف و را مهمله و الف ثانی و کسر سین مهمله با تحتانی و الف ثالث ف آلوبالو قاقیا
بکسر قاف ثانی با تحتانی م اقاقیا تنمیق الموحدة قاتل الذئب ع بکسر فوقانی
و ضم لام و کسر ذال معجمه مشدد وسکون تحتانی و موحده م خربق سیاه قاتل الکلب ع
بکسر فوقانی و ضم لام وسکون لام ثانی و فتح کاف وسکون لام ثالث م چیلا
تنمیق الراء المهمله قاتل النمر ع بکسر فوقانی و ضم لام و فتح نون مشدد و کسر
میم م مادریون تا م قیره ... قاقله صغار ع بضمه قاف ثانی و فتح لام و همزه
ملینه ها و کسر صاد مهمله با غین معجمه و الف ف ... الایچی خرد طح ی ۲ گویند
مع ق ماطف و مقوی دل و معده خ ... یک درم ص قند یا طباشیر
باشیره تخم خرفه یا سکنجبین ل قرنفل یا کبابه و سنبل قاقله کبار بضم قاف ثانی و فتح لام
و همزه ملینه ها و کسر کاف با موحده و الف ثانی ف الایچی کلان طح ی ۲ گویند
مع ق ملطف و مقوی دل و معده خ گزنده زبان و تیز ... یکدرم ص
قند یا طباشیر ل یک نیم وزن قاقله صغار یا یک نیم وزن کبابه و نیم وزن سنبل یا

سیم وزن وثقل تنمیق القاف قاثل العلق ع بفتح عین مهمله و لام وسکون قاف م
نوعی از مرزنگوش قاق ع م ف گوشت خشک و هر چیزی که خشک سازند بدین
نام خوانند تنمیق اللام قاثل النحل ع بفتح نون وسکون حاء مهمله و لام ف
نیلوفر تنمیق النون قاطوان بضم طاء مهمله وسکون واو ف نوشادر تنمیق الهاء
قاثل اخیه ع بفتح همزه وکسر خاء معجمه وسکون تحتانی واظهار ها م خصیه الثعلب قاثل نفسه
بکسر فوقانی ولام وفتح نون وسکون فا وکسر سین مهمله واظهار ها م نوعی از اشق
قاتوله ع بضم فوقانی وسکون واو وفتح لام ه دهاتوره قانصه ع بکسر نون وفتح صاد مهمله
م سنگدانه مرغان ه پتهری ط ح ر ق مقوی خ از طائر فربه ص سرکه و ابازیر
تنمیق التحتانی قاقلی بضم قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی نباتی است مانند
اشنان وگویند مانند کشوث ط ح ی اق مسهل ش از آب او نیم رطل ص کثوثا الایرسا
تنسیق الباء الموحده وتنمیق الجیم قبج ع بفتح اول وسکون موحده ف کبک
م التشخواره ط گوشت او ح ر تنمیق الراء المهمله قبابر ع بفتح اول وثانی
والف وکسر موحده ثانی وسکون راء مهمله ف چکاوک ط ح ی خ فربه بریان کرده
تنمیق القاف قباق بفتح اول وثانی والف وقاف ثانی ف کدو تنسیق و
تنمیق التاء الفوقانی قت ع بضم اول وسکون فوقانی م آسی است تنمیق الدال
المهمله قتاد ع بفتح اول وثانی والف م درخت خاردار است که صمغ وی
کتیرا است بشیرازی ف کم ط ح ر تنسیق الثاء المثلثه وتنمیق الالف
قثاء ع بفتح اول ومثلثه ف خیار دراز ه ککری ط ب ر ق مدر مصلح نیشابوری
پخته تازه ص عسل ل بادرنگ تنمیق الدال المهمله قثد ع بفتح اول وثانی
وسکون دال مهمله ف خیار بالنگ ه کهیرا ط ب ر تنمیق الراء المهمله قثار الحما
ع بفتح اول وثانی والف وضم همزه وسکون لام وکسر حاء مهمله با میم والف ثانی

ورا مهمله کریلا طح ی ۳ ق مسهل بلغم و منقی خ رسیده ش یک م تا یکمثقال
وگویند عصاره او دو واثق ص کتیرا مثل او یا صمغ و در دل ماهودانه تمنیق المیم
قثاء النعام ع بضم نون با عین مهمله الف م حنظل کوچک تمنیق الهاء قثاء الحیه
ع بسکون لام و فتح حاء مهمله و تحتانی و خفاء م زراوند طویل وگویند حنظل کوچک
تمنیق التحتانی قثاء هندی بری بکسر با و سکون نون و کسر دال مهمله و تحتانی و
فتح موحده و کسر راء مهمله مشدد بدل قثاء هندی ف خیار خیر تنسیق الدال المهمله
وتمنیق الالف قدمیا بالفتح اول و سکون دال مهمله و کسر میم با تحتانی والف م
اقلیمیا تمنیق الحاء المهمله قداح ع بالفتح اول و ثانی والف م فصفصه تمنیق
الدال المهمله قدید ع بالفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف گوشت خشک
خ از حیوان تمنیق المیم قداح مریم بالفتح میم و سکون راء مهمله و فتح تحتانی م
نوعی از حی العالم تنسیق الراء المهمله و تمنیق الالف قراصیا بالفتح
اول و راء مهمله و الف و کسر صاد مهمله با تحتانی ف آلوبالو طح ز ۲ ق ملین خ سرخ
رسیده سیاه ش یک کف در نقوع ص جلنجبین ل اجاص قردمانا بالضم اول و
سکون ثانی و ضم دال مهمله با میم والف و نون م کرویا جبلی طح ۳ ی ۲ ق مفتح
بالطف مدر خ تازه زرد فربه ش یک مثقال ص انیسون یا صندل ل خردل
و حرمل و شکاعی اشیع قرطمانا بضم اول و سکون ثانی و فتح طاء مهمله و میم والف
و نون م قردمانا قر قرمعنا یونانی بالضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون
ها و کسر میم و سکون عین مهمله با میم ثانی م تفل روغن زعفران طح ی ۳ خ فربه
سیاه بی چوب و بعد انگداختن در آب برنگ زعفران ماند و بعد از خائیدن رنگ
دندان کند قرمیا بالضم اول و سکون ثانی و کسر میم با تحتانی م توتیا تمنیق الحاء
المهمله قرح ع بالفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م شونیز تمنیق الدال المهمله

قرادو قرودیم بضم اول و ثانی با الف و دال مهمله و بلغت اول و کسر اول و سکون
ثانی و بلغت ثانی ف کنه و گویند هـ بهنگا قرمیدع بکسر اول و سکون ثانی و کسر
میم و سکون تحتانی ف خشت پخته تمیق الی اء المهمله قرن البحر بفتح اول
و سکون ثانی بضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حاء مهمله ف کهربا قرمز
بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی هـ اندران تمیق الزاء المعجمه قرمز بکسر اول
و سکون ثانی و کسر میم ع دود الصباغین ف کرم رنگرزان که بدان ابریشم و
صوف رنگ کنند تمیق السین المهمله قرطاس ع بکسر اول و سکون ثانی با
طاء مهمله و الف ف کاغذ طب ای ۲ ق مجفف ۲ مصری ص کتیرا و دو فن
بروی تمیق الضاد المعجمه قراض بفتح اول و ثانی و الف ف بابونه قرنبض بفتح
اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف تخم انجره تمیق الطاء المهمله قراط ع بفتح
اول و ثانی و الف ف تخم نیل تمیق الظاء المعجمه قرظ بضم اول و سکون
ثانی م نوعی از پسته و بفتح اول م نوعی از کراث و بفتح اول و ثانی و سکون ثانی نیز م
کرت و ان ثمر درخت مغیلان است و اقاقیا عصاره اوست طب ی ۲ ق
قابض ش یک درم ص آب کدو ل جلنار تمیق العین المهمله قرع ع بفتح
اول و سکون ثانی و عین مهمله ف کدو طب ۲ ق بلین خ سبز و شیرین
ش از آب او نیم رطل ص خردل ع سیرل تمیق الکاف قربک بضم اول و
سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف شیرک تمیق اللام قرفه القرنفل ع
بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و راء مهمله
و سکون نون و ضم فا م قرفه الطیب پوست هر چوب و درخت را قرفه
خوانند و ان پوستی سطبر بود و لون قرفه و طعم قرنفل دارد و غیر حلاوت دار حلبی
ل قرنفل ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف میخک هـ لونگ طب ۳

ی ۲ گویند ۳ ق ملطف و مقوی دماغ و جگر و معده ۲ تیز کم تلخ باریک چوب
ش نیم درم ص صمغ عربی یا فوفل ل نیموزن جوز الطیب د نیم وزن دارچینی و قرنفل
یا نیموزن قرنفل مشک و نیم وزن آن خولنجان و گویند بدل آن خولنجان قرن معزو ابل
ف بفتح اول و سکون نون و فتح میم و عین مهمله و سکون زاء معجمه و کسر همزه و فتح تحتانی
مشدد م شاخ بزکوهی ۲ از اهل برگ سوخته باشد ص کثیر الاسا دن و خولنجان
قرول بضم اول و ثانی و سکون واو م مرجان قروان آنبل ع بضم اول و ثانی و
سکون واو و ضم نون و سین مهمله مشدد و سکون نون ثانی و ضم موحده در میان
سنبل باشد و آن از سموم است ه سنکهیا ز هر ط ی ۴ تمنیق الیم قرطم بضم
اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله ف سکدانه هر کرطح ۲ ا ق منضج ملین ملطف
خ سفید ف ش ده درم از آب ا ل بدل آن مغز بادام و ربع وزن تخم
آنجره تمنیق النون قرة العین ع بضم اول و فتح ثانی مشدد و فتح قاف ثانی و سکون
لام و فتح عین مهمله و سکون تحتانی م کرفس الماء ط ی تحلیل و تقطیع و تلطیف
نضج م کالنجل کفس قرجان بفتح اول و ثانی و حاء مهمله و الف عربی از نبات
سفید ک نوعی آن یونانی بفتح اول و سکون ثانی بادال مهمله و الف و کسر میم
قرآن بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف ف کنه که اکثر
و کار فرما قراسوس یونانی بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله الف
و ضم سین و سکون واو و کسر ثانی م قرطمانا قسطاریون بفتح اول و کسر ثانی
سکون سین مهمله با طاء مهمله و الف و کسر راء مهمله ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م کمات
کوهی قرقرات بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مهمله ثانی و الف م کردیا
قرقرون رومی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مهمله ثانی و سکون واو
م سعد قرنقان سریانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با قاف ثانی و الف

کرد یا قروان بضم اول و ثانی و سکون واو ف شاخها و سر و باه سینک ط ب ی ق
مجفف خ از ازل نزیف نیم درم ص سداب ل ماف تمنیق الواو قر قوسیانی بضم اول و
سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون واو م زعفران تمنیق التحتانی قر قم هندی
بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و کسر میم و ها و سکون نون و کسر دال مهمله م
حب النیل قرفة الدار چینی ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و فتح دال مهمله
مشدده و الف و سکون راء مهمله و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون م چوب دار چینی
هیج ط ح ی ۳ ق ملطف مقوی جگر و معده و مبهی خ گزنده زبان ش نیم مثقال ل
نیم وزن قرنفل و نیم وزن دار چینی قرنفل بستانی م فرنجمشک تنسیق السین المهمله
و تمنیق الالف قسا بفتح اول و سین مهمله م سلیخه تمنیق المعجمه قسب بفتح اول و
سکون ثانی ف خرما بردن و آن نوعی از خرما هندی خشک است ط ح ی
تمنیق الراء المهمله قسطیر بکسر اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و سکون تحتانی
ف قلعی تنسیق السین المهمله قسوس بضم اول و ثانی و سکون واو م نیلاب
بزرگ ط ح ی ۲ ق مجلی و منقی خ تازه ص شاه بلوط قسولیدوس یونانی بفتح اول و
ضم ثانی و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثانی م کا کنج
تمنیق الطاء المهمله قسطع بضم اول و سکون ثانی ه کتیه ط ح ی ۳ ق مفتح سدد
مبهی مفرح خ تازه سفید فربه ش نیم درم ص انیسون یا گلشکر یا خطمی ل نیم وزن عاقرقرحا
یا مرج تمنیق النون قسطوریون یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون
واو و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م جند بیدستر تمنیق التحتانی قسط بحری
بضم اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله و فتح موحده و سکون حاء مهمله و کسر راء مهمله ه پهکر مول
قسط شامی بشین معجمه و الف و کسر میم م راسن قسط هندی بکسر ها و سکون نون و کسر
دال مهمله م قسط تلخ تنسیق الشین المعجمه و تمنیق الموحده قشر الجوز الصلب ع

بکسر اول و سکون شین معجمه و ضم راء مهمله و سکون لام و فتح جیم و سکون واو و کسر
زاء معجمه و ضم صاد مهمله مشدده و سکون لام ثانی ف پوست گردگان خشک تمنیت
الجیم قشر الاترج م بسکون لام و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم راء مهمله ف پوست
ترنج طح ی ۲ تمنیق الراء المهمله قشر الجوز الاخضر بسکون لام ثانی و فتح
همزه و سکون خاء معجمه و فتح ضاد معجمه ف پوست سبز بیرون گردگان قشعر ع بفتح
اول و سکون ثانی و فتح عین مهمله ف خیار دربار تمنیق الزاء المعجمه قشر الارزع
بسکون لام و ضم همزه و راء مهمله ثانی ف پوست برنج و آن از جمله سموم قتاله است
تمنیق الشین المعجمه قشمش بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم ف کشمش تمنیق الضاد
المعجمه قشر البیض ع بسکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی ف پوست تخم مرغ ه
انڈے کے چھلکے ط ب ی ۲ تمنیق التحتانی قشر القصب الفارسی بسکون لام
و فتح قاف ثانی و صاد مهمله و کسر موحده و سکون لام ثانی با فا و الف و راء مهمله و کسر سین
مهمله ف پوستے فارسی ط ح ی ۳ تلسیق الصاد المهمله و تمنیق الالف
قصب ع بفتح اول و ثانی مهمله و کسر موحده و فتح موحده ثانی با واو مشدد و الف ه
قصب الذریره تمنیق الموحده قصباء بفتح اول و صاد مهمله ف نی ط ح ی
گویند برگ او براق ملطف خ یخ او ازورق او غ ب تمنیق الدال المهمله
قصد بفتح اول و ثانی م موبج تمنیق الراء المهمله قصب السکر ع بفتح اول و ثانی و
ضم موحده و سین مهمله مشدد و کاف مشدد ف نیشکر ه کانڈا و اوکھ ط ح ساخ
شیر آن آبدار قصفیر بکسر اول و سکون ثانی و کسر فاء و سکون تحتانی م قلعی تمنیق الهاء
قصاص ع بضم اول با ثانی و الف و فتح عین مهمله ف سنگ آبے یعنے [illegible]
قصب الذریره ع بفتح اول و ثانی و ضم موحده و فتح ذال معجمه مشدد و کسر راء مهمله و سکون
تحتانی و فتح راء مهمله ثانی ه چرایتا ط ح ی ۲ ق ملطف خ هندی ش یک درم و

وگویند دو دانگ ص عرق السوس ل اظفار الطیب یا صندل یا عدس تلخ یا سنبل
زعفران قصیصه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح صاد مهمله ثانی م توده ری تنسیق
الصاد المعجمه و تمییز الموحده قضب بفتح اول و سکون ضاد معجمه ف اسپست قضیب
ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م ذکر ف کیر تمییز المیم قضم ع بضم اول و سکون
ثانی و میم ف پنبه کهنه تمییز التحتانی قضاب مصری ع بضم اول و ثانی و الف و
ب موحده و میم و سکون صاد مهمله و کسر را مهمله ف کشته تنسیق الطاء المهمله
و تمییز الالف قطونا بضم اول و طاء مهمله و سکون واو با نون م اسفغول تمییز
الراء المهمله قطر بکسر اول و سکون طاء مهمله ف س ه تا نبا ط ح ی تمییز الفاء
قطف ع بفتح اول و سکون ثانی ف سرمق ه ساگ تهوا تمییز النون قطران ع
بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله و الف ف روغنی است که از درخت ع گیرند و گویند
قیر است ط ح ی ه گویند م ق قطع ملطف خ ماخوذ از درخت ع عرص روغن
بان ل نفط سیاه و یا تنمس زن چوب بید یا ورق بید یا جاوشیر یا زیت و زفت قطن ع
بضم اول و سکون ثانی ف پنبه ط ح ی ق تخم او ماهین خ او سپیدی از آب ا
تخم او دو درم ص رب السوس ل از تخم خشخاش و بادام تنسیق العین المهمله
و تمییز اللام قعبل ع بفتح اول و سکون عین و فتح موحده م نوعی از کماة ط ح ر
تنسیق الفاء و تمییز الدال المهمله قفر الیهود بفتح اول و سکون فا و ضم
را مهمله و سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م مومیائی یا سود ط ح ی
ق [illegible] خ [illegible] ص [illegible] ش نیم درم ص [illegible] زفت تمییز الراء المهمله
قفر بفتح اول و سکون را مهمله م نبات کموث تمییز الطاء المهمله قفلوط بفتح
اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و طاء مهمله م نوعی از کراث شامی تنسیق
اللام و تمییز الالف قلفونیا رومی بضم اول و سکون لام و ضم فا و سکون واو

نون با تحتانی والف ف زنگباری قلیمیا بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و کسر میم با تحتانی
ثانی م اقلیمیا تمنیق الموحدة قلب بضم اول و سکون ثانی ف باش هندی ه نعلة کموثه
و گویند بنوا ط ب رع گویند ح ی قلوب ع بضم اول و ثانی و سکون واو ف دلها
ط ح رخ با خود از حیوان کوچک دندان تمنیق الفوقانی قلت ع بکسر اول و سکون
ثانی ع کاس الحجر ه کلتهی طح ای ۲ ف مدر منقی مفتت ش دو درم و گویند نیم
مثقال ص نشاسته و کتیرا ل کبابه تمنیق الدال المهملة قلقندیونانی به فتح
اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و دال مهمله ف نوعی از زاج ط ح
ی ۲ تمنیق الراء المهملة قلقطاریونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ثانی و طاء مهمله و الف م نوعی از زاج ف زاج اشتر دندان و زاج زرد ط ح ی ۲
ق محرق کاوی مقرح خ سبزمخی ص شوربای چرب ل بهر زاجی که باشد بدل
آن زاج دیگر کنند تمنیق السین المهملة قلقدیس یونانی بفتح اول و سکون ثانی
و فتح قاف ثانی و کسر دال مهمله و سکون تحتانی م زاج سفید کرمانی ط ح ی ۴
تمنیق اللام قلقل بکسر قافین و سکون لامین و قلقلات و قلاقل نیز ف
درخت حب القلقل تمنیق النون قلسدناردین سریانی بفتح اول و سکون ثانی و
فتح سین مهمله و کسر دال مهمله با نون و الف و راء مهمله و کسر دال مهمله ثانی و سکون
تحتانی م دارشیشعان تمنیق التحتانی قلاری بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مهمله
و سکون تحتانی م نوعی از الحیه قلی ع بکسر اول و ثانی م قلیا ه ساحی ط ح ی ۴
ق محرق محلل آکال خ از اشنان ص لعابات ل زرنیخ تمنیق المیم و تمنیق
الحاء المهملة قمح ع بفتح اول و سکون میم و حاء مهمله ف گندم تمنیق اللام
قمل ع بضم اول و ثانی مشدد و سکون لام ف شپش ه جون تمنیق الهاء قمحه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مهمله ع قمحدوه تمنیق النون

تنمیق الطاء قنطافکبرک اول وسکون نون با طاء مهمله والف م ومرالاخوین تنمیق الموحده
قنب ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد ف تنگ ههانگ وبجای گویند بهندی مانند
که از ریسمان سازند وقسمی از وبنگ است طح ۲ ی وگویند ب ق مخدر ش کدرم
تا درم ودرم تنمیق الذال المعجمة قنفذ ع بضم اول وسکون ثانی وضم وفتح فاف
خارپشت ه سیاهی طح ی ش از گوشت وی بخدرم ص عسل تنمیق الراء المهملة
قنابر ع بفتح اول وثانی والف وکسر وضم موحده وسکون راء مهمله ف سرغ چکاوک
طح ی خ فربه بریان کرده قنطار بکسر اول وسکون ثانی با طاء مهمله والف م سار آورن
قنتهر بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ثانی وکسر ه صمغی ست شفاف مانند
سندروس ف لعل مصری تنمیق السین المهمله قندس بضم اول وسکون ثالث
وضم دال مهمله وسکون سین مهمله ف کندش حیوانی ست که جندبیدستر خایه اوست م
او دبلاد قنطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طاء مهمله ف درخت صنوبر تنمیق
الطاء المهمله قنبیط ع بکسر وفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی ف
کرنب رومی طعم ب ح گویند ح ا ی ۲ ق مجفف خ تازه زرول کرنب تنمیق اللام
قنبیل ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی ه کبیلا طح ی ۲ گویند
ق مجفف خ سرخ مائل بزردی ش و درم وگویند مد مسهلات نیم شقال ص
صمغ عربی یا انیسون ک ل ملازیانه یا برنگ کابلی یا تیغ ارمنی تنمیق النون قنددران ف
بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله با راء مهمله والف م ستر قنطوریون بفتح اول
وسکون ثانی وضم طاء مهمله وسکون واو وکسر راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ثانی
طح ی ۳ ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس دم خ دقیق ش از کبیر دو درم واز
دقیق یک شقال تا دو شقال ص از کبیر صمغ عربی وکتیرا با صندل یا هندبا ل از
کبیر جناد دو دانگ وزن آن سورنجان وبوزن آن لبنی واز دقیق پرسیاوشان

نیم وزن خایادزراوند مدحرج تمییز الهاء تنه ع بضم اول و فتح ثانی شند ف
سبز و گویند صمغ حلال با موضیت م بریکا ط ح ی ۳ گویند ج ۳ ی ۲ ق محلل بلین خ
زرد ز و دگدازنده و تند بو و مش مد مراسم تند رم ص نبفشه ل سکبینج دو وزن یا یک نیم
وزن جاوشیر و در ضعف معده و جگر یک نیم وزن ریوند چینی و گویند اشق تمییز التحتانی
ثنابری م بفتح اول و ثانی و الف و فتح موحده و کسر راء مهمله م رضیت ط ح ۱ ق مقطع
محلل ص شیرج ل کبر تمییز الواو و تمییز الالف قوتیر الضم اول و سکون واو و کسر مثلثه
و سکون تحتانی با راء مهمله و الف ف نوشادر قورسا یونانی بضم اول و سکون ثانی و راء
مهمله با سین مهمله و الف و میم م عود بلسان قوسیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر سین
مهمله با تحتانی م قسط قوطوما یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مهمله و سکون واو ثانی
با میم آذریون بری قونیا یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون با تحتانی ف آب
چکیده خاکستر تمییز الراء المهمله قوتر بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
درخت وج قور بضم اول و سکون ثانی ع قطن تمییز السین المهمله قوردلوس بضم
اول و سکون ثانی و راء مهمله و فتح دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف گیاهیست
که پای زاغ خوانند م کاگ جنگلی دشتی قوقالیس یونانی بضم اول و سکون ثانی با قاف
ثانی و الف و کسر لام م قردمانا قولامیوس بضم اول و سکون ثانی با لام و الف و
کسر میم و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م شجره مریم تمییز الصاد المهمله قوانص ع
بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون ف سنگدانه های مرغان خ ماخوذ از مرغان تازه
فربه تمییز القاف قوناق بضم اول و سکون ثانی با نون و الف ف گاورس م
لهذا تمییز النون قوطولیدون یونانی بضم اول و ضم طاء مهمله و سکون هر دو واو
و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثالث م نوعی از حی العالم
تمییز التحتانی قوفی بضم اول و سکون ثانی و کسر فا ف حیوانی است بحر[illegible]

تنسیق الیاء التحتانی وتمنیق الالف قیمولیا بکسر اول و سکون تحتانی و ضم میم
و سکون واو و کسر لام با تحتانی م طین قیمولیا طب ۲ ی ۳ ق مجفف رادع ل طین
ارمنی قینا بکسر اول و سکون ثانی با نون و الف ف نوعی از بقلة الحمقا تمنیق الراء
المهمله قیر ع بکسر اول و سکون ثانی ه رال قیشور بفتح اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه و
سکون واو ف نوعی از کف دریا ط ۲ ی ۱ ق مجلی منقی خ سبب سفید سوخته ل در
جلا ظرف چینی تمنیق السین المهمله قیرس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر را
مهمله ف موم قیطس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مهمله ف سور و تمنیق
الطاء المهمله قیلوط بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو ف در رق گندنا
شامی تمنیق اللام قیل بکسر اول و سکون ثانی م قیر تمنیق المیم قیصوم ع بفتح اول و
سکون ثانی و ضم صاد مهمله و سکون واو ف برنجاسب که قسمی از افسنتین است ط ۲ ا
گویند ۲ ی ۲ گویند ۳ گویند ۱ گویند ۲ ی ۱ ق مقطع ملطف محلل مدر منفتح خ
تازه زردش یک مثقال تا دو درم ص انیسون ل بابونج یا شیح ارمنی و در صلابت
بارد بابونه یا افسنتین تمنیق النون قیطاقون بفتح اول و سکون ثانی با طاء مهمله و الف و
ضم قاف ثانی و سکون واو م ترس قیقهن یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف
ثانی و کسر ها م قنقه تمنیق التحتانی قیحے ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر حاء مهمله و
سکون تحتانی ثانی م خردل قیروطی ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله و سکون
واو و کسر طاء مهمله ف مرهمی که از موم و روغن گل و صندلین و ورق گلسرخ و اکلیل الملک
و زعفران و کافور سازند قیفصے بفتح اول و سکون ثانی و کسر صاد مهمله ف زرد آلو تم قسم
الکاف تنسیق و تمنیق الالف کاگ جنگها م بکاف و الف و کاف فارسی
ثانی و فتح جیم و سکون نون و فتح کاف فارسی ثالث و اظهار ها و الف ثانی دوائی
هندی است م مینی کاه رهات با اظهار ها و ضم راء مهمله با موحده و الف م کیور

تمییز التاء الفوقانی کاث ف بفتح فوقانی م نوعی از برنج که در ولایت شوشتر بهم رسد گویند
که چون آنرا بکارند تا هفت سال بار آورد کاشت ف بفتح سین مهمله و خفاء ها و ضم
موحدهٔ فارسی و سکون شین معجمه م لاک پشت تمییز الجیم کاج ف بجیم تازی م درخت
ناژو کاسج ف بضم سین مهمله م خارپشت کاکنج بفتح کاف ثانی و نون ف عروس
در پرده و کنجو مو طب مع گویندی اگویند ۳ ق مخدر خ حب بزرگ کوهی سرخ رسیده
ش و ورم و گویند سه دانه ص معجون گل ل عنب الثعلب یا حب الفقاع یا نخ سفید
کالوج ف بضم لام و سکون واو م کبوتر تمییز الخاء المعجمه کالوخ ف بضم لام و سکون
واو و خاء معجمه م کنده تمییز الراء المهمله کاسر الحجر ع بکسر سین مهمله و ضم راء مهمله
و سکون لام و فتح حاء مهمله و میم م برز القلت ه کلتهی کافور بضم فا و سکون واو عطر
است مشهور طب ۳ ق مبرد مسکن مقوی و مفرح دل و حابس خون خ قیصوری
سفید که بزردی زند ش یک قیراط ص بنفشه و نیلوفر و زعفران یا مشک یا معجون گل
و عنبر ل دو وزن طباشیر و یکوزن صندل سفید ج گویند کهربا تمییز الزاء المعجمه
کافز بفتح فاه کگروند کاناز ف با نون و الف ثانی م بن خوشه خرما تمییز الزاء الفارسی
کاژ ف بزاء فارسی م درخت کاج ع صنوبر تمییز السین المهمله کاس بسین مهمله
ف خوک نر کانس ه بجفار نون م قسمی از کاه است که گلش در آخر برسات مثل پنبه
سفید بر می آید تمییز الشین المعجمه کاکوش ف بضم کاف ثانی و سکون واو
م نفث تمییز الغین المعجمه کاغ ف آتش تمییز الکاف کاروانک ف
بسکون راء مهمله با واو و الف و فتح نون م طائریست که بر کنار آب نشیند کاسجوک ف
بسکون سین مهمله و ضم جیم و واو مجهول م خارپشت کاگ ه بکاف فارسی ثانی
ف زاغ و بکاف عربی ثانی م کبک کالک ف بفتح لام م کدو و گویند خربزهٔ نارسیده
کاورک ف بسکون واو و فتح راء مهمله م خیار کبیر و قثد کبیر کاریجک ف بفتح واو و سکون

نون وفتح جیم م غبار باد رنگ سبز باشد و تمیز اللام کاکل ف بضم کاف ثانی وسکون لام
ع حنظله رومی کاکل ع نوعی از گل که گویند کاتنیل م بکسر تحتانی وخفا نون وفتح
موحده فارسی والف را مهار شیشعان تنمیق اللیم کاشم بکسر شین معجمه انجدان رومی
طلاحی ۳ خ زرد تر بزرگ ورق ع تخم را زیانه ل مدادرار تخم انجیره یا تخم گندر تنمیق النون
کاتن ف بسکون را مهمله وفتح فوقانی ع عنکبوت کاکیان ف بسکون کاف ثالث
با موحده والف ثانی م نبات قرطم تنمیق الواو کانیروف بکسر نون وسکون تحتانی وضم
زار مهمله م ماذریون کاهو ف بضم ها م ترخس طب ۲ راق مولد دم رقیق مسکن حدت
آن وکاهو مورث صفرا بفتح سدد در بول منوم رادع اورام بلین حلیپو دینه وکرفس
ومرلیا هلیله وشیره ش از تخم او دور مل دم الاخوین ونزد بعضی هند با تنمیق الهاء
کاپیه ف بکسر موحده فارسی وسکون تحتانی وفتح سین مهمله م گل معصفر کاچیره ف
بکسر جیم فارسی وسکون تحتانی م معصفر کارتنه ف بفتح را مهمله وسکون فوقانی وفتح نون
ع علبه متیی وبسکون را مهمله وفتح فوقانی عنکبوت کازیره ف بکسر زای فارسی وسکون
تحتانی وفتح را مهمله ع معصفر کاسانه ف بسین مهمله والف ثانی وفتح نون کی مرغکی سبز
رنگ که در ولایت خوزستان بسیار میشود کاسگینه ف بسکون سین مهمله وکسر کاف فارسی
وسکون تحتانی وفتح نون م مرغ سبز که ترکی سقراق گویند کاشه ف بفتح شین معجمه
ع کاغاله وکاغنده بفتح غین معجمه والف ثانی وفتح لام در لغت اول وسکون غین معجمه
وفتح لام در لغت ثانی م گل معصفر کاغنه بسکون غین معجمه وفتح نون ف بکرم عروسک ه
بیر بهوتی دگویند جانوریست سرخ زهر دار که بر او نقطهای سیاه باشند وبیشتر در پالیزها
پیدا شود وآنرا اتباه سازیع زرد ع وگویند خرخسره کافور جودانه ف بضم فا وسکون واو
وکسرای مهمله وفتح جیم وسکون واو ثانی باول مهمله والف وفتح نون م نوعی از کافور کافیت ف
بکسر فا وسکون تحتانی وفتح شین معجمه م گل معصفر کاکره ف بکسر کاف ثانی وفتح را مهمله ع

عاقرقرحا کالنوف بکسر لام و سکون نون و فتح جیم م فامیتع سلصل کالوہ بفتح لام و واو
م عاقرقرحا کالہ ف بفتح لام م کدو یا خربوزہ نارسیدہ کامہ ف بفتح میم م مرجان کا نجھہ م
بخفاء نون و فتح جیم فارسی و با اظہار ہاء آبگینہ کاذہ ف بسکون واو و فتح نون م کاغذ
و گویند کرم شب تاب تتمیق التحتانی کادی بکسر دال مہملہ و گویند براوہ م گل کیوڑہ و طح
ہی کا ف مکل جہ خوشبو م ذونکل ل روغن بریان کاس مری م بسکون سین مہملہ و فتح
میم و کسر راء مہملہ درخت ہندیست م کنبھار کاسنے بفتح سین مہملہ و کسر نون م مندبا
کافوری ف بضم فاء و سکون واو و کسر راء مہملہ ع اقحوان کاک ماجی بسکون کاف ثانی
باسم و الف ثانی و کسر جیم ع عنب الثعلب مکاکوتی ف بضم کاف ثانی و سکون واو و
کسر فوقانی م سعتر کانگنی م بخفاء نون و ضم کاف فارسی و کسر نون ثانی ف ارزن
تتمیق الباء الموحدة و تتمیق الالف کبد ابفتح اول و موحدہ و دال مہملہ لحم
م کفشیر لحام م کوبیر و گویند سریشم و در عربی بمعنے جگر تتمیق الموحدة کبد الذیب بہ فتح
اول و کسر ثانی و ضم دال مہملہ و کسر ذال معجمہ مشدد و سکون تحتانی ع جگر گرگ ل نیم
وزن و ار فلفل تتمیق الفوقانی کبت ت بکسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل کبریت ع
بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی ف گوگرد م گندھک طح ہی ۲ ق
ملطف جاذب خ زرد ناک ش یک درم تا دو درم ص بلیغ ہندی ل نیم حبہ آتش
امزو حلتیث م کبست ت بفتح اول و ثانی و سکون سین مہملہ م حنظل م اندراین تتمیق الجیم کبیکج
تتمیق الیاء بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی م نوعی از کرفس پر سے
بشیرازی ف کس میران م کرانجھ طح ہی ۲ ق مکل خ نوص در شکل ل انجرہ تتمیق الدال
المہملہ کبد م بفتح اول و کسر ثانی و سکون دال مہملہ جگر م کلیجا طح ب ق مغذی خ
ازمرغ یا مرغابی جوان فرہ کبید ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م کبدا تتمیق
الراء المہملہ کبتر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون راء مہملہ م کبوتر کبر م بفتح

اول و کسر ثانی مشهور است بهمین نام ط ح ی ع ف مقطع ملطف محلل خ بستانی سش
از پنج او نیم مثقال ص لا سطوخودوس و گوینیر کرو خیار ل حب ورق آن باشد او زد کبود
بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله م کرسکے کا آنرا سیهاں کو چک بخورند تمیز اللون
کبودن ف بضم اول و ثانی و واو مجهول و دال مهمله والف سیاه دانه تمیز الطاء کبستو
ف بضم اول و ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون واو خ حنظل تمیز الهاء
کبابه بفتح اول و بای موحده و خفاء هاء نام فاغره و تخم تمسطح بی گویند
۲ ق بفتح در محلل قابض خ چینی خوشبوی زبان گزنده ش دو دانگ تا نیم درم ص
صندل و گلاب مصطگی یا تخم کاهو یا کانچ ل هیل بوا و دار چینی یا اسارون کبسته ف بفتح
اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی م حنظل کبیده ف بضم اول و کسر ثانی و سکون
تحتانی و فتح دال مهمله سبوس گندم و برنج و جز آن هـ ساتو تمیز الموحده فارسی فا
تمیز السین المهمله کپاس ع بفتح اول و موحده فارسی والف م نبات پنبه تمیز
الکاف کیوک ه بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کاف تازی م طایری است که
با جنس خود جفتی کند و اگر احیاناً بر جای خود کیوک جانور دیگر که نر باشد به بیند در زمان
ماده شود و بآن زجفت گرد تمیز التحتانی کبی ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی
م میمون تنسیق و تمیز التاء الفوقانی کث ه بکسر اول و سکون فوقانی هندی ع
خبث الحدید تمیز الخاء المعجمه کتخ ف بفتح اول و ثانی م قروت و چاشنی و دوانق
تمیز الراء المهمله کتهبهر ه بفتح اول و ضم ثانی هندی و سکون هاء و نون ف فتح موحده و اظهار ها
و سکون راء مهمله ف قسمی از انجیر دشتی تمیز الغین المعجمه کتغ ف بفتح اول و ثانی م قروت
و چاشنی و دوانق تمیز الکاف کتک ف بفتح اول و ثانی م سیب بری و بزبان هندی حب السست
که چون سائیده در آب کرده بگل آمیخته باشند بر ریزند آنرا صاف کند تمیز اللام کتهل م بفتح اول
ثانی هندی و اظهار ها و موحده فارسی والف و فتح دال مهمله هندی و سکون لام قسمی از ماکول کشنیز م بفتح

اول و سکون ثانی هندی و فتح لام سوه هندیست مشابه شلغم تمیز المیم کتم بفتح اول و ثانی و
سکون میم م وسمه یعنی درق نیل تمیز النون کتان بفتح اول و ثانی والف م السی ملک کتان گران و بفتح
اول و کسر ثانی با راء مهمله والف ع قطران تمیز الواو کتوف بفتح اول و ضم ثانی
و سکون واو م طائریست سنگخوار و بضم اول غوره نیبه تمیز التحتانی کتائی هـ بفتح
اول و ثانی هندی والف و کسر همزه و دوائی مشهوره هندی است که گل او را بفارسی
گل خار گویند کنگی هـ بضم اول و سکون ثانی هندی و کسر کاف ثانی م خربق اسود تنسیق
الثاء المثلثه و تمیز الالف کثیراء ع بفتح اول و کسر مثلثه و سکون تحتانی با راء مهمله
والف هـ کتهیرا طمع ق مقوی ... صمغ سفید باریک بش نیم مثقال تا یک درم
... انیسون یا کرفس ل صمغ عربی یا بادام یا مغز دانه کدو تمیز العین المهمله
کثیر الاضلاع ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راء مهمله و سکون لام و فتح همزه و سکون ضاد
معجمه باللام والف ف گاوزبان تمیز اللام کثیر الارجل ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم راء
مهمله و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و فتح جیم م بسفایج تنسیق تمیز الهاء کشاه ع بفتح
اول و ثانی والف و اظهار هاء م تخم حرجیر تنسیق و تمیز الجیم الفارسی کج ف بفتح اول و سکون جیم
م ابریشم فرومایه م ... تمیز الکاف ککمک ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف ... که بشیراز
قصاصک گویند تمیز الهاء کچلهٔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و خفاء هاء م طائریست تنسیق
و تمیز الجیم الفارسی کچ ف بضم اول و سکون جیم فارسی م فلوس ... هـ کچلا تمیز الراء المهمله
کچنار هـ بفتح اول و سکون ثانی فارسی با نون والف م درختیست هندیست که بار ارغوانی
دارد و شگوفه اش ناخوشیست کچوره بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو م زرنباد تمیز النون
کچلون هـ بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم لام و واو مجهول ع زیر الفوار ... تنسیق العاء
المهمله و تمیز الالف کچلا و کچیلا بفتح اول و سکون حاء مهمله با لام والف و بلغت اول م ...
مهمله و سکون تحتانی و بلغت ثانی م ... مشترک که بلسان ... تمیز السین المهمله
کچلمس فارسی بضم اول و سکون ثانی و کسر لام با نون والف و راء مهمله و سکون سین مهمله

م انزروت تمیق اللام کحل ع بضم اول وسکون ثانی ف سرمه ابن تمیق النون
کحل حولان ع بفتح حاء مهمله ثانی و واو ولام والف م حضض کحل السودان ع بفتح سین
مهمله مشدد وسکون واو وادال مهمله والف م تشمیزج ه چاکسو تنسیق الخاء المعجمة
وتمیق الجیم کنجخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه و جیم م گیاهی ست که از وجاروب سازند
تمیق الخاء المعجمه کنخ ف بضم اول وسکون خاء معجمه م گیاه لوغ تنسیق الدال المهملة
وتمیق الخاء المعجمه کدوی تلخ ف بفتح اول وضم دال مهمله و واو مجهول وتحتانی
مجهول و فتح فوقانی وسکون لام م تونبری تمیق الراء المهمله کندر بفتح اول
وثانی وسکون راء مهمله م کاوی ه کیوڑا طب بحاق مسکن ش یک مثقال مص
عناب ل شربت فواکه وصندل تمیق المیم کدرم ف بضم اول وسکون ثانی و
ضم راء مهمله م غله ایست مانند ارزن که اکثر در برنج زار باشد کدم ه بفتح اول وثانی
م درخت هندی است که گلش زرد مشابه بهت تنکمه کریز که و کومی خورد تمیق النون
کدونی شیرین ف بفتح اول وضم ثانی و واو مجهول و تحتانی مجهول وکسر شین معجمه و
سکون تحتانی ثانی و کسر راء مهمله وسکون تحتانی ثالث ع قرع تمیق الهاء کدبه
بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحده م پوست خربزه تنسیق الراء المهمله وتمیق
الالف کراه بضم اول با راء مهمله والف ف درخت لسان العصافیر کراکاف بفتح اول
وثانی والف با کاف ثانی م پودنه ع سلوی کراکرا بفتح اول وثانی و فتح کاف ثانی
و راء مهمله ثانی م زاغ کرپاف بفتح اول وسکون ثانی با موحده فارسی و گیاهی است
که آن را بلند وزگو میند کرسبضیام بفتح اول وسکون ثانی و فتح میم و همزه ملینه با ومفتح
موحده وسکون تحتانی با ضاد معجمه م فاشرا کرسه سرو ابفتح سین مهمله وسکون واو
با دال مهمله م فاشرشین کرنباف بفتح اول وثانی وسکون نون با موحده م کلم قرنب الماء
ع به فتح اول وسکون ثانی و فتح نون وضم موحده وسکون لام با میم والف ممدوده

ف نیلوفر کرداراه بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ورا مهمله ثانی ف خیار چنبر
کرندداه بفتح اول وثانی وسکون واو وخفا نون با دال مهمله م میوه بندی است
کردیاج بضم اول وثانی وسکون واو بانحتانی ف قسمی از زیره کالی زیری طح
ی۲ گویند ۳ ق قابض بلطف مقوی معده خ تازه بستانی ش دو درم ص مصطکی
ماسبز ترش ل نیم وزن کمون نبطی ونیم وزن انیسون با رازیانج تنمیق الموحده
کرنب ف بفتح اول وضم ثانی وسکون نون م کلم طح ای ۲ واطراف ادی۲ ق
ملین منفیج خ نبطی که بکر تب بستانی مشهور است ص دهن تنمیق المثلثه کراث ع بضم
اول با ثانی مشدده والف ف گندنا طح ی۲ ق منضج مقطع ص سرکه در روغن ل بصل
تنمیق الجیم کرنج ف بفتح اول وثانی وفتح واو وسکون جیم گیاهی که آتش بدان فروزند
غرنج ع بوسر الع کرنج م بفتح اول وثانی وخفاء نون م الکت تنمیق الراء المهمله کرکر
بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله ع صنوبر صغار ف کاج تنمیق الزاء المعجمه کربز
بضم اول وسکون ثانی وضم موحده م خیار الحمار تنمیق السین المهمله کرابس وکربس
ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وکسر تحتانی وسکون سین مهمله در لغت اول
وفتح موحده در لغت ثانی م جانور چلپاسه کرفس ع بفتح اول وثانی وسکون فاء اجمود
طای۲ ق مفتح مدر معطش سبحی خ بستانی ش از تخم او نیم مثقال ص کاهو یا مجون گل و
مصطگی ل رازیانه با نیم وزن فطر اسالیون ودر فارسی جانور چلپاسه را گویند کرکاش
بفتح اول وسکون ثانی با کاف ثانی والف م گیاه در سرکه در زراعت جو وگندم بر دید
تنمیق الشین المعجمه کرش ع بضم اول وسکون ثانی ف شکنبه هر ا وجته ط ب خ
ماخر واز حولی میش یا مرغ فربه تنمیق الفاء کرشف بضم اول وسکون ثانی وضم شین
معجمه ف نیبه تنمیق الکاف کراک وکرکرک ف بفتح اول وسکون ثانی با الف وکاف
ثانی در لغت اول وفتح کاف ثانی وراء مهمله ثانی در لغت ثانی م جانور بود نه کرک فنه

فصل جانه

۲۷۳

بفتح اول وثانی م کراک وبسکون ثانی م ماکیان وکبک وسرطان وبضم اول وسکون ثانی م پشم نرمی که از بن موی بز رویند وآنرا بشانه آورده بریسند وشال و امثال آن بیافند کریشک ف بکسر اول وثانی وتحتانی مجهول وفتح شین معجمه م جوزه مرغ تنمیق الکاف الفارسی کرگ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی م کرگدن گینڈا تنمیق اللام کریل ھ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ولام نبات هندیست خاردار بے برگ که مراد را بهندی نیت گویند بکسر فوقانی هندی وتحتانی وخفا نون وفوقانی هندی ثانی وازو اچار سازند تنمیق المیم کرکم ف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی م زعفران کرم ع بفتح اول وسکون ثانی ف زرو درخت انگور ط ۷ ح ق ابعض خ لبستانی ص کتیرا وصمغ عربی باشکر وبفتح ثانی پ کلم کروش الغنم ع بضم اول و ثانی وسکون واو وضم شین معجمه وسکون لام وفتح غین معجمه ونون م فرنسیون تنمیق النون کرولین بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون تحتانی وکسر نام م نوعی از سیسالیوس کرکروهن بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف ثانی وضم راء مهمله ثانی وواو مجهول وفتح هام سک المسک مرکبی است ط ۷ ی ۲ کرکرهن بری بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وفتح هام عاقرقرحا کریون رومی بفتح اول سکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م قنطوریون دقیق تنمیق الواو کرابو وکرابسو ف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وضم سین مهمله وسکون واو در لغت اول وفتح موحده وضم سین مهمله در لغت دوم م جانوریست چلپاسه کرجعوف بفتح اول سکون ثانی و فتح جیم وضم فا م طائر پودنه کروف بفتح اول وضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که در آن بیضه نهد کرکرهو بفتح هر دو کاف وسکون هر دو راء مهمله وضم هام عاقرقرحا تنمیق الهاء کرابسه وکرسبه ف بفتح اول وسکون ثانی باموحده والف وفتح سین مهمله در لغت اول وفتح موحده در لغت ثانی ص چلپاسه کرتیه ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی

و سکون تحتانی و فتح نون م پرده سفید عنکبوت که بر آن بیضه نهد کرسنه ع بفتح اول و
سکون ثانی و فتح سین مهمله و نون ف کنک ه مثر و کراو و کلاو ط ۱ گویند ۳ ی ۲
ق مجلی بفتح خ دمشقی یا مصری سفید است و در م ص شاه بلوط ل و د و زن آن لوبیا
کلمیسه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و کسر میم و سکون تحتانی و فتح
سین مهمله م گلی ست خوشبو که بیشتر در کوه الوند شود کرمدانه بکسر اول و سکون ثانی
و میم با دال مهمله و الف و فتح نون م نوعی از تخم باذرلون ط ۳ ی ۲ ق مجفف خ سیاه
بزرگ مثل د و د انگ ص مع و کثیرال سعد و بلغل کرنه شایکه بفتح اول و سکون ثانی
و فتح میم و همزه ملینه یا با شین معجمه و الف و کسر تحتانی و فتح کاف ثانی م فشاع کرنه ه
بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون ف تریح کرد یا فارسیه و شامیه و حبلیه بضم اول و ثانی
و سکون واو یا تحتانی و الف و کسر همزه یا فا و الف ثانی و راء مهمله ثانی و کسر سین مهمله
و فتح تحتانی مشدد ثانی و نعا با شین معجمه الف ثالث و کسر میم و فتح تحتانی مشدد
ثالث و فتح جیم و موحده و کسر لام و فتح تحتانی مشدد رابع م نو ما مکرر ف بفتح اول و
ثانی م مسکه پرده سفید عنکبوت که بر آن بیضه نهد تمنیق التحتانی کرانث بلی ع بضم
اول با ثانی مشدد و الف و کسر مثلثه و فتح میم و موحده و کسر لام م فراسیون کرسکع
بضم اول و سکون ثانی و کسر کاف ثانی ف فنک هم کوبح ... پرده باز که بعد از گشتن
پس از چند روز بپزند بسر که و باز بگرم کرکانی ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
فارسی و الف و کسر نون ثانی م نوعی از انگور تنسیق الراء المعجمة و تمنیق الالف کرزادف
بفتح اول و سکون زاء معجمه با موحده و الف م نوعی از ریباس تمنیق المعجمة کرزب ع
بضم اول و سکون زاء معجمه ف زرده و کنجاره م لعس تمنیق العراء المهملة کرزبرة البیر ع
بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و فتح راء مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و کسر
موحده ثانی و سکون تحتانی ف بسیاوشان تمنیق الغین المعجمة کرزاغ و کرزغ ف

فصل زاء معجمه

بضم اول و فتح ثانی و الف و غین معجمه در لغت اول و سکون زاء معجمه در لغت ثانی ع
اشق تتمیق الفا کزف بفتح اول و ثانی م قیر در ال تتمیق النون کزدان بکسر اول و
سکون ثانی و واو و الف م بادر نبویه تتمیق الهاء کزبره ع بضم اول و سکون ثانی و کسر
موحده و فتح راء مهمله ف کشنیز هم اوهنیاط تراوب دو خشک او ب ۲ ای ۳ ق نار
مادع و خشک او سقوهی ول حابس خون خ بستانی تازه فربه تر از خشک او خیدرم
ص مسن تتمیق الزاء الفارسی و تتمیق الالف کژغاو کژکاف بفتح اول و سکون زاء
فارسی با غین معجمه و الف در لغت اول و کاف فارسی در لغت ثانی م غژگاو و تتمیق
الراء المهمله کژورف بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو م زر نیاو تتمیق
الزاء الفارسی کژف بفتح اول م کج قسمی است از ابریشم زبون ه تُسر تتمیق المیم کژم
ف بضم اول و سکون ثانی فارسی ع شجره ابق تتمیق النون کژترخون ف بفتح اول و
سکون فارسی و فتح فوقانی و سکون راء مهمله و ضم خاء معجمه و سکون واو ع عاقر قرحا
تتمیق الواو کژغاو و کژگاو ف بفتح اول و سکون ثانی با غین معجمه و الف و واو مجهول در
لغت اول و کاف فارسی در لغت ثانی م کژگاو تتمیق الهاء کژدانه ف بفتح و ثانی فارسی
و الف و فتح فوقانی م پیله ابریشم کژدم خواره ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم دال
مهمله و سکون میم و ضم خاء معجمه با واو معدوله و الف و فتح راء مهمله م جانوریست در دریای
خوزستان که چون برآمده رود دُم خود بر زمین کشد و بر هر که زخم زند هلاک سازد تتمیق السین
المهملة و تتمیق الالف کسیلاف بفتح اول و کسر سین مهمله و تحتانی مجهوله با لام و الف
دو نوع است هندی کمیلا کمیله ط ح ا ی گویند م ۳ ج د ق مغزی خ باریک مایل به سرخی
شر ۳ درم گویند نیم مثقال ص کتیرا یا تخم کرفس ل مغاث تتمیق الموحده کسبوع بضم
اول و سکون ثانی و ضم موحده ف کنجاره تتمیق الجیم کسرج ف بفتح اول و سکون ثانی و
فتح موحده فارسی و راء مهمله م مروارید تتمیق الزاء المهمله کسر بضم اول و سکون ثانی

بضم تحتانی م زنت خشک تمییز الکاف کسک ف بفتح اول و ثانی م طار عکه کسنک
بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون م کرسنه تمییز المیم کسیره الحمام بضم اول و سکون ثانی و کسر
موحده و فتح را مهمله و ضم فوقانی و سکون لام و فتح حا مهمله با میم و الف و میم ثانی م نوعی از
شاهترج تمییز النون کسیقون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون
واو ف نوعی از سوسن بری م ولبوث تمییز الواو کسیره بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول
و ضم را مهمله م بیخ رستنی هندی است که در آبها مثل نیلوفر بروید طب تمییز الهاء کسبره بضم
اول و سکون ثانی و فتح موحده و را مهمله ف کشنیز کسبه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده
م کنجاره کسیتهه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و فتح تیم م اشترخار
کسنبه ه بضم اول و ثانی و خفا نون و فتح موحده و اظهار ها م عصفر تمییز التحتانی کستوری
ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و کسر را مهمله ف مشک کسنی ف بکسر اول و
سکون ثانی و کسر نون ع طلتیت ه هینگ تلسلیق السین المهمله تمییز الالف کشوثا
بضم اول و شین معجمه و سکون واو و با مثلثه ه امربل طح ا ی ۲ ق بفتح منقی مسهل سودا و مقوی
کبد خ آنچه بر خار پیچیده باشد سق د درم ص بلوط ل تخم کاسنی و شتین تمییز الموحده
کشکاب ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف م آش جو تمییز المثلثه کشوث بضم اول و
ثانی و سکون واو م کسوثا تمییز الجیم کشنج بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم ف
نوعی از کمات که در ریگها و کنار دریا روید ف گل کنده ه بهاشل طاب تمییز الدال المهمله
کشک الشعیر ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی و فتح شین معجمه مشدد تا قع و کسر عین
مهمله و سکون تحتانی ف شیر جو طب ر تمییز السین المهمله کشمش بکسر اول و سکون ثانی و
کسر میم و سکون شین معجمه ثانی ف مویز انگور بیدانه طاح ی ا ق ملین بث د درم ص بادیان
تمییز الطاء المهمله کشط بضم اول و سکون ثانی م قسط تمییز الفاء کشف ف
بفتح اول و سکون ثانی ف ناخن و سنگ پشت ه کچهوا تمییز الکاف کشتوک ف بفتح اول و

سکون واو و کاف ثانی م لاک پشت کشاکرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی
و را مهمله م بانوی محله کشنک ف بفتح اول و سکون ثانی م بمیوه فروبت تمنیق اللام کشاغل ف
بفتح اول و ثانی و الف و کسر غا معجمه م محله شاغل هار تمنیق النون کشکین ف بفتح اول
و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانی م نان جو کشت بضم اول و سکون ثانی م خربزه
تمنیق الواو کشکاو ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف م کشکاب کشتوف بفتح
اول و سکون ثانی و ضم فوقانی م انگور نیم پخته کشاف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی
م کشکاب تمنیق الهاء کشته ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شفتالو و زردآلو و امرود
و امثال آن که تخم او برآورده خشک کرده باشند کشنه و کشکیه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر
کاف ثانی و فتح نون در لغت اول و کسر کاف و سکون تحتانی در لغت دوم م نان جو کشته ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م نوعی از سماروغ تمنیق التحتانی کشنی ع بکسر اول و سکون
ثانی و کسر نون م [illegible] کشوث رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر مثلثه و ضم را مهمله و
سکون واو ثانی و کسر میم م افتیمون تنسیق الضاد المعجمه و تمنیق النون کفضنبوون [illegible]
بفتح اول و سکون ضاد معجمه و فتح نون و سکون مثلثه و ضم موحده و سکون واو و نون [illegible]
ف یا بمعنی بری تنسیق العین المهمله و تمنیق الموحده کعب ع بفتح اول و سکون عین
مهمله ف پاشنه [illegible] ط ب ق [illegible] خ ازغال [illegible] م [illegible] رب [illegible]
ل استخوان ساق تمنیق الکاف کعک ع بفتح اول و سکون ثانی هکاک نان تبرک
حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی قدس الله سره العزیز که در دیار دهلی معمول است
تنسیق الفاء و تمنیق الالف کفدریا بفتح اول و کسر فا و فتح دال مهمله و سکون را مهمله
با تحتانی م سمندر یعنی تمنیق الموحده کف الذئب ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و کسر ذال معجمه
مشدد و سکون تحتانی م جنطیانا کف الکلب ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون لام و فتح کاف
ثانی و سکون لام م اشنان تمنیق الجیم کهنج ف بفتح اول و ثانی و سکون نون م نوعی از

ماهی ست که مانند سقنقور بغایت سمی است ع سمکة الصید تمنیق الدال المهملة کف
الاسدع بسکون لام و فتح همزه و سین مهمله م طلنتیا کفر الیهود بفتح اول و ثانی و ضم راء مهمله و
سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو م قفر الیهود تمنیق الراء المهملة کفشیر ف بفتح
اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه و سکون تحتانی وارد ی که زر و نقره و دیگر فلزات بدان
پیوند کنند تمنیق الزاء المعجمة کفچلیز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی
مجهول و زاء معجمه جانوری است آبی که سر و تنه مدور دارد و دم باریک خروع و عموص و
و عامیص جمع آن تمنیق السین المهملة کفناقس بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف
و سکون سین مهمله م دفلی ه کنیر تمنیق العین المهملة کفت اضبع ع افتح ضاد معجمه مشدد و ضم
موحده م مبیکج تمنیق الفاء کف بفتح اول م بقلة الحمقا تمنیق الکاف کفچلیز ک ف بفتح
اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه ع و عموص تمنیق اللام
کفچه نول ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء ها و ضم نون و واو مجهول م مرغی
است که ترکی قاشق بیلان گویند تمنیق الهاء کفچلیزه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه م کفچلیزک تمنیق الیاء کفی بضم اول و سکون
ثانی و کسر راء مهمله ع جعفری ف پوست بیاهر یا خرما خوشبو تنسیق الکاف و تمنیق الالف
گلگراه بضم اول و سکون ثانی با راء مهمله بهندی ف خروس گلگونداه بضم اول و سکون ثانی
و فتح راء مهمله و سکون واو و خفاء نون بدال مهمله م کافر گلگوراه بفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول
با راء مهمله نبات هندی است که قرش بعرض پرده نماید و بخش ه کنول تمنیق الشین المعجمة
گلگش و گیلکش ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون شین معجمه بلغت اول و کسر اول و تحتانی
مجهول و کسر کاف ثانی و تحتانی مجهول ثانی در لغت ثانی م ت آتزی تمنیق الکاف گلک ف
بفتح اول و سکون کاف ثانی نالی که از آن دخشک سبز در م ک و گیاه را نیز گویند و بضم اول م
نالکیان که از تخم کردن باز مانده باشد تمنیق الهاء گلمه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی

خفاء ها م پنبه دانه تتميق التحتانی کگر آسينگے ه بفتح اول وسکون ثانی با راء مهمله والف وکسر
سين مهمله وخفاء نون وکسر کاف ثالث م دواء هنديست کگرهی ه بفتح اول وسکون
ثانی وکسر راء مهمله هندی ف خيار دراز و بضم اول ف ماکيان تلسيق اللام وتمنيق لالف
کلاف بفتح اول م لام والف م ورع دعوک کليا ف بکسر اول م سکون ثانی با تحتانی م شتحا
ه ساجی کلينداه بفتح اول م کسر ثانی وتحتانی وخفاء نون با دال مهمله ف ترېز تتميق الجيم
کليواج ف بکسر اول م ثانی وتحتانی مجهول با واو والف م غليواز تتميق الحاء المهمله
کلخ بکسر اول م سکون ثانی ف بيرزد کلموح بفتح اول وسکون ثانی وضم ميم وسکون واو م سرگين
تتميق الدال المهمله کلوخ امرود ف بضم اول م ثانی وسکون واو وخاء معجمه وفتح همزه وسکون ميم
وضم راء مهمله وواو مجهول ثانی م نوعی از امرود تتميق الراء المهمله کلاور ف بفتح اول وثانی
والف وفتح واو وسکون راء مهمله م ورع کلهاره بفتح اول م ثانی ومشدد واظهار ها والف
ه گل کنول تتميق الزاء المعجمه کلوزف بفتح اول م ضم ثانی وسکون واو م غوره پنبه شگفته
کليز ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م زنبور تتميق الزاء الفارسی کلموز ف بفتح
وضم اول وسکون ثانی وضم ميم وسکون واو م چلپاسه تتميق السين المهمله کلس ع
بکسر اول م سکون ثانی ف آهک ه نوره ه چونه تتميق الشين المعجمه کلاس ف بفتح اول م
ثانی با الف ع عنکبوت و نسيج آنرا کلاش خانه گويند کلاکوش ف بفتح اول م لام الف و
سکون کاف فارسی وضم ميم وسکون واو م موش دشتی تتميق الغين المعجمه کلاغ ف
بفتح اول م سکون ثانی والف م زاغ ه کراں و کاگ وکوا کلمزغ ف بفتح اول م ثانی وضم
ميم وسکون راء مهمله م نوعی از کرگس که بر سرش پر نباشد تتميق الفاء کلناف ه بفتح
اول م سکون ثانی با نون والف ه کنير تتميق الکاف کلکنک بکسر اول وسکون ثانی وفتح
کاف ثانی وسکون نون م تخم خرفه کلاک ف بفتح اول م ثانی م کوف و بوم و خربزه نارسيده
و غوره پنبه ناشگفته وگاه وشين زرجوان و بضم اول وسکون ثانی م پشم نرمی که از بن موی

بروید وآنرا بشانه آورده بریسند وشال وامثال آن بافند و بکسر کاف هری عموما ولی قلم خصوصا ونیز صمغی ست تلخ که آنرا جموداته گویند کلنبک بفتح اول وثانی وخفا ها ونون وفتح موحده ف چوب خوشبوی صندل آسا مائل بسرخی کلیک ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م تخم گل تنسیق اللام کلکل بفتح هر دو کاف وسکون هر دو لام م مقل کل ف بفتح اول م رجیع بهایم وگاو میش نز تنسیق المیم کلمف بفتح اول وثانی م کرنب تنسیق النون کلیجن ع بضم اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم م خولنجان که بیخ برگ تنبول باشد کلنکان بکسر اول وثانی وسکون تحتانی وفتح کاف ثانی با الف م خون کلیکرون سریانی ورمی بکسر اول وثانی وسکون تحتانی وفتح کاف ثانی وسکون لام ثانی وضم را مهمله وسکون واو م جرجیر تنسیق الواو کلاجو وکلاژو ف بفتح اول وثانی با الف وضم جیم وسکون واو ولغت اول وضم زا فارسی در لغت ثانی م طائر عکه کلاو ف بفتح اول وثانی با الف م وفتح کلاهو ف بفتح اول وثانی والف بضم ها م نوعی از آهوی بی شاخ کلیاسو کلیبسو ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وضم سین مهمله در لغت اول وفتح موحده در لغت ثانی م چکیده تنسیق الهاء کلاژه ف بفتح اول وثانی والف وفتح زا فارسی م طائر عکه کلوزده ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح زا معجمه م غوزه پنبه ناشگفته کلونده ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون نون وفتح دال مهمله م نوعی از خیار باریک دراز کلیه ع بضم اول وسکون ثانی وفتح تحتانی ف گرده ط مع ب گویند ی گویند د م تنسیق الیاء التحتانی کلتنی هـ بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی واظهار ها م هلالیست ع کاسر الحجر کلنجری ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون نون وفتح جیم وکسر را مهمله م نوعی از انگور سیاه رنگ که در ولایت هری شود کلیانی رومی بکسر اول وسکون ثانی با تحتانی والف وکسر نون م اشق کلی ف بضم اول وکسر ثانی قسمی است از ماهی ریزه ع سمک صغار اصغر تنسیق المیم وتنسیق الالف کماف بضم اول ثانی والف م کمات وبکسر اول م زنبار تنسیق الفوقانی کماة ع بفتح اول وثانی والف

فوقانی م قطر ط ب ۲ ق ردی الغذا خ محلل ص مو نیز ق قلفل تمییز الدال المهمله
کمون اسود ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون و فتح همزه وسکون سین مهمله
وفتح واو ثانی م کمون برسیت وشونیز را نیز گویند تمییز الراء المهمله کماشیر بفتح
اول وثانی والف وکسر شین معجمه وسکون تحتانی م صمغ کرفس کوهی که قطر اسالیون گم
اوست ط ه ی ۲ گویند ۳ ق مذیب محلل خ زرنیخ پوش رو دانگ ص کل صندل
ل جاوشیر تمییز الزاء المعجمه کمیرف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع بول
بیشاب ه موت تمییز السین المهمله کمادریوس سریانی ویونانی بفتح اول وثانی
والف وفتح دال مهمله وسکون راء مهمله وضم تحتانی وسکون واو ف نام دارد ط ح
ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مدر محلل خ تازه بری که بعد از ادراک تخم برگیرند ش یک
مثقال ص سفرجل ل غافث یا اسقولوقندریون یا تخم حاجن بری یا تخم کشنیز بری
کمافیطوس یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر فا وسکون تحتانی وضم طاء مهمله وسکون
واو ف نام دارد ط ح ۲ ی ۳ ق مفتح محلل خ بستانی ش یک مثقال ص انیسون
یا زعرور ل نیم وزن سیسالیوس ودو دانگ نیم وزن آن سلیخه یا کمادریوس یا جعده
تمییز الکاف کمرک ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله وسکون کاف ثانی م میوه هندی
است تمییز المیم کماما ف بفتح اول وسکون ثانی با کاف ثانی والف ع اوراه الطیب
و گویند صمغ درخت بطم کم کمف بضم اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی م زعفران
تمییز النون کمالیون یونانی بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو
نوعی از مازریون سیاه کمون ع بفتح اول وضم ثانی وسکون واو انواع است کرمانی
وفارسی وشامی ونبطی ه زیرا ط ح ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف مخشی مفتح حابس خون
محلل خ کرمانی ش دو درم ص کتیرا گویند خل ل نانخواه یا از کرمانی یک نیم وزن نبطی
یا نفاس نیم وزن کرمانی یا تخم کرفس تمییز الواو کمون حلو بفتح اول وضم ثانی وسکون

کمای فارسی ر ... کمامی م ... کما ی ... کمادریوس ...

۲۸۲

واو وکسر نون وضم حاء مهمله وسکون لام م انیسون تتمیق الهاء کنیچه ف بفتح اول وکسر
ثانی وسکون تحتانیه وفتح جیم فارسی م کرم شب تاب تتمیق التحتانی کثری ع بضم اول و
ثانی مشدده وسکون مثلثه ورا مهمله والف مقصوره ف امرود طع گویند ب ما
گویند ب ای ۲ ق قابض ومفرح ومقوی دل خ شاه امرود ش از شراب او یک اوقیه
ص ماء العسل ل سفرجل کمون ارمنی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر نون وفتح
همزه وسکون را مهمله وفتح میم وکسر نون ثانی م کرویا کمون بری بفتح موحده وکسر را
مهمله مشدده م شاهترج کمون حبشی بفتح حاء مهمله وموحده وکسر شین معجمه م کمون بری
تتمیق النون وتتمیق الالف کنبیلا ه بفتح اول وسکون نون وکسر موحده وسکون
تحتانی بالام والف م قنبیل تتمیق الموحده کنب ف بفتح اول وثانی وسکون موحده
م بنگ ه بهانگ وبجیا گویند در فارسی ریسمانی است که از پوست نبات کتان
تابند وبضم اول نوعی از خیار تتمیق الجیم کنج ف بفتح اول وسکون ثانی م قرت تتمیق
الدال المهمله کندر ف بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله شکر که معرب آن قند است و
بزبان هندی بیخ هر چیز کنگر ز بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون رای
مهمله وزاء معجمه وآنرا لنگری نیز گویند وآن صمغ کنگر است طح را گویند ب ق مسقی
تتمیق الراء المهمله کنار بضم اول باثانی والف ه بیر کنجار ف بضم اول و
سکون ثانی والف ه کهل کندر ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله مصطکی وگویند
لبان طح ۲ بجا گویند س ق مدمل مجفف قابض منقی ومقوی دماغ ومعده وحابس
خون خ سفید گرد حب شانیم درم ص اندبا عناب ل مصطکی یا بهمن کنگر ف
بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی م شعر که اکثر در کوه بالا بروید و کنار بسیر
خارناک بود وآنرا بیشتر با ماست بخورند وبضم اول وکاف فارسی م بازیوم کنیره بفتح
اول وثانی وسکون تحتانی ف خرزهره تتمیق الزاء المعجمه کناز دکن ف بفتح اول و

باثانی والف وزاء معجمه در لغت اول وبحذف الف در لغت ثانی م بن خوشه خرما
تتمیق الشین المعجمه کندش بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ف چوب اشنان
طرح بمعنی مطلش مفرح مقی خ بیخ وی سن واهگی ونیم ص کتیرا ل بوزن او جوز الفقی
وثلث یک وزن آن فلفل تتمیق الغین المعجمه کناغ ف بضم اول باثانی والف م کرم پیله
وتار ابریشم تتمیق الکاف کنجدک ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم وفتح دال مهمله
وسکون کاف ثانی م انزروت کنجک ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم ص شجرة البق
کنک ف بکسر اول وفتح ثانی م گردگانی که مغزش بدشواری برآید تتمیق الکاف الفارسی
کنگ ف بضم اول وسکون ثانی وکاف فارسی ثانی م خوشه خرما تتمیق اللام کنجال بضم
اول وسکون ثانی باجیم والف ولام م نخاله کنجد م کهل کنگول م بفتح اول وسکون ثانی و
ضم کاف ثانی وواو مجهول م وادهندی است تتمیق الواو کندر وبضم اول وسکون ثانی
وضم دال مهمله وراء مهمله مصطکی کنستو ف بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله وضم فوقانی
م نبات اشنان کنشتو وکنشو بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه وضم فوقانی در لغت اول
وسکون شین معجمه وواو در لغت ثانی غوره انگور کنوف بفتح اول وضم ثانی م سنگ ه
بجا تتمیق الهاء کنبیزه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی مجهول وزاء معجمه
وخاد ها م نوعی از خیار که هنگام خامی شیرین بامزه بود ودر پختگی نتوان خورد کنجاره وکنجاله
بضم اول وسکون ثانی باجیم والف وفتح راء مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م نخاله
کنجد کنجده ف بضم اول وسکون ثانی وکسر جیم ودال مهمله [illegible] انزروت
کنجیده ف بضم اول وکسر جیم وفتح دال مهمله م کنجد کنجده کنوزه ف بفتح اول وضم ثانی وسکون
واو وفتح زاء معجمه م پنبه نم تتمیق التحتانی کندی ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله
وسکون تحتانی ع کادی م کیوره تتمیق الواو وتتمیق الالف کوتاه یا وکوته پایه بضم
اول وواو مجهول با فوقانی والف والثانی با موحده فارسی والف ثانی در لغت اول و

و فتح فوقانی و اظهار ها و در لغت ثانی جانوریست مانند گوزن که همانطور خالها بر پشتش
روی آن شبیه بروی گوزن شاخ شاخ شود ها و هی تمنیق الفوقانی گوست ف بفتح
اول و ثانی و سکون سین مهمله و فوقانی ع حنظل تمنیق الجیم کوج ف بفتح اول و ثانی و جیم ع
صمغ تمنیق الجیم الفارسی کوچ ف بضم اول و ثانی مجهول و جیم فارسی م جانور بوم تمنیق
الدال المهمله کوژد ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح زاء فارسی م کنجده و آن صمغ
درخت پرخاریست که بعربی آنرا شابکه خوانند خ سفید مایل بزردی کوشاد بفتح اول و
سکون ثانی با شین معجمه و الف ع حنظل تمنیق الراء المهمله کوار ف بضم با ثانی والف م
گنده کوبدار ه بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده با دال مهمله والف م قسمی از کچنار است
کوبر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م فلفل کوترت بفتح اول و سکون ثانی و فتح
فوقانی کبوتر کور ف بفتح اول و ثانی م کبر که از آن اچار سازند کورکو بضم اول و ثانی مجهول
و راء مهمله و ضم کاف ثانی و واو مجهول ثانی م خلیواج کورکنار ف بضم اول و ثانی مجهول و سکون
کاف ثانی با نون والف م خشخاش ه پوست و چونترا تمنیق الزاء المعجمه کوزر ف بفتح
اول و ثانی و سکون راء مهمله و زاء معجمه م میوه کبر کوزک بضم اول و ثانی مجهول م مقل تمنیق
الزاء الفارسی کوژ ف بکسر اول و ثانی م میوه ایست سرخ رنگ که مانندش از زمین شوره
روید م از دف تمنیق الشین المعجمه کورموش بضم اول و ثانی مجهول و سکون راء مهمله و ضم
میم و سکون واو و شین معجمه م چمچمو [illegible] تمنیق الضاد المعجمه کورکب الارض بفتح اول و سکون
ثانی و فتح کاف ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ع علق
تمنیق العین المهمله کوارع ع بفتح اول و ثانی با الف و کسر راء مهمله ف و سید و پاچه
تمنیق الفاء کوالف بفتح اول و ثانی والف و کسر لام و سکون قاف با واو [illegible] بضم
اول و سکون ثانی م چغند تمنیق الکاف کوخک ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمه
م خوشه انگور کوکر ف بضم اول و ثانی مجهول م تره کاهو ع حس کوکاک ف بضم [illegible]

ثانی مجهول و کسر کاف ثانی و فتح لام م غوره نیه ایا شگفته تمیز اللام کوپل ف بضم اول و
ثانی مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام م شگوفه کول ف بضم اول و ثانی مجهول جـ
جانوری بوم و بعضی بفتح اول و ثانی بزبان هندی م نیلوفر تمیز المیم کولم ف بفتح اول و سکون ثانی
و فتح لام م فلفل کوسم ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح ها گیاهی است که در زمین سدیا
روید و بیخ آن شبیه بیخ نی باشد تمیز النون کوکن ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح
کاف ثانی م حینه دغله نیست کوهن ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر ها و سکون تحتانی
م کوهم تمیز الواو کودوه بضم اول و ثانی مجهول و ضم دال مهمله م غله ایست هندسے
کوکو ف بضم اول و ثانی مجهول و ضم کاف ثانی م خاکینه تمیز الهاء کواره ف بفتح اول و
ثانی والف و فتح راء مهمله م خانه زنبور کوانچه بکسر اول با ثانی والف و خفاء نون و فتح جیم
فارسے و اظهار ها م دواء هندیست کوتلیه ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده فارسے
ولام م شگوفه کوتاه پاچه و کوته پاچه ف بضم اول و ثانی مجهول با فوقانی والف و اظهار ها با موحده
فارسے والف ثانی و فتح جیم فارسی در لغت اول و فتح فوقانی و اظهار ها در لغت ثانی م
کوتاه پا لوتهه بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی هندی و اظهار ها م قسط کوزه ف بفتح
اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح زاء معجمه م میوه کبر کوژدوه ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح
زاء فارسی و دال مهمله م کنجده کوژه ف بضم اول و سکون ثانی و فتح زاء فارسی م خر سفید
رنگ ۶ اثم کوکله ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر کاف ثانی م مهر کوکه ف بضم اول و ثانی
مجهول و فتح کاف ثانی م چغند کودبرکوه ف بضم اول و ثانی مجهول و اظهار ها و فتح موحده
و سکون راء مهمله و ضم کاف ثانی و واو مجهول ثانی عنبر سطبق کوه ف بضم اول و فتح
ثانی م غوره نیه و کوکنار ریلیه ابریشم و امثال آن تمیز التحتانی کوتاه پای و کوته پائی
ف م کوتاه پا کوری ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر راء مهمله م غله ایست مانند چینه
که خود رو باشد کونل گلری ه بضم اول و ثانی و خفاء نون و سکون لام و فتح کاف ثانی

٢٨٦

فصل لام

وسکون کاف ثالث وکسر راء مهمله هندی ف نیلوفر تنسیق الفاء وتنسیق الالف
کهاپراهه بفتح اول واظهار ها والف وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله با تحتانی والف
ف توتیا سفالک کهرباف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله با موحده هرکیو رطب
ے ۲ گونیدح ۳ ق قابض مجفف مقوی دل خ صاف سرخ مایل بزردی ش نیم مثقال
ص نیم وزن ازریا لعاب سفرجل طباشیر دو دو دانگ وزن سندروس دیاده وزن
طین رومے دو دو دانگ وزن آن سلیخه ونیم وزن آن نبکوبریان کرده کهیانا بفتح اول وسکون
ثانی با تحتانی والف ونون م ناوانیا تنسیق الراء المهمله کهار بفتح اول واظهار ثانی
والف ف نمکی است که بعضے از اشجار مثل پلاس ونهال کنجد وگوکهرو وکیلا وجز آن را
آگ در قوم می سوزند وخاکستر آن را قسمے از نمک باشد که بزبان هندی کهار گویند کهجوره بفتح
اول واظهار ثانی وضم جیم وسکون واو ف خرما کهیره بفتح اول واظهار ثانی وسکون تحتانی
م درخت هندی است که از قشر او کاتت سازند وبکسر ثانی وسکون تحتانی م سیب
صحرائی ع زعرور تنسیق اللام کهفل بفتح اول وسکون ثانی وفتح ظاء معجمه وسکون لام
م برجیس تنسیق المیم کهلم شربانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام ف بادنجان تنسیق النون
کهاری لون ه بفتح اول واظهار ثانی والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی وضم لام و
واو مجهول وسکون نون ف نمک شور تنسیق الهاء کهوه بفتح اول وسکون ثانی وفتح
واو ف خیارهات مغز جوز مهواه کلوندی کی گشلی تنسیق التحتانی کهرنی ه بکسر اول و
اظهار ثانی وفتح راء مهمله واظهار ها ثانی وکسر فوقانی هندی وسکون تحتانی م کرنا ے
بزنگ کهمبهی ه بضم اول واظهار ثانی وسکون میم وکسر موحده واظهار ها ثانی ع فطر
ف کمات کومبک سفید کهنی ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر نون م خرکس تنسیق
الیاء التحتانی وتنسیق الالف کیلا ه بکسر اول وثانی مجهول بالام والف ع موز تنسیق
الراء المهمله کیسر ه بکسر اول وثانی مجهول وفتح سین مهمله م زعفران تنسیق الزاء المعجمه

کیزرف بکسر اول و سکون ثانی م سید کیکیزف بکسر اول و سکون ثانی و کسر کاف تازی و
سکون تحتانی ثانی م نزا تیزک تتمیق السین المهمله کیخرس بفتح اول و سکون ثانی و
تا معجمه و فتح را مهمله م ماده سگ کیلاس بکسر اول و ثانی مجهول بالام و الف ه گیلکی
تتمیق الشین المعجمه کیغرف بکسر اول و ثانی مجهول م مرو نام جانوری است که از او پوستش
پوستین سازند کیکیش بکسر اول و ثانی مجهول و کسر کاف ثانی و تحتانی ثانی مجهوله م
نزا تیزک تتمیق الکاف ککک مد بفتح اول و سکون ثانی ع برغوث ه پشو و بکسر اول و
آدمی و مردمک چشم کیلک ف بکسر اول و فتح ثانی و لام م زع در تتمیق اللام کیلف
بکسر اول و فتح ثانی ع زع و ر کیمال ف بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف م جانوریست
که میشود در طرف شیروان ازان پوستین کبود سازند تتمیق النون کیلکان بکسر اول و ثانی
مجهول و فتح لام با کاف ثانی و الف م نوعی از کراث تتمیق الواو گیسو بکسر اول و ثانی مجهول
و ضم سین مهمله م جعده کیلو ف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام ع زع و ر کیبوف ? بفتح اول و
ضم ثانی م کاهو تتمیق الهاء کیسگونه بکسر اول و ثانی مجهول و فتح سین مهمله و سکون را مهمله و
ضم کاف فارسی و سکون واو و فتح نون م جعده کریف ف بکسر اول و فتح ثانی ع مصطکی ••

تتمیم الکاف الفارسی و تتمیق الالف و تتمیق الموحده

گاو آب بکاف فارسی و الف و سکون واو و مد همزه م جابه غوک تتمیق الجیم گاوزهرج بسکون
واو و فتح زا معجمه و سکون ها و فتح را مهمله ف گاوزهره سنگیست که در زهره گاو بهم رسد
یا در شیروان او متکون گردد از گاوان هندوستان مانند بادزهر در لون و خاصیت انجم
در میان زهره بهم رسد مثل زرده تخم مرغ است و بشیرازی اندرزا خوانند م حجر البقر تتمیق الدال
المهمله گاورد ف بکسر را م گاو کوهی تتمیق الطاء المهمله گاجره بفتح جیم ف زردک
گاوشیر ف بسکون واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی م صمغ درختیست کوتاه ساق و
برگش برگ انجیر ماند لیکن گردتر و کوچکتر و گویند مثل برگ زیتون لیکن برگ زیتون ازان

درازتر وساق وی چون خیار زه کشیده بود وگلش زرد باشد وگلش خوشبو ونیز ساق آن
بشکافند وصمغ گیرند م جاوشیر ط ح ی خ زعفرانی رنگ که زود در آب حل شود اول که
بیرون آید سفید باشد وچون خشک گردد زرد شود وهرگاه در آب حل شود مانند شیر نماید
تتمیق الزاء المعجمه گازر فـ بسکون زاء معجمه ع علف هـ گهاس تتمیق السین المهمله گاورس
فـ بسکون واو وفتح راء مهمله وسکون سین مهمله ع جاورس هـ ملیا باجره وتتمیق الکاف
گاوک فـ بفتح واو م کنه تتمیق الکاف الفارسی گالبنگ بسکون لام وفتح موحده
وسکون نون م هرنگ گیاهیست که در ایام بهار در زراعت جو وگندم بروید وغوره گنگره
بار کند مانند غوره لاله واندرون آن دانه چند معدود باشند وخوردنش مستی می آرد وسر
شوریده سازد تتمیق اللام گال فـ هـ ملیه کنگنی ونیز بمعنی شغال وعنکبوت ورتیلا وغوره پنبه
ناشگفته وعروس تتمیق المیم گاوچشم فـ بسکون واو وفتح جیم فارسی وسکون شین معجمه
م بابونه گاو ع عین البقر واقحوان گلی است که بیرونش سفید واندرون زرد است ط ح ی
تتمیق النون گاوزبان عـ بسکون واو وضم زاء معجمه با موحده والف ع لسان الثور هـ
گاتمه ماننا گاوزن فـ بکسر واو وتحتانی مجهول وفتح زاء معجمه م زهره گاو تتمیق الهاء گاوزهره
فـ بسکون واو وفتح زاء معجمه وسکون ها وفتح راء مهمله م گاوزهره ج تتمیق الباء
المهملة وتتمیق الباء الموحده گبغ فـ بفتح اول فارسی وموحده م سنگی است که
از آن ظروف واوانی مانند دیگ وکاسه وصحن سازند تتمیق الجیم وتتمیق اللیم گچ میل هـ
بفتح اول فارسی وسکون جیم وکسر موحده فارسی وسکون تحتانی وفتح موحده فارسی ثانی
م ثمر چاپ تتمیق الراء المهمله وتتمیق الفوقانی گرغست فـ بفتح اول فارسی و
سکون راء مهمله وفتح غین معجمه وسکون سین مهمله م برغست تتمیق الجیم گردناج فـ بفتح اول
فارسی وسکون ثانی ودال مهمله با نون والف م گردانیده کباب که مرغ یا گوشت گوسفند
ودیگر حیوانات در آب بجوشانند وسیخش با ادویه حاره برگردانیده کباب کنند خ از مرغ فر

گرنج ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون م برنج ه چاول تتمیق الجیم الفارسی گرنج
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وجیم فارسی ه گلوی تتمیق الدال المهمله گرام کند م
بکسر اول با ثانی والف وسکون میم وفتح کاف وسکون نون با دال مهمله استعمال کند گربید
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وفتح موحده دخفاد یا وکسر موحده ثانی وتحتانی
مجهول م بید شک تتمیق الزاء المعجمه گراز ف بضم اول فارسی با ثانی والف م خوک تتمیق
الکاف الفارسی گرگ ف بضم اول فارسی وسکون ثانی ه بهیریا تتمیق اللام گرشال ف بفتح
اول فارسی وسکون ثانی با شین معجمه والف ولام م حیوانیست که از خرس وشغال هر دو متولد
شود تتمیق النون گران ف بضم اول فارسی با ثانی والف دسته جو وگندم درو کرده ٭
تتمیق الواو گربگو ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده وضم کاف فارسی ثانی م
بید شک تتمیق الهاء گرزه ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح زاء معجمه جیسے از مار زهر
که زهر او زیاده از ماران دیگر است وگویند مار است نگین خط وخال که هیچ تریاقی بزهرش مقاومت نکند
وگویند کفچه مار وگویند موش گزنده ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله
م غرور شوع شوکة الحائکه ه کوانچه تتمیق التحتانی گرچی ه بضم اول فارسی وثانی وسکون واو
وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی ه گلوی تتمیق الزاء المعجمه ٭ تتمیق الراء المهمله گرزه
م زرد وکسر ع حرز تتمیق الزاء المعجمه گزف بفتح اول فارسی ع اثل ه جهاو تتمیق الکاف گزمازک
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی با میم والف وفتح زاء معجمه ثانی ع حب الاثل م بار درخت گز
ه مائین تتمیق النون گزانگبین ع ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح همزه وسکون نون
وضم کاف فارسی ثانی وکسر موحده وسکون تحتانی ونون ثانی طلیست یعنی شبنمیست مانند
ترنجبین که بر برگ طرفا می آمده ش هفت درم گزمازون ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی با میم
والف وضم زاء معجمه ثانی وسکون واو م گزمازک تتمیق الفاء الفارسی وتتمیق المیم گژم
ف بضم اول فارسی وسکون زاء فارسی م درخت در ولایت شجرة البق تتمیق السین المهمله

و تخفیف الهاء گسته ف بفتح اول فارسی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی م ساک سنغ
و سر گبین تنسیق الشین المعجمه و تخفیف الفوقانی گشت برگشت ف بفتح اول فارسی و سکون
شین معجمه و فوقانی و فتح موحده و سکون راء مهمله و فتح کاف فارسی ثانی و سکون شین معجمه
ثانی و فوقانی ثانی نباتی است برهم پیچیده مانند ریسمان تافته آن پیچیده بود و م پیچک گویند
م پیچه طلح ی ال بودیدان یا کافور رشته وزن صبر سیاه گشت ف بفتح اول فارسی
م خربوزه تنسیق اللام و تخفیف الخاء المعجمه گلسرخ ف بضم اول فارسی و سکون لام و ضم
سین مهمله و سکون راء مهمله ع ورد م گلاب و بکسر اول ع نغزه گیر و تخفیف الراء المهمله
گلغرف بضم اول فارسی و سکون لام و فتح غین معجمه و سکون راء مهمله م پشم نرم که از بن موی
بز شانه آرند و از آن شال و غیره بافند تخفیف الزاء المعجمه گلوزنت بفتح اول فارسی و ضم ثانی
و سکون واو و زاء معجمه ع فندق و گویند چلغوزه و گویند بادام کوهی که بجرک شه تخفیف الشین
المعجمه گلموش ف بضم اول فارسی و فتح ثانی دختار و ضم میم و سکون واو م بید مشک
ع بهرامج تخفیف الکاف گلک ف بضم اول فارسی و فتح ثانی م نوعی از صمغ است که بسرخی
گراید از بوته جو دانه حاصل شود م کوزده تخفیف اللام گلقند اصل بضم اول فارسی و سکون
ثانی و فتح قاف و سکون نون و کسر دال مهمله و فتح همزه و سکون صاد مهمله و لام ثانی م گلشکر
که در آفتاب ترتیب یافته باشد نه بر آتش گلگل ف بفتح هر دو کاف فارسی و سکون هر دو لام
م نوعی از لیمو بقدر نارنج و آن قدر ترش است که چون سوزن در آن بخلانند در اندک
زمانی گداخته شود و بضم هر دو کاف فارسی م مثل تخفیف المیم گلگندم ف بکسر اول
فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی ثالث و سکون نون و ضم دال مهمله و سکون میم
م گیاهی است چنان نماینده که گویا پنج شش دانه گندم بهم چسپیده اند م گوز گندم تخفیف النون
گلنگبین بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسر موحده
و سکون تحتانی و نون ثانی م گلی که در عسل ممزوج سازند تخفیف الهاء گلاگونه بضم

فارسی وفتح ثانی والف وضم کاف فارسی ثانی وسکون واو وفتح نون م گلگونه که زنان
بر رو سمالند گلغونه ف بضم اول م گلگونه گل گوزه ف بضم اول فارسی وکسر لام وضم کاف
وسکون واو وفتح زاء معجمه گل نسرین گل گنیده ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وفتح کاف
فارسی ثانی وسکون نون وفتح دال مهمله گیاهیست بغایت بدبو وگلیکان وگماگل ف
بضم اول فارسی وکسر ثانی م غوره تمبه وبکسر اول م دانهٔ انگور که از خوشه جدا شده بیفتد ـ ه
تمیز التحتانی گل پارسی ف بضم اول فارسی وکسر ثانی با موحده فارسی والف وسکون
راء مهمله وکسر سین مهمله وسکون تحتانی م گلی است بغایت سرخ وخوشرنگ م گلنار پارسی
تنسیق المیم وتمیز الفوقانی گمست ف بفتح اول فارسی وسکون میم وکسر سین مهمله م سنگ
گمست جوهری است فرومایه که کبود وسرخی مائل است ومعدنش قریب مدینه مکرمه معظمه
هر که در ظرف او شراب بنوشد مستی نیارد واگر پارهٔ ازین در شراب اندازند همین خاصیت
دارد واگر در زیر بالین نهند خواب نیکو بیند تمیز الزاء المعجمه گمیز ف بکسر اول فارسی وثانی و
سکون تحتانی وزاء معجمه م شاش عموما تنسیق النون وتمیز الالف گنداگیا ف بفتح
اول فارسی وسکون نون ودال مهمله وکسر کاف فارسی ثانی با تحتانی والف م خرس سیاه
تمیز الدال المهمله گنبد ف بضم اول فارسی وسکون نون وفتح موحده م خیمه گنبد
ف بضم اول فارسی وسکون ثانی م خصیه تمیز الراء المهمله گنبهاره ف بفتح اول فارسی
وسکون ثانی وفتح موحده واظهار ها والف م درختیست هندیست که کاسنی گنجار وگنجا
ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وجیم والف وفتح راء مهمله در لغت اول وفتح جیم وهاء مهمله
در لغت ثانی م گلگونه تمیز الشین المعجمه گندش ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکسر
دال مهمله وسکون شین معجمه م گوگرد تمیز الکاف گندک ف م گوگرد تمیز الهاء [illegible]
ف م غنچه گنجاره وگنجه ف م گلگونه تمیز التحتانی گنجابی ف بکسر اول فارسی م کرمیست بسیار
که در باغ بجاهای نمناک بهم رسد تنسیق الواو وتمیز الالف گواجنا ف بضم اول

فارسی وثانی مجهول وضم راء مهمله وسکون واو ثانی وجیم فارسی با نون م گاه ی روغن تمییز النون [illegible]

گوداف بضم اول فارسی وثانی مجهول با دال مهمله والف م دوشاب گوناب ف بضم اول

فارسی م گلگونه تمییز الجیم گوشت آهنج ف بضم اول فارسی وثانی مجهول وسکون سین

معجمه وفوقانی ومد همزه وفتح ها وسکون نون م کفگیر تمییز الدال المهمله گوگرد ف

م گندهک گوند ع صمغ ف انزد وتمییز الراء المهمله گوجیره بضم اول فارسی

وجیم فارسی م گوکهرو ف خار خسک گودر بفتح اول فارسی ودال مهمله م نوعی از مرغابی که

گوشتش بغایت بدبو باشد وگوساله و پوست گوساله و نوعی از غله خورد که در کشت گندم

وجو هم رسد و بچه گوزن گور ف بضم اول فارسی وثانی مجهول م خرد شتی گوگار ف بضم اول

فارسی با کاف والف م خرد کن ع خنفساء وبعضی فیقور خوانند گوراه بضم اول فارسی

و فتح لام ف انجیر آدم تمییز الزاء المعجمه گوزاز ف بضم اول فارسی وثانی مجهول با زاء معجمه

والف م جانوریست خوش آواز شبیه بلبل گوزف بفتح اول فارسی وثانی م گوزن و

بسکون ثانی م گردکان ه اخروت گوشت خر ف بضم اول فارسی وفتح خاء معجمه م کرم هزارپا که کنکهجوره

تمییز الکاف گوربانک ف بفتح اول فارسی وراء مهمله وموحده تازی با الف وفتح فا ع طائر [illegible]

خرک ف م گوشت خر گوک ف بضم اول فارسی م گوساله گوکرپانک ف بضم اول فارسی م جانوریست

که سرگین را گلوله کرده بگرداند ع [illegible] تمییز الکاف الفارسی گوشت آهنگ ف بضم اول فارسی م فلواج

تمییز اللام گوگال ف بضم اول فارسی ع عنقا تمییز المیم گوزگندم ف بفتح اول فارسی م گندم تمییز النون

گوزن ف بفتح اول فارسی وثانی [illegible] گوشتان ف بفتح اول م شیر انگور گومان ه بضم اول

فارسی م دو [illegible] هندیست گوی گریبان ف ع حنقا تمییز الواو گوکهو ه ف خسک تمییز الهاء

گوده ف بفتح اول فارسی م [illegible] گیاه ف ع اذخر [illegible] گوده ف م

صمغ سرخی که [illegible] جهودانه حاصل شود گوره ف م [illegible] گوزه ف م خوشه

پنبه وگوکنار [illegible] ابریشم وامثال آن گوزینه ف م حلوایی که از مغز گردکان

[illegible] گوشه [illegible] جانوریست [illegible] گوگله ف م گوساله تمییز التحتانی گوی [illegible]

۲۹۳

بضم اول فارسی م ررو ائی هندی است گوش ماهی م مهده تکسلیق الهاء وتمیق
الراء المهمله گهیوگواره بکسر اول فارسی واظهار ها بضم تحتانی ووا و مجهول وضم کاف
با واو ثانی والف ع نبات صبر تمیق النون گهمن ف بضم اول فارسی وسکون ثانی م کرمی
است که چوب بخورد و چوب را چون نشاره سازد تمیق التحتانی گهنگچے ه بضم اول فارسی
واظهار ها وسکون نون وفتح کاف فارسی ثانی واظهار های ثانی وکسر جیم فارسی م عیون الدیک
ف سرخ هستی گهیا توری ه بکسر اول فارسی واظهار ها با تحتانی والف وضم فوقانی
و واو مجهول وفتح راء مهمله وکسر همزه م قسم بزرگ از توری است که بالیده و چرب وفربه تر
از دوست و بالایش مو از خطوط تکسلیق الیاء التحتانی وتمیق الدال المهمله گید بکسر اول
فارسی وسکون تحتانی م نیلواز تمیق الغین المعجمه گیاغ ف بکسر اول فارسی م گیاه ع تمیق
الهاء گینه ف بکسر اول وفتح نون م آبگینه تمیق التحتانی گی ف بفتح اول فارسی
وسکون ثانی تحتانی جانوریست که پرش ابلق است و پرهای او بر سر مضب بندم و بندم
تقسیم اللام وتنسیق وتمیق لا الف لالا بلام والف ولام الف ثانی
گیاهیست که از جانب بکه معظم آرند ح تمیق الجیم لاج ف بسکون جیم م سنگ ماده
تمیق الدال المهمله لاد ف م خاک ع عنبر لادن وبمعنی گل شکوفه لازورد ع ف
لاجورد هر او ش ط ۷ ی ۲ گوبند ۷ ر ی ۳ ق مسهل سوداء مقوی دل خ بدل خفته
ش یک درم و گویند یک مثقال مصطلگی ل بحر لیننی بالداق الذهب کالی تمیق
الراء المهمله لاشکرف بکسر میم وسکون شین معجمه وفتح کاف وسکون راء مهمله ع
شجر والبق تمیق السین المهمله لاس ف م ابریشم فرومایه وسگ ماده و ماده هر حیوان
لایوریدوس بضم تحتانی وسکون واو وکسر راء مهمله وسکون تحتانی ثانی وضم دال مهمله
سکون واو ثانی م حب الهودانه وشجره معشوق نیز تمیق الکاف لاک ف بسکون کاف
لاک لشت شبنمی است که نسبت به دشت هوا بر شاخ درخت کنار وبعضے درختهائے دیگر

که مخصوص ملک سند است منجمد گردد و آنرا کوفته بیز ند و رنگی حاصل کنند که سرخ قرمزی باشد

و نخاله و سفل آن خنجر و شمشیر و کارد و امثال آن و دسته محکم کنند و سر نامه آن مهر نمایند

لالکه لاد ک ف بفتح واو م نان تنک که آنرا لواش نیز خوانند تمیق الالف لال ه به لام

ثانی م جواهریست که آنرا لعل گویند تمیق النون لادن بفتح دال مهمله م قسمی است از عنبر

و بون طح ا ١ ٢ ق بلطف منضج محلل ن ج ب خوشبوی مائل بزردی لی ریل لی سفل

که در روغن حل شود ش یک درم ص صندل گلاب ل لبنی تمیق الهاء لادنه ف بکسر

دال مهمله و فتح نون م گیاهی است که از پوست ساق آن ریسمان سازند ه ن لاخشه ف

بکسر خاء معجمه و فتح شین معجمه ف تماج ه سنبوی لاغیه بکسر غین معجمه و فتح تحتانی ف نوعی از

یتوعات است که گلش زرد باشد مانند گل شبت و در فش نیز بزردی زند و در دامن کوهها

روید طح ٢ گویند ه ق مفرح خ بسیار شیر وارش دو دانگ ص ع غ و کتیرا ل یتوع

لالکه ه بفتح کاف و اظهار ها ف لک و لاک ط ب تمیق التحتانی لاجی ف بکسر جیم فارسی

ع فاقله لاله دختری ف بفتح لام ثانی و همزه ملینه با و ضم دال مهمله و سکون خاء معجمه و فتح

فوقانی و کسر راء مهمله م اذرگون ع شقائق النعمان تمیق البا م الموحده و تمیق

الالف لباع بکسر اول با موحده ف زنک ه میوسی ط ب ر تمیق الموحده لبلاب

بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و موحده ثانی م عشق پیچه طح ی ٢ گویند ب ق

محلل و مسهل صفرا خ سپرش از آب آن از نیم رطل تا دو ثلث رطل و گویند سنی درم ص

قند یا تمر هندی ل ورق خطمی یا خبازی یا شاهتره تمیق الحاء المهمله لبلاب القمح ع

بضم اول و ح ثانی و الف و ضم موحده ثانی و سکون لام ثانی و فتح قاف و سکون میم ف

نشاسته تمیق الزاء المعجمه لبن المزع بفتح اول و ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح میم

و سکون عین مهمله ف شیر بز ل شیر گاو تمیق الشین المعجمه لبن الخشخاش ع و سکون لام ثانی

و فتح خاء معجمه و سکون شین معجمه با خاء معجمه ثانی و الف و شین معجمه ثانی ف افیون تمیق الفاء المعجمه

٢٩٥

المعجمه لبن ماضی ع بکسر نون با حاء مهمله والف وکسر میم ف ماست هـ و بمعنی ط کہ بکسر خ
انچه مسکه وی بسیار بود تمتیق الکاف العارسی لبنگ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون
م ویوک ع ارمنه تمتیق اللام لبن لخیل ع بسکون لام ثانی و فتح خاء معجمه و سکون تحتانی
ف شیر اسب ق مخدر تمتیق المیم لباب القطم ع بسکون لام ثانی و ضم قاف و سکون
طاء مهمله و ضم طاء مهمله ف خسکدانه لباب الغوم ع بسکون لام ثانی و ضم فا و سکون و
ف نشاسته تمتیق النون لبان ع بضم اول و بانی مشدده والف و نون م کندر لبسان
بفتح اول و ثانی با سین مهمله والف م خردل لبن الالمان ع بسکون لام ثانی و ضم
همزه با فوقانی والف ف شیر غزال لبن الماغ یا لبن اللقاح لبن الضان ع بضم نون با ضاد
معجمه مشدده والف ف شیر میش ق مبہی و مقوی و باغ لبن بفتح اول و ثانی ف شیر دو
طاب رگویند ح ق مغذی متسمن خ ارحیوانی که وضع مثلث بالسان موافق باشد ش
نیم رطل ص عسل تمتیق التحتانی لبنی طریانی بفتح اول و ثانی وکسر نون و سکون تحتانی ع
میعه سائله سلارس تلسنیق و تمتیق الجیم لجلاج ف بفتح اول و سکون جیم با لام الف و جیم
ثانی با صطلاح الکسیریان م زیبق پاک صاف تمتیق الواو لجاوه بفتح اول و ثانی با الف هم
دوائی مشهور هندیست تلسنیق الجیم العارسی و تمتیق الالف لچمناه بفتح اول و سکون جیم
فارسی و اظهار ها و فتح میم و نون ع پیروج لصنم تلسنیق الحاء المهمله و تمتیق الموحده
لحام الذهب ع بکسر اول با حاء مهمله والف و ضم میم و فتح ذال معجمه مشدده گویند م اشق
طاحی خ معدنی وار سنے تمتیق العوقانی لحام الصناعت ع بکسر صاد مهمله مشدد و بالنون
الف و فتح عین مهمله م اشق تمتیق الحیم لحم النعاج ع بفتح اول و سکون حاء مهمله و ضم میم
نون مشدد با سین مهمله والف ف گوشت میشینه ط گرمے و تری کمتر از گوشت بره
است تمتیق الراء المهمله لحم البقر ع بسکون لام ثانی و فتح موحده و قاف ف
گوشت گاو ح از گاو جوان لحم الجوزر ع بضم جیم و زاء معجمه و سکون واو ف گوشت بچه شتر
لحم الخنزیر بسکون لام ثانی وکسر خاء معجمه و سکون نون وکسر زاء معجمه و سکون تحتانی ف

گوشت خوک خ بری لحیة الحمار ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح تحتانی وضم فوقانی وسکون
لام ثانی وکسر حاء مهمله ثانی با میم والف ف پرسیاوشان تمنیق السین المهمله -
لحیة التیس ع بفتح فوقانی وسکون تحتانی هـ درخت سرسطرب ای ۲ ق قابض خ ترو مائه
من از یک مثقال تا دو درم صد ازانه یا طباشیر الحمر کل یا گلنار یا طراثیث یا نیم وزن
عصارهٔ آن یا الطم تمنیق المیم اللحم ع ف گوشت هـ مانس وسکون ویرا طح دا گویند
ی ق معتدی خ میانه فربهی ولاغری وعضله ولحم خصے تمنیق النون لحم الحملان ع به فتح
حاء مهمله ثانی وسکون میم بالام الف ف گوشت بره طح گوشت حولی یعنی یکساله
تمنیق الهاء لحنیس الا کلیله بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر نون وضم سین مهمله و
سکون لام ثانی وکسر همزه وسکون کاف وکسر لام ثالث وسکون تحتانی ثانی وفتح لام رابع
وخفاء ها ف نوعی از خیری جبلی است که آنرا امی نامند ف ارد انه تنسیق الخاء المعجمه
وتمنیق الجیم الفارسیه لخج ف بفتح اول وسکون باقین م زاک سیاه تمنیق الخاء المعجمه
لخ ف بضم اول ع بردی تمنیق الراء لخیه ولخنه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم
فارسی در لغت اول وفتح شین معجمه در لغت ثانی م انگر صمغ سلیمانیه بفتح اول وسکون
ثانی وفتح لام ثانی وخاء معجمه ثانی وهمزه ملینه ها وضم سین مهمله وفتح لام ثالث وسکون
تحتانی با میم والف وکسر نون وفتح تحتانی مشدده ثانی ف ثفل روغن زعفران تنسیق
الراء المعجمه وتمنیق الموحده لذاق الذهب ع بفتح اول وفاء معجمه مشدده والف و
ضم قاف وفتح ذال معجمه مشدده ها وسکون موحده م اشق تمنیق الهاء لزنه بفتح اول و
سکون ثانی وفتح موحده م جو تنسیق السین المهمله وتمنیق الموحده لسان الکلب ع
بکسر اول با سین مهمله والف وضم وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث م
لسان الحمل ف بزرحماض تمنیق الراء المهمله لسان العجرع بفتح موحده وسکون حاء مهمله
…سیما لسان الثور ع بفتح مثلثه مشدده وسکون واو ف گاوزبان هـ گانٹھ ماند طا

ح راف مقرح خ شامی وخراسانی غلیظ ورق که بروی نقطها بود حق دو درم
ص صندل سرخ یا هلیله مربی یا سماق ل بوزن آن ابریشم سوخته وچهار دانگ وزن
آن پوست اترج یا بوزن او ورد ونیم وزن او ابریشم لسان العصافیر ع بفتح عین مهمله وصاد مهمله و
الف ثانی وکسر فاء وسکون تحتانی ف تخم اسرها اندر جوط ح ٢ د اف خ سطبر ش نیم مثقال
ص کدو مرشی ل در تحریک باه مغز جوز د تودری سرخ یا نیم وزن آن بهمن سرخ تمنیق اللام
لسان الحمل ع بفتح حاء مهمله ومیم ف ورق بارتنگ ط د ب ی ٢ ق قابض رادع حابس خون
دل ش از تخم او یک مثقال ص مصطگی وسلیخه یا بنفشه ل ورق آن و ورق حماض بستانی
تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الکاف لشک ف بفتح اول وسکون ثانی وثالث م شبنم
تمنیق الهاء لشکوف م لشک تنسیق الضاد المعجمه وتمنیق الفاء لصف بفتح
اول وصاد مهمله م کبر تمنیق التحتانی لصفی م نوعی از لسان الحمل کوچک تنسیق العین المهمله و
تمنیق الموحده لعاب ف آب دهن ه تهوک تمنیق الهاء لعبت مطلقه بضم اول وسکون
ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وضم میم وسکون طاء مهمله وفتح لام وقاف م بیخ یبروج
تمنیق التحتانی لعبت بربری بضم اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر فوقانی وفتح موحده
ثانی وسکون راء مهمله وفتح موحده ثالث وکسر راء مهمله ثانی م سورنجان ل جوز مقشر
یا تودری زرد یا مر ونیم وزن فلفل تنسیق الفاء تمنیق القاف لغت بکسر اول وسکون کاف شلغم
تمنیق الحاء المهمله لفاح ع بضم اول با ثانی مشدد والف ف سابرج و آن ثمر یبروج است
طاب ر ٢٣ گویند ح ی ٣ ق مخدر منوم خ بزرگ تیز بوی زرد رسیده ش نیم درم ص
عسل ل جوز ماثل یا نیم وزن بذر البنج و دو دانگ وزن آن خشخاش یا جوز القی د به وزن آن
بذر البنج یا یبروج تنسیق القاف وتمنیق الحاء المهمله لقاح ع بفتح اول وقاف والف
ف شتر آبستنی وبکسر اول شتران دوشیدنی تنسیق الکاف وتمنیق الالف لکاف بضم
اول با کاف والف م لک ولقم تمنیق الکاف لک ف بضم اول ه لاکهه ح ی گویند

بروج الصنم تنسیق المیم وتمنیق الالف لما بفتح اول ومیم والف ع منب الثعلب

تنسیق الواو وتمنیق الالف لوا بفتح اول و واو ف علیواز لوبیا بضم اول م ملا ایست

مشهور طرح امع دتی مے مر سے ھی خ سرخ ل نخود سیاه لونا بضم اول وسکون ثانے

وفام نوعے از حی العالم لوہا بضم اول ف آہن تمنیق الجیم الفارسی لولانج ف بفتح اول و

سکون ثانی والف وفتح نون نام ملوائی ست تمنیق الخاء المعجمه لوخ ف بضم اول و

سکون ثانی ع بردی تمنیق الدال المهمله لوز ف بضم اول وثانی مجهول م نوعے از میر

لوز حلو ومر ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر زا معجمه وضم حا مهمله وسکون لام و واو مجهول و

فتح واو وضم میم ف بادام شیرین و تلخ ط شیرین مع ۲ ب ۲ و تلخ ی ۲ ت شیرین

مھی و تلخ او منقح مفتت خ بزرگ روغن وارش ده درم ص شکر ل از تلخ محلب -

تمنیق السین المهمله لوس ف بضم اول وسکون ثانی م غشے که بکافور مخلوط سازند لوطوم

سُریانی بضم اول وسکون ثانی وضم طا مهمله وسکون واو ثانی م چند قوتی وبشین معجمه

نوعے از نیلوفر ست تمنیق الشین المعجمه لواش ف بفتح اول وثانی والف م نان

تنک تمنیق الفا لوف ع بضم اول وسکون ثانی ف بیلکوش ط ۲ ی ۲ ق مقطع مفتح

خ سپید تاره وچون بخایند طعم قرنفل دهد وچون با مصطکی بخایند بوی نغنه دهد

وگوشتدار گویند عربی سرخ باریک خوشبو شکت یک درم ص کاسنے ل اہل کبر تمنیق الکاف لوک

ف بضم اول وثانی مجهول م نوعی از [illegible] تمنیق الکاف الفارسیے لونگ ھ م قرنفل

ف سیمک تمنیق النون لوبان ھ بضم اول وثانی مجهول وموحده باالف م کندر دکر

لوتاهین بضم اول وثانی مجهول با تا والف وکسر موحده وسکون تحتانی ف اسپنه

لونیان ھ بکسر نون با تحتانی والف ف خرفه لون ب بفتح اول وسکون ثانی م نوعے

از خزا و بضم اول ھ نمک تمنیق الواو لولوع بضم هر دو لام و هر دو واو مجهول ف مروارید

ھ سوتی ط ب ھی ملطف مقوی دل خ سفید پاک بزرگ شیرین ش ده دانگ ص

لام ثانی ق مخدر تنسیق الهاء و تنمیق الالف لهسوراه بفتح اول و سکون ها و ضم سین
مهمله و واو مجهول با راء مهمله هندی م سپستان تنمیق الجیم لهنج ف بفتح اول و ثانی و سکون
نون م سنگ فسان تنمیق النون لهسن ه بضم سین مهمله ف سیر تنمیق الهاء لهه ف
بفتح اول و اظهار ها م شراب و بخفاء ها م درخت ناجو و بضم اول م طائر عقاب تنسیق
الیاء التحتانی و تنمیق الجیم لیلنج ف و سریانی بفتح اول و سکون تحتانی و فتح لام ثانی
و سکون نون م نیل لینیج سریانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون فلوغی از اقلیمیا است
که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند تنمیق الراء المهمله لیلوپر و لینوفر ف بکسر اول و
سکون ثانی و ضم لام ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی در لغت اول و ضم نون و
واو مجهول و فتح فا در لغت ثانی م نیلوفر گلے است که میان آب بروید و کبود و سرخ
و سفید رنگ شود و اندرونش زرد باشد و چون آفتاب طلوع کند بشگفد تنمیق الکاف الفارسیه
لیلنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ثانی و سکون نون م لیلنج لیولنگ ف بکسر اول و ثانی
مجهول و واو مجهول و ضم لام ثانی و سکون نون م برف تنمیق اللام لیلوپل ف بکسر اول و ضم لام
ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام ثالث م نیلوفر تنمیق الواو لیموارو ف بکسر
اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو با دال مهمله و الف و ضم راء مهمله ع و نبح نباتی است
کوهی که در بهار از میان سنگها بر آید و بوی لیمو کند ط ح ی لیمو ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم میم
م میوه طرپوست و ورق او ح ی ا حماض از ب ق قامع مره صفرا و روغن ل اترج تنمیق
التحتانی لینوفر هندی بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون و واو مجهول و فتح فا و کسر راء مهمله و ها
و سکون نون و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ثانی ه سپندی قسم المیم و تنسیق و تنمیق
الالف ماء ع بمیم و الف ممدوده آب ه جل پانی دریا دست حیات زندگانی ط ف
ق مرطب خواب چشمه که از جانب مشرق بشدت بیرون آید مقابل شمال و بر سنگ روان
بود و براق و صافی و سبک وزن و چون آفتاب برو تابد زود گرم گردد و چون زائل شود زود

یتومات است هـ سنگین طح ی ۲ق مسهل بلغم خ سطبر زرد نوشف بانبات کشتال و
ور مطبوخ دو درم تا ۳ درم حب از حبوب او یک دانگ تا دو دانگ ص کثیرا و نشاسته
ل شه فندن اریسا دو دانگ وزن آن مقل الیهود و گویند دو وزن تربد تمتیق الحاء المهمله
ماء الملح ع بضم همزه و سکون لام و کسر میم ثانی و سکون لام ثانی ف آب نمک ق معی و مجلی
و رساخ تمتیق الدال المهمله ماء الحدید ع بفتح حاء مهمله و کسر دال مهمله و سکون تحتانی م و وصف
آبی که در وی آهن تافته سرد سازند ماء الورد ع بفتح واو و سکون راء مهمله ف گلاب ط م
ق مقوی دماغ خ تیز بوی تلخ طعم مان کند م بمیم و الف و سکون نون و فتح کاف و خفاء
نون ثانی م قسمی از استعمول کند تمتیق الراء المهمله ماء خوارف بسکون راء مهمله و ضم خاء
معجمه و او معدوله و الف و راء مهمله ثانی م گاو کوهی ف مار ع حیه هـ سانپ ماء الشعیر ع
بفتح شین معجمه مشدد و کسر عین مهمله ف جواب و کشک ط ب رش صدر م ماء الکافور
ع ف آب کافور خ آنکه بروغن بلسان ماند تمتیق السین المهمله ماء لیس ف بسکون راء
مهمله و فتح موحده فارسی م حلیب هـ سپکل ماس ف الماس هـ هیرا ط ب ی گویند م
و بزبان فارسی ریک تمتیق الشین المعجمه ماش ع ف ماش هـ مونگ ط ب ا
گویند ۲ مم ماش گویند ی اق مغذی خ سبز بزرگ فربه ص خشک دانه ماقلا
سقمونیا تمتیق العین المهمله ماء القرع ع بفتح قاف و سکون راء مهمله ف آب کدو ق آب
کدوی تلخ مقی تمتیق الغین المعجمه ماغ ف بغین معجمه نوعی از مرغابی ع ماکول و به ترکی
قستغلدا خوانند و از گوشتش بوی گل آید و نیز بمعنی نرم و نوعی از کبوتر که هر دو بال و سینه
و گردن او سبز یا سرخ شود تمتیق الکاف ماء نوک ف بضم نون و سکون واو و فتح راء مهمله
و سکون کاف م چکاوک تمتیق الکاف الفارسی ماترنگ ف بکسر فوقانی و راء مهمله مهمله
ماذرنگ بفتح دال مهمله و راء مهمله ف ترنج تمتیق اللام ماء العسل ع ف آب شهد. ط ح ق
مقی تمتیق المیم ماء اللحم ع بفتح لام مشدد ف آب گوشت ط ح د خ از بره و جوجه

۳۰۱

سین مهمله و سکون واو و فتح فا و لام ثانی ف ماء مهنوبه ماء القراطین سریانی بفتح ق
و را مهمله با الف و کسر طاء مهمله و سکون واو و فتح فا و لام ثانی و گویند شرابی از خمر از شاث
و عسل و دارو ها گرم سازند و گویند ماء العسل است ماموس بضم میم ثانی و سکون واو م خاشا
ماهستان بفتح میم ثانی و سکون ها و کسر سین مهمله با فوقانی و الف ثانی م ساذج هندی ماهیران
ع بکسر میم ثانی م بیخ سست بهمن نام ط ج ی ۲ گویند ۴ گویند ج ۱ ی ۳ ق مجلی منقی ش
تمیده م ص عسل با طباشیر ل هم وزن عروق الصفر با نیم وزن هر دو یکوزن عروق الصفر
ماء النولن ع بضم نون و سکون واو ف آب ماهی نمک سود ماه فرفین با ظهار ها و فتح فا و سکون
را مهمله و کسر فا ثانی م جدوار ماهی زهره ف بکسر را و سکون تحتانی و فتح زا معجمه و کسر را مهمله مشدد
و سکون تحتانی ثانی م نوعی از ماهی ریگی که در زیر ریگ به گز یازده گز میدود و در نواحی بغداد
و ولایت سند بهم سد و عوض ماهی سقنقور بکار برند تمییز الواو ماز و بضم زا معجمه ع عفص
ماجوپهل تمییز الهاء ماء الجبنه بضم جیم و فتح میم ف ابکامه ه کانجی ماچوبه ف بسکون را مهمله
و ضم جیم فارسی و واو مجهول و فتح موحده م لهیون ف مارگیاه ه ناگدون ماسوجبه ف بضم
سین مهمله و سکون واو و فتح جیم فارسی م جانوریست مانند قمری و فاخته م موسیچه ماکهه ه
بفتح کاف و اظهار ها ف ماش سیاه هارد و کلاهی و برهی ماکانه ف بسکون لام با کاف و الف
و فتح نون م مالکا و قصب ماهودانه بضم ها و سکون واو و دال مهمله و الف ثانی و فتح نون
م حب الملک ط ج ی ۱ ق مقی و مسهل بلغم ش از نیم درم تا یک درم و گویند یازده حبه
ص انیسون و کتیرا ل نیم وزن و نیز حب الخروع با یک نیم وزن حب النیل و شیرم
تمییز التحتانی ماشی هندی بکسر شین معجمه و ها و سکون نون و کسر دال مهمله و سکون تحتانی
متقلب ه نمله موشه و گویند بنوا شال ملکنی ه بسکون لام و فتح کاف و سکون نون و ضم
کاف فارسی و کسر نون ثانی م دوائی هندیست کثیر النفع ط ج ق ملین تا لی بکسر لام م عسل
تمییز الباء الموحده و تمییز الراء المهمله مبارز بضم اول با موحده و الف و را مهمله م روده کوسفند

بحنج بضم اول وسکون ثانی و فتح نون ف خوش نظر هر کلکا طب ی ۳ گویند تمییز الهاء
مجیشه هر بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فوقانی هندی و اظهار ها م بعضم
تنسیق الجیم الفارسی و تمییز الدال المهمله مجکند بضم اول و سکون جیم فارسی و فتح کاف
و سکون نون م دوای هندی ست تمییز الکاف مجک ف بفتح اول و ثانی م بادام
کوهی ف بحرک تمییز التحتانی مجیچے هر بفتح اول و کسر ثانی و اظهار ها و تحتانی و کسر جیم فارسی
ثانی و اظهار ها ر ثانی م دوائے هندے ست تنسیق الحاء المهمله و تمییز للواو
محلیع بفتح اول و سکون حاء مهمله و فتح لام هر کهیلا طح مع ق مجلی ملطف محلل خ سپید
مش نیم مثقال ص صندل ل بادام لغ سفید کرده تمییز المثلثه محروث ع بفتح اول و سکون
ثانی و ضم راء مهمله ف تخم انگوزه طح ی ۳ ق ملطف خ سفید سبک مش نیم درم
ص عصاره زرشک ل انجدان تمییز الحاء المهمله مح م بضم اول ف
زرده تخم مرغ تمییز المیم محاجم ع بفتح اول و ثانی بالف و کسر جیم م مخلصه
تمییز الهاء محموده به فتح اول و سکون ثانی و ضم میم ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله
م سقمونیا تنسیق الخاء المعجمه و تمییز الجیم الفارسی تخلج ف بفتح اول و سکون خاء
معجمه و فتح لام م گیاهیست که چون جاروا بخورد سست شود تمییز الخاء المعجمه مخ ع بضم اول
ف مغز ه گودا طح رق ملین ح از ساق گوساله داخل و بعد از ان گاو پس گوسفند
ص نمک و صعتر ل نخاع و بر فتح اول هندی فارسی ه آتش و زمور و درخت خرما و کرمیست
که بعربی آنرا سرس گویند تمییز الضاد المعجمه مخیض ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی
ف دوغ ه چهاچه طب ی ۲ خ از شیر گاو جوان تمییز الهاء مخلصه ع بضم اول با ثانی و الف
و فتح طاء مهمله م سپستان مخلصه ع بضم اول و فتح ثانی و کسر لام مشدده و فتح صاد مهمله و این
نام از ان گویند که تریاق زهرهاست و از همه زهرها خلاص دهنده است طح ی ۲ خ از
کوهستان شبانکاره مش یک مثقال تنسیق و تمییز الدال المهمله

میم ثانی وکسر کاف فارسی با تحتانی م مشترک ه لکمنا لکمنے مر تشیشا به فتح اول و
سکون ثانی و فتح فوقانی کسر شین معجمه وسکون تحتانی با شین معجمه ثانی واین انواع است
ذهبے و فضے ونحاسی و حدیدی و سیسے و هر جنسے مشابه بود بجوهرے که با او منسوب بود
م حجر النور وحجر الروشنائی ه سون امکھی ط ح ی ۳ گویند ۲ ق قابض خ ذهبے
ص عمل ک مقشیا با اقلیمیا ورو سنج مر راهن بفتح اول م سکون ثانی با واو والف م مر نحجر
تنمیق الفوقانی مر ارات ع بکسر اول و ثانی والف وراء مهمله ثانی والف ثانی و فوقانی جمع
مر اره ف زهره ها و تلخه ها ه پتا ط ح ی ۳ گویند ق حا ومحلل خ از مرغ و دراج وکبک وباز
گاو و تر دایل جوان واز گفتار پیر بزرگ واز شیر جوان که لونش زرد طبیعی باشد ص صبغ ل
وسیخ الالوان تنمیق الجیم مر درنج ع بضم اول و سکون ثانی با دال مهمله والف و فتح سین
مهمله و سکون نون ف مر دار سنگ ط ب ای ۲ م ۳ ب ق مجفف الحال خ اصفهانی
براق سرخی مائل ص شیر تازه و دو شیده ل اقلیمیا تنمیق الجیم الفارسی مرچ م بکسر اول و
سکون ثانی وجیم فارسی ف فلفل گرد تنمیق الدال المهمله مرقد بفتح اول م سکون ثانی
و فتح قاف م جوز ماثل و گویند افیون مر ورد ف بضم اول و ثانی مجهول م امرود تنمیق الراء
المهمله مرار بفتح اول و ثانی والف وراء مهمله ثانی منوعی از تنکاعی و باد آورد مرع بضم
اول م بول ط ح ی ۳ ق مفتح ملین منضج ح مائل بسرخی زرین صافی بسیار تلخ ضف
بیم دم عسل یا کافور و آس ل صبر مرغ زیرک سار ف بضم اول و سکون ثانی و کسر غین
معجمه و زاء معجمه وسکون کاف با سین مهمله والف م سار وهر مرغ بفتح هر دو میم و سکون
هر دو راء مهمله م سنگے است خ ا معدن جرغ تنمیق الزاء المعجمه مرزف بضم اول و سکون
ثانی وزاء معجمه م موش مرغ بشب آویز ف بضم اول و سکون ثانی و کسر غین معجمه و فتح
شین معجمه و سکون موحده و مد همزه و کسر واو تحتانی مجهول م مرغیست که همه شب خود را
بپای از شاخ درخت آویزد و حق حق گوید تا زبانی که قطره خون از گلوئش بچکد مرما خور بضم

۳۰۵

خ بستانی تیز بوی تازه ش نیم درم تا یک درم ص تخم خرفه و بنگو بریان کرده یا نیلوفر
یا در دل اسقنقور رومی یا ده وزن مرماحوز یا ورق یاسمین یا نیم وزن فلفل و مرزنگوش
مرماخور و حسفارد با درنجویه و فرنجمشک همه قایم مقام یک دیگر اند و ابدال مرگ موش
ف ع سم الفار تتمیم الغین المعجمه مرغ ف بفتح اول و سکون ثانی و غین معجمه م گیاه فرنه
هه دوب تتمیم القاف مرق ع بفتح اول و ثانی ف شوربا مرقیه بفتح اول و کسر ثانی و
سکون تحتانی ع معصفر تتمیم الکاف مرتک بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی
ت مردارسنگ مرجمک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و فتح میم م غله عدس
ع مرغزبانک ف بضم اول و سکون ثانی و غین معجمه و ضم زاء معجمه با موحده و الف و فتح نون
ع لسان العصافیر مروشک بفتح اول و سکون ثانی و فتح واو و راء مهمله ثانی و سکون شین
معجمه م مروق منضج مرزبانگ ف بضم اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه
با موحده و الف و فتح نون م خوب کلان تتمیم المیم مرداسنج بفتح اول و سکون ثانی و
دال مهمله و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح فا و راء مهمله ثانی م آهن ری تتمیم النون
مرجان م بفتح اول و سکون ثانی با جیم و الف هه مونگا طب ای ۲ ق مجفف خ احمر
شف نیم درم ص ۲ صمغ و کتیرا ل کهربا مرزغان و مرزغن ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم
زاء معجمه و غین معجمه و الف در لغت اول و فتح عین مهمله در لغت ثانی م آتش مرسین
بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی ف مورد تتمیم الواو مروف
بضم اول و کاف م کنجشک مرو بفتح اول و سکون ثانی م نمرود شک و آن الغدا
کرد و مراتبه مذکور است تتمیم الهاء بفتح اول و فتح ثانی و الف و کسر طرن و فتح تحتانی در ضمن است
مانند درخست یاسمین نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند و انچه بوی بیشتر است سمو خوانند
کلان مرو شک باشد و نوع دیگر وی را ما دارسک خوانند و وی مرو منغیه است و گویند
لسان الثور است و نوع دیگر او را روشیر دارو و از و شیلان نیز گویند و آن مرقلخ است

ثانی هندی ست که از گندم و جو و جاورس سازند و آنرا بوزه و بکسر گویند تتمیق التحتانی
مزمار الراعی ع بکسر اول و سکون ثانی م عصی الراعی تنسیق و تتمیق الزاء المعجمة الفارسی
مزمرف بکسر هر دو میم و سکون هر دو زاء فارسی م گیاهی سبز رنگ که چون بر گوشت نهند
گنده کند کرم هم سازند م خرکس و ترکی کولکان گویند تنسیق السین المهمله و تتمیق الکاف
مسحقونیا سریانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مهمله و ضم قاف و سکون واو و کسر
نون با تحتانی و الف ف آبگینه ه کاچ لون ل آبگینه سفید و قلی گازران تتمیق
الفوقانی مست ف بضم اول و سکون ثانی ع سعده موتها تتمیق الدال المهمله
مسواک القرود بکسر اول و سکون ثانی با واو و الف و ضم کاف و سکون لام و ضم قاف
و راء مهمله و سکون واو ثانی و دال مهمله م اشنه تتمیق الراء المهمله مسارف بفتح اول
و سکون ثانی با فوقانی و الف ه مر اسطار ع بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله و الف
ف شراب بدست افشرده زود مست کننده مسمقور بربری بفتح اول و سکون ثانی
و فتح میم و ضم قاف و سکون واو م زراوند طویل مسوده بفتح اول و ضم ثانی ع عدس
ف مهوسرغ تتمیق السین المهمله مسرف بکسر اول ع سماس ه تلنا تتمیق الکاف
مسک ع بکسر اول و سکون ثانی ف مشک ه کستوری طرح یابس ۲ ق ملطف و مقوی
دماغ ۲ تبی شایک تیز ... کافور ل مرزنجوش تتمیق اللام مستعجل م ابوزیدان
تتمیق النون مسقاطون رومی بکسر اول و سکون ثانی با قاف و الف و ضم طاء مهمله و سکون
واو و نون ف عود هندی ه اگر مسن م بکسر اول و فتح ثانی ف سنگی ست که کارد و شمشیر
ازان تیز کنند ه سان طرسی ق محلی خسنبرس بابونه ل طین قیمولیا تتمیق الواو
مسترود ف بفتح اول و سکون ثانی و فوقانی و ضم راء مهمله و سکون واو م نوع دوم
از ریون که آن را هفت برگ و خاما لا نیز خوانند تتمیق الهاء مسته ف بضم اول و سکون
ثانی و فتح فوقانی ع سعده موتها تتمیق التحتانی مصواک الراعی ع بکسر اول و سکون

۳۰۷

یک کف ص سکنجبین ب د ول خ خ تتمیق العین المهمله مشکطراشیع یونانی بکسر اول
وسکون ثانی وکسر کاف وضم طاء مهمله و راء مهمله والف وفتح میم ثانی وکسر شین معجمه و
سکون تحتانی م پودنه بری ف رتک ط ح ی ۳ گویند ۴ ق مفتح ملطف مدر معو
معده م خ نورسیده مش نیم درم ص سرکه با صمغ ل ترد ماما و درادرار عدس مر د و زن
یا اکلیل الملک یا شقائق و گویند پودنه تتمیق الکاف مشکک ف بضم اول وسکون ثانی
وفتح کاف وسکون کاف ثانی ع سعد مشکنک ف بضم اول وسکون ثانی وفتح کاف
و نون م جانوریست کوچک شبیه به کبک که بیشتر در کنارهای آب نشیند مشکینک ف
بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وسکون تحتانی وفتح نون م نام حلوائے است
مشنگ ف بضم اول وفتح ثانی وسکون نون وفتح کاف فارسی ف مشنج مشنگ
ف بضم اول م مشنج تتمیق المیم مشکدم ف بضم اول وسکون ثانی وکاف وضم دال
مهمله م جانوریست سیاه رنگ بغایت خوش آواز تتمیق النون مشک الریان ع بکسر
اول وسکون ثانی م ناگیسر مشک زمین ف بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وفتح
زاء معجمه وکسر میم وسکون تحتانی ع سعد تتمیق الواو مشکو ف بضم اول وسکون ثانی
م گلے ست سرخ رنگ تتمیق الهاء مشکنه ف بضم اول وفتح ثانی وسکون خاء معجمه
وفتح نون م نوعی از حلوا مشکدانه ف بضم اول وسکون ثانی وکاف وال مهمله
وفتح نون م دانه خوشبوئی که آنرا سوراخ کرده هار کشند و در هندوستان از ح
مکن پور که مدفن حضرت شاه بدیع الدین مدار قدس سره است بسیار آرند تتمیق التحتانی
مشک هندی بضم اول وسکون ثانی وکسر کاف وها وسکون نون وکسر دال مهمله م
تتمیق الصاد المهمله وتتمیق الراء المهمله مصیر بضم اول وفتح صاد مهمله وبه سین
مهمله نیز وموحده مشدده وسکون راء مهمله م المرا تتمیق العین المعجمه مصغ به فتح اول
وسکون ثانی م ثمر خو سنج تتمیق المیم مصاص الروم ع بکسر اول وسکون ثانی [illegible]

باشلثه والف م مرکبی ست که از العوق لوز گویند تمنیق الجیم مطنج ع بضم اول و فتح ثانی
و کسر نون مشدد و سکون جیم ف بچه سوسمار که در مرتبهٔ سیوم نمو رسیده باشد تمنیق
الخاء المعجمه مطبوخ ع ف دوشاب و هرچه پخته شده باشد بآتش تمنیق الطاء المهمله
مطر بفتح اول م جلنار تنسیق العین المهمله و تمنیق الالف معاع بکسر اول ف روده م
آنتری ط ف ق لمین خ از حولی گوسفند تمنیق الدال المهمله معده بفتح اول
سکون ثانی م خصیے الثعلب تمنیق الراء المهمله معصفر ع بفتح اول و ثانی و فاء
کسمبه معفار بکسر اول و سکون ثانی م صمغ اجاص تمنیق القاف معشوق ع بفتح اول و
سکون ثانی از احمار نام حم ست و از نبات ماهودانه تمنیق النون معین ع به ضم اول و
کسر ثانی م مازران تمنیق الهاء معده ع بکسر اول ف شکم ه اوجهری ط ب ے
تنسیق الغین المعجمه و تمنیق المثلثه مغاث ع بضم اول باعین معجمه ف
بیخ انار دشتی که درخت حب القلقل باشد ط ح ر ۲ گویند ق مغری جابر خ
بغدادی سفید مائل بزردی ش دو درم ص ل در طلا ثلث یا نیم وزن زرا وند
تمنیق الدال المهمله مغد بفتح اول و سکون ثانی ف بادنجان و گویند افاخ بر ے
گویند نوعی از کمات کوجک مغزردم بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مهمله م سمار وغ
تمنیق النون مغیلان ع بضم اول و کسر ثانی ه درخت کیکر و ببول تمنیق الهاء مغره ع
بضم و فتح اول و کسر ثانی و فتح راء مهمله ف گل سرخ ه گیرو ط ب ۲ ق قابض مجفف
خ سنعر روشن ش نیم مثقال ص ل شاونج مغموسه بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم
ثانی و سکون واو و فتح سیم ثالث ف قلنیه باد نجان تنسیق الفاء و تمنیق الحاء
المهمله مفرح ع بضم اول و فتح فاء و کسر راء مهمله مشدد ف گاوزبان تمنیق الدال المهمله
مفرد و بفتح اول م نوعی از کمات کوجک تمنیق النون مفرح قلب المحزون ع م ریحان و
ادرنجبویه تنسیق القاف و تمنیق الالف مقلیا ناسرطانی به فتح اول تخم سپندان

تنسیق الکاف وتنمیق الراء المهمله نکنستة الاندر بضم اول و فتح نون و نون مشدد
و سین مهمله وضم فوقانی و سکون لام و فتح همزه و سکون نون ثانی و فتح دال مهمله م
سکیران الحوت ف اهیرن تنمیق الهاء نکنستة قرشیه بفتح قاف و سکون راء مهمله و
کسر شین معجمه و فتح تحتانی مشدده م مخلصه تنسیق الکاف الفارسی وتنمیق الراء المهمله
نگس گرف ع عنکبوت تنسیق اللام وتنمیق الالف لوخیا بضم اول لام و سکون
واو و کسر خاء معجمه یا تحتانی ف نوعی از خطمی کوچک طب ا د ٢ گویند ب ١ ٣ ق ملین
سبزبازه ص کشنیز خشک تنمیق الموحده ملح الغرب بسکون لام ثانی و فتح غین معجمه
ف نمک درخت غرب تنمیق الفوقانی ملح دباغت ف شوره باروت هـ باجی و چهپیا
کهار ملح الصناعت ع بکسر صاد مهمله مشدد م تنکار تنمیق الجیم الفارسی ملح چ بفتح اول و
ثانی و سکون خاء معجمه گیاهی ست که چون حیوان بخورد مست شود تنمیق الحاء المهمله
ملح ع بکسر اول ف نمک هـ نون طب ح ی ٢ ق محلل مقی ... اندرانی سفید ملح زد ص
ل نیم وزن نوشادر با نیم وزن بورق تنمیق الخاء المعجمه ملح ف بفتح اول و ثانی و سکون
خاء معجمه ع چراده تیدی تنمیق الدال المهمله ملح طبرزد ع ف نمک سنگ هـ سیندا
لون تنمیق الطاء المهمله ملح محیط ع ف کف دریا هـ سمندر پهین تنمیق اللام ملول ف
بضم اول م امرود دو زبان ف باده هـ مده و بکسر اول نی موی تنمیق النون ملح عجین ع
ف نمک سانبهر تنمیق الهاء ملح بوتیه بضم موحده و سکون واو و کسر فوقانی و فتح تحتانی
مشدد م فوسا ده ملوکیه ع بکسر کاف و فتح تحتانی مشدد م خطمی تنمیق الیاء ملح اندرانی
ع بفتح دال مهمله ف نمک سفید ملح سنجی ع بفتح سین مهمله و سکون نون ف نمک سنگ
ملح نفطی ع ف نمک سیاه هـ بادالون تنسیق المیم وتنمیق الحاء المهمله +
ممسک الارواح ع بضم اول م اسطوخودوس تنمیق النون ممیران بفتح اول م مامیران
تنسیق النون وتنمیق الالف مندواهـ م نمله هندی ست منگریلا هـ بفتح اول و

تتمیق اللام منسس هم بفتح اول و سین مهمله ف زرنیخ سرخ تتمیق النون منج زدا و شان
بضم اول و سکون ثانی ف تمر هندی متن ع بفتح اول و ثانی مشدد ف هرطل یعنی شبنمی
که بر درخت یا سنگ افتد مانند ترنجبین و گزانگبین و شیرخشت و بید خشت طح ۱م ی
ق مجلی ملین خ صافی لون مف دو درم مص سکنجبین ل شکر و یا بی محفف بنار سے
تتمیق الواو منتیو ف بفتح اول و ضم فوقانی م نوعی از گیاهی کوچک تتمیق الهاء منتجوش
رومی بضم اول و فتح فوقانی و شین معجمه م سنبل رومی یعنی ناردین مند عوره رومے
بضم اول و فتح دال مهمله و ضم عین مهمله و فتح را مهمله م بیروج منداله ف بفتح اول م عود
خام تتمیق التحتانی مندلی ف بفتح اول ف عود هندی تتمیق الواو و تتمیق الالف
مرتها م بضم اول ع سعد موگیا ف کم سنبل مونگا م بخار نون ع مرجان تتمیق الجیم مونج م
م پوست بیرون سرکنده که در هند از و ریسمان سازند تتمیق الدال المهمله مورد ف
بضم اول م آس گویند که عصا موسی علیه السلام از چوب مورد بود تتمیق الراء المهمله
موش خوار و موش گیر ف بضم اول و سکون ثانی م قسمے از غلیواز تتمیق الزاء المعجمه
موز ع ه کیلا طح ۲ ر اگویند م ق ملین خ بزرگ شیرین رسیده ص مصطگی ل عسل
تتمیق السین المهمله موچرس ه م صمغ درخت سنبل تتمیق الکاف مودک
ه باطما ر ادوائی هندی ست موگ ف م هیش تتمیق الکاف الفارسی مونگ ه م
موهیش تتمیق اللام مول ع بضم اول و سکون ثانی م عنکبوت ه بیخ نبات تتمیق المیم
مو رد اسفرم بضم اول و ثانی مجهول و سکون را مهمله و دال مهمله و کسر همزه و سکون سین مهمله
و فتح فا و سکون را مهمله ثانی و میم ثانی ف مورد بری طح ی ۲ خ رومی مومم ف
بضم اول ع شمع ه مین تتمیق النون مولیمون یونانی بضم اول م شقاقل مومیا
بضم اول و ثانی مجهول و سکون میم ثانی مد همزه و کسر موحده و سکون تحتانی و
مومیائی گویند که امین نام هی ست که از منافذ آن مومیائی حاصل شود تتمیق الواو مو

۳۱۱

وسکون تحتانی وفتح نون م یوسمین تمییز التحتانی موتی ه بن مروارید ع لولو موش
مورینه ف بضم اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه وفتح دال مهمله وسکون رای مهمله و
فتح موحده وسکون نون وکسر دال مهمله ثانی م بوشش در هندی مولی یونانی ع حرل
و بزبان هندی م مترب مومیائی ف بضم اول وثانی مجهول وسکون میم ثانی
بالتحتانی والالف مشهور ست بهمین نام موم یعنی شمع ویای نام دهی ست که در آن موضع
منبع اوست وآن کانی ست وحشری وحجری ط ۲۷ ی اق الملطف محلل سبهی
خ کانی سن ایع د رم ص قفر الیهود موندهی ه بضم اول وسکون ثانی وخفاء نون وکسر
دال مهمله هندی م دوا هندی ست عظیم النفع هندی ست که گلش تکمه آسا در تالابها
روید ط ۲ تمییز الهاء وتمییز الالف مها بفتح اول وواو الف وهی نیز آمده م
سنگ بلور مها سیداه بفتح اول وثانی والف م دوائی هندیست طب مهرگیا
ف بکسر اول وکاف تازی نام سترنگ مهواه بفتح اول ودواو ف درخت گلچکان
تمییز الراء المهمله مهاور ه بفتح اول ف سنگیست که از لاکهه می سازند تمییز الکاف
مهک ف بفتح اول وثانی م بلیسه تمییز اللام مهایل ومهانول ف بکسر نون در لغت
اول وضم نون در لغت ثانی م افیون خالص تمییز المیم مهدم بفتح اول وضم دال
مهمله م جانوریست ذی مخلب که دم ابلق دارد واز آن پر تیر سازند تمییز الواو مهره
جان دارو ف بضم اول م مارمهره که از تریاق ست ه سانپ کامن مهره گاو ف ه
گاو دو من رگاو چین تمییز الفاء مهدمه بفتح اول ودال مهمله ومیم ثانی ف نوعی از
چوبک اشنان مهرگیاه ف بکسر اول وکاف فارسی م مهرگیا مهیاوه ومهیوه ف بفتح
اول م نانخوزیشی ست که اکثر مردم لا از ماهی سینه ترتیب دهند تمییز التحتانی مهیشی
بضم اول ه جبشی تلسیق الیاء التحتانی وتمییز الالف میداه بکسر اول و
سکون ثانی بادال مهمله والف دوائی هندی مشهور ست میشاف بکسر اول و

المهمله میشبهار ف بکسر اول و ثانی مجهول با شین معجمه و فتح موحده و را و الف م اقحوان
تمییز الزاء للعجمه میزف بکسر اول و ثانی مجهول م میشاب میمیز ف بکسر هر دو میم و سکون
هر دو تحتانی م مویز تمییز الکاف میخک ف بکسر اول و فتح خاء معجمه م قرنفل میرک
ف بکسر اول و ضم راء مهمله م مورچه تمییز الکاف الفارسی میگساف بفتح اول و سکون
ثانی و کاف فارسی م بلغ تمییز اللام مین چهل هر بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده کاف
و اظهار ها ع جوز الطیب تمییز النون میسوسن بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و واو مجهول
و فتح سین مهمله ثانی ف شراب سوسن میهین هر بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها
ف مسکه تمییز الواو مینوف بکسر اول و ضم نون م آبگینه و زمرد میوف بکسر اول و
ثانی مجهول م موی تمییز الهاء میعه ع بکسر اول و فتح عین مهمله دو نوع است سائله
را لبنی و نفل و برایا به گویند هر سلارس ط ح ۳ ی آگویند ح ی ۲ ف یلین منضج منوم
مدر خ سائل خوشبوی سفید مائل بزردی ش دو دانگ تا یک مثقال ص مصطگی
یا نیلوفر یا رازیانه یا کافور ل جند بید ستر و روغن یاسمین یا جاوشیر یا زیبق یا لادن
تمییز التحتانی میان سرای ف بکسر اول و ثانی با الف و سکون نون و فتح سین مهمله
و را مهمله و الف ثانی م نوعی از انگور ملتیعی ع حلبه میندا سنگی هر بکسر اول و ثانی مجهول
و خفا نون و فتح دال مهمله هندی و اظهار ها و الف و کسر سین مهمله و سکون تحتانی ثانی
و خفا نون ثانی و کسر کاف فارسی نسمی از دو دو هی که دوائی هندی است می ف
بفتح اول ع خمر هر مد و گلاب را نیز گویند تم قسم النون و تنسیق و تمییز الالف
ناف بنون و الف م آب ناخن بویا ف بضم خاء معجمه و کسر نون و ضم موحده و یاء
مجهول با تحتانی ع اظفار الطیب هر نکهه نارگیر الکسر راء مهمله و کسر کاف فارسی و سکون
تحتانی با راء مهمله م خشخاش سیاه ناگ مالا هر بسکون کاف فارسی با موحده فارسی
و الف و لام هر گاشکری تمییز الموحده ناب الکلب ع بضم موحده و سکون لام

ف نارمشک تتمیق الزاء المعجمة الفارسیة نازف م درخت کاج تتمیق السین المهملة
ناعمیس بربری بکسر عین معجمه وسکون تحتانی ف نارمشک تتمیق الشین المعجمة
ناخن خوش ف بضم خاء معجمه ثانی درواو معدوله ع اظفار الطیب تتمیق الغین المعجمة
نان کلاغ ف بکسر نون ثانی وفتح کاف ولام الف م رستنیست که از زمین نمناک بر روید تتمیق الفاء
نان ف بفاکرم صدف تتمیق الکاف نارمشک ف بسکون راء مهمله وکسر میم م ناگیسر
ط ح ی ۲ گویند ح ی ۳ ف ملطف ومقوی دل خ خوشبو مش نیم درم ص طباشیر ل
یک نیم وزن آن سنبل ونیم وزن پوست بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن
قسط ناک ف عنبر ومشک وغیره وامثال آن که مغشوش باشند وقسمی ست از امرود
که بهترین اقسام اوست در هندی جانوری ست شبیه به نهنگ تتمیق الکاف الفارسیة
نارنگ ف بفتح راء مهمله م نارنج تتمیق اللام نارجیل بسکون راء مهمله وکسر جیم ف نارگیل
جوز هندی ه نارل وکهوپرا ط ح ساقط [illegible] یک درم ص فانید نارل ه
بفتح تحتانی ع جوز هندی ناسپال ه بسکون سین مهمله ف پوست انار تتمیق النون
ناخن پریان ف بکسر نون وفتح موحده فارسی وسکون راء مهمله یا تحتانی والف ونون
ثالث ع اظفار الطیب ناردین رومی بسکون راء مهمله وکسر دال مهمله م سنبل رومی
ط ح ای ۲ گویند ۳ ق قابض طبع خ فربه خوشبوی سفید مائل ص کثیرا [illegible] ل
سنبل هندی ناروان ونارون ف بسکون راء مهمله با واو والف در لغت اول وفتح
واو در لغت ثانی درختیست خوش قد وخوش اندام وگلنار فارسی نازک بدن بضم زاء
معجمه رستنی سرخ زرد نالگدن ه بسکون کاف فارسی وفتح دال مهمله ف نارجیو
تتمیق الواو ناجو ف بضم جیم وسکون واو م درخت صنوبر ناخن دیو بکسر دال مهمله
ه نکهه ناخرو ف بسکون راء مهمله م انار ناردو بضم راء مهمله م جانوری ست خوش آواز
مانند بلبل نازو ف بضم زاء فارسی م درخت ناجو تتمیق الهاء ناره ف بسکون

ع بفتح رار مهمله مشدد و سکون غین مهمله م کمات تمیق الذال المعجمه نبیذ ع به فتح
اول و کسر ثانی ف شراب خ از سیلان رطب تمیق السین المهمله نبق رطب و یابس
ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و فتح بار مهمله و سکون طار مهمله و موحده و
تحتانی و الف و کسر موحدهٔ ثالث ف کنار تر و خشک سه بیرط تراوب ادم گویند
خشک او بے ق قابض مجفف خ بزرگ رسیده مف سته درم مصلح عسل
تنسیق الجیم و تمیق الموحده نجب بفتح اول و سکون ثانی ف مهر تشر را بدین نام
خوانند اما مخصوص ست به بلیجه تمیق الراء المهمله نجار ف بفتح اول م گلگونه تمیق النون
نوان بفتح اول و سکون ثانی با واو و الف م زعفران تنسیق الحاء المهمله تمیق
السین المهمله نحاس ع بضم اول با حار مهمله و الف ف مس ه تانبا ط ی ۳ ق حار
محرق خ رقیق الملمس سرخ از مهره و طرف زرد گداخته شنیدرم ص کتیرا ل
از تو بال رو منتج نحاس مکلس بضم م و فتح کاف و فتح لام مشدد ف مس کشته
تمیق القاف نحاس محرق ع بضم میم و سکون حار مهمله و فتح رار مهمله م رو منتج تمیق اللام
نحل ع به فتح و سکون ثانی ف مگس عسل تمیق المیم نمام ع بضم اول ف مرمانی تنسیق الخاء
المعجمه و تمیق الجیم الفارسی نخج ف بفتح اول و سکون خار معجمه م گیاهیست که از و
جاروب سازند تمیق الدال المهمله نخود و نخند ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم
فارسی و دال مهمله در لغت اول و فتح جیم فارسی و سکون نون در لغت ثانی
م ریم آهن تمیق الراء المهمله نخور ف بفتح اول م بزکوهی تمیق العین المهمله
نخاع ع بکسر اول ف حرام مغز ط سی ا تمیق اللام نخل ع بفتح اول ف درخت خرما
ق قابض خ ثمر تازه ل سکنجبین ملـ از طلع کرده تمیق الغاء نخالة ع بضم اول ف
سبوس ه بهوسی ط ح ی ا ق مجلی بین خ از گندم مف ناسته ل آرد جو نخله ف
بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام گرد گاه ے که سخت باشد و زود شکسته نشود

گردکان تمییز السین المهمله نرجس ع بفتح اول وکسر جیم هم معرب نرگس ط ۳ ۲
گویند ۳ ی ۲ گویند ۳ ق محلل ملطف خ هفت زرده ص نیلوفر ل نسرین یا خیری
تمییز الکاف نرسک ف بفتح اول و ثانی وسکون سین مهمله ع عدس ه مسور۔
تمییز التحتانی نرگنڈے ه بکسر اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وخفا نون
وکسر دال مهمله هندے ف پنجنکشت تنسیق السین المهمله وتمییز الالف نساک
به فتح اول وسکون سین مهمله وکاف با مو عدوم تش عدس تمییز الفوقانی
نسج العنکبوت ع بفتح اول و ثانی م ابرکا کپا نسوت ع بکسر اول وضم سین مهمله وواو مجهول
م ترید تمییز الراء المهمله نسترن ف بفتح اول ه گل سیوتی نسر ع بفتح اول ف کرگس
ه گیده ط گوشتش ۳ ی تمییز الکاف نسک ف بفتح اول م غلہ عدس تمییز النون
نسترن ف بضم اول وسکون ثانی م گلیست ه سیوتی نسرین ف بفتح اول ف ورم
چینے ه گل سیوتی یا کوجا ط ۳ ی ا گویند ۲ گویند ۳ ق مقوی دماغ مش یک درم
تا سه درم ص کافور ل نرجس با یاسمین تنسیق الشین المعجمه وتمییز الالف
نشاع بکسر اول ف نشاسته ط مع گویند ی ا گویند ب ۲ ق حابس خون م
مسکن و قابض ومغری خ سفید مش دو درم ص عسل ل گرد آسیا با برنج مغسول یا
نور محض تمییز الکاف نشک ف بفتح اول وسکون ثانی م درخت نار و تمییز الهاء
نشاره ع بضم اول ف بوره هر درخت و براده هر چیز نشاسته بکسر اول ۶ لباب القمح
نشیمه ف بکسر اول و ثانی وتحتانی مجهول وبفتح میم ف شده باه ترکی ه ساهی تنسیق
الضاد المعجمه وتمییز الراء المهمله نضار بفتح اول وضاد معجمه ف درخت گز که بر کوه
روید آنرا اثل گویند تنسیق الطاء المهمله وتمییز النون نطرون بفتح اول ف
بوره ارمنی ه جواکهار ط ۳ ی ۲ ق مجلی ص صمغ عربی یا طبا شیر ل نمک لخ اندرانی
یا شبت تنسیق وتمییز العین المهمله نعنع ع بفتح هر دو نون وسکون هر دو عین مهمله

وفتح نون ثانی وخاء معجمه و واو معدوله والف ولام والف ثانی و نون ثالث م ناخواه
تتمیق الفاء نخواه ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح نون وخاء معجمه و واو معدوله والف
و واو مجهول م ناخواه تنسیق الفاء وتتمیق الجیم الفارسی نغچ ف بفتح اول وسکون
ثانی م کاغذ تتمیق الدال المهمله نفس آباد بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله و بدم
م شش تتمیق الطاء المهمله نفطع بفتح اول وسکون ثانی ف نفت روغنی ست
که در ولایت شروان بهم رسد م سیاه و سفید ط ۳ ح ۴ ق ملطف محلل خ سفید بش
و ورم صلب لعاب اسبغول ل از سیاه قطران تنسیق القاف وتتمیق الدال المهمله
نقدع بفتح اول وسکون ثانی م عصفر تنسیق الکاف وتتمیق الموحده نکاف
بفتح اول وکاف م زاک تتمیق الهاء نکهه بفتح اول وثانی داظهار هاء م الطفار الطیب
تنسیق اللام وتتمیق الکاف نلک بفتح اول وسکون لام م شجر زعرور ویکسر اول م
واشنلیت تنسیق المیم وتتمیق الراء المهمله نمرع بفتح اول وکسر میم ف پلنگ
طبیعه او ح ی تتمیق السین المهمله نمرس بضم اول وثانی م راسو تتمیق الکاف
نمتک ف بفتح اول وضم ثانی وسکون فوقانی م زعرور نموسک ف بفتح اول وضم ثانی
وسکون واو وفتح سین مهمله م جانور تهو تتمیق اللام نمل ع بفتح اول وسکون ثانی ف
مورچه و موریه چیونٹی ط ح ی ق عفن خ طلایش وه مدد ص روغن مور وتتمیق المیم
نمام ع بفتح اول وثانی ف سنبر جنگلی پودینه ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مفتح
محلل ملطف تمدر مقوی دل خ سنبر تیز بوی بش و ورم صلب ل بادروج یا نعنع
تتمیق النون نمیسقن بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی وفتح سین مهمله وکسر قاف
م کرسنه تتمیق الهاء نمک شیشه ف بفتح اول وثانی ه کلیج لون تنسیق النون
وتتمیق الالف نما بفتح اول ف پودینه تنسیق الواو وتتمیق الالف نوش گیاه ف
بضم اول و واو مجهول م مخلصه تتمیق الجیم نوچ ف بضم اول خستک کهی تتمیق الجیم الفارسی نوچ ف

م درخت کاج تمیز الشین المعجمه نوش ف بضم اول م باور بهر و تریاک تمیز القاف نوق
بضم اول م رحمه تمیز النون نوزن ف بضم اول و فتح زا و فارسی م درخت کاج نون
ف بضم اول م نه درخت ع ماهی و مرکب و سیاهی دوات تمیز الواو نوشدارو ف بضم
اول م تریاق و پادزهر تمیز الهاء نوشته بضم اول م خشت نوره م کلس ف ابک طح ی
ق محرق خ سفید سست آب نادیده ف روغن گل ل نرنیخ نوشابه ف م آب حیات
پنده ف م اسپند تمیز التحتانی نواری ه بکسر اول نام گل هندی ست تمیز الهاء ع
تمیز الراء المهمله نهار ع ف بچه خرچال بچه سنگخوار تمیز الشین المعجمه نهخوش ف م نا
خشتی و سیاه دار و ع کرمة البیضا تمیز القاف نهق بفتح اول و ثانی م جرجیر الماء و گویند
جرجیر البر تمیز الکاف الفارسی نهنگ بفتح اول و ثانی ه مگرمچه ع تمساح تمیز اللام نهشل
م شقاقل تمیز الیاء التحتانی و تمیز الالف نیمتارومی بکسر اول م نیلوفر سلاتهو تها
ف توتیا سبز نیاف بکسر اول م ناتخواه ه اجواین تمیز الموحده نیب ه بکسر اول
م آزاد درخت تمیز الجیم نیلج بکسر اول ع عصاره نیل ف نیله خ از سبز ق مایل بسرخی ل
مامیثا و آرجه تمیز الدال المهمله نیلوفر کبود زن بکسر اول ه نهال سالک و سفید ه تمیز
الراء المهمله نیلوفر و نیلوپر و نیلوفر بکسر اول در سه چهار لغت م لینوفر و بستانی
کرنب الماء و یونانی نمیقا و حب یا عب العروس گویند کنول ط ... گویند ی ح ق منوم
سکن بعوض دل و بغدادی آسمانی تازه خوشبوی هفت گل ص غز و بال خطائی سفید
نفشه و گویند گل کبود نیست که بپایه آن بر چوب درخت پیچیده بالا رود ه کوار تیوری
تمیز القاف نیشوق بفتح ف الوجه تمیز اللام نیال ه بفتح اول ه قسمی از جراحت
نیم ف بکسر اول حشیشی ست که عصاره وی را نیلج گویند شجر وی را عظم و از آن رنگ
سازند و صباغان بکار برند ط ح ق گویند ب آگویند م ریختها بعض مخفف نیم هند
که زو حل شود ص رب السوس ل صندل مرغ دم قل ازرق تمیز النون نیل زن ح

پشم خرگوش ط ۲ ی ق مجفف تمیق الحاء المهمله وبر اللقاح ع بضم لام با قاف مشدد و پشم شتر تمیق الراء المهمله وبرع بفتح اول وثانی ف پشم هاون وسکون ثانی ق جانوری ست شبیه بگربه ودم ندارد واز پوستش پوستین سازند تنسیق وتمیق الجیم مسح ع ف اکثر ترکی هیج ط ۲ ی ۲ گوسپند ۲ ق ملطف خ فربه معطر خوشبوی پرگره مثل نیم درم تا یک درم ص تخم رازیانه ل زیره یک وزن ودو دانگ وزن آن زراوند یا زیره یک وزن وریوند یک وزن یا قسط تنسیق الخاء المعجمه وتمیق القاف وخشینتق بفتح اول وسکون خاء معجمه وکسر شین معجمه وسکون تحتانی وفتح نون معجمه در هند خراسانی ط ۲ ی تنسیق الدال المهمله وتمیق الحاء المهمله ودج بفتح اول وثانی م زرد قاسے تر تمیق العین المهمله ودغ بفتح اول وثانی ف کهجک بزرگش را سفید مهره وکوچک را گوش ماهی گویند ه سنگ خ سپید بیچیده ل صدف تنسیق الراء المهمله وتمیق الالف وردو فر بفتح اول وسکون راء مهمله وکسر دال مهمله اول وضم دال مهمله ثانی وسکون فاء با راء مهمله والف ع شقایق النعما گل لاله ف ورطم بفتح اول وسکون ثانی م ریونم جینی تمیق الموحده ورد المهمله بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مهمله وسکون لام وسکون موحده م بیکج تمیق الفوقانی ورد الزنج ع بکسر زاء معجمه وسکون تحتانی وفتح نون ف گل خطمی م تمیق الجیم ورتاج ف با فوقانی والف م ملبو فریا پرکسوع خبازی ورسج ورد ریج ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی در لغت اول وکسر دال مهمله در لغت ثانی م جانور پرنده ع سلوی تمیق الدال المهمله وردع بفتح اول وسکون ثانی ف گل ه گلاب طاب ای ۲ گوسپند ۲ ق مسهل صفرا ومقوی دماغ ودل خ تازه فارسی تمام شگفته قوی بوی سرخ مثل تازه او ده درم ده مجلس استعمال کنند ص قند یا عسل ل جهت دفع زکام بوئیدن کافور یا بنفشه تمیق الراء المهمله ورد الحمار ع بفتح

و گویند که سقنقور در رود نیل باشد و دل در بیابانها و سر در دل بهمن است و از
سقنقور باریک و کشیده و در رنگ و دل زرد و بسرخی مایل و پوستش درشت و خشن
و در رنگ سقنقور ابلق سبز و زرد و سیاه و سفید و پوستش املس ح ت ملعقت تمییز المیم
و رزم ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه م آتش تمییز النون و رونتین ع بضم میم و سکون
نون و کسر فوقانی ف گلی خشک که بوی دارد و دیرا البقون خوانند ط ح ی تدشان ع ف مهرع
ابی و گویند کبوتر دشتی ست تمییز التحتانی و رد پیچه م گل نسرین و رد ودملی ع بفتح دال مهمله ثانی
و سکون فاء کنیز کاهیل ل ورق آن و رد الزوانی بفتح زاء معجمه مشدد با واو ثانی و الف
و کسر نون ف گل خطمی تلمیذ الزاء المعجمه و تمییز الکاف زرک ف بفتح زاء معجمه م درخت
بده ع غرب تمییز الهاء و زغه بفتح اول و ثانی و غین معجمه ف نوعی از سالامندرا و گویند
حرباو گویند ضفدع ل کرم صدف تلمیذ الزاء المعجمه الفارسی و تمییز الکاف ژرنک ف
بضم اول و فتح زاء فارسی و سکون نون م توز سرخ جگری رنگ که بر تلوسه سر پیچند
ورول ف بضم اول و ثانی م طعم شور و استوان شتالنگ تلمیذ السین المهمله و تمییز
الجیم سبج بکسر و ضم اول و فتح سین مهمله م اشق تمییز الخاء المعجمه سیخ ع بفتح
اول و ثانی و سکون تحتانی فلیمودار و آن نباتی ست که در کوه روید و بوی
لیمو دهد ط ح ای ۲ تمییز النون سنج الاوزن ع بفتح اول و سکون ثانی ف
چرک گوش ط ح ی ق ملین تمییز الهاء سنج الکاره ع بسکون لام و فتح کاف
با واو و الف و فتح راء معجمه م چرک خانه زنبور عسل ط ح ی ۲ ق ملین ل روغن
گل وسمه ع بفتح سین ف ورق نیل ط ح ای ۲ تلمیذ السین المعجمه و تمییز القاف
وشق بفتح اول و ثانی ف پوستین ط ح تمییز اللام وشم ف بضم اول م جانور بود نه
ع سلوسی تمییز الهاء و شکله ف فتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام م دانه
انگور تلمیذ الغین المعجمه و تمییز الدال المهمله و غذبه ف فتح اول و ملین معجمه ف

وسکون ثانی و فتح دال مهمله م ترہ تیزک تنسیق الهاء و تمنیق اللام - دبل ف
بضم اول و سکون با م درخت کاج ع صنوبر تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق
الکاف ونبانک ف بکسر اول و تحتانی مجهول و سکون نون با دال مهمله و الف و فتح نون
ثانی م نافهٔ مشک تنسیق النون و تمنیق الراء ونین بکسر اول و سکون ثانی ف انگور سیاه تمنیق الهاء
وتیره بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و راء مهمله ف گل سفید هم کو حباب ز رو سحبه
فتح اول و سکون ثانی ع نهال خربوزه وبره ف بفتحه اول و سکون ثانی ص ساق درخت
ترفیم الهاء و تنسیق الالف و تمنیق الراء المهمله هادر بضم دال مهمله م
شته تمنیق الکاف هاک ف م تخم مرغ تمنیق اللام هاکول بضم کاف ه سنبله
تنسیق الباء الموحده و تمنیق الدال المهمله هبید بفتح اول و کسر موحده ف تخم حنظل
تنسیق الموحده الفارسی و تمنیق النون هپیلون ف بفتح اول
م افیون تنسیق التاء الفوقانی و تمنیق الهاء هتشنه بفتح اول و سکون
فوقانی و فتح شین معجمه م نخ تنسیق الجیم و تمنیق الدال المهمله
هجند ف بفتح اول و جیم و سکون نون م برغست تنسیق و تمنیق الدال المهمله
هدهد بضم هردو ها و سکون هر دو دال ف مرغ سلیمان تمنیق اللام
هدل بفتح اول و سکون ثانی م رائی تمنیق الهاء هلیله بفتح اول و سکون ثانی و فتح
موحده م کرمی است کوچک و کلان و سرخ و سیاه بسیار پادار و در برسات بجاها
نماک بهم رسد هر کجائی تمنیق التحتانی هدل ب نکی بفتح اول و سکون ثانی
کسر لام و فتح زاء معجمه و سکون نون و کسر کاف فارسی هر نسوت تنسیق و تمنیق الراء المهمله
هرف بفتح اول و سکون راء مهمله م دانه مصر که در کشت زار گندم روید و از میان آن کشت
دور کنند هر نبهر و بکسر اول م کربه تمنیق السین المهمله هراس ف بفتح اول هر درختی است
بسیار خار هر قلوس بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و لام هر نقلة الیهود ف نوعی از

او دبلاو و نبری قند زهر دکندف بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله وضم کاف فارسی
م جندبید ستر و نبری قند زقیب تمنیق الراء المهمله هزارف بفتح اول وثانی م بلبل
تمنیق النون هزار داستان وهزار دستان ف بفتح اول وثانی والف م بلبل هزار
زخشان ف بفتح اول وثانی والف وسکون راء مهمله وفتح راء ثانی وسکون خاء معجمه باشین معجمه
والف گیاهی است که میوه اش چون خوشه انگور باشد و پوستش سبز و گنده در دباغت بکار آید
یعنی هزار کرم فا شرال دردنج و چهار دانگ وزن ان لب ابسه تمنیق الهاء هزار خاف ف
بفتح اول م شکنبه تلسیق السین المهمله وتمنیق الراء المهمله هسر
ف بفتح اول م مرنج تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الجیم هشنسرج بفتح اول م مازریون
تمنیق اللام هشنیقل بفتح اول وکسر فاء اول وضم فاء ثانی م شقاقل تمنیق النون
هشت دهان ف بفتح اول م گویند گیاهیست و گویند گل خیرو و گویند عود هندی تنسیق الفا
وتمنیق الکاف الفارسی هفت برگه مازریون تمنیق الهاء هفت زرده ف بفتح زاء معجمه م نرگس
صدبرگ ع عنبر مضاعف تنسیق اللام وتمنیق الالف هلفیفا بفتح اول وکسر فاء اول م هندبا
تمنیق الموحده هلاب بضم اول یا ثانی والف ع حدوم جوزبوا تمنیق التاء الفوقانی
هلموت بفتح اول وضم میم م حلیو ع سلق تمنیق الجیم هلیلج بفتح اول وکسر ثانی تحتانی مجهول وفتح
لام ثانی م الیلج ف بلیله تمنیق الدال المهمله هدهد بفتح اول وثانی ف پوپه تمنیق الراء
المعجمه هندورف م گیاهی دوائی تمنیق الکاف هلتاک معروف تمنیق اللام هلاهل
هلهل ف م زهری که بان هیچ تریاق بمقاومت نتواند نمود هلف بکسر اول ع قفا فسفار
تمنیق النون هلیون ع بکسر اول ف مارچوبه هاگدون طرحا گویند ع حب گویند
ف مفتح هیبی خ لبستانی تازه ست از تخم او ددرهم ... بفتح وکسر اول
خرنیزه تمنیق الواو هلوف بضم اول خنفسا ... تمنیق الهاء هلیانه بضم اول ف شاهتره
تنسیق المیم وتمنیق السین هماس ع بضم اول با میم مشدد والف ف شیر درنده

وسکون لام وفتح میم ثانی وضم جیم وسکون واو ثانی درختی است که در حوالی فارسی میروید شبیه بدرخت

گز و کره های آن نزدیک بهم باشند و برگش مانند برگ یاسمین و محبوس در وقت زمزمه در دست گیرند

ل حرل تمنیق الشین المعجمه هوش ف بضم اول م زهر تمنیق الکاف هوکیک بضم اول وثانی

مجهول وضم کاف وفتح تحتانی م خربزه نارسیده تمنیق النون هو طون بضم اول و سکون ثانی

وضم طاء مهمله وسکون واو ثانی م تحبیل هو نا یقوت م زاوی ط ح ی ۲ ق ملطف ح کوبی سرخ

تازه خوشبوی بش در مطبوخات از مثقال تا ده درم هی بود نه ل بحکبیر و بیخ اذخر با تخم شبت و انیسون

و نیده جاشا و گویند بموزن ابهل با مغز بادام هو فربیون بفتح فا و سکون راء مهمله وضم تحتانی و سکون واو

تا نے م فرفیون تمنیق الهاء هو بیره ف بضم اول وثانی مجهول وفتح موحده و راء مهمله م جانور حیرز

هو جوره بفتح اول وثانی وضم جیم وفتح واو ثانی م شکار تنسیق الباء التحتانی وتمنیق الالف

هیر آه بکسر اول ف الماس وثانی مجهول هو گوشت هیزار بکسر اول وسکون ثانی یا زاء معجمه والف

وسکون راء مهمله یاسم ع بفتح هیلا ف بفتح اول م ماشه شکار هیل بو الکسر اول وسکون تحتانی وکسر لام

فتح موحده و واو مشدد ع قافله صغار تمنیق الراء المهمله هیر بکسر اول هو آتش هیرسی بفتح اول و

سکون ثانی وفتح شین معجمه ف نال بکسر اول م کنگریری تمنیق الکاف الفارسی

هینگ بکسر اول وسکون ثانی وخفا نون ف انگوزه تمنیق المیم هیوم بفتح اول وضم ثانی

مرخیه ابیض تمنیق النون هیرون بکسر اول ع غضب بیغمان بکسر اول وسکون ثانی وضاد معجمه یا

والف ف نرب بری هیون ف بفتح اول وضم ثانی م شتر تمنیق التحتانی هیرادرکی بکسر اول

وسکون ثانی یا راء مهمله والف وضم دال مهمله و واو مجهول وکسر کاف و تام دم الاخوین تی قسم الیاء

التحتانی وتنسیق الالف وتمنیق الفوقانی

یاقوت تحتانی والف وضم قاف م جواهر معروف هو مانک وبرم راک ط ب ی ق مجفف و مقوی دل خ سرخ رمانی

البقا اول بود و برابر او طلا تمنیق الدال المهمله یاکند ف بفتح کاف وسکون نون ع یاقوت

تمنیق السین المهمله یاس ف بسین مهمله م یاسمن تمنیق النون یاسمن و یاسمین

الباء الموحدة وتمنیق الفوقانی

الحاء المهملة ۳۲۲

ورو عکل جه جراحت ل نموزن تلنج یا نموزن ایرسا تنسیق الخاء المعجمه

وتمنیق الصاد المهمله تخصیص بفتح اول وسکون ثانی وکسر صاد مهمله اول ف نوعی از زنبور که

او را امشه نیز خوانند تمنیق الهاء تحجه ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی ف

سگ نر گرگ زاده او لا تنسیق الذال المعجمه وتمنیق الهاء بدرقه بونانی بفتح اول وذال معجمه ق م خار ملیله

تنسیق الراء المهمله وتمنیق الالف ... بنا بفتح اول ف

غنا منهق تمنیق العین المهمله مراع ع بفتح اول وثانی ف نی یراع بفتح اول وثانی وکسر

میم م بلبون بربوع ع بفتح اول وضم موحده ف موش دشت خنگلی جوبا تنسیق الذال

المعجمه وتمنیق التحتانیه نرداوی ف بفتح اول وکسر دال مهمله ثانی ق قلیه فیمه که بر زیر تخم مرغ ریخته

باشند تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الباء ... نیشب ع بفتح اول وسکون شین معجمه وموحده ف

سنگ یشم تمنیق الفاء کیشف بفتح اول وسکون ثانی م یشم تنسیق العین المهمله وتمنیق الواو کلاه

یعقوب ع بفتح اول وضم قاف ف کبک نر تمنیق الدال المهمله تعصید بفتح اول وکسر صاد مهمله ف

کاسنی بری تنسیق الغین المعجمه وتمنیق الضاد تعصیص ... بفتح اول وکسر میم م ریباس تمنیق

الجیم تغتنج وتفتنج ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ... وسکون نون ... زار

زردرنگ که اکثر در باغات وسبزه زار بهم رسد اگرچه ... تنسیق الغاء وتمنیق الخاء المعجمه

تغتنج بفتح اول وسکون غاء وفتح فوقانی م ملخ زرد که در کرما بسیار یافت باشد تنسیق القاف

وتمنیق النون ... بفتح اول وکسر طاء مهمله ف کدو و هر نباتیکه وی را ساق اخراشته نبود مانند

کدو وخربوزه وخیار وامثال آن را بدین نام خوانند تنسیق وتمنیق الکاف تلدک ف بفتح اول

وسکون کاف وفتح دال مهمله آب شیر گرم تنسیق الکاف وتمنیق الجیم تلنجوج بفتح اول ولام

وسکون نون وضم جیم وواو وجیم ثانی م عود هندی تنسیق وتمنیق المیم بیام بفتح

اول ف ... تمنیق الهاء یموره ف بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مهمله وسکون

واو ... مردم گیا تنسیق النون وتمنیق الموحده ... بفتح اول وسکون نون وضم

۳۲۴

خرم زاد که یکی از اجداد او بهمن بن اسفندیار بود اخنوش نام مردی که بصلاح حال و صدق مقال اشتهار داشت
و وجه معیشتش از صیدلت یعنی چیدن ادویه از صحرا و شناختن آن میگذشت و هر روز بصحرای آن دیار
و کوههای آن ولایت میرفت و ادویه و عقاقیر جمع میکرد و بشهر آورده بعطاران میفروخت روزی
در اثنای سیر و سیاحت و تفحص ادویه نظرش بر گوزن کوهی افتاد که بر قله ایستاده فریاد میکرد و گاهی
دست و گاهی دم خود بر زمین میزد و حرکات عجیبه و احوال غریبه از رفتار او مشاهده مینمود و گاهی در
حین جست و خیز نگاه بجانب آسمان میکرد و از روی نشاط و خوشحالی آوازهای غیر مکرر از دو سر میزد
چون اخنوش انحالات از آن گوزن دید حربه برداشته در کمین او نشد و نزدیک او رسیده حربه
بینداخت که بیکی از تهیگاه او افتاد اخنوش در حال او را ذبح کرد و در اثنای ذبح نظرش افتاد که در دهن او افعی
بزرگ است و دید که نیم خائیده در دهنش مانده اخنوش را از مشاهده این تعجب زیاده شد فی الحال
شکم او بشکافت و از روده که بزبان فارسی انرا هزارخانه گویند سنگ املس هموار یافت اخنوش سنگ
مذکور را بر چوب زرشک نهاده بخدمت ملک خرم زاد آورد و حقیقت گوزن تماما آنچه مشاهده کرده بود
مذکور ساخت ملک خرم زاد حکیم ارستاسیوس که از اجداد حکیم بقراط و از تلامذه حکیم اقلیدس صاحب
و برادرزاده او بود در مملکت فارس منصب وزارت ملک خرم زاد داشت طلبیده آنچه از اخنوش
صیدلانی شنیده بود باو تقریر کرد حکیم ارستاسیوس پس از تامل بسیار از اخنوش پرسید که دهن
این گوزن کف داشت یا نه گفت دهن گوزن بسیار پر کف بود پس حکیم از اخنوش سوال کرد
که در دم او یا پای او جراحتی هم بود یا نه جواب داد که در جانب دم او کوئی سبز رنگ همچنان مرئی
میشد که پوست از آن موضع کنده اند پس حکیم بملک گفت که خوراک این گوزن همیشه افعی بوده چنانچه
از علامات معلوم شده و در روده های او دو سنگ متولد میشود که یکی از آنها تریاق زهر است
و دیگری خاصیت زهر هلاهل دارد ملک تبسم نموده فرمود که این را بمحک تجربه امتحان باید نمود
بحکم ملک هشت نفر از بندیخانه حاضر ساختند ملک باینها مهربانی نمود که آیا شما واجب القتل
هستید یا نیستید جواب دادند که بمقتضای شرع قتل ما واجب است پس ملک فرمود که

۳۲۴

گفت که مرا درد سر این بود و دمی از آن آرام نداشتم از تناول این سنگ بیکساعت اندر د مرمن
از من زایل شد و هیچ اثری از درد در خود نیافتم سوم گفت چشم من بسیار ضعف داشت اکنون
بخوردن این سنگ در باصره من قوت عظیم پیدا شد که در جوانی آنحالت نداشتم چهارم گفت که مرا
درب و تشنج قدیم بود اکنون بمجرد خوردن این سنگ آن مرض بالکلیه بصحت مبدل شد پنجم گفت که مدتی از
درد زانو متألم بودم اکنون آن درد مطلقاً از من زایل شد ششم گفت که مرا بواسیر مولم بود الحال آن الم
بالکلیه از من زایل شد هفتم گفت که مدتی مدید است که مرا ساقین من قروح خبیثه بود که همیشه صدید
متعفن ازان جاری بودی اکنون همه آن پاک شده رو بخشکی نهاده مندمل شده و رنگ اصلی بر آنجا پدید
میشود هشتم گفت که مدت دو ماه است که مرا درد سر عظیم حادث شده بود اکنون بعد از خوردن این سنگ
آن بیشتر شد حکیم پرسید که تو بعد از خوردن آن چه چیز خوردی گفت که آب یک نارنج تمام مکیده بودم
حکیم گفت این شدت درد فعل آن نارنج بوده نه فعل سنگ چرا که ترشی نارنج بارد یابس است و ترشی
مستلزم قبضیت است چنانکه معلوم است موجب استمساک و حفظ است و این درد بسبب مانعیت
از انتشار حرارت این حجر و ظهور اثر آن و لهذا حکما بعد از آن از ترشیها بالکلیه منع فرموده اند و نیز در
هیچ دوائی بخاصیت مثل فادزهر و تریاق و غیر آن تجویز هیچ قسم ترشی نکرده اند وجه تسمیه سنگ پادزهر
باعتقاد حکیم مذکور آنکه چون شخص هشتم نارنج مذکور مکیده بود بخانه خود رفت درد سر او بسیار اشتداد نمود
و بر در ملک حرم را آمده فریاد برآورد که مرا پادزهر دهند چون آواز او بگوش ملک رسید فرمود که نام
این سنگ را پادزهر قرار دهند چه پاد بدال مهمله بزبان ترکی بمعنی پاس و پاسبانست و گویند که پاد نو
دوست او و آن بمعنی ششم است بزبان فارسی و بکثرت استعمال السنه پای زهر شهرت یافته و
معرب آن فادزهر است و در اختیارات بدیعی گفته که حجر التیس فادزهر است و از آنجه پادزهر تیس گفته اند
و حیوانات بلوط است و دراز و گرد و چون نیز میباشد و بعضی گفته اند و در میان پادزهر بیست گوسفند
مغز است و آن چوب مخلصه باده و نسبت صاحب مفرده آورده که از خراسان آورند و از یمجیت
نیز و بسته آنچه مشهور است بغیر از شبانکاره و در هیچ موضعی دیگر حاصل نمیشود و جاهای بند مشاع

٣٢٥

جامع آورده که فادزهر را بدو معنی اطلاق میکنند یکی بر هر چیزی که معاونت بر چیزی کند و دفع مضرت آن
نماید بواسطه خاصیتی که در آن چیز باشد دیگر بر سنگی معلوم که با تخاصیت دفع سموم حاره و بارده کند شرکاو تعلیقا
و حکیم عماد الدین محمود شیرازی میگوید آن سنگی که من دیدم مایل بزردی و سفیدی بود با وجود این رشیه
رشیه مانند لیشهای شب یمانی و در مدافعت بیش هیچ چیز سمی از دواهای مفرده و مرکبه تقویت او ندیدم
و نیز از معالجات لقراطی نقل نموده که از بلاد فارس چیزی می آرند که انرا حجر التیس میخوانند و میگویند که در
شکم این حیوان متولد میشود و صورت آن صورت جوز اغنیست و خشونت و صلابت چون بشکنند پوست
بر پوست و تو بر تو باشد مانند پوست پیاز و در اندرون پوستها بجای مغز گیاه سبز بود که آن پوستها و
طبقها گویا بر گرد آن پیچیده اند و انرا فادزهر گیاهی نامند چون انرا آب رازیانه بسایند و بر موضع
لسع هوام طلا نمایند در ساعت ورم تسکین یابد و اخراج سم کند و نیز نقل میکنند که در هندوستان
مذکور شده از اعمال تلنگانه در چند موضع انجا پیدا میشود و خصوصا در کنتور و حوالی ان چنانچه فادزهر
انجا سه توله چهار توله بسیار دیده اند و همچنین در ولایت وزنکل پیدا میشود و در اکثر گوسفندان انجا پیدا
چنانچه اگر گوسفند را بکشند چند توله و شش توله از شکم او بر آید و در اکثر مواضع آن پیدا شد
چنانچه فرنگیان بسیار از انجا خریده بجانب اچین و ملاقه میبرند و در جانب اچین فادزهر میمون نیز
می باشد که دانه از ان چهار توله و پنج توله دیده اند که یکی از ان به پانصد هون که عبارت از پنجاه تومان
عراق و هزار و پانصد روپیه اینجا میباشد خرید و فروخت در سرکار پادشاهان شده که خریده اند و ا
مرصع ساخته اند و پادزهر تلنگانه بر غیر چوب مخلصه بسته میشود چنانچه بر چوب تمر هندی و نکلا و بلدچه
سفال و سنگ بسته میشود و این گوسفندان از قسم بریه اند و اهلی اند نه صحرائی و کوهی چنانچه در
شبانکاره از بز کوهی حاصل میشود و اکنون انچه متداول و متعارفست گزنده او را از عمال ملتهبات
میشمارند و نیز میگویند که من دیدم شخصی را زنبور گزیده بود و موضع لسع متورم گشته و حمرت بسیار ظاهر شده
قدرے از فادزهر گیاهی با آب سائیده بر انموضع مالیدند هر گاه که اثر طلاء آن میرسید در حال بلون
خود می آمد و آماس تخفیف می یافت و بعضے از اوقات شخصے را مار گزیده بود و در ان وقت تریاق

و برنگ ساق چغندر است بعد از ان زرد سفید خام و امتحانش باین طریق است که چون بسایند
و بر نیش زنند به بندد و دیگر آنکه چون بر دم عقرب بگذارند اگر بگرد آن بگردد و دیگر چون مقدار دو جو سوده
در حلق شخصی ریزند و افعی بر و گمارند که او را بگزد خواجه سلامت ماند و اگر پا در زهر کا ئی سفید را بسایند
با آب و بر عضوی که بواسطه سقطه متالم شده باشد طلا کنند ازاله الم و منع ورم نماید و چون زهر خورده را
بخورانند زهر بطریق عرق بیرون آورد فادزهر حجری فی الجمله نرمی دارد نه با فراط و در ملمس ان محسوس
میشود و اثر اشیها و باریک باشد بهم پیوسته شده و حرارت آن مفرط نباشد و فایده و در جمیع سموم
حیوانیه و نباتیه را و لسع هوام را کا هیکه بوزن دوازده جو از ان بسایند یا کوفته بیزند و بخورند سم او را از
بدن بعرق دو سیچ بیرون کند و از موت رهائی دهد و اگر او را در قلاده بیاویزند و در انگشتری نهند و
در حین زهر از ادر دهن گیرند نفع بخشد و اگر آن خاتم را بر موضع لسع عقرب و هوام حیات و
طیارات و دواب و سموم مانند ذراریح و زنابیر نفع ظاهر شود و اگر سوده انرا بپاشامند و بر موضع
لسع هوام ازصیه در حین لسع نهند جذب سم کند و به ترشیح اخراج نماید و اگر قبل از انکه سر و بند ارک
کنند و موضع لسع متعفن شود ازین فادزهر بر وافشانند ابرا بصلاح می آورد و دفع سم میکند و
اگر ازین فادزهر نیش عقرب بمالند سمیت نیش او زائل شود و اگر ازین فادزهر بقدر دو حب بستانند
با آب ممزوج ساخته در دهن افاعی و حیات ریزند و دفع حس ازینها کند و بکشد دیگر نوعی از حجرات
که بدان مانند که از موم و آهک و گل ترتیب یافته باشند و بعضیه سه چیز مذکور بنظر محسوس شود و چون
او را بر زر چوبه صلایه کنند سرخ شود مانند خون تازه حیوان و او را بر موضع لسع هوام گذارند غیر افعی و
مار و عقرب در ساعت وجع ساکن شود طبع و شربت و منفعت و طریق استعمال ان قول
احمد یوسف فادزهر حار است و حرارت آن قویست اگر کسی را که دلش جهت بیماری غم ضعیف
شده باشد سدس مثقال بخورانند نفع دهد و اشش قوی گرداند و تریاقی جهت سموم ملدوغه یا سموم
دوازده جو جهت ضعف دل و قوت باه دانگی و هر که هر روز از ان دانگی بخورد ایمن باشد از همه آفتها
زهر ها و سحر و مزاج را نیز مفید است جهة انکه عملش بخاصیت است نه بطبیعت او نهایت گرم است

٣٢٧

مردم ازین ترکیب منافع بسیار یافتند بلکه جوانی از سر یافتند ومطلقا ضرری بلحوق نگشت صفت آن
پادزهر دو نیم مثقال وعنبر اشهب یک مثقال مشک سه طسوج سنبل الطیب یکمثقال وربعی قرنفل
هفت دانه مجموع را سه روز متوالی بخورند واز شیرینی وترشی وسفیدی بغایت گریزان باشند
وغذا نخود آب بگوشت بره که دارچینی وقرنفل داشته باشند بخورند واز تنقلات بادام قندی
وشربت نبات وگلاب وعرق بیدمشک تناول نمایند وبعد از خوردن ترکیب نوشیدن
آب سرد راضی نشوند که مبادا قولنج شود واین ترکیب قدری زعفران نیز تجویز کرده که داخل سازند
که ازان تفریح تمام حاصل شود دیگر پادزهر حیوانی یکمثقال یاقوت سرخ رمانی دو جو لعل
بدخشانی دو جو مروارید سفید سه جو زهر سه جو صندل سفید سوده یکجو عود هندی یکجو ورق طلا
یکجو ورق نقره یکجو مصطکی یکجو سنبل یکجو مشک وعنبر نیم جو مجموع این از یک مثقال زیاده نیست
باید که هر کدام علیحده علیحده صلایه کنند ووزن کرده ترکیب سازند سه حب بندند وهر روز یکی
ازان ناشتا فرو برند وگلاب گرم یا عرق بیدمشک از پی آن بخورند ومیان روز مرغ فربه
نخود آب پخته بخورند وآخر روز شربت با عرق بیدمشک تناول نمایند ویکهفته قبل از خوردن
احتراز کنند از حموضات وبقول ومباشرت وغموم وهموم واگر در سالی دو بار احتیاج افتد یکمرتبه
اول روز نوروز [illegible] بخورند دیگر روز پادزهر خوراک آن دو دانگ ونیم مثقال لولو عدد
پادزهر نیم مثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی از هر یک نیم دانگ زبرجد یکدانگ ورق طلا عدد
وورق نقره چهار عدد ومشک یکجو وهمین قدر عنبر ومثل آن مصطکی ونیم دانگ عود هندی کوفته
بیخته بگلاب سرشته سه حب مساوی سازند هر روز یکحب فرو برند وبعد ازان دو قاشق گلاب
بنوشند وقریب الظهر نخود آب مرغ فربه وقدری برنج یا فالوده بخورند وآخر روز نبات بشربت
عرق بیدمشک بخورند ومربای سیب شیرین وجوارش عود هندی وجوارش مصطکی
پسته قندی وبادام قندی تنقل کنند ویکهفته پیش ازان ویکهفته بعد ازان ویکهفته در اثنای
آن از ترشیها وسبزیها وروغن وشیر وماست ونیز از مباشرت اجتناب کنند که فائده تمام و

که بجانب پوست او بازگشته است و مانع گی آویخته و جراحات اندرون تنش مطلقا مندمل شده
ازینحال تعجب بهم رسانیدند و کسی پیش ملک افریدون فرستاده از حقیقت حال خبر دادند ملک
جماعه را که در علوم طبیعی ماهر بودند و دانا جهة استفسار اینواقعه تعین فرمودند انجماعه بحکم ملک
بدانموضع رسیده تفحص وافی نمودند و هرچه برروی آن آب و کنارهای آن بود از انموضع
خوشیده همه جمع کردند و بر جراحتها و کوفتهاء اعصاب و کسر استخوانها بیازمودند بغایت سریع النفع
یافتند و ازین حقیقت ملک افریدون را آگاه ساختند ملک شکر حکیم علی الاطلاق بجا آورده
که چنین تریاقی بدین نیکوئی و بسیاری منافع در عهد من پیدا شد کار آمد فرمود که بران غار دری
سنها دند و حوضی اساس کردند و در پیش او از آهن باریک شکل غربالی ساخته نصب ساختند
تا آب صافی در رهگذران سوراخها بدر رود و مومیائی باز ماند معارف و مشاهیر وقت را که
عصات و حکام باشند مامور گردانید تا بدان موضع رفته هریک مهر خود بران در نهاد و تا سال
دیگر مستحفظان و صاحبان مهر خود بدانموضع میبردند و ان در بحضور ایشان گشاده میشود و هرچه
مومیائی حاصل شده باشد بحضور ایشان برسانند و باز مهر اینجماعه مختوم ساخته بحضور ملک
میبردند و اکنون نیز بهمین ضوابط محفوظ و مضبوط است و سالی بود که صد درم حاصل میشود و سالی
بود که کمتر ازین وجه تسمیه مومیائی این چشمه بر کنار دهی است که بیای موسوم است چه موم
یعنی شمع و پای نام آن دیه باین وجه تسمیه مومیائی خوانند و چون مومیائی ازپاذ زهرات
بزرگ است و در و منافع بسیار ملوک پارسیان بر ملوک دیگر بدو چیز فخر میکنند اول پیاذ زهر دوم
مومیائی و مومیائی دوای مفرد است که قایم مقام مرکب و تریاق میشود و هرگاه مرکبی کیب
میکنند قوت او زیاده زیاده شود و آن چهار نوع است معدنی در کوه فارس در اصفهان
بهم رسد بر شکل زبان کاو و آنجا گاهبانان ملک میباشند و بعد از سه ماه اندرون غار میروند
و میگیرند و باز درش مقفل میسازند و حوالی آن غار جاهای بسیار است که مومیائی بیرون
می آید بصورت زفت و حجری از ولایت روم می آرند از جبال شهر روز و جبال اکراد این

٣٢٩

مومیائی میشود برای درد هر موضع چون بنوشند نفع تمام دهد مجربست و گویند انچه از آب حیره
نفعر بود و منافع ان نزدیک بمنافع مومیائی است و نیکوترین مومیائی معدنی است که از
ولایت دارابجرد فارس بغیر طبع و گرم بود در سیوم و ملطف و محلل باشد بنا بر قول دیسقوریدوس
و بقول شیخ الرئیس گرم بود در آخر درجه دویم و خشک بود در اول و مقوی روح بود خاصیت
و مومیائی معدنی زود بر آتش بگدازد و در طعمش بمرارت وحدت و مرارت باشد و انچه مومیائی نیست
ناملیست بقطرت و حجری کوفته بیشود و چون نرسازند ضماد ازرق باشد و حشری قبول شیخ و
اذابت نمیکند در امتحان جودت و رداءت مومیائی بقول ارسطاطالیس اگر خواهی که او را بیازمائی
بگیر جگر گوسفند و به نی بشکاف پس فی الحال مومیائی بمال چون بهم چسبید نیکوست و الا بد و نیز
پای مرغی بشکنند و بشب قدری مومیائی در خمیر کرده در گلوئیش فرو برند اگر نیک است روز دیگر
پای شکسته او درست شود خاصیت و منافع مومیائی و قدری شربت ان بدانکه مومیائی بهم از
ادویه بیعفنست و هم در انواع علل نفعش بحدیث و او سم جمیع حشرات را نفع کند لطلاء و شربت
و استخوان شکسته را بپیوندد و بقول شیخ الرئیس بوعلی سینا اگر چه مومیائی در آب مرزنگوش
حلکرده در بینی بچکانند درد شقیقه و درد سر کهن را ببرد و صرع و گشنن را نیز سودمند بود و
همین قدر اگر در روغن یاسمین حلکنند و در گوش تقطیر سازند سودمند بود و اگر کسی را از گوش
ریم آید یکجو از و در روغن گل و آب غوره حلکرده و فتیله بدو آلوده در گوش نهند ریش گوش را
درست سازد و یکحبه از و مثل ان چند بیدستر در روغن حب البان حلکرده در بینی بچکانند
درد سر کهن را زائل کند و چون یکحبه با شیر خر بدهند خونیکه در مرض سل بیرون می آید بازدارد
و دستوی از و چون باب زیره و نانخواه و کرویا بدهند خفقان سعدی را ببرد و رطوبتی را که در فم
معده جمع شده باشد و در سازد و هر سقطه که بر معده و سینه و جگر افتاده باشد نافع آید و
دستوی با کشکاب که عناب و سپستان و بیخ سوسن در و جوشانیده باشند حلکرده سه روز
ناشتا بدهند همه انواع سرفه را ببرد و دستوی از و با سکنگبین غرغره کنند خناق بگشاید و دستوی

آبیکه در و افتیمون جوشانیده باشند متوالی هفت روز بر بندازان علتها آنرا یابد و جهة از تعاقش یا
نیمدانگ در آبیکه در و شعر فارسی و کوهی جوشانیده باشند باو بر بند از تعاقش به برد و اختناق
رحم را دو حبه سنگ مومیائی با آبیکه در و صانج هندی جوشانیده باشند بر بند نجات یابد و تب ربع
را باید در و افسنتین و بادآورد جوشانیده باشند نیمدانگ مومیائی بر بند آن تب ربع را دفع سازد
و جهه از آن فواق را زایل سازد چون بطبیخ کرفس بیاشامند و حبه که چون بیاشامند زود نفوذ
کند تا موضع کسر و نیمدانگ در آبیکه انیسون جوشانیده باشند حل کنند و بر شکم مستسقی طلا نمایند نافع
بود برای غشی بر سینه طلا کنند بسیار قوی گرداند دل را بطریق نفوذ بگلاب و بقول ارسطاطالیس
پیه خوک که ناسور نکرده باشند با مومیائی آمیخته در گوش اصم چکانند نیکو کند اگرچه اصم مولود
باشد و محمد زکریا در کتاب باه نقل کرده که اگر کسی را منی خرج شده باشد و خواهد که حالی بجای باو
باز شود در آخر حرکت دو جو یا دو نخود مومیائی در نیم درم سنگ عسل سفید حل کرده بخورد و اگر
بحرارت مزاج باشد با شراب سکنجبین [illegible] شد که بسیار مجربست و نیز بکار داین از اسرار است
حب مفرح مخترع صاحب مفرح النفس کم نقل کرده که بعد از تجربه نمودم [illegible] که بعد از جماع
خماری بهم نشود و مطلقا مدرک نشود و نیز این حب جهة سقطه و ضربه نافعست و همچنین نافعست جهة
دهن و خلع و صفت آن مومیائی کانی سه جزو شمع عربی یکجزو و نیم برابر بر دو نبات بگلاب حل نموده
حب بندند و نیم مثقال ازین حب تناول نمایند و اگر بالای او شراب صرف بیاشامند نفع خواهد
بود و یا بماء العسل نیز والله اعلم بالصواب [illegible] چوب چینی و استعمال و فواید و مضار
و مصلح و شربت و بدل آن و آنرا بیخ چینی و بیخ حیات نیز نامند غالباً در زمان قدیم بوده یا
انکار بوده لیکن بعمل در نیامده و شهرت نیافته و لهذا اطباء اسلام خاصیت آن در کتب خود
نیاورده و لیکن در سنه نهصد و بیست چون فرنگیان پرتکال منصرف به بلاد هندوستان
گشتند این بیخ را بهم رسانیدند و از آن زمان تا امروز که یکهزار و سی و هشت است در میان
عالم شهرتی پیدا کرده و صد سال و کسری باشد که استعمال این در میان مردم شایع شده

جدا میسازند و دران جزیره فرار و سکونت میدهد اهل کشتی قدری آب و نان باو داده نیز بوداع
او راضی می شوند بعد از آنکه توسه و زاد او رو بتمامی می نهد شروع در خوردن گیاه و بیخ مینماید از
اتفاقات حسنه بدستش گیاه این بیخ جنسی می افتد پس از کندن بخش خوشمزه و گواراتر از گیاههای
دیگر یافته در میگیرد پیوسته در خوردن ان مبادرت و مزاولت مینماید از اوان اکلش بعد از
روزی چند جراحتهای او بالکلیه روی باندمال می نهد و در خود فرقی غریب مشاهده میکند
همچنین مدتی درین جزیره بسر می برد ناگاه بعد از عهدی بعید باز همان کشتی یا کشتی دیگر بدان
جایگاه میرسد و اهل کشتی که او را میشناختند می بینند که بغایت توانا و فربه شده از و تفتیش و تفحص
می نمایند او از ابتدا تا انتها احوال مداومت اکل این بیخ گیاه مذکور بیان میکند انجماعه ازین بیخ
مذکور بسیار میگیرند و باطراف و جوانب می برند و بدان سود بسیار میدارند از انمیان باز در میان
جهانیان شهرت گرفته بر نقد بر وقوع روایتین چون دران صحرا نمک هم نمیرسید و اکل این بیخ
بی نمک بوده بهر جا که می برند بی نمک میدانند لیکن در خوردن او نمکی چند است که بجای
خود گفته خواهد شد و طبیعت بیخ مذکور حکما متاخرین چون حکیم علی گیلانی و حکیم دوائی گیلانی
اکبرشاهی گرم و خشک است و اکثر حکما متاخرین این عصر بر انند که گرم و تر است و دلیل میگویند
که این بیخ چون قائم مقام سودا است او آن بارد یابس است پس علاج مرض بضد میباشد و چون
حرارت بتن ندارد پس در درجه اول خواهد بود و چون تقطیع و تذویب و تسهیل میکند می باید
که تر باشد و این امر چون ظاهر تر است پس رطوبت بدرجه ثانیه باشند لیکن جمهور بر انند که
خشک است و آنکه دافع سودا است بالخاصیت باشد نه بالطبع این بیخ را خواص بسیار است
از بسکه آثار خوب ازین مشاهده کرده اند گفته اند که گویا این از ابجیات پرورش یافته چون
اکثر بعد از تنقیه بدن مناسب بکار میبرند و پرهیز خوب از نمک و لبنیات و حموضات و غیرها
و غذاهای بسیار نخورند نفع می یابند و این را خواص بسیار خواهد بود که هنوز به تجربه نرسیده
و اعتقاد حکیم عماد الدین محمود آنست که حرارت او در اول مرتبه درجه اول است و در

و برطوبت مایل گردد و میتواند بود که جهته همین در رطوبت او تامل تمام باشد بخلاف حرارت که با وجود
انکسار او ببرودت آب بالکلیه منطفی نمیشود و اعتقاد برخی از متاخرین بر انست که گرم و تر است
در درجه دویم وجهته مردمانیکه سرد مزاج باشند در وقت حاجت خواه عنفوان چهل سالگی رسیده باشند
یا نباشند بسی نافع است بالخاصیة و لا امتحان جودت و مختار آن بهترین چوب چینی آنست که
سرخ و سنگین باشد و سفید و اگرچه در اغلب اوقات سنگین تر میباشد و این از علامت
کهنه است اما چون دلالت بر فجاجت و نارسیدگی دارد و آن سرخ باشد و باید که میان
باشد در تازگی و کهنگی چه درین زمان رطوبت فضلیه او که موجب انغمار حرارت غریزیست کم شده
و حرارت غریزی ظهور تمام پیدا میکند حکیم عماد الدین محمود نیز بدین تصریح نموده و سنگین و کم گره
و سطح ظاهر برابر باشد چه آنچه برخلاف این باشد نادر زمین کم رطوبت نمو یافته و خشکی بر وی غالب
شده و یا بکمال نشو نرسیده و طعم و رائحه غالب از و محسوس نشود و از مغیرات مثل
کافور و جند و آب دریا و گرمی آتش و غیرها و هوای برسکال و نم دور باشد و دلیل اینها ظاهر
است و جمعی برآنند که با وجود سرخی و سنگینی نشان گره و روی بسیار باشد و سخت نباشد و
طرفیکه در زیر زمین نرم و نکهتش بهتر است بهتر است و باید که نو باشد و علی الخصوص از دریا نگذشته باشد
و سفید او با شهد و هم دیگر نیز نافع است اما در قوت و نفع قسم اول انفع است و نزد بعضی بیخ چینی
کم مناک و هر چند رنگ میباشد سرخ و سفید و زرد و سیاه و بهترین وی سنگین شیرین و
ریزه یکه بسفیدی زند و بعضی زردیکه بسرخی زند بهتر دانند و آن جانب خطا بکاشغر میاید و از انجا
بسمرقند و بخارا می آورند و نوعی از آن از جانب زیربادی می آید که بهند و بر مونری آورند و از انجا
بعراق و خراسان و روم میبرند اما بخوبی کاشغری نیست و بعضی سفید را بهتر میدانند و نزد حکماء
فرنگ سرخ بهتر است چه بغایت خود رسیده است و آنچه سیاه است غالبا آب دریا او را
متغیر میسازد و اصلی نیست و چون درین بیخ رطوبت فضلیه بسیار است و رطوبت فضلیه
رطوبتی است که در وجه هر لو بلند و محتاج جمیع اجزاء او نباشند بنابرین مدت بقای قوت او در

کرده و قشیر پخوخت منصور باشد و ازینجا معلوم شد که بجهة مرض دق شیر پخت فایده بسیار ازین
مترتب است و الا باوجود رطوبة غریزی اگر مرطوبی بوده باشد ممنوع است و در مزاج صفراوی
چون اصلاح یبوست آن میکند و حرارت او را اشتعال و حدت و سورت فرو می نشاند
و قریب باعتدال می آورد و نیز ازین دو النفع بسیار متصور است و اطفال را از استعمال این
دوا چندان فایده نیست بلکه بیم ضرر هست چه حرارت غریزی اینها مغمور رطوبة غریزیه است
وقتیکه رطوبة این یخ نیز علاوه آن شود محتمل است که حرارت بحیثیتی متغیر شود که تدارک آن
متعذر باشد و امراض مزمنه حادث شوند و بلغمی مزاجان را نیز خالی از ضرر نیست بلکه ضرر در اینها
بیشتر است خصوصا وقتیکه مرطوبی باشند چه حرارت ضعیفه این یخ در مزاج اینها تاثیر نمیتواند
کرد و از جهة رطوبت ضرر بسیار متوقع است و دموی مزاجان را اگر در حالت صحت بسبب
دوانیست که باین حیثیت استعمال نمودن آن خالی از خطر و ضرر نیست اما هرگاه مزاج اینها از
اعتدال منحرف شده باشد در عود نمودن بحالت اول بسیار ممد و معاون خواهد بود و بهترین
اوقات بحسب فصول اوسط بهار و اوایل خریف و طرفین تابستان و وسط تابستان در
میان خریف و انتهای ان و در زمستان خوب نیست در قدر شربت آن انچه از نسخهای
اطبای متاخرین در مطبوخات استعمال نموده اند در شربت آن اختلاف بسیار شده چه بعضی
صد و شصت مثقال در بیست روز جوشانده بخورانند که هر روز هشت مثقال در شربت
میشود و بعضی دیگر سیصد مثقال در بیست روز بکار می برند که هر روز پانزده مثقال در شربت
میافتد و انچه بالفعل اشتهار دارد صد و شصت مثقال است و تحصه کرده میجوشانند
که هر روز قدر شربت هفت مثقال و سه دانگ و پنج حبه صورت ظهور پیدا میکند و چون
مقرر است که این وزن مذکور را در ثمن آب بوزن طبی که صد و هشتاد مثقال است میجوشانند
که تحصه برود سه حصه بماند و از انچه باشد [illegible] استیفای فایده بکار آن در پیاله
قهوه خوری از ان آب بخورند و باقی آب را در شستن دست و طهارت و غیره استعمال نمایند

برد و موجب استرخاء الیاف و خمل معده است و آن باعث نقصان حرارت معده و کمی شهوت
چه در این حالت بواسطه کمی حرارت که آلة جمیع قوتهاست از لذع انصباب سوداوی که موجب شهوت
احساس تمام واقع نمیشود و اگرچه حار رطب موجب تقویت قوت هاضمه است اما چون بسبب
استرخاء الیاف حرارتیکه در خمل معده است کم میگردد و بالاخره ضعف در آن نیز اثر میکند
پس چیزیکه دفع این اذیت میکند قرص گل مفرده و قرص صندل مفرده میتواند بود و دوا از
بر سر آن تیز محل نیست و نیز چون بحسب تجربه معلوم شد که بیخ چینی در سیلان و مرطوبی مزاجان
احداث حبس بول میکند و تقطیر آن چه مواد غلیظه که در عروق ایشان محتبس است
و این دوا بجهة قوت اذابت تندریت آن ماده میآید و میخواهد که بعرق دفع کند و بواسطه ضعف
قوت خود یا بجهة کثرت مواد تمام آن بعرق دفع نمیشود و بجانب گرده و مثانه میاید و در مسافت
با اخلاط غلیظه مختلط میگردد و بواسطه کثرت غلظت از دفع آن عاجز میشود و حبس بول حادث
میگردد یا بواسطه رطوبت ترکیب این دوا است و نیز رطوبت بسیاریکه از بدن ایشان جدا
میسازد در باطن که موجب امساک بول است سست شده تقطیر بول پیدا میشود پس
در زیاده مصلح آن عرق بادیان و تخم کرفس و امثال آن خواهد بود خواه ممزوج نموده بخورند خواه
بعد از آن تشرب نمایند و این عرقها در تفتیح مسام و تقویت حرارت او بجهة قوت او را از این
مخاطرات ایمن میسازد و موجب این مضر تنها نمیشود و فرقه رب انار ممزوج بگلاب عرق
بید مشک مصلح آن میدانند که ناشتا تناول نمایند و غذاهای لطیف میخورانند و از منجرات و
مرطبات اجتناب جایز میدانند و اصل السوس را نیز مصلح میدانند که باین طریق سفوف
ساخته تناول نمایند صفت آن چوب چینی سه درم اصل السوس یکدرم کثیرا یکدرم صندل سفید
الایچی زعفران از هریک یکدرم تخم خیارین دو درم مشک یکدانگ همه را کوفته و بیخته سفوف
سازند و هر روز ناشتا یکمثقال با شربت صندل مناسب میدانند و باین طریق تا سه روز
عمل مینمایند و اگر احتیاج باشد دو سه روز دیگر تناول نمایند که بغایت مفید است و میل

تعدیل مزاج آن بی نظیر است و در فواید شراب مسطور است که منافع شراب نفسی است
و بدنی نفسی مثل فرح و نشاط و سرور و ازاله غم و بخل و امثال آن ممکن و مقدور نیست که هیچ
چیز درین امر مساوی آن تواند شد اما منفعت بدنی مثل انارت و اشراق و نکوئی رنگ
چهره و تفتیح مجاری و غیر آنچه اگر این میتواند بود که از معاجین و مرکبات این آثار مستفاد شود
اما پیدا کردن دواها و شناختن آن خالی از مشقتی نیست پس بنابرین که شراب انگوری
در دفع عادیت سوداویه تولد خون رقیق و روح لطیف و کثیر و نورانیت و اشراق عجیب
این فواید است در ازاله امراض سوداویه بدل بیخ چینی میتواند شد و در ازاله آتشک که
متقرح و متعفن شده باشد و جرب که بسیار از و آید درینوقت بدل چوب چینی بعد از تنقیه عضو
راحت است صفت آن جدوار خطائی عاقرقرحا کندر مصطگی سورنجان قسط مغاث زراوند
مدحرج و طویل حب الغار مرصافی مقل سکبینج جاوشیر زرنباد از هر یک دو مثقال صابون رقی نیم مثقال
برگ حنا سه مثقال آب لیمو بقدر حاجت زیبق چهار مثقال روغن بابونه روغن گل خیری روغن
سوسن روغن زیت کهنه روغن گل سرخ موم زرد یه کرده نیز از هر یک ده مثقال روغنها را با موم
بگدازند و جوهارا با گلاب بسایند و صمغها را بسرکه حل کنند و زیبق را به آب ببیه کشند و مجموع ترکیب کرده
مرهم سازند طریق استعمال آن جمعی در دفع مرضیکه مناسبت آن دارد و تولیه از اشال مندل
سائیده با نیم توله خصیة الثعلب صلایه کرده باشند نبات و گلاب بقدر حاجت و یکدانگ زعفران
پالوده پخته میبندند و اگر نیم دانگ عنبر اضافه کنند هم خوب است این یک شربت است و اگر
مزاج شخص حار باشد بجای خصیة الثعلب لعابهای مناسب مثل لعاب بهدانه یا لعاب قطونا
یا نشاسته پالوده بریزند و مداومت کنند جایز است نوع دیگر نیم سیر بیخ چینی کوفته و بیخته و ما
شیره نبات و نیم سیر گلاب بقوام آورده و یکتوله عنبر با نبات صلایه کرده و بعد از آنکه حرارت شیره
فی الجمله کم شود بریزند و یا شیره بر هم زنند بعد از آن آرد چوب چینی دران ریخته و تبرک زده خمیر سازند
بردارند از ان هر روز بقدر دو نیم توله چوب چینی تخمین کرده بر بندند نوع علاج دیگر بطریق قهوه ساختن ببند

مغز بادام سه توله نارگیل دو توله میده گندم نیم سیر نخستین آرد میده گندم در روغن برشته سازند
و دو سیر نبات و نیم سیر عسل صاف نموده بران ریخته چون نزدیک رسیدن شود ادویه مذکوره
را صاف ساخته کفچه زنند بعد ازان که دو جوش بخورد مغزها را داخل کرده همچنین ربع تانک مشک
و نیم توله عنبر و یک توله زعفران داخل کرده وقتیکه روغن دهد فرود آورده در طبقی ریزه نبات پاشیده
پهن نمایند و بعد ازان که سرد شود و بطریق شکرپاره مربع بریده نگاه دارند و هر روز ناشتا مقدار
یک تخم مرغ تناول نمایند که بغایت سودمند است و مبهی و فربهی آور و ناقهین و کسانیکه زرد
روی دارند بسیار سودمند است و تولید خون صالح میکند و دهن را خوشبو میسازد و [illegible]
میبرد نوع دیگر بیڑه او دو ماشه چوب چینی را با یکماشه فوفل ریزه ریزه کرده داخل بیڑه پان نما
و در خلای معده این بیڑه بخورد و شربت آن دو بیڑه تا چهار بیڑه نوع دیگر بیڑه در دیگی
سنبره کرده بر دهن آن دیگ پارچه باریک بسته و چوب چینی را بقدر نیم فوفل قطعه قطعه کرده
مانند فلوس بر بالای پارچه مذکور گذاشته بر بالایش سرپوشی بنهد و تمام شب همچنین ان
دیگ بر آتش میگذارند تا بخار دود آن بچوب چینی مذکور برسد علی الصباح چوب چینی مذکور در سایه
خشک سازند و ورق ورق ساخته شب در گلابی که در آن زعفران و قاقله و مشک و عنبر تخته باشند
تر کرده در بیڑه پان بقدر یک توله با نه قرنفل بهار میل نمایند و بعد گذشتن یک پاس بالا بیشتر غذا
تناول نمایند و بدین منوال تا چهل روز مداومت نمایند و اگر بیشتر از چهل روز بخورند نیز مفید است
و مضرت نمیرساند اگر پرهیز از جماع و ترشی کنند انسب خواهد بود و سر و گوش بستن و در جای گرم
نشستن مطلوب نیست نوع دیگر شراب او قوت دماغ و دل و جگر میدهد و ازاله فالج و درد مفاصل و
ربو و ضیق النفس که از غلبه بلغم باشد نماید و هر که را کژدم گزیده باشد سه توله ازین عرق بنوشد
اصلا زهر او کار نکند و اگر شش تولچه بنوشد احتمال دارد که هیچ زهر دیگر اثر نتواند کرد و تنها باز
کند مبهی و مقوی پشت و عرق النسا و نقرس و رعشه و خدر را از بیخ بر کند صفت آن بیخ چوبات
پنج سیر پوست بیخ مغیلان ده سیر سعد سنبل الطیب دارچینی از هرکدام ربع سیر زرنباد نیم سیر

و نمک و جماع اجتناب نماید اولی است نوع دیگر معاجین است که با ادویه مناسبه ترکیب

سیکنند معجون که از مخترعات حکماء متاخرین متجربین است که اجزاء فلاسفه افزوده و با بعضی ادویه

مفرحه قلبیه ترکیب کرده استعمال نموده بسیار سودمند آمده شربت اقل آن دو مثقال است صفت

آن چوب چینی هفتاد مثقال مصطکی عود زعفران سنبل ساذج تودری سرخ و سفید دارچینی فلفل

دارفلفل قرنفل زنجبیل گاوزبان شقاقل قاقله جوزبوا سعد کوفی اذخر لونزیدان فرنجمشک بهمنین سفیدین

درونج انیسون بادرنجبویه خصیة الثعلب جدوار طباشیر اشنه وج اسطوخودوس خولنجان

ریوند چینی از هر یکی دو مثقال عنبر اشهب مشک خالص از هر کدام یکمثقال قند سفید کوفته نموده

ادویه بطریق متعارف معجون سازند معجون چوب چینی از مخترعات حکیم عماد الدین محمود شیرازی

زرنباد جدوار زراوند مدحرج خولنجان بابونه سرخ ریوند چینی افتیمون بلیله سیاه شملیت مغسول

تربد سفید موصوف دارچینی سنبل مصطکی جوزبوا زعفران بسباسه قرنفل هیل از هر یک دو مثقال

ونج چینی پانزده مثقال کوفته بیخته باشد چندان عسل سرشته شربتی هر روز یکمثقال نسخه

دیگر چوب چینی شصت درم سیاه دانه هفت درم قرنفل نیم درم زنجبیل صمغ عربی زعفران از

هر یک نیم درم مشک قدری کوفته بیخته باشد چندان عسل معجون کنند نسخه دیگر چوب چینی

یک آثار فلفلدراز فلفل گرد زنجبیل عاقرقرحا جوزبوا قرنفل سیاه دانه نانخواه از هر یک بیست

مثقال عسل مصفی پنج آثار ادویه را کوفته بیخته در عسل معجون سازند شربتی موافق برداشت طبیعت

نسخه دیگر بلیله کابلی بلیله زرد بلیله آمله مجموع عاقرقرحا بلیله زنگی دارچینی زرنباد سنبل اسارون

ترفه زعفران سورنجان مصری خولنجان سعد کند رو دارفلفل زنجبیل بادرنجبویه نانخواه تخم زردک

تخم شلغم جوزبوا لونزیدان شقاقل عود هندی اجزاء برابر چوب چینی بقدر مجموع دارو با عسل صاف

بقوام آورده معجون کنند و در ظرف چینی نگاهدارند شربتی دو نیم مثقال از برای دفع درد استخوان

و اشتهاء و هضم طعام بغایت بی نظیر است و فواید دیگر بسیار بخشد نسخه دیگر از صدر الشریعه

که از معجون سورنجان زیاده و کم کرده چوب چینی تازه هشتاد مثقال سورنجان شیرین شش درم

تربد سفید موصوف چهار مثقال میوه سایه بانه پوده بری سافج هندی سداب خشک سکنج
عفص از هر یک مثقال بیخ انجدان سفید از هر یک چهار مثقال ریوند چینی پنج مثقال چوب چینی
بیست مثقال و بعضی سه مثقال محلب نیز اضافه میکنند اجزا را کوفته و بیخته دو شبانه روز در
سرکه کهنه بخیسانند و در سایه خشک کنند و باز روغن بادام تلخ بیست مثقال و روغن نارجیل
ده مثقال چرب کرده با سه وزن عسل کف گرفته معجون سازند شربتی یک تولہ با سکنجبین بدهند
عنصل مشوی که در سرکه پرورده باشند یک استار با دو سیر عسل کف گرفته سکنجبین سازند
نسخه دیگر چوب چینی در ظرفی بقدر شش سیر آب کنند و نیم سیر سای چوب چینی سوده آمیخته در آن
ریخته یکساعت رها کنند بر آتش که بجوش آید چون یک دو جوش بخورد دیگ فرود آرند و سر آن
دیگ را سرپوش کرده بخمیر بگیرند و بالای دیگدان بگذارند و هر گاه که بخار در یابند کرسی که در میان
سوراخی باشد در راه دیگر نداشته باشد اول دیگ را بر بالای انگشت افروخته گذارند پس
کرسی مذکور بالای آن نهند و خمیری بران روزن کرسی گذارند که راه بدر رو باد نباشد پس
ازان بر کناره کرسی نشسته چادری یا لحافی بر سر کشند چنانچه منفذ باد نباشد خمیر از روزن
کرسی دور سازند و سه گهری یا بر قدر وقت که خواهند بنشینند تا بخار آن بجمیع اعضا رسد و
العرق در آید بعد ازان برخواسته آهسته آهسته آن چادر را از خود دور سازند که بسیار نفع
بخشش است بهترین و خوشترین استعمال چوب چینی جوشانیدن و استیفاء بخار آن سوده
است چون این طریق منفعت بسیار دارد و درین زمان مزاج مردم بهمه نازک شده که یاد رو
بیسازند یا این مشقت راضی نمیشوند چه محنت پرهیزان کمتر از محنت درون نیست و از دو کدا
عرق و طریق قهوه بسیار محمود است لیکن معجون و بیره که در دستش اهل هند است و حلوا و فالوده
و غیره اقسام خوردن او چندان خوب نیست چه تاثیر بیخ چینی ترقیق و اذابت سیلانات
مواد است و نفوذ این در بیخالت در عروق ضعیفه بغایت دشوار و نیز چون بطریق که
در مزاج آن مذکور شد خالی از اجزای ارضیه نیست ممکنست که همین اجزا در عروق ضعیف

ازان در میان پنج سیر آب صاف بآتش نرم بجوشانند و هرگاه آب ثلثی کند دیگر بریزند تا نیم پاس
چنین بجوشانند بعد ازآن همین قدر بادیان ختائی و باذ توله دار چینی داخل ساخته دو گهڑی
دیگر بجوشانند و دیگر پنج شش قرنفل و اندک مشک و عنبر اضافه کرده چند جوشی دیگر داده بکار برند
گرما گرم در میان قهوه و آن بقول حکمای متاخرین بارد است در درجهٔ سیوم و یابس است در درجهٔ
دوم و قابض است و احداث سودا کند و مورث قولنج است و جمیع امراض سوداویه را قوت می دهد
و جلد را خشک و درشت می سازد و کابوس و سرفه و تنگی نفس را زیاده می آرد و رنگ را تباه میسازد
و وهم و توحش می افزاید و سبب کابوس می شود و برای سوداوی مزاجان بسیار بد است لیکن برای
بلغمیان و مرطوبیان بد نیست و بیخوابی می آرد طبیعت را بیدار می دارد و استرخای معده که از حرارت
و رطوبت بهم رسیده باشد نفع می کند و قاطع شهوت و دافع نوم است و عربان که قهوه بسیار میخورند
و دفع بالکثرت جماع مشهور اند بواسطه آن ست که عمده غذای ایشان خرماست و آن مادهٔ تولید منی
و انعاظ نفع ست ازین جهت قهوه ضرر نمی رساند والا قهوه قاطع شهوت است منقول از حکیم
علاء الدین محمود شیرازیست که در طبع قهوه هیچ شبهه نیست که بارد یابس است و چون دو کیفیت این ظاهر
است و بسبب هوا ضرر نمی رساند غالباً در درجهٔ ثانیه باشد اما آنکه دو کیفیت متساوی اند یا یکی غالب
است موقوف است بتامل و آن ثمره ایست بقدر حب الغار دو پاره است مغز او در یک غلاف
است و او سیاه رنگ و پوستی است تنک تر از پوست پسته و غلیظ تر از پوست حب الغار در
پوست و مغز او هیچ که طعم تلخی و تیزی نیست مگر اندک تلخی تا قبض و لفاست محسوس می شود و
در مغزش چلپنی [?] و صلابتی هست و اکثر پوست او را می جوشانند و آن می خورند و در مکه معظمه
چنین معمول است و در بسیاری مواضع مغز را برشته می کنند چنانچه نزدیک باحتراق می شود و آنرا
به پوست مخلوط می جوشانند و در مکه معظمه مغز او را برشته میکنند و نیم سوخته چنان که طعم آن بتلخی
و سوختگی گراید و چون جوشیده شود پوست او منفرشند [?] این مغز بریان کرده نقل نمایند چه مقصود
ایشان از بنا همه بیدار است غیر مضر طبیخ او یعنی جوشانده او در تسکین جماع و افادهٔ نشاط دخل

او را جذب بکند و ثفل آنرا در میان آن بگذارند و بسیار بجوشانند و طبیخ او که بطبخ بسیار غلیظ
شده باشد مضر است و مکرر خوردن آن خوب نیست و هر روز یکبار بدان اکتفا باید کرد و شرب آن غب الغذا یکروز
در میان نیکوست و ناشتا خوردن نیکوست و اکثر بالای طعام نخورند که از تعطیش آن اندیشه داشته باشند
و بر بالای دیگر چیز نخورند والله اعلم بالصواب در سبب بهم رسیدن تنباکو که بزبان هندی
بجر بهنگ گویند بفتح موحده و جیم و سکون راء مهمله و فتح موحده ثانی و ها و سکون نون و کاف فارسی در هندوستان
بروز کرده و آغاز ظهورش در ابتدای سلطنت عرش آشیانی جلال الدین محمد اکبر بادشاه است و ابتدای از کشیدنی
جنت مکانی نورالدین محمد جهانگیر بادشاه است که سال هزار و چهارده هجری باشد و بیشتر از جانب فرنگ درین
دیار آمده و اکنون از جمیع اماکن هندوستان گذشت کار ادمی شود و ارتکاب کشیدن دخانش شعار که و مه
گشته مشغوف و مرغوب جهانیان گردیده جوهر آن بقول حکیم علی گیلانی حار یابس است
و از سموم قتاله است و دخانش بسبب ناریت حار یابس است مخرب و مکدر حواس و قوی است
محلل و مسخن جمیع اعضا و مضعف دماغ است و در مزاج هر عضو که رطوبت بسیار باشد نافع است در معده که رطوبت بسیار باشد
بنماید و امانت هضم میکند و ضعف بصر که جهت اجتماع رطوبت یا بخار باشد سود کند و تنگی نفس که بسبب
کثرت و غلظت بلغم سینه یا شش و یا بسبب کثرت اجتماع بخار باشد نفع دارد و در مزاج هر عضوی که یبوست
زیاده از قدر حاجت باشد بسیار مضر است و هر چشمی را که بخار و رطوبت زیاده از مقدار ضروری باشد
تحلیل آن میکند و بصارت می افزاید و آنکه از مقدار ضروری کمتر باشد و زیاده نباشد نقصان تمام
دارد و رطوبت کبد را تحلیل میدهد و مجاری را خشک میکند و از ان قوت جاذبه کم می شود و اکثر کبود
بجا می ماند خشکی و درشتی جلد و هزال بدن بهم میرساند و سبب تپ و دق و شیخوخت می شود
و امراض چند پیدا میکند که علاج آن متعذر باشد عزیزی میگفت که شخصی را قولنج بهم رسیده
قریب نصف شب پیش من آمد و هیچ دوا در آن وقت حاضر نبود و نزدیک مردن بود اجازت
دادم که تنباکو بکشد و دود آن فرو برد باندک استعمال خفت ظاهر شد چون درد فی الجمله تسکین یافت بعد از
قوی بجای تنباکو یا شال این مرض کار او میکند و هر کس که از تنباکو می آید از هر دود می آید چه ادخنه کلها مسخن

احسن بینائی برافتاده بود و پس از عهدی بعید با او رسیدم پرسیدم او جواب داد که یک مدتے
برگ تنباکو را با برگ سنبهالو که او را در فارسی پنجنگشت گویند خشک ساخته بالمناصفه تنباکو کشیدم
از خاصیت آن الله تعالی بینائی بمن ارزانی داشت و این از عجائب اسرار است و نیز بحد سن (در بلوغ) شد
که مصالح تنباکو بجز شیره نباشد که از و بنوشند و دلیلش آنکه هرگاه پارچه بدرود تنباکو رنگ پذیرد بجز شیره
آنرا نتوان زدود و این تجربهٔ راقم رسیده که جمعی برگهایش مطبر او را در آب برنج می جوشانند بعد از آن
بکار میبرند و گروهی بامر که جوشانیده میکشند و برخی با قند آمیخته استعمال میکنند و فرقهٔ آب شسته منجذب نمایند و جماعه
قندی کافور بر او افزوده بکار مے برند و این گزیده روشی است اوفق آنکه هیچ متنفسے دل
باین ابتلاے دخانی آخر الزمانی نه بندد و مبتلای استیلای چنین غایله ناگهانی نگردد ٭

تمت

پس از حمد و نعت بر ضمیر منیر بیضا نظیر حکماء دالا تدبیر و طلباء ذوالعلوم
پوشیده نماند که درین زمان رجعت عنوان کتاب الفاظ الادویه
وحل الادویه مع فرهنگ نصیریه حاشیه حسب فرمایش
تاجر با وقار سراپا تمیز شیخ عبد العزیز صاحب
در مطبع شمس هند لکهنؤ
کامل طبع شد

اعلان

مژده باد صاحبان فهم و ذکا را که رسائل نادره در فن حکمت بعدیل
تصنیف بوعلی وقت بقراط ثانی جناب حکیم نور الدین محمد عبد الله
حکیم عین الملک شیرازی نور الله مرقده درمتن کتاب است مسمی به
الفاظ الادویه و رساله دوم که هر نسخه اش چون اکسیر است تصنیف
ارسطوزمان فلاطون دوران جناب حکیم طالع محمد صاحب ولد شیخ محمد سعید
صاحب مفتی لکنئو طاب ثراه برحاشیه از صفحه (۱) تا (۲۳۸) مسمی به
میزان الادویه و رساله سوم که هر حرفش مزیل امراض جسمانی و هر لفظش
معجون مقوی روحانی تصنیف جالینوس وقت سقراط دهر جناب حکیم
محمد نصیر صاحب خلف باشرف حکیم احمد علی صاحب عظیم آبادی غفر الله
ذنوبهما برحاشیه از ۲۳۹ تا ۲۹۷ مسمی به **فرهنگ نصیریه** معروف
به **حل مخزن الادویه** که حق تالیف این نیاکیش المصنف عطا فرموده
امید که کسے صاحب مطبع یا تاجر کتب قصد طبع نفرمایند بعوض نفع نقصان
نه بردارند البته چندان نسخ که مطلوب شوند از دوکانهای بنده که علاوه شهر لکنئو
دیگر بلاد اند طلب فرمایند بلاعذر خواهد رسید و نشان دوکانها اینست فقط

بمقام بنارس از دوکان [illegible]

بمقام عظیم آباد از دوکان سید [illegible]

بمقام لشکر گوالیار بازار [illegible] از دوکان شیخ عابد بخش صاحب

بمقام لکنئو [illegible] از دوکان [illegible] صاحب

راقم
عبد العزیز [illegible]
[illegible] تاجر کتب [illegible]